

اخبار و روایات



| | | |
|-------------------------|------------------------|---------------------------------|
| کتابخانه مجلس شورای ملی | | شماره ثبت کتاب ۵-۵۲۵ ۹۰۵۵ |
| کتاب اخبار و روایات | مؤلف مترجم موضوع | |
| شماره قفسه ۳۵۰۳ | | |
| ۱۰۳۷۸ | | |
| ۸۴۸۶ | | |

بازدید شده
۱۳۸۲

| |
|------------------|
| تلفی - فهرست شده |
| ۸۴۸۶ |



که در تمام تشنگی بوی مندی عن التعمیم می سوال کرده و خواهد شد در روز
دینا و فرمود که مراد از نعمت طلب و آب سرد است و در حدیث دیگر که حضرت
زفر بن جبرین ابیسات در روی زمین بعد از آن آب است که در بر موت است و بلا
کافران در اینجا و در می شوند و در شب عذاب می باشند و در حدیث دیگر فرمود که آب بنوعی است
از برای هر روزی که از برای آن بخورند و حضرت صادق ع فرمود که بخورید آب که از آن
ترا پاک میکند و چایها و در دکان از جوی پاک دفع میکند و از حضرت صادق ع منی واقع است در
حوض نکر که در روایت دیگر و ثبت شده که خوردن نکر برای دانه آن نافع است
مصارف و ادب کرده است که شنبلیله از برای آن مادر که پارسه تا آنکه بحال هر که سید بخت
حضرت صادق ع عرض کردم حال او را فرمود که اگر من بیا شنبلیله دم از آب و دانه که با شنبلیله
میخوردند پس ما طلب کردیم نزد بچه که شنبلیله با کاه ابری بلند شد و در حدیث دیگر و بشارت
باریدند که در قفسه و از آب و دانه که در دم بنزد پارسه آوردم از آن آب شامید و در ساعت
شفا یافت و از حضرت صادق ع منقول است که آن بدارم طفلی را که کاهش از آب و دانه بردارند
بکار آنکه دانه سدر را با اهل بیت باشد و فرمود که دانه در آن از آب بخت میریزد و فرمود که اگر منی
من و آب است مسافه بسیار باشد برای شفا بخور و او میردم و در حدیث دیگر فرمود که اگر از نکر
فراوان دم و دانه است که صبح و شام نزد آن بردم و از حضرت امیر المومنین ع

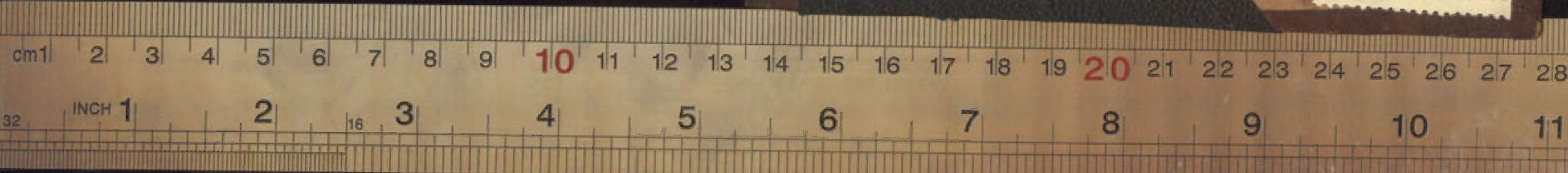
و در این باب فرات برادرانند بر این شایسته باشند و از حضرت
 منقول است که علی در شب می آید در منزلت ایشک بهشت در آب فرات
 می در شرف و معریت که بر کشتن ماهه از آب فرات باشد و راه را
 می آید که حضرت رسول ص و امام زین العابدین فرمود که شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوه
 چاشند و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی چشم است حضرت امام حسن و امام حسین
 فرمودند که ولایت و دوستی ما را بر همه آنها عرض کردند و آب که قبول کرد شیرین شد و آب که
 قبول نکرد تلخ و شور ماند و حضرت امام قمر با قمر است و ایشان از آن کسی طلب شفا کنند از آب
 تلخ و آب که گوگرد از آن ششیده میشود و میفرمودند که حضرت نوح عم در وقت طوفان همه را با
 طلبیدند حاجت نمودند بغیر از آب تلخ و آب که گوگرد پس نوزین و لعنت کرد و در روز حشر
 امیر المؤمنین عم فرمود که آب نیل مصر و لعل امیران و از حضرت صادق ع منقول است که در آب
 حرار ترافرو میشنند و صواب را ساکن میکند و طعام را در معده میکند از دو تن بسیار میکند
 و فرمود که آب جوشانیده هر دو را نافع است و بهر چه ضرر ندارد بشرط آنکه گفتن بر آب
 بخورند و از ظرفی نظری دیگر بگردانند و شرب را میل میکنند و قوت ساق را میدهد و از این
 طلب منقول است که یکدست حضرت امام جعفر ع فرمودند و آنحضرت را شنید که از خوردن آب حضرت
 فرمود که خوردن آب شربت طعام را لا محاله میکند از دو غنچه را فرمودی نشاند و عقیدت را میکند

کتاب
 طب
 طب
 طب

نقلی در قرآن

۸۴۸۶

و منوایم میکند و شنجی حضرت صادق ع عرض کرد رفت حضرت فرمائید و میفرمودند
 و آب بعد از آن خوردند گفت اگر آب بعد از طعام بخورید بهتر است و گفت که فرما از برای
 این بخورم که لذت آب را بیاورم **فصل دوم در آب خوردن** از حضرت صادق ع
 منقول است که هر بنده که آب بخورد و حضرت امام حسین ع و اهل بیت او را یاد کند و لعنت
 کند کشته گان آنحضرت را حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او
 پندارد و صد هزار درجه برای او بپندارد و چنان باشد که صد هزار بنده از او کرده باشد
 و حق تعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشر رکود اند و اگر باین نحو بگوید
 و صلوات الله علی الحسین و اهل بینه و اصحابه و لعنة الله علی قتل الحسین و اهل
 بته و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هرگاه شنجی یک شربت آب بخورد و لعنت
 قاتلان حضرت امام حسین ع کند خدا او را همان آب خوردن به بهشت برساند و آب که بخورد
 و هنوز خواهش داشته باشد از آب بر دارد و خدا بگوید بسبب این بهشت را بر او واجب
 کردند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول ص چون آب میخورد این
 دعا میخواند **اللهم انی سقانا عذبا و لا لای سقانا عذبا و لا لای سقانا عذبا و لا لای سقانا عذبا**
 و میخواند و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که هرگاه کسی پیش از آب خوردن بسم
 بگوید و می بخورد و الحمد لله بگوید پس باز الحمد لله بگوید تا سر ته بخورد از خوردن الحمد لله بگوید



ان آب در شکم او باشد شیخ خدا گوید ثوابش از او باشد و در حدیث دیگر فرمود که اگر خور
 در شب آب بخورد طرف ابر حرکت بدهد و بگوید السلام من ماء زمزم و ماء الفات
 الخور دن شب و ضرر نرسد در روایت دیگر منقولست که در وقت آب خوردن این دعا بخواند
الحمد لله الذي سقانا فادوا و اعطاني فادصاني دعا فاني كفا في اللهم
اجعل من تسقيه في المعاد من حوض محمد صلى الله عليه واله و تسعده
بمرا فقهه بوجعك يا ارحم الراحمين حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار خور
 که هر دردی را بسوی تو میگردانم تا آب رود داری و آن خور و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بر
 بالای طعام آب بسیار خوردن ضرر ندارد و اما در غیر آن حال بسیار آب بخورد فرمود که اگر کسی
 بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن خورد عجیب ارم که چرا معده اش شقی نمیشود و
 میان علما مشهور است که آب استاده خوردن مکرر است دست است که نفس خور
 شود و احادیث بسیار دارد شده است که آب استاده خوردن خوبست و بیک نفس خوردن
 بهتر است که به سه نفس خورده شود و در روز آب استاده بخورد در شب نشسته بخورد و چنانچه
 از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آب استاده خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در
 استاده آب خوردن باعث زیاده ای نمیشود و در آب و صفا میشود و در حدیث دیگر فرمود
 که آب استاده خوردن باعث قوت بدن میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که آب استاده

قلمو زینت

خورید که باعث دردی میشود که دواند اگر دگر خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح از حضرت امام حسن
 علیه السلام است که آب استاده بخورید و بر دور هیچ قبر مگردید و بول بر آب استاده بکنید پس اگر نفس
 کند بلای باورسد علامت نکند مگر خود را این بابویه گفته که مراد از این احادیث آب خوردن
 است و بدو سند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اگر آب نفس خوردن بهتر است از خوردن
 یک نفس و در حدیث دیگر منقولست که شخصی کعبه را از حضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بزند
 ناسیر شود چون است حضرت فرمود که مگر لذت است و غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب
 بهم است یعنی شتر نشسته حضرت فرمود که شرب بهم است که در وقت آشامیدن نام خدا بخورد
 و در روایت دیگر منقولست که اگر آنکس که آب بنوشد و اگر بنده تو باشد به نفس خور و اگر
 آزاد باشد یک نفس آب بخورد از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 بخوردن در قح شامی و میوه خوردن که پاکیزه ترین طر فهای شامست و برای آنحضرت قدما
 از شام می آوردند به بیدیه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزه سقا
 آب بخوردند و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ششده بر جامی که دامن
 بر آب کشیده بودند و آب بخوردند حضرت فرمود که بدست خود بخورید که بهترین طر فهای شام
 و در احادیث بسیار از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر آب بخوردن است که در ابتدا
 بگوئی بسم الله و چون فارغ شوی الحمد لله بگوئی و از پیش سده کوزه و از جامی که کشیده

(Marginal note or stamp on the right edge of the page)

با رخت داشته باشد بخورید که این دو جامه وضع شیطان است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند
و میدن و مان در آب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که میدن در آب وقتی که دیگری حاضر باشد
و خواهد که آب بخورد مگر دست که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر از آن حضرت نقل شده
رود شده است از آب خوردن بد چست و فرمود که اگر آب بکشد و کم بخورد و دانه را بر نکشد
که باعث درد بکشد و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قدیمانی که از شام می آوردند
شامل می نمودند و گاهی در قدیمانی چوب و گاهی در پوست و گاهی در ظرفی ها
و کف می کردند و می آتش میدادند **باب چهارم** در فضیلت ترویج و ادای حاجت و منقذ
بیرمان و کیفیت و ترتیب بفرزندان و معاشرت ایشان **فصل اول** در فضیلت ترویج
و نهی از زیانیت پسندای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از اخلاق پیغمبر است
دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمانی چیزی زیاده شود مگر آنکه
حجت زمان او را زیاده میشود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که پیغمبر
که از سنت پیغمبران است خوش کردن و موهبای زیادتی را از بدن از آن کردن و زیاده
را بسیار دوست داشتن و بسیار با ایشان معاشرت کردن و پسندای بسیار از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که از دنیا می شناسم اختیار کرده ام بوی خوش زمان دروشی
و دیده من در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که سکن بخی اختیار عبادت کرده بود

در حدیث معتبر

در حدیث معتبر

غنی و غریب

و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و در این باب از آن حضرت صادق
نوشته آنحضرت در جواب آنکه پرسیدند که آن زمان میدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چه عدد از زنان
داشتند اما طعام لذیذ حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوشت و عسل شامل می نمودند و هرگز زنی بعد
خود درمی آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا بهر پیریزید در نصف دیگر فرمود
که بدترین مردمان شما عذابا هستند و فرمود که مانع است مؤمن را که زنی بگیرد شاید خدا او را
فرزند می روزی کند که سنگین کند روی زمین را بکشتن **لا اله الا الله** و فرمود که هر که خوا
مناجعت سنت بکند سنت من در حق خود است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید
که دنیا را در دنیا است و دنیا با شتم و یک شیطانی بخوانم پس فرمود که در رکعت نماز که
که خدا میکند از دهر است از عذاب که تمام شبهه نماز کند و روزگار دوزخ دارد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ترک کند خدائی را از ترس پریشانی تحقیق که گمان
بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید که ان یؤمنوا بقرآن فیضیهم الله من فضله
یعنی اگر ایشان فقیهان باشند بنی نیازی میکند اند خدا ایشان را از فضل خود دور میداند
مهر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن عثمان بن مطعون آمد بخدمت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله عثمان بر روزگار دوزخ میباشد و شکی ندارد میکند از دوزخ و من نمی دانم
حضرت غضبناک شد و عثمان آمد و فرمودند ای عثمان خدا می ترا بر جهنمیت

است لیکن بدین مستقیم و آسان فرستاده دست روزه میگیرم و نماز میگذارم
و باز زمان خود نزدیک میگویم پس هر که دینی مرا میخواهد باید که بخت من عمل کند و در وقت
دیگر از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند نزد حضرت رسول خدا صلعم یکی گفت که
شوهرم کوشت میخواورد و دیگری گفت که شوهرم بوی خوش نمیپوشد دیگری گفت که شوهرم
بازمان نزدیک نمیکند پس حضرت بدون آنکه از روی غضب بدای خود را بر زمین
کشیدند تا بفرمود آمد و شنای الهی گفت و فرمود که چرا جاعتی از احباب من کوشت
نمیخورند بوی خوش نمیپوشند و نزدیک زمان نمیروند من کوشت میخواورم و بوی خوش
پوشم و نزدیک زمان میگویم هر که سنت مرا بخواند از من نیست و در حدیث دیگر است
که زنی آمد نزد حضرت رسول صلعم شکایت کرد که شوهرم نزدیک نمی آید حضرت فرمود
که خود را خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوش ندارم مگر آنکه خود را با بوی خوشبو
و از من دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانستی که ثواب چه قدر در آمدن نزد تو دارد
دوری نمیکرد فرمود که چون متوجه جانت تو میشود سنگ او احاطه میکند و ثواب آنرا دو
شماره کشیده و راه دین جهاد کند پس چون با تو جماعت میکند گناهان از او میریزد چنانکه
برکت از دشمنان بریزد پس چون غسل میکند از گناهان بدتری آید و حضرت صادق فرمود
که دو رکعت نماز که خدا میکند برابر است بهشتا و رکعت نماز که خوب میکند فصل دوم

فصلی در بیان فضیلت نماز

در بیان فضیلت نماز

نماز و غیره

در اضافت زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که زن بمشتر که قلاوه است که در گردن خود میافکند پس بینی که چگونه قلاوه
از برای خود میگیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچکس نمیتواند از زن صالحه بطلا و نقره
قیمت و قدر آن نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالحه بجا که هم نمی آرد
و خاک بهتر از آنست حضرت رسول صلعم فرمود که دختر بگفت و مثل خود بدید و اگر گفت
مانند خود دختر نخواهید و از برای نطفه خود نمیخواهید آنگاه که گفت ای پسر که فرزندان
همیشه و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که زن را بخواهد برای مال
یا برای مال از مرد و محرم میگرد و اگر از برای دین و دوری و صلاح او بخواهد
مال و جلال او را از دانی و در شکر کند و حضرت رسول صلعم فرمود که زن باکره
که فرزندان بسیار آرد و زن مقبول که فرزندان ندارد و میخواهد که من بمال میگویم
براهمه های پیغمبران دیگر در در قیامت مگر نمیدانی که فرزندان آن خود در زیر عرش الله
از برای پدران خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ایشانرا نگاهداری میکند
و حضرت اسحاق ایشانرا تربیت می نماید مادر بالای کوهی از مشک و عنبر و عنبران و
حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دانی ایشان خوشتر و در جم ایشان
خوشتر و پستانهای ایشان پر شیر تر است و فرزندان او زنده تر است مگر نمیدانی که

من مبنای یک سال پیش در روز قیامت حق فرزند می که تمام از شکم مادر افتاده باشد می آید
خشمناک بر در بهشت می آید پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو مگر یکدیگر را
تا پدر و مادر پیش ازین نروند پس حق تعالی امر میفرماید که پدر و مادر شرا بیاورید و داخل بهشت
کنید پس خطاب بطفلی میفرماید که اینا خدای تو داخل بهشت کردم برای زبانی رحمت من نسبت تو
و از حضرت امیرالمومنین ع منقولست که بخواجه زن گندم کون فراح چشم و بزرگ سیرین میاید
بالا پس اگر بخواهش بیاید هر شتر ازین بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد
بجوشکاری زنی میفرستاد و میفرمود که گردش بکنید که خوشبو باشد و قوزک پیش بپوشد
باشد و از حضرت امام رضا ع منقولست که از سعادت آدمیت که زن نبوده است باشد حضرت
صادق ع فرمود که چون خواهم که زنی خوشکاری کنید از خویش بر پرسید چنانکه از روشی
پرسید که نصف حسن دوست و بهشتی را حضرت رسول ص که بهترین زنان شما نیست که فرزند
بسیار آورد و دوست شو باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز و نزد شوهر
ذلیل باشد از برای شوهر خود زینت و بهشت کند و از دیگران شرم کند و عفت دارد
و هر چه شوهر گوید بشنود و هر چه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند هر چه از او
خواهد مضایقه کند آنرا بشنود و در میان ویرد که او را بکیف در جاع بدارد و بعد از آن فرمود
که بدترین زنان شما نیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزندان

فصلی در بیان فضیلت

در بیان فضیلت

غنی

نیارود و کند و ریاست و از اعمال قبیح ببرد و نکند و چون شوهر غایب شد زینت کند خود
را بد بکیران نماید و شوهرش چون بیاید مستوری اظهار کند و شش را نشود و او را عفت نکند
و چون شوهرش با او خلوت کند مانند شتر مست مضایقه کند از آنچه شوهر با او داده دارد
و عذرش قبول کند و از تغییرش در نکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
رسول ص آمد و آنکه گفت زنی دارم هرگاه بخواند میروم مرا استقبال میکند و چون ببرد
می آیم متابعت میکند و چون مرا عیال می بیند بلند میگوید چه غم داری اگر برای زنی غم
میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر از برای اخوت غم میخوری خدا
زیاد کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان خداست و نصف
ثوابش میدهد و در حدیث دیگر فرمود که بهترین زنان این است که خوشتر و تر و دهنش
سبکتر باشد و حضرت صادق ع فرمود که خوبی زن آنست که در خجش کم باشد و از اندیش
آسان و خوشی زن آنست که مهرش زیاد باشد و از اندیش کم باشد و **بها** فرمود
که شوخی زن آنست که مهرش زیاد باشد و از اندیش دشوار و حضرت رسول ص فرمود
که بهترین زنان شما قریش اند مهربان ترین زنانند بنو هارون و با عقلند با دیگران و
مصدق قریش در این زمان ساد است و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که خدا
دو عالمیان میفرماید که چون خواهم جمع کنم برای مسلمانان نیکیهای دنیا و آخرت را با دو

دل شکسته و خاش و زبان ذکر گشته و بدینا صبر کند و بر ملا و زن مؤمنه که بگوید
باو نظر کند تا شود و چون شوهرش غایب شود و شوهر خود را نگارد اری کند
و ما شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر باقر علیه السلام نقل است
که در بنی اسرائیل مردی بود دعا قائل و مال بسیار داشت و یک فرزند داشت از زن عقیقه در شکل
و شمایل باو شبید بود و دو فرزند داشت از زن دیگر که عقیقه نداشت چنان وقت فوت شد
گفت همه مال من یکی از شماست چون هر یک عوی کردند که مال از منست بنزد قاضی رفتند قاضی گفت
که بنزد آن سر برادر که بعضی مشهورند بر وید پس پیش یکی از آنها که رفتند مرد پیری بود گفت برو
بنزد فلان برادر من که از من بزرگ تر است بنزد او که رفتند پیر بود و چون گفت برو
بنزد برادر بزرگ تر از من بنزد او رفتند او را جوان یافت پس سوال کردند که پسر برادر
کوچک تر از همه پیر تر است تو که از همه بزرگتری از همه جوان تری گفت آن برادر کوچکتر
دارد بسیار بد و بدبختیهای او صبر میکند که مبادا بر ملای دیگر مبتلی شود و کفر نتوان کرد باین
سبب از همه پیر تر است و اما آن برادر دیگر نمی دارد که گاه خوشحال دارد و گاه دلگیر میکند
باین سبب میان حال مانده است و من زنی دارم همیشه مرا خوشحال دارد و هرگز از رده نمیکنند
باین سبب چنان مانده ام پس برادران حال خود را نقل کردند گفت اول بر وید و آن جوان پیر
خود را بد را وید و بسوزانید و بعد از آن پائید تا حکم در میان شما کنیم چون رفتند برادر کوچک

ششمین بر داشت و برادرانش کلنگها برداشتند چون بر قبر رفتند اند و برادر کلنگ
بر قبر زدند که نکاح شد برادر کوچک ششمین بر کشید و گفت نمیکند ارم که قبر پدر را بشکند
و من از حد خود که ششم و مال را بشکند که ششم بر کشید چون بنزد یک قاضی رسیدند قاضی
مالها را به پسر کوچک داد و با آنها گفت اگر شما پسر و فرزند او می بودید همچنان که برادر
کوچک را شفقت فرزند می مانع شد از در آوردن استخوان پدر و سوختن شمار ارم
میشد **فصل ششم** در آداب نکاح و اراده آن در حدیث حسن منقول است
از حضرت صادق که هرگاه کسی اراده خواستگاری نماید و در کعبه نماز کند از رده
الهی بگوید این دعا بخواند اللهم انی اطلب ان تزوج فقدا ربی من النساء
اغفین فرجا و احفظین فی نفسی ما قمالی و او سمعین رزقا و احفظ
اعظمهم ببرکة و قد ربی قد اطلبنا بحمله خلفا صالحا فی حیاته
بعد از آن در حدیث موثق منقول است که بحضرت امام جعفر باقر علیه السلام خبر رسید که لا
شخصی زینب خواسته است که موافق کرده است و در میان روز حضرت فرمود که کان نماز کنم
در میان ایشان اتفاق و التفت بهم رسید پس برزند انهم جدا کنند و در حدیث غیر منقول است که
سید مرتضی که ترویج و رتبش واقع شود و در حدیث معتبر و دیگر منقول است که عقد کردن در ماه شوال
خوب است و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که عقد یا زفاف کند که در قمر و غریب باشد

عاقبت نیکو بیند و در روایت دیگر منقول است که هر که در وقت اشعاع عقد یا نفا
 بکند بختی که فرزندش شود پیش از تمام شدن سقط میشود و از حضرت امیر المومنین
 علیه السلام منقول است که روز چهارم روز خوشکاری نفاح است بدانکه مؤمنان را طلبید
 و همانا کردن بهشت پیش از عقد نفاح خطب خواندن سنت است و از حضرت رسول
 و از منقول است که از سنت پیغمبر است طعم دادن در وقت تزویج و آنحضرت چون میبوی را
 تزویج نمود و لیمه و حلیم بر دم خود اندید و او چکانی بود از خرمای و روغن و آنک میبخت اند
 و آنحضرت فرمود که ولیمه روز اول از من است در روز دوم نیک است و در روز سوم رای و سحر است
 و منقول است که حضرت امام جعفری علیه السلام چون دختر مأمون را عقد کردند این خطبه بخوانند
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَحَدٌ صَالِحٌ لَا يُفْلَكُ وَصَلَّى عَلَى
سَيِّدِ ابْنِ مَرْثِيٍّ وَالْأَصْغِيَاءِ مِنْ عَشِيرَتِهِ أَتَابَ بَعْدَ قَدِّكَ كَانِ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْهِ
الْأَقَامُ أَنْ أَعْنَاهُ بِاللَّحْدِ عَنْ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَآلَهُوَالْأَنْبِيَاءِ مِنْكُمْ وَالْقِيَامُ
مِنْ عِبَادِهِ وَأَمَّا أَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا أَقْرَاءَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاسْمِعْ عَلِيمٌ
 و سایر خطبهای طویله در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله که پیش از آن خوانده و در آداب
 صیغه نفاح رساله جدا تالیف که معصوم **مجلس چهارم** و در بیان زفاف و عیام است بدانکه
 زفاف کردن در وقتی که در برج عقد باشد یا تحت اشعاع یا مکره است و منع کردی در

خداوند

فرج خون در وقتی که حایض باشد یا خون نفاس باشد حرام است از ما بین زنان
 زانوی و از ایشان منع بردن مکره است و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن
 جماع نیز حرام است و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورت باشد پس اگر کند زن را که فرج را بشوید
 و یا او مقاربت کند و زن استیاضه دار اگر غسل و سایر اعمال که او را میباید کردن بجا
 آورد با او جماع می تواند کرد و در وقتی که بزرگ خداوند است بعضی حرام میدانند و اکثر علی المکره
 میدانند و احوط اجتناب است بهتر از آنست که با زن خود که طاهر است یا باشد که نمی خود را بر فرج
 نرساند و بعضی از علما حرام میدانند بر خردن و در کتبه یا یکایک است از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که نباید مرد را داخل کردن با زن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی
 فرمود که هر که جماع کند با زن خود در شب اشعاع پس با خود قرار دادن فرزند را از
 شکم پیش از آنکه تمام شود افتادند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جماع مکن
 در اول ماه و در آخر ماه و میان ماه که باعث این میشود که فرزند سقط شود و
 نزدیکی که اگر فرزند بی برسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد یا بنی که گوی
 که صرع مکره اکثر است که با در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه بسیار و از حضرت
 رسول ص و از فرمود که هر که جماع کند با زن خود در حیض پس هر زن بی که بکشد
 مبتلا شود بوزر یا سیسی پس ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود

کند

مجلس چهارم

نهی

که دشمن امام اجل بیت نبوت مکر کسی که ولد الزنا باشد یا مادرش در حقیقت باو حامله شده
باشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت رسول ۳۴ و آل منقولست که چون کسی خواهد
بازن خود جماع کند بر شوهر مرغان بنزد او و نه بیکه اول دست بازی بکند و خوش طبعی
و بعد از آن جماعت کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقت
جماع سخن گوید که بسم الله که فرزند لایق و در آن فرج زن نظر نکند و در آنوقت که بخت کفر
که هر سه کور باشد و در عاریت دیگر از حضرت منقولست که بانی نیت گفته که در وقت جماع
در چندین حدیث معتبر منقولست که هر دوزن در حالتی که خضاب بخواند و آن را بشنود جماعت
نکند و از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور
شود چو نیت فرمود که بانی نیت باز پرسیدند که اگر کسی فرج زن را نبوسد چو نیت که بانی نیت
و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی نیت را بران کند و باو نظر کند چو نیت
که مکر لایق از این بهتر باشد و پرسیدند که اگر کسی دست و انگشت فرج زن بازی
چو نیت فرمود که بانی نیت از اجزای بدن خود چیزی را بجا نکند و پرسیدند که بانی نیت
بود که کسی میان آب جماع کند فرمود که بانی نیت و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام
پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که بانی نیت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد و زن خود
و اگر خود جماع نکند و خواند که حلف باشد که طفل زن نکند و یا فرزند بی که بهر سزا نکند

انوار

و از حضرت رسول ص و آل منقولست که فرمود بخداوندی که جام در قبضه قدرت اوست که اگر شخصی از بی
خود جماع کند و در آن خارش شخصی باشد یا ایشان را بپند یا نفس ایشان را بشنود فرزند که از ایشان بهم رسد
رسد کار باشد و زنا کار باشد و چون حضرت امام زین العابدین ع اراده مقاربت می نمود و در میان
را در میگرداند و در راهی لبشند و پدر را می انداختند و از حضرت صادق ع منقولست که کسی بانی نیت
جماع کند و خواهد که بانی نیت پیش از غسل جماع کند و فو لبازد و در حدیث صحیح وارد شده است که بانی
نیت که بانی نیت را عمل کند و در خانه بیک باشد که نیت و نشود و مشهور میان علمائست که بانی نیت
که مرد در میان دو گیر خود بخوابد اما کرده است که در میان دوزن آزاد بخوابد و در حدیث معتبر است
حضرت صادق ع منقولست که بانی نیت که مرد در میان دو گیر خود از او بخوابد فرمود که اگر ایست دارد که مرد
بقید جماع کند و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که آیا مرد عریان جماعت میتواند کرد فرمود که نه
بقید و نیت بقید جماعت کند و در کشته نیز جماعت کند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که دوست نیست
که کسی خواب نماید بر جای غسل کردن جماعت بکند مگر آنکه خوف فروری داشته باشد بر خود و دیگری
قابل بخت شده اند و از حضرت رسول ص و آل منقولست که اگر کسی ختم شود پیش از آنکه غسل کند جماعت
کند فرمود که اگر کسی بکند فرزند بی که بهم رسد و خواند باشد طاعت نکند مگر خود را و حضرت صادق ع فرمود
که کرده است بختش در وقتی که آفتاب طلوع میکند و زویش و همچنین زردی آفتاب در وقت فرود
حضرت امیر المؤمنین ع فرمود سجده است در شب آلاله رمضان جماعت کردن و از ابو سعید خدری منقولست

در حدیث معتبر است

در حدیث معتبر است

غنی

که حرکت رسول علم وصفت نمود بجزئی علم که با علی چون عروس اصل شود کفش او را مکن تا بشنید و پا
لایش را بشوی و آب را در خانه تا منتهای خانه پاش و چون چنین کنی مضافاً و نوح پریشانی از شاد
کند و مضافاً و نوح برکت را داخل خانه تو کند و مضافاً و نوح برکت و مضافاً و نوح برکت برای تو بفرستند
که بر سر عروس خود آید تا آنکه برکت بهر گوشه از آن خانه برسد و این عمل کرد و هر عروس را در روز
و خور و پست تا در آن خانه باشد وضع کن عروس را تا مضافاً و نوح برکت و نوح برکت و نوح برکت
ترش پس چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که نذر که در سبب
خوردن اینها سرد و عقیم میشود و زن فرزندی آورد و حمیری که در آنجا خانه افتاده باشد بهر
ازدنی که فرزندان را بوجود نیاید پس فرمود که با علی جماع مکن باز خود در اول ماه و دیگران ماه در
ماه که دیوانگی و خطبه و مانع را می یابد بآن زن و فرزندانش با علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی
رسد احوال خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو اگر فرزندی رسد لال باشد و نگاه کند اهدی بخرج
خود و چشم پوشاند در آن حالت که نظر کردن بر آن باعث کوری فرزندی میشود یا علی شہوت
خواستش زن دیگری بزن خود جماع مکن که اگر فرزندی رسد قنوت یا دیوانه باشد یا علی بکری
بازن خود در فراتش خواهد پیوسته باشد و فرات بچاند میرسد که آتش نازل شود و بمورد انداخته
با علی جماع مکن بازن خود و اگر سال از برای خود داشته باشی و او را برای خود داشته باشی
و در خود را یک سال پاک کنی که دشمنی در میان ایشان بهم رسد و آخرش جدا می شود یا علی

در این کتاب
نویسند

در این کتاب
نویسند

نسخه

بازن خود جماع مکن که از فعل خراشت اگر فرزندی بهم رسد مانند حراش بر خشت خواب بول کند یا علی
در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی از او بوجود آید شتر سوار از او بطلبد یا علی بر شتر عید
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت بهم رسد یا علی در زیر خشت میوه و در جماع
مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشته در دم باشد یا ریس و سر کرده ظلم باشد یا علی در برابر
آفتاب جماع مکن مگر آنکه پروه یا دیزی که اگر فرزندی بهم رسد همیشه در پناه آفتاب یا پناه یا علی در میان
آوان و آقام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد راغب باشد بخون و بخت یا چون رخت حاصل شود با او
جماع مکن پود خنوک اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کور و دل و بخیل باشد یا علی در شب عید
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی در روز آخر
ماه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شتر یا یا زطالان باشد و هلاک بسیار از مردم در آن
آن شود یا علی بر پشت نام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و در کار باشد و صاحب عیب باشد
یا علی چون بسوی بروی در آتش که پرده روی جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد مالش را بخت
صرف کند و دروغ بگوید و کلاه بر او در شیطانی اند و اگر مغری روی که هر روز راه باشد جماع مکن
که اگر فرزندی بهم رسد یا زطالان باشد یا علی در شب عید جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد قاری قرآن
و در وقت عید خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب عید مکن که اگر فرزندی بهم رسد بعد از سعادت
اسلام او را زود شود و دامنش خوش شود و دلش رحیم و پشیمان جوان مرد و در آنش از عید و عیدان

باشد یا علی اگر جماعت کنی در شب خفته کنی که اگر فرزند تو بهم رسد از احکام شرعی عالمی از علم باشد
 و اگر در شب خفته در وقتی که آفتاب در میان آسمان ترویجی برین خود کنی فرزند تو بهم رسد طاعتی که
 فرموده اند پیر شود و خدا روزی کند او را سلامی در دنیا و دین یا علی اگر جماعت کنی در شب جمیع فرزندی که بهم
 از دنیا میمانند مشهور باشد اگر جماعت کنی در شب جمیع بعد از نماز خفتن امید است که آن فرزند از ابد الله
 باشد یا علی احوال شب جماعت مکن که اگر فرزند بهم رسد این نیست که ساختن و دنیا را بر آخرت
 نماید یا علی بن وصیت از من پیامو خواجه من از جبرئیل و پامو ختم و در حدیث معبر و بگوشت
 که در روز عید حضرت فاطمه صلوات الله علیها حق تعالی امر فرمود در سه روزه انقضی را که آنچه از این فرمود
 برای شما حضرت فاطمه را آنچه داشت زهر و آید و مر جان و جوار بر اهل بیت تبارک و تعالی
 آن تبارک را بودند تا در قیامت نماز خفت میکند و بعد بگوید که میفرستد و میگویند این نماز خفت
 فاطمه است و در شب فاطمه شتر است حضرت رسول ص و الله را آوردند قطیف بر روی آن خدا
 و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان را بزم شتر را میکشید حضرت امیر را فرمود که از عقب
 روان شد و در شامی را و صدای ملائکه بگوش حضرت رسول ص رسید و یک جبرئیل با هزار ملک و میکائیل
 با هزار ملک فرود آمدند و گفتند حق تعالی ما را بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاده است چیرگی
 الله اگر میکشند ملائکه با ایشان موافقت میکردند و باین سبب است شد که در زفاف امر میگویند
 و در وایت یک منقول است که شتر حضرت صادق ع عرض کرد که طعامی با منی آوریم و سید را بگویم

در شب
 جماعت

در شب
 جماعت

منی

و خوش بگویند و بوی طعام عروسی از پنج طعامی نمی آید فرمود زیرا که بر طعام عروسی نیم برکت میورد
 چون طعامی است که برای حلال میباشند و در احادیث معتبره وارد شده است که سنت است که
 عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت بخشد و در بعضی اخبار وارد شده است که شام را
 میتوان برداشت تا چون غارت میکنند و از یکدیگری را بنید کرامت دارد و علامت آنست که وقتی
 جائیز است که بقراین معلوم باشد که صاحبانش را فی الله که مردم بردارند از حضرت امام قمر باقر
 منقول است که هرگاه شما را بطلبند عروسی بروید و دیگر برود زیرا که دنیا را بنیاد شامی آورد و در شب
 دیگر منقول است که چون شما را بخواهند زود بروید که از حضرت را بنیاد شامی آورد و در حدیث دیگر
 منقول است که حضرت رسول ص امر داد که فرمود از جماعت کردن در زیر آسمان و بر سر راه که ترک کنند
 فرمود که در میان راه هر که جماعت کند خدا ملائکه او را لغت کند حضرت رسول ص فرمود که پامو ختم
 و کلام حضرت را پنهانی جماعت کردن و باید او بر طلب روزی رقت و بسیار خدا کردن و حضرت
 امیر المومنین ع فرمود که هر کس که با رقی خود نزدیکی کند باید که تعجب نکند که زن را کار دارد
 بسیار شین از جماعت هرگاه کسی بیچند و خوش آید پس برود و با اهل خود جماعت کند که آنچه با او
 باین مهمت و شیطان را بگوید راه نهد و اگر زن نداشته باشد و در رکعت نماز نکند و خدا
 را بسیار بگوید و ملائکه بر قمر دال نموده و فرستند پس فضل خدا را میسوال کند که البته خدا با او
 و چه قدر او را اهل است و ملائکه او را در حدیث حضرت رسول ص منقول است که چون مردی از زن خود

جماع کند عریان نشوند مانند دو خرنسیر که اگر چنین کنند ملاک از ایشان دور میشود و در حدیثی است از حضرت
 امام محمد باقر ع مقولست که جایز نیست جماع کردن با دخترش از آنکه سال تمام نکند پس اگر بکند عیبی
 با ترن خاصست و در حدیثی نیز دیگر مقولست که مکروه است جماع کردن در میان طلوع آفتاب و صبح
 و وقت فرو رفتن آفتاب بر طرف شدن سرجی از طرف مغرب در روزی که در آن روز آفتاب
 بگردد و در شبی که در آن شب بگردد یا روزی که در آن روز باد سیاه بوزد یا در روزی که در آن روز
 که در آن روز زلزله حادث شود و الله که اگر کسی جماع کند در این اوقات او را فرزند می آید و در حدیثی
 در آنکه فرزند چیزی که دوست دارد و در آنکه آیات غضب الهی را سهل نموده اند و در حق ارضا
 مطو است که چون بعد از غسل دادن میت چون غسل میت نموده باشد خواهی که جماع کنی و بخواهی
 و با از آن جماع کنی در حضرت امیر المؤمنین ع مقولست که هرگاه کسی را روی در بدن بهم رسد
 حرارت و دگر جوش غالب شود باری خود جماع کند فرزند می آید که هم در حدیثی است که می شود
 از حضرت امام جعفر صادق ع مقولست که هرگاه خضاب زن خود جماع کند فرزند می آید که هم در حدیثی
 باشد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که زن آزاد را بر زن آزاد و دیگر هیچ کن اما اگر آزاد را بر برادر
 جماع کردن باکی نیست و در حدیثی است از حضرت امام رضا ع مقولست که هرگاه مردی با برادر
 عقد زجاء و پیش از غسل اراده جماع بکند وضو میبایست و در روایت دیگر مقولست که اگر
 کسی اختاری با او باشد که نام خدا بر او نقش باشد جماع نکند **فصل پنجم** در آداب و عادات

در شب نافه و وقت مغارب کردن با زنان در حدیثی است از حضرت امام محمد باقر ع مقولست که
 چون مردی با زن خود یا با زن دیگر بکشد پس از آنکه وضو سازد و توبه وضو سازد و در رکعت نماز بکند
 بگوید یا رب زد و رکعت نماز بکند پس بعد از آن بگوید صلوات بفرستد بر علی و امیر آنرا
 که او آمده اند این بگویند و بگو اللهم ادرقنی الفها و دها و رضاها و ارضنی بها و اجمع
 بیننا ما حسن اجتماع و انس ایتلاف فانک تحب الحلال و تنکره الحرام بعد از آن فرمود
 که بگوید یا رب انما انا عبدک و ایتلاف و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه خدا احوال کرده است
 است کرده طبع مردم گرداند و در حدیثی است از حضرت صادق ع مقولست که چون در شب نافه
 نزد پدری بروی موی پشانی او را بکشد روی بقبله آرد و بگوید اللهم یا ما شکلت اخذتھا و
 بکلمتک استقلتھا فان قصیتک منھا و لا افا جعله مبارکاً انقیاس شیعة الخ
 و لا تجعل للشیطان فیہ شرکاً و لا تضییها و در حدیثی است از حضرت مقولست که دست بپا
 پست نشین کند و بگوید اللهم علی کتابک تو و جنتها و فی امانتک اخذتھا و بکلمتک
 استقلت فرجها فان قصیتک فی رحمها شیئا فاجعلها مسیلاً سویاً و لا یحکم
 بحکم شرک شیطان را روی پر سید که فرزند چو بوزد شرک شیطان میشود فرمود که اگر وقت
 جماع نام خدا بر سر شیطان و در شود و اگر نام خدا را بر سر بزد که خود را ندانند که از شیطان است و از آنکه
 پس جماع از بر او میباید و نطفه بکویت بر سید که بچه چرمیوان دولت که شیطان در سرش نشسته

در حدیثی است که هرگاه کسی با زن خود یا با زن دیگر بکشد پس از آنکه وضو سازد و توبه وضو سازد و در رکعت نماز بکند بگوید یا رب زد و رکعت نماز بکند پس بعد از آن بگوید صلوات بفرستد بر علی و امیر آنرا که او آمده اند این بگویند و بگو اللهم ادرقنی الفها و دها و رضاها و ارضنی بها و اجمع بیننا ما حسن اجتماع و انس ایتلاف فانک تحب الحلال و تنکره الحرام بعد از آن فرمود که بگوید یا رب انما انا عبدک و ایتلاف و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه خدا احوال کرده است است کرده طبع مردم گرداند و در حدیثی است از حضرت صادق ع مقولست که چون در شب نافه نزد پدری بروی موی پشانی او را بکشد روی بقبله آرد و بگوید اللهم یا ما شکلت اخذتھا و بکلمتک استقلتھا فان قصیتک منھا و لا افا جعله مبارکاً انقیاس شیعة الخ و لا تجعل للشیطان فیہ شرکاً و لا تضییها و در حدیثی است از حضرت مقولست که دست بپا پست نشین کند و بگوید اللهم علی کتابک تو و جنتها و فی امانتک اخذتھا و بکلمتک استقلت فرجها فان قصیتک فی رحمها شیئا فاجعلها مسیلاً سویاً و لا یحکم بحکم شرک شیطان را روی پر سید که فرزند چو بوزد شرک شیطان میشود فرمود که اگر وقت جماع نام خدا بر سر شیطان و در شود و اگر نام خدا را بر سر بزد که خود را ندانند که از شیطان است و از آنکه پس جماع از بر او میباید و نطفه بکویت بر سید که بچه چرمیوان دولت که شیطان در سرش نشسته

در حدیثی است که هرگاه کسی با زن خود یا با زن دیگر بکشد پس از آنکه وضو سازد و توبه وضو سازد و در رکعت نماز بکند بگوید یا رب زد و رکعت نماز بکند پس بعد از آن بگوید صلوات بفرستد بر علی و امیر آنرا که او آمده اند این بگویند و بگو اللهم ادرقنی الفها و دها و رضاها و ارضنی بها و اجمع بیننا ما حسن اجتماع و انس ایتلاف فانک تحب الحلال و تنکره الحرام بعد از آن فرمود که بگوید یا رب انما انا عبدک و ایتلاف و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه خدا احوال کرده است است کرده طبع مردم گرداند و در حدیثی است از حضرت صادق ع مقولست که چون در شب نافه نزد پدری بروی موی پشانی او را بکشد روی بقبله آرد و بگوید اللهم یا ما شکلت اخذتھا و بکلمتک استقلتھا فان قصیتک منھا و لا افا جعله مبارکاً انقیاس شیعة الخ و لا تجعل للشیطان فیہ شرکاً و لا تضییها و در حدیثی است از حضرت مقولست که دست بپا پست نشین کند و بگوید اللهم علی کتابک تو و جنتها و فی امانتک اخذتھا و بکلمتک استقلت فرجها فان قصیتک فی رحمها شیئا فاجعلها مسیلاً سویاً و لا یحکم بحکم شرک شیطان را روی پر سید که فرزند چو بوزد شرک شیطان میشود فرمود که اگر وقت جماع نام خدا بر سر شیطان و در شود و اگر نام خدا را بر سر بزد که خود را ندانند که از شیطان است و از آنکه پس جماع از بر او میباید و نطفه بکویت بر سید که بچه چرمیوان دولت که شیطان در سرش نشسته

غنی

است فرمود که هر که دارد دست میدارد شیطان در او شریک نشده است هر که ندارد
میدارد شیطان با او شریک نشده است و برای مضمون احادیث از طرق خاصه و عامه بسیار وارد
شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل است که در وقت زفاف این دعا بخواند اللهم
تک استحللتموا و با ما تک اخذتما اللهم اجعلا و لودا و دودا لا تقر
تاکل مما راجح ولا تنسل عما سرح و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام نقل است که این دعا
بخواند بکلمات الله استحللت فرجها و فی امانت الله اخذتها اللهم انی قضیت
فی رحمها شیئنا فاجعله بائنا قتیلاً واجعله مسلماً سویاً و لا تجعل فیه شرکاً
لشیطان و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که شریک شدن شیطان را در نظم آدم
بیان کردند و بسیار عظیم شمرده اند و می گویند که چه باید کرد و این واقع شود و فرمود که گواه
اراده جماع داشته باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا الله صریح
الاستموات و الارض اللهم انی قضیت فی هذه اللیل خلیقه فلا تجعل للشیطان
فیه شرکاً و لا نصیباً و خطاً و اجعله مؤمناً مخلصاً مصطفی من الشیطان و جمیع
جوشنا و در حدیث دیگر فرمود که چون خوابد که شیطان شریک نشود بگو بسم الله
جزء بخدا از شر شیطان و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون کسی اراده جماع داشته باشد
بگوید بسم الله و با الله جنب الشیطان و جنب الشیطان ما نرغف پس اگر فرموده

در وقت زفاف

در وقت جماع

در وقت خواب

نسخ

این شیطان هرگز با او شریک نشود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون اراده جماع کنی
بخوان اللهم انی قضیت و لودا و اجعله قتیلاً و کتاً لیس فی خلقه ذیاده و لا نقصان
و در بیان حق زنی و شهادت بکلیه و احکام
واجعل عاقبتی الخیر
این از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حق تعالی برای زنان
غیرت جایزه داشته است از برای مردان غیرت قرار داده از برای که از برای مردان چهار
زنی و از برای که از برای پنج خواهد حلال گردانیده است و از برای زنی غیر از یک شوهر حلال نگذاشته است
و اگر شوهر در یک شب سه بار اراده نماید نزد خدا زن نکند و غیرت در شکم نمیزند زنان را
و صاحب شکم نباشند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن که در زمان آرسپا
و وقتیت نبوهران و از حضرت رسول ص علیه السلام نقل است که گفتی مرد با زن خود که ترا دوست میدارم
هرگز زدن او بدو بخیر بود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زنی که از حضرت
رسول ص علیه السلام گفتی حق شوهر بر زن فرمود که لازم است که اطاعت شوهر کند و
فرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق نکند و روزی رخصت او نکند و از او
و حق که اراده نزدیکی آن کند مضایقه نکند اگر چه بر پشت پلان شتر باشد و از خانه بی رخصت
شوهر بیرون نرود و اگر بی رخصت بیرون رود و ملائکه آسمانی در زمین و ملائکه غضب و ملائکه
است خدا و ملائکه غضب آسمانی از او بگردانند و گفتی رسول الله ص حق هر کس را که از امام عظیم است

فرمود که حق پدر گفت حق بر زن عظیم تر است فرمود که از خدا نیکی آن زن گفت که من خودم بان
خدائی که ترا بحقیقت فرستاده است که هر که شوهر نکند و در حدیث دیگر منقول است که زنی بوقت حضرت
رسول صلعم آمد گفت از حق شوهر بر زن بفرما فرمود که زیاده از آنست که توان گفت پس فرمود که
از جمله حقها آنست که روزه است یا اختیار افطار دارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و بر شوهر
ترین بویها خود را خوشبو کند و نیکو ترین جامها خود را بپوشد و بدترین زینتها خود را بپارد و
بر بایداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد ایضا کند و در حدیث دیگر
که هیچ چیز بر رخصت او او یکسند بدو اگر بدکنش بر آن زن است و ثوابش برای شوهر
چند شش است که شوهر از او ششها بکشد زن گفت هر چند بر او شوهر ظلم کرده باشد خود بی رخصت
صادق فرمود که از دنیا که بشیر آورد و شوهر از او از روزه بجا نماندش مقبول نباشد تا آن
جایی خوشش از خود بشوید و فرمود که هر کس اندک هیچ عمل ایشان با آسمان بالا نبرد و اعلام کند
و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از زنی بکشد یا بکشد و او را حاش
معتز دارد شده است که جهاد مردان آنست که مال و جان خود را در راه خدا فدا کنند و اگر
شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهر و غیر آن در آن ایستاد و حضرت رسول فرمود
که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا بجو کند مرا این میگفتم که زنی برای شوهر بجو کند
و فرمود که زن غار خود را نه بد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه از او میخواهد و نه بد

که زنی که شوهر او را برای جماعت بطلبه داد و تا خبر کند تا شوهر بخوابد و پس بپوشد ملائکه او را گفت
کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که زن از مال خود همه چیز را
رخصت شوهر نمیکند و داد و مکرم حج و زکوة یا نیکی به پدر و مادر یا صلوات بر پیغمبر و آله و رخصت
صحیح آنحضرت صادق منقول است که زنی شوهرش بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیدم تو ایضا بگو
بر طرف شود و در حدیث بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را بکشد و بد
پوشاند و اگر بدی بکند او را بکشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقول است که مرد شوهرش بکشد و زن
او و دیگر زنه روغن بر بدن مالیدن یا بد بد و هر روز دیگر نمک بکشد برای او بپارد و زن
ماند چند و همه و غیره بر شوهر یکبار یا بد بد و هر سال چهار جامه آش بپزد و از برای شوهر
و دو از برای بایستد و باید که خانه اش را خالی نگذارد و روغن برای مالیدن بر سر شوهر بپزد
و زن بکشد قوت بد بد و میوه که همه کس بخورند یا بخوراند و در عید ما زیاده از اوقات دیگر
برای او خالی بکشد و در حدیث صادق منقول است که هر سید از خدا و رقی و وصیفه ایشان
و زنی که حضرت رسول صلعم فرمود که بهترین ثواب است که بایران بپرسد و فرمود که عیال
بسیار از او بدست خوبترین بندگان نزد خدا است که احسان بایران خود بپرسد و حضرت
صادق فرمود که موجب ملاک صاحب دینست که در شهری که در آن شهر باشد و شب و خانه و یکی
و نزد او نیاید و حضرت علی علیه السلام فرمود که هر کس که زن یا مرد شود و کنی باز آن را

چند برانگیزد که چون الله تعالی ایشان را گردانند تا هفت سال گردید ایشان را الله تعالی باشد و چون طحال
ایشان را گردانند گردید ایشان تا هفت سال انقضای شد برای پدر و مادر و چون تا پنج بروج رسیدند
پدر و مادر بر ثواب ایشان شریک باشند و در گناهان شریک نباشند و حضرت رسول ص و آل مشهور
گزن از روزی که حامله میشود تا وضع حمل میشود تا فرزندان را از شیر باز میگیرد تا او را بشویند و غسل کند
که در هر حد کافران مرطبه نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این مابین بمیرد ثواب ایشان
در یابد و در حدیث صحیح از حضرت رسول ص و آل مشهور است که حضرت عیسیٰ بقبری گذشتند که جسد
غدا میسوزند و در سال دیگر همان قبر گذشتند صاحبش را خدا بفرستد از آن حال سوال کرد از
پدر و مادر خود و می رسید که در این سال فرزندان شایسته او بحد بروج رسید و رای را اهل حج کرد و بی
جا داد بدین سبب اگر بگذرد فرزندان شایسته پدر و مادرش که میراثی که از برای خدا از بنده بماند
فرزند نیست که بعد از او عبادت کند خدا را و در وایت دیگر منقول است که کسی که بفرزند بمیرد و گویا
در میان مردم نبوده است و کسی که بمیرد از او فرزندی بماند گویا که غرور است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول ص و آل مشهور است که حق تعالی بر دختران همدان تراست از پسران و هر مردی که شادمانی
بماند که با او خوشی داشته باشد محرم او باشد او را در قیامت شاد کند و حضرت صادق ص فرمود
که دختران چنانند و پسران نیستند خدا بر حسن ثواب میدهد و از نفقت سوال میکند و دختران
از محبت خود فرمود که ششصد اهم و شتری بهم رسانند و میخواهی او را چه فرزند او را بگویند

در حدیث معتبر

در حدیث معتبر

نفس

او را در وریش بر خداست حضرت رسول ص علم پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم
از پدر و مادر خود سوال کرد که دختری او را روزی کند که بعد از مرگ او بر او گریه کند و فرمود که اگر
از روزی مرگ دختران کند و بمیرد ثواب ایشان باشد و در قیامت نزد خدا عامی باشد و در حدیث دیگر
منقول است که شیخ نزد حضرت رسول ص و آل مشهور بود که خبر رسید که دختری برای او متولد شده است
نخستین متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را بر میدارد و آسمان او را سایه میکند و خدا در وریش میرد
و کلیت او را بیسوی در روی با محبت خود فرمودند که هر که بگذرد او را در بارش گران است و هر که دو
دختر دارد بگذرد سو کند که بفراوان رسید و هر که سه دختر دارد جهاد و سایر از او بر او برادر دارد
چهار دختر داشته باشد ای بگانه خدا او را یاری کند ای بنده کائنات خدا با و قرض میدهد ای
خدا با جسم کند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت منقول است که هر که شش پسر یا سه دختر را فقید بدیده است
و عیب شود بعد از آن فرمود که هر که دو نر یا یک نر اهم تقوی بدیده است او را واجب شود و از حضرت
صادق منقول است که هرگاه کسی را فرزندی بهم نرسد این دعا بخواند اللهم لا تدفعنی فوداوت
خیال الوادین وحیداً او حشاً بقصر شکو اعن معکری بل حبس عافیة صدق بر کوا
و اما انما النفس لهم من وجهه و اسکن الیهم من الوجه و انکوک عند تمام النعمه
یا وحایة عظیم یا معظم نعم اعطنی فی کل عافیه شکو حتی قبلتی منها و صوابک
فی صدق الحدیث و اداء الامانت و فاء و فاء العبد یا العبد و در حدیث معتبر

در حدیث معتبر

که بر این طلب فرزند و سجده ای و این دو آیه را بخواند رجب حبس من لدنک در طایفه اندک

سمیع الدعاء و رب لا تدربنی وانت خیر الوارثین در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد رجب را
شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز کند و در رکوع و سجده و احوال به هر پس بگوید اللهم انی استسئلتک
سئلتک به ذنوبی و رب لا تدربنی فودا وانت خیر الوارثین اللهم حبس من لدنک ذنوبی

طیفة انت سمیع الدعاء اللهم باسمک استعملتها و فی امانتک اخذتها فان قصرت فی

رحمتها ولد افا جعل علما مباحا و کاذبا و لا یعمل للشیطان فی شرا ولا نصیبا در روایت

دیگر منقولست که ابرش کلی بحضرت امام محمد باقر عرض کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که هر روز یا رب

هم مرتبه استغفار کن بترانت که بگوئی استغفر الله ربی و اتوب الیه در روایت دیگر از حضرت

منقولست که هر روز شام هفتاد و نوبت سبحان الله پس بگوئید استغفر الله ربی و اتوب الیه

نه نوبت سبحان الله پس بگوئید استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید راوی میگوید یکصد گزینان

علی مد اوست کردند و فرزند بسیار بهم رسانیدند و در هر یک از اینها میگفتند استغفر الله ربی

اقتضای آنکه در در رکعت دیگر از حضرت صادق منقولست که از برای فرزند در هر روز استغفار

کنی و اگر شب فراموش کنی در وقت دیگر قضای آن شخصی را نکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت

فرمود که بعد از آنکه طالع کنی بگو اللهم انی در حقنی ذنوبی استغفرتک و در حدیث دیگر است

که شخصی بحضرت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که من هیچ فرزند ندارم و مرا فرزند نمیشود فرمود که اگر

خود را باوان کفین بکنی خزان کرد که به پیش منج شد و فرزند ان بسیار بهم رسانیدند و در حدیث دیگر از حضرت

صادق منقولست که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود که چون خواهی فرزند خود را

این سه آیه را بخوان که ای خداوند یا فرزند من روزی میکند ترا و اتون افه حب مغاضبا

فقلن ان لن نقد علیہ قتاد فی ظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

فا سبحین الله و تحیدیناه من القم و کن الذنوبی المؤمنین و ذکر یا اذ نادى و رب لا تدربنی

و انت خیر الوارثین و در حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نمیشود نکند که اگر مرا فرزند شود علی

امام خاتم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری که است فرماید و حضرت امام زین العابدین منقولست

که هر که این دعا بخواند بسیار بر او فرزند و فرزندان و فرزند و عطا فرماید و رب

لا تدربنی فودا و انت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک ولیا یس فی حیواتی و

استغفر لی بعد موتی و اجعله خلفا سويا و لا یعمل الشیطان فی نصیبی اللهم انی

استغفر و اتوب الیک انتک انت العفو و الرحیم و از برای فرزند عطا فرماید و رب لا تدربنی

و حضرت صادق منقولست که هرگاه زن را حامل باشد و چهار ماه بر او بخیزد و روی او را بپوشد

و این دعا را بخواند و بر او برپای او برن دگر اللهم قد سمیته محمدا یعنی خدا این را در حق نام

کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پس کند پس نام او را محمد نام کن مبارک باشد و اگر فرزند نام

نکند خدا او را از او بگذرد و اگر خواهد او را بخشد و در حدیث غیر از این منقولست و از حدیث است

که هرگز زن او داشته باشد و غم نکند که او را تحفه علی نام کند آن پسر شود و در حدیث دیگر است که او
عظام کن که عمرش دراز باشد و در کتب طبیه لایحه روایت کرده است که شخصی یکصدت امام مجتبی
شکایت کرد که فرزند را فرمود که سه روز بعد از نماز صبح بخور تا زخمش منشا و مرده سبحان الله
مرتب استغفر الله بگوید بعد از آن این آیه را بخواند استغفر و بعد از آن که کان غفار را بر سر
علیکم ممداد او میدد که با موال و بنین و جمیعکم جنات و یجعلکم الله و یجعلکم الله و یجعلکم الله
باین خود طایع کن که خدای تعالی پسر که خلقش تمام باشد بنوع عطا فرماید و در کتاب فرائد المکارم
کرده است که شخصی یکصدت حضرت صادق آمد و گفت این رسول الله است و تفریم بر سینه ام
روای پسرند برده ام حضرت فرمود که وقتی که در میان پای زن می نشینی دست است خود را بر اف
دست ناف زن بگذارد سوره انا انزلنا فی لیل القدره نزلت بر منم بخوان و بعد از آن جماع
چون اثر خلق ظاهر شود پیش شهادت بر جانب راست ناف او بگذارد و هفت مرتبه انا انزلناه
بخوان آنرا و گفت چنین که من مفت پیری بودم خدا این روزی کرد و از حضرت امام حسن
که هر که فرزند خواهد استغفار بسیار کند **فصل هفتم** در احکام و آیات حمل و زایمان
و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن حامله نبخورد تا فرزند خویش متولد شود
باشد و بنده منقولست که حضرت رسول ص و او را فرمود که اول چیزی که بدن زائیده بخورد
باید که طبع باشد چنانکه حق تعالی به مریم فرمود که بعد از زاییدن حضرت عیسی را طبع بخورد

در حدیث

در حدیث

که اگر طبع نباشد نه دانه خورا از خورهای می دهد بخورد اگر نباشد نه دانه از خورهای که باشد
بخورد بدین رستی که حق تعالی میخواهد که بغیرت و جلال خود مگویند که هر زن تازه زائیده که
طبع بخورد فرزند او را برده بار کرده ام و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که زائیده بعد از زاییدن ولادت فرزند خورهای برنی بخورد زائیده تا آنکه فرزند زیر کف
بردار شود و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص و او منقولست که بزنان حامله گفته بود
که بدین که چون طفل در شکم مادر غذای او کند شود و در حدیث دیگر آمده که اگر پسر
شجاع میشود و اگر دختر باشد شرمش بزرگ میشود و بسبب این نزد شوهر عزیز میباشد
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی بن الحسین ۴ را چون وقت ولادت و فرزند میفرمود
زنا را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر زن بر عورت طفل بیند و منقولست که چون
با نخواست بشارت فرزند میدهد اندام پسر سید که پسر است یا دختر بلکه اول می پرسید که خلقش
است پس اگر میگویند که درست است و چنین خلقش نیست میفرمود که الحمد لله الذی
بخلق منی شیئا متوجها بعلی پس دهم خداوند بر او که از من نیافرید فرزند را که هیچ
محبوب باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون فرزند متولد شود ابقه و حدیث از جابر
بگوید که در آب می کن و دو قطره در پی راست یک قطره در پی چپ طفل میریزد و در رکوش
راش اذان و در رکوش چپ اقامه بگویش از آنکه پسرند نافش را اگر چنین کنی برادرش

در حدیث

با و نرسد و ام القیاس با و فرزند نرسند و جیحان نیز فرزند نرسند و یوانه نشود و حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کلام طفل را بآب فرات برآید و در روایت دیگر آمده است
 که کلام فرزند آن خود را بخور یا آب نبات و تربت حضرت امام حسین م برآید اگر آب
 فرات نباشد بآب باران برآید و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کلام فرزند
 خود را بخور یا برآید که حضرت علی بن محمد با حسن و حسین صلوات الله علیهم و آنحضرت فرمود
 که هر که فرزندی از او متولد شود باید که اذان در گوش راستش و اقامه در گوش چپش بخواند
 که نگاه دارنده اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت حسین ع ظاهر میشود که مکروه است
 طفل را از ابتدای ولادت در جامه زرد بپوشانند و سنت است که در جامه سفید بپوشند
 از حضرت صادق ع منقولست که کلام طفل را تربت حضرت امام حسین م برآید که امان
 میدهد او را از درم و بلاء و از حضرت صادق ع منقولست که شیخ را تمهیت فرموده
 پیری که خدا با و عطا کرده بود و گفت زنی گفت الله شکلی الو اصب و با وک لدی فی
 الموهوب و بلغ به اشد و در وقت بصره یعنی خدا روزی کند ترا و نکلان
 خداوند پیر که فرزند تو بخشنده است و برکت دهد برای تو در آنچه بخشنده است او را
 بنیابت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی یعنی تو نیکی کار باشد و نزدیکی بین خدا
 بسندید از حضرت امام حسن ع منقولست که این او را پس علی آرد در کتاب سیر از حضرت

فعلی است
 در روایت
 در روایت
 در روایت

صادق ع روایت کرده است که هرگاه بر بدن دشوار شود زانیدن خوب است برای او و در روایت
 این آیه را و بر ریسان بنید و بران راست آن بنید و چون وضع حمل شود باز کن و آیت
 آیت سیم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ظلمکم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم
 یرون ظلمکم یلبثوا الا عشیة او ضحاها اذ قالت امی ایه عمران رب انی نذت لك
 ما فی بطنی محن و اوسوف یتکبر طبع الاثم و آیت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد
 علیه السلام آمد و گفت که زن من از درد زانیدن مشرب بر موش شده است فرمود که این آیه
 بر او بخوان فاذا جاء المخاض الم یجذع التخلی قالت یا یسقی من قبل هذا اوکت لیسما
 فسیافنا و تقامین تحتها ان لا تحرنی قد جعل ربک تحتک سربا و هزلی البک
 یجذع التخلی فاقط علیک و طباً جلیا پس با و از بلند بگوید الله اخرجکم من بطون
 تکم لا تعلمون شیئا و جعلکم السمع و الابصار و الافئدة لعلکم تفکرون کون الله انهم
 ایها الصلوة اخرج باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات یا بگوید خدایا بسندید
 روایت کرده است که برای دشوار زانیدن زان این آیات را بر طرف پا بکند و بخواند
 یزید و باب چای بنویسد و بخورد آن زن بداند و شکم و فرجش پاشند آیت کانهم یوم
 یرون ظلمکم یلبثوا الا عشیة او ضحاها کانهم یوم یرون ما یوعدونکم یلبثوا الا عشیة
 من نهار یبلغ فصل یصلک الا العیم الفاسقون لقد قصصهم عبرة لا ولی الا لای

در روایت

در روایت

در روایت

باد و ریختن نام مبارک کرده و او را ششام ده و او را قرن و با او برسان و بدو که پنج خاندان
 که در آن اسم محمد باشد که هر روز آن خانه را مقدس و محترم میگردانند و در چند حدیث وارد شده است
 که حضرت فرمود از نام گذشتن باسم حکم و حکم و حاکم و فرمود که دشمن ترین نامها نزد خدا حاکم
 و مالک و خاد است و نهی فرمود چهار کثرت را ابو عیسی و ابو الکریم و ابو مالک و ابو القاسم و روقی که نام باشد
 باید که نام و کثرت هر دو موافق باشد حضرت رسول مینماید و در حدیث وارد است که یا حسین نام
 نکنند که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول م م و او در متون که هر کس در حق کسی که جمع شود برایش مشورت
 در میان ایشان که باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد یا ابراهیم یا خیر است ای پیشانی بر آنرا میگردانند
 که فرزند بر او که جمیع نام نیکه او را می دارد و دعا برای او و محبت با او بکشد و در وی طرف و ترش نکند
 فرمود که هر اهل بی که در میان ایشان نام پیغمبر باشد ابدی حق تعالی بر او بیخ و دم و پیشانی ملکی
 میورند که عاقله برای ایشان و تقدیرش پاک و در قوا از خداوند گواست که نام را در وقت تعیین کند
 از جمله اعمال که در وقت حادث است اینست که و آن غسل دادن طفل است و بعضی در آن
 میبندد و احوط آنست که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و شرف او را
 بشود و بعد از آن چوب را شست و بعد از آن جانبش پیرا **فصل ششم** در عقیده کردن در
 تراشیدن و آداب بر یک از آن و بعضی از علماء واجب میدانند بدانکه عقیده فرزند نشود که
 است بر کسی که قادر بر آن بعضی از علماء واجب میدانند و بهتر آنست که در روز متهم واقع شود

رسول میفرماید
 که حضرت فرمود از نام گذشتن باسم حکم و حکم و حاکم و فرمود که دشمن ترین نامها نزد خدا حاکم و مالک و خاد است و نهی فرمود چهار کثرت را ابو عیسی و ابو الکریم و ابو مالک و ابو القاسم و روقی که نام باشد باید که نام و کثرت هر دو موافق باشد حضرت رسول مینماید و در حدیث وارد است که یا حسین نام نکنند که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول م م و او در متون که هر کس در حق کسی که جمع شود برایش مشورت در میان ایشان که باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد یا ابراهیم یا خیر است ای پیشانی بر آنرا میگردانند که فرزند بر او که جمیع نام نیکه او را می دارد و دعا برای او و محبت با او بکشد و در وی طرف و ترش نکند فرمود که هر اهل بی که در میان ایشان نام پیغمبر باشد ابدی حق تعالی بر او بیخ و دم و پیشانی ملکی میورند که عاقله برای ایشان و تقدیرش پاک و در قوا از خداوند گواست که نام را در وقت تعیین کند از جمله اعمال که در وقت حادث است اینست که و آن غسل دادن طفل است و بعضی در آن میبندد و احوط آنست که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و شرف او را بشود و بعد از آن چوب را شست و بعد از آن جانبش پیرا **فصل ششم** در عقیده کردن در تراشیدن و آداب بر یک از آن و بعضی از علماء واجب میدانند بدانکه عقیده فرزند نشود که است بر کسی که قادر بر آن بعضی از علماء واجب میدانند و بهتر آنست که در روز متهم واقع شود

در وقت تعیین کردن نام
 غسل دادن و ترش کردن

و اگر آخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر است و بعد از بلوغ تا آخر عمرش بر خودش است و در احادیث
 مبروره بسیار وارد شده است که عقیده بر کسی که او را فرزند میگویند و در احادیث
 بسیار منقول است که هر فرندی در کرم و عقیده است یعنی اگر کند آن فرزند در معرفت و انواع طاعت
 و از حضرت صادق م منقول است که لازم است بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آن که بم
 رسیده باشد و اگر بم نرسد بر او چیزی نیست و اگر عقیده برای او نکنند که قربانی برای او بکنند
 و عقیده بر او است و در حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که طلب کردم که عقیده از برای
 و بدست نیاید چه میفرماید که تصدق کنیم قیمت آن را فرمود که فرزند کسی که در روز متهم بر عقیده اش
 باید کرد یا نه فرمود که اگر پیشانی ظاهر غیر و عقیده ندارد و اگر بعد از ظاهر غیر و عقیده دارد و در حدیث مبرور
 عمر بن یزید منقول است که بگفت حضرت عرض کرد که عقیده کنم بر پدر برای من عقیده کرده است یا نه فرمود
 که عقیده کن او در پدری عقیده کرده و در روز و آنحضرت منقول است که فرزند را در روز متهم
 نام میکند اند و عقیده میکنند و شتر را میفرستند و موی سر را با نقره بپوشد و تصدق میکنند آن
 را و بعد از آن عقیده را برای قابو میفرستند که در این بدو کرده و باقی را بخورده مردم
 و تصدق میکنند و در حدیث موشی دیگر فرمود که هرگاه دختری یا پسری برای تو متولد شود عقیده
 میکنی در روز متهم و موی سرش طلا یا نقره تصدق کن و عقیده کن و تصدق کن یا شتری باشد
 و نام بگذارد و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع کوفته را با نقره بپوشد و اگر بی قابو نشود

کند و در آن روز

در وقت تعیین کردن نام

ایمانا یا الله وثناء علی رسول الله صلی الله علیه و آله و العقیقه لاسم و الشکر لک
و المعرفه بقضه علینا اهل البیت پس اگر پیشتر بگوئیم انک و هجت لک
و انت اعلم بما و هجت و منک ما اعطیت و کلنا صنعنا فقیله منا علی سنتک و
نبیک و رسولک صلی الله علیه و آله و اخشاعنا الشیطان الرجیم لک سفلت الدنیا
لا شریک لک و الحمد لله و الباقین اللهم للحمایا بیده و معهما بیده و عظمها بیده
شعیها بشعی و جلدھا بجلده اللهم اجعلھا و فاء فلان بن فلان و بجای فلان بن
نام فعل و پدر او را بگوید و در حدیث موقوف دیگر فرمود که ایند ما بخواند یا قوم اتی بری تمنا شو
کون اتی و جفته و جوی لک فی فطر السموات و الارض خلیفا مسلما و ما انا من الشریکین
ان صلواتی و سکی و حمایای و حماقی لله و الباقین لا شریک له و بعد الاکرامت
و انا من المسلمین اللهم منک لک و اسم الله و با الله و الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد
و تقبل من فلان بن فلان و نام فرزند را ببرد پس ترا بکشد **مصلی** و ختم کرد
و دختران و سوراخ کردن کردن کوشش این و آداب هر یک جدا جدا در روز مقیم شد
ختم کردن پسران و اگر در مقیم هم کند ختم است تا بعد از آن دفع شدن طفل بر جوش
و بعضی گفته اند هر یک بر جوش بر روی طفل و ختم کردن دختران نیز سنت است
که اندکی بزنند و بسیار بزنند و سوراخ کردن نیز کوشش است و بالای کوشش چنان بر زنند

در حدیث
 در حدیث

سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل است که ختم کنید فرزندان خود را در روز مقیم که
 پیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت بدن طفل را و روز و در تری و یانه و زمین کرامت دارد از
 بول که ختم نموده باشند و در حدیث صحیح فرمود که کوشش پسر را سوراخ کنید و روز مقیم ختم
 کردن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل است که زمین نجس میشود از بول که
 ختم کرده باشند تا چهل روز و در حدیث دیگر فرمود که زمین نجس نمیکند بوی خدا از بول او و در حدیث
 صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام نقل است که پسر را در روز مقیم ختم کردن سنت است و اگر پس از آن
 با کرامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که کسی که مسلمان شود ختم اش میتوان کرد اگر چه
 سال عمر داشته باشد و در چند حدیث آمده است که ختم کردن در مردان سنت و بر زنان
 سنت نیست تا باعث این میشود که نزد شوهران گرامی باشند و چه چیز تیراز این میباشد و در
 روایتی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل است که ختم کنید زن را بعد از وقت سال و اگر
 معتبر منقول است که چون زمان بگذشت حضرت رسول صلی الله علیه و آله هجرت کرد مدینه آمد که او را احیم
 گفته و زمان ختم میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیبه آنکاری که داشته هنوز در اری گفت ب
 یا رسول الله مرا که نمی بینم و منی ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیاترا بیا
 که باید کرد چون ختم کنی زمان را بسیار بزدی بگردانی که هر که روز و نو را نانی تر و زکرا صاف بگردانی
 و شوهر او را عزیزتر میدارد پس ام عطیه خواهر او آمد که زمان را صاف بگردانی که هر که روز و نو را نانی تر و زکرا صاف بگردانی

در حدیث

زنش کل گئی برای جلا دادن پا چنانی چای بر روی ایشان مالیدن خوبست و بر روی ایشان
 می برد و مویهای دیگر بر موی ایشان بپونند کن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقت حزن
 این دعا بخواند که از او حرارت این را از کشتن و غیره دفع میکند اللهم هن منک و سنت
 نبیک و صلوات علیه و آله و اتباع منالک و انبیک بمشیتک و بارادتک و بقیة
 لایم اودند و قضا و حتمه و امر و انقضیه و اذ قد خیر الحمد یدفع خائنه و حاسده بامر
 انت اعرف بر منی اللهم قطعه من الذنوب فی عت و ارفع الافات عن مدینه
 و الاوجاع عن جسمه و سر من الغنى و الدفع عنه الفقر فانک تعلم و لا تقلم
 و از حسین بن خالد منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که تنبیه و توبه در تمام
 روز باید کرد فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام بودند جبرئیل برای تنبیه او بر حضرت رسول
 صلوات الله علیه نازل شد در روزی که او را در کعبه نام بگذارد و در شیر آب بر او نهد و عقیده
 او بکند و گوشتش را سوزاند و تخمین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام در روزی که او
 به این عالم کرد ایشان را او کی بود و در جواب سر در زیر میکوش راست بود و در کوشش
 در بلا و از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که اگر کسی پری خور کند و باز علف بر دید و خسته
 را پنهان کند می باید ببرد و بگوید که او را زین نماند میکند سوس خور و بگوید که او را
 در علف باشد تا چهل صباح و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که خسته گردد و پشیمان شود

دعا بخواند

نکند و گویی او مقبول نیست و اگر ببرد بر او نماز نکند زیرا که بزرگترین سنتهای پیغمبر است
 کرده است که از او ترس مردم ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اولی از بزرگ
 خسته کردن با بر بود و از حضرت اسمعیل علیه السلام که ساره مادر اسحق علیه السلام غصبت او را خسته کرد
 و باعث زیادتی او شد از آنرو این سنت جاری شد که زن را خسته نکند **مصلح دم** و در
 شیر دادن و تربیت کردن فرزند و عیال ایشان بد آنکه سنتهای شیر دادن فرزند و وسالت
 و ششور میان عیال است که بعد از زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست بلکه از آزاری است
 باشد و منقطع باشد و از نیت و یکباره بکنند بلکه اگر فرزند داشته باشد که دایه بهم نرسد یا
 با جرت نباشد و مادر شیر نداده باشد یا از آری داشته باشد و جمع علما و مجتهدین که مادر
 بفرزند شیر اولی که پستان او می آید بخوراند و گفته اند که اگر او شیر براند بدانی نمایند یا تو
 نمی آید و از حضرت ابوالفضل علیه السلام منقولست که نافع ترین و مبارکترین شیر برای فرزند شیر
 مادر است و بگوید که از دست که حضرت صادق علیه السلام مادر اسحق را در **مصلح دم** خود را شیر میداد فرمود
 که ای مادر اسحق از یک پستان شیر بده از هر دو پستان شیر بده یکی بخواهی طعام شود و یکی آب شود
 که هر چه که از پستان شیر صید کنند بفرزند ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه که شیر بفرزند
 نمادایه بگوید و در انسانی منسوب آن گرفت و ما فرزند را با ایشان نباید داد که بخواند و ببرد و نمی
 باید کردن ایشان را از خوردن شیر آب که شربت خوک یا بر چیزهایی که حرام است در این جهان

و ایشان حلال میدانند و در احادیث بسیار منع کرده اند از شیرینی که از آنها هم می رسد و بعضی
اخبار دارد شده است که اگر گزنی زنا کند و فرزندی بهم رسد اگر صاحب شیرین خورده
یا غرضی که زنا کرده است آن شیر را ببرد می تواند داد و در اخبار دیگر نهی دارد شده است
از شیر زنی که خودش زنا بهم رسیده است و حضرت رسول هم داد نهی فرموده از شیر زنی
اثنی یا زنی که مقبوض باشد زیرا که شیر تاثیر میکند و طفل شبیه می شود به اید و صورت و عیبت
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که در آن ماهت سال بگذارد و باری کند و بعد از آن سال
و یک سگی کن در تربیت او اگر نیک شود و یک سگی کن و اگر نه امید بفری و رویت و در حدیث دیگر
فرمود که هفت سال بگذارد و تا باری کند و هفت سال دیگر او را خط و سواد بیاموزد و گفتند
و دیگر حلال و حرام با و بیاموزد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول که طفل را هفت سال نکاهد
و تربیت بدیش باید کرد و هفت سال او را بیاید و بیاید و هفت و هفت سال دیگر نشانی
و فرمود تا پیش سال ^{خدا} پس بعد می شود و در بر او در گذارد شده است که تا هفت سال نگذرد
می شود و تا سه و پنج سال عقلش زیاده می شود و دیگر بعد از آن که در آن چهار با حاصل می شود و در
و دیگر آنست که پسران و دختران که سه ساله شوند بی باید که یک یک بگردانند و اگر یکی از آنها
دور و ایت دیگر چون ایشان شش ساله شوند ایشان را جدا بگویند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که فرزند آن را در ده ماه و شش ماه و یک ماه به یک کفایان و شش ماه به یک کفایان

و در احادیث معتبره آمده شده است که تا آنکه سید فرزندان خود را در تحت عین ابوطالب
برگاه قبول نکند نظر کنید و امر ما در شان یعنی این علامت فرزندان است که قبول تحت اهل بیت
نمیکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که تحت اهل بیت را در دل خود بیاید مادرش را بسیار
کند که باید شش خجالت نگذرد است و حضرت رسول هم داد منقول که حق فرزند بر پدر است
و در این باب میگویند و میگویند و میگویند و یک یک بگویند و در احادیث دیگر منقول که هر که
حضرت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت نمی گفتم فرمود که عیسم و چیت که خدا حق
داد و است فرمود که ای سگونی زمین او را بر میدارد و در زینش بر خدایت فرزند کافی میکند
میرود و روزی ترا میخواند پس فرمود که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمود که آه او
دست پریشانی کند باشند و فرمود که حضرت رسول صلعم فرمود که حق فرزند بر پدر است که مادر
نیک برای او بگرداند و نامش نیک بچین کند و قرآن با آن بیاموزد و او را حق کند و شناسازی
بیاید او بدد و اگر دختر باشد مادر نیک برای او قرار دهد و نامش نیک کند و سو و نور بیاید
دهد و سوره یوسف با و بیاموزد و در بالا خانه او را ده جای نهد و زود او را بخانه شوهر
پس فرمود که چون دختر خود را فاطمه نام کرده او را دشنام بده و توبین کن و مرن و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقول که حضرت رسول صلعم فرمود که بفرزند بیاموزد شناسازی و تیراندازی حق
و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شوخی و کج خلقی در کودکی علامت آنست که در بزرگی و نادانان

فرزند

خواهد بود از حضرت رسول ص و از ائمه و ایت که پدر و مادر را بر حقوق فرزند غشود و عاقبت فرزند
میتواند چنانچه فرزند عاق پدر و مادر میشود و فرمود که خدا رحم کند پدر و مادر که یاری کند فرزند آن خود را
و جسم کند برایشان و اگر وفده کند بایشان و فاکند بآنها زیرا که ایشان گمان میکنند که
شما روزی میایدید ایشان را و حضرت امام موسی ع فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مثل این که
غضب از برای ظلم باز آنان و فرزند آن میکنند و در حدیث صحیح از حضرت رسول ص مضمون
که هر که فرزند خود را بوسه دهد احسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را نشاند که خدا او را
در قیامت شاد کند و هر که قرآن پیاپی روز فرزند خود را در قیامت پدر و مادر او را پند
عبد پوشاند که از نور آن دو مقام روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که
شخصی که نبوت حضرت رسول ص مضمون آمد و گفت که مرا از اطفال خود را بنویسد ام حضرت فرمود که این
مردن از من از اهل جنت است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفل را داشته باشد باید که با او
بازی کند و حضرت صادق ع فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه دوست میدارد فرزند
خود را و در حدیث دیگر روایت که حضرت رسول ص و ائمه ع و ائمه ع شخصی را دیدند که پسرش را بوسه
میداد بنویسد حضرت فرمود که چه بهتر و در این هم حدیث دیگر می آید که هر که پسرش را در میان خود
نهد و او را قرار دهد که ملکه ای عالم و صالح تر باشد از این سبب را از او بی دهد و در حدیث
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مضمون است که چون پسر را بداد و بداد که گفت که هر که

البته چون چند سالگی شود با بگوید که وقت تربت بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد چون پنج
 سال تمام شد او را میدارند که خدا را سجده کند و چون شش سال تمام شود او را نماز بخواند
 میدهند و بنابر شش سال تمام او را چون هفت سال تمام شد وضو بخواند و او را نماز
 میکنند و چون نه سال تمام شد وضو را خوب بخواند و او را نماز کند و وضو میزند
 پس چون وضو بخواند و اگر گرفت خدا پدید و مادر شرابی امر زد و در دست او یک مفتوحه که حضرت
 امیرالمومنین علیه السلام نهی فرمود که حرب آهین با طفلان بیوشند یا بدست ایشان بزنند
 حدیث معتبره که فرمود که چیزی در دست از روی طفلان در شب پیل خواب نهد که
 می آید و می بیدار ایشان در خواب میزنند و ملائکه نویسندگان اعمال مصادق می شود
 از حضرت رسول صمد و ائمه دین که هر که بیازد از رود و تحفه خرد و برای طفلان خود بخواند
 او را چنانست که بصدق برای معنی فقر ابر داشته و بایشان پیچیده است و باید که اول
 بدختران بدست پیل از پیران بدست که هر که دختر یا خواهرش باشد چنانست که بنده از فرزند
 احمیل آزاد کرده و کسی دیده پسر برادرش و او را شاکر دانند چنانست که از ترس خدا
 که ریت باشد و هر که از ترس خدا بگوید خدا او را دراصل بهشت گرداند و از حضرت صدوق
 نقل است که با طفلان خود بخواند یا و دست که گوشت در بدن ایشان میزد و باید که سخنان
 ایشان را محکم میکند و در حدیث دیگر آمده که انما یجوز ان یشاء بایشان که در و تران را بخواند

جوانی وقت میرساند در کتاب طب الائمة از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که اگر
 بسیار که بکند یا رفتی که در خواب ترسد یا که از تو بیایداری بر او ستودا شود این
 را بخواند مضمونا علی اذانهم لکھف سنین عدد اقدعتناهم لنعلم امی الخیرین
احصی لیا البشوا مداد و حدیثش وارد شد که در خبری که شش سال شود مردی را عزم
 بنوسد و در او نشاند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام ضام و عیسی بن دین و غیره
 عیسی بن آفرند و مردم او را عید بسیدند و در او من می نشاندند چون نوبت حضرت رسید
 چند سال در آن گذشت بخیال حضرت وارد کرد و بنوسید بدانش نشاند و در حدیثی
 وارد شده است که در خبری که شش سال تمام شود مرد را در به پهلوی خود بخواباند که بمرد
 زمانست و در حدیث دیگر وارد شده است که در خبری که شش سال شد پسران او را بنوسند و پسران
 که از آن صلح بگذرند زمان او را بنوسند و در حدیثی منقولست که عیسی بن دین که عیسی
 خود را ضایع گذارد و خرج ایشانرا ندید یعنی با قدرت و حضرت امام موسی فرمود که عیسی
 آدمی سپیدان او بنید پس کسی خداوندی بود که ایت فرمود با سپیدان خود نوسد کند اگر نکند
 بر فردی آن نوبت از آن رایل میشود و حضرت صادق ع فرمود که خرج دو نفر را در خود
 و خواهد یا دو نفر را بکشد حاجب او باشد از آن پس ششم و حضرت سول صلوات الله علیه فرمود
 که در پشت و بر دست که بآن در به نرسد مگر کسی امام عادل و خوشی که حساب و

این حدیث را در کتاب
 جامع الترمذی
 و در حدیث دیگر
 وارد شده است

حدیث
 صحیح

خواند و صاحب عیسی که بر فرج ایشان و از ایشان خبر کند و از حضرت صادق ع منقولست
 که هیچ کس که نکند ایشان را و احببت فرزند و پدر و مادر و زن و بنده و فرزند شامل فرزند
 است هر چند پایش روند و پدر و مادر شامل جد و جد پدری است هر چند بالا روند **فصل**
در از دهم در بیان حق پدر و مادر بر فرزند آن و وجوب رعایت حرمت ایشان بدانکه است
 قهرت پدر و مادر از حد شرع و نیست ایشان را از در ارضی داشتن و اشتقاق
 است احقاق ایشان بودن و ایشانرا از زوجه داشتن از جمله کنایان کبر است از حق تعالی
 در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شود رایین با
 اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو معاشرت کن و در حدیثی منقولست که شخصی
 بخدمت حضرت رسول اعظم آمد که دستیار کن مرا حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم بچهار امر که
 هر چند ترا با تشویر بمراند مگر آنکه بزبان عربی بگوئی و دولت ایمان نباشد ترا
 و نصیحت کنم که اطاعت پدر و مادر کنی و با ایشان نیکی کنی خواه زنده باشند و خواه
 باشند هر چند ترا از آن کنند که از زن و فرزند خود بگذری اطاعت کن که این از جمله ایمانست
 و در حدیثی دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر و مادر بر فرزند چیست فرمود
 که آنکه نام او را گویند و پیش از او راه نروند و پیش از آنکه پدرش بنشیند او بنشیند
 و کاری نکند که مردم پدرش را دشنام دهند و حضرت صادق ع فرمود که چه مانع است از آن

حدیث صحیح

از شما را که احسان کنید به پدر و مادر خود خواه زنده یا مړه و یا که بعد از مردن باز برای ایشان
 در روز برای ایشان دعا و دعا بخوانید و اینها عاید شود و هم بخودش و بسبب آن که یکی از بزرگان
 خدا را بسیار باو میداد و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول صلعم آمد و گفت
 رسول الله یا که یکی کنم فرمود که باورت نه مرتبه پرسید چنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که یا که
 و در حدیث دیگر فرمود که شخصی گفت من آن بزرگوار آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بچهار
 حضرت فرمود که چهار دکن در راهی اگر کشد شوی نزد خدا زنده خواهی بود و روزی در حدیث
 یافت و اگر بگیری نزد خداست و اگر زنده بر گردی اگر کفایت بر آتی مآثر روزی که از راه
 موله شده گفت یا رسول الله پدر و مادری دارم که با من التماس دارند و میخواهند که من از ایشان
 جدا شوم که پس با مادر و پدر خود باشم حقی که خدا می دهد در دست قدرت اوست که از کسی بخواهد
 یکشنبه روز با تو باشد بخت است از یکسال جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام محمد
 علیه السلام فرمود که کسی جزای حق پدر را داد نمیتواند کرد مگر بدو سپهر یکی آنکه پدر بدهد با او
 بخرد و آزاد کند یا بر او قرض باشد ادا کند و در حدیث دیگر است که گاه هست که یک کار است
 با پدر و مادر زنده که ایشان قرضی از ایشان را ادا نمیکند و طلب آمرزش برای ایشان
 نمیکند پس خدا او را عاقب پدر و مادر منوبد و گاه کسی عاقب ایشان است و زنده که ایشان پس
 چون زنده قرضی از او میکند و شفاعت را از برای ایشان نمیکند پس خدا او را نیکو کار منوبد

و در حدیث دیگر فرمود که امانی حقوق پدر و مادر است که افس بر روی ایشان بکونی و
 فرمود که چون روز قیامت شود پدر و مادر پدر و مادر را بکشتند پس صاحب قضا بوی
 از پاشند سال را به بشود مگر کسی عاقب پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که چون از روی
 خشم عصب نظر بسوی پدر و مادر کردند و وقتی که بر روی طسم کنند ایشان خدا هیچ نماز او را
 قبول نکند و در حدیث دیگر فرمود که از عقوبت آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در
 حدیث دیگر فرمود که حضرت امام محمد باقر فرمود که پدرم دید شخصی پسرش با او راه میرود
 پس میگردد دست پدر کرده است پدرم دیگر باقی پسر سخن نکند زنده بود و حضرت صادق فرمود
 که باید بدان خود نیکی کنید که تا فرزند آن شما با شما نیکی کنند و از زانی دیگران حضرت زین
 از زانی شما گفتند و فرمود که هر که خواهد که خدا اسرارش را بر او آسان کند باید که با خود
 خود احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای هر که را حق تعالی با او آسان
 کند و هر که زنده که او پریشان نشود و پریشانی با و نرسد و در حدیث دیگر است که
 محمد باقر فرمود که چهار صفت است که هر که از مؤمنان در آن حصنها جمع شود حق تعالی
 در اعلی مراتب بهشت در بهترین غرفه او بلندترین عزت و شرف او را بجای دهد و کسی که
 پناه دهد و مستوجب احوال او گردد و از برای او بجای پدر و مادر که صفت و شکر را تمام کند
 و باری عاید و کارهای او را مفضل شود و کسی که خرج پدر و مادر خود را بکشد و با ایشان در راه

در حدیث دیگر است که

نکته

کنند و یکی ایشان کند و این را از زاده نکند و کسی بنده خود را یا بر کسی نکند و نیست
 و تنه با او نکند و اعانت نکند و را بر فدائی که با او میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد
 با او نرساند و در حدیثی بر حضرت صادق علیه السلام منقولست که در عساکرت که اقامت است دعا
 پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نیکوکار ایشان بر فرزند می که عاقبت ایشان با او نیکوکار
 بر ظالم و دعای ظالم بر کسی که انتقام از آن ظالم بکشد و دعای مومنی که برای برادر
 مومنی دعا کند که او را برای رعایت اهل بیت شریک در مال خود ساختند پس نیکوکار
 بر کسی که برادر مومنی محتاج باشد با او قدرت داشته باشد که او را دعا بکشد و نکند
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر فرزند نیکوکاری که از او شوقی و شفقت و مهر با او
 پدر و مادرش نیکوکارند به نگاه کردنی توانایی هیچ مقبول برای او نوشته شود گفتند
 رسول الله هر چند روزی صد مرتبه نگاه کند فرمود که خدا او را بزرگوار کند و کریم است و در حدیث
 دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادت و نظر کردن بوی امام عادل عبادت
 و نظر کردن بوی پدر و مادر و نظر بانی و تحسین عبادت و نظر کردن بر روی
 برادر مومنی که از برای خدا او را دوست داری عبادت و فرمود که هر که است
 عقوبتش نه در دنیا باین کسی می رسد حقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم و کفران
 نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر فرمود که با قرین منقولست که در میان بنی اسرائیل

عادی بود که او را جریح می نامیدند و در صومعه خود پرستید مشغول عبادت بود روزی مادرش
 او آمد و او مشغول نماز بود و پیش از او پس بایر سیویم اند و او را طلب کرد و با او سخن
 گفت و مشغول نماز بود و مادر گفت که از خدای بنی اسرائیل بخواهم که ترا باین کنایه ببرد و در
 دیگران زناکاری در بنی اسرائیل بود و در صومعه او نشست و فرزند را بید و گفت
 این فرزند از جریح است بمن زنا کرد و این فرزند از او بهم رسیده و در میان بنی اسرائیل
 مشهورست که او که آن کسی که مردم را بر تاملت میکرد و باین خود زنا کرد و پادشاه
 فرمود که او را بدار کنند مادرش آمد و بر روی خود نیز جریح گفت که خواهر من
 که این بکار از نیکوکار تو متوجه من شده است چنان مردم این را شنیدند از سر آن واقعه
 پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند ما چه داریم که راست میگویند گفت که آن
 طفل را پیاوردی چون پیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیست یا مرالی طفل گفت
 آمد و گفت منم فلان کسی که شبان کو سفند آن فلان است پس از گفتن بخت
 و توبه کرد که تا زنده باشد منم و بکند از او جدا نشود و عادتش بر روی پدر و مادر
 زیاده از آنست که استیفا توان نمود **در بیان آداب مسواک کردن**
 شاذ کردن و ناخن و شارب گرفتن و ستر ترشیدن و امثال آن **فصل اول**
 در بیان فضیلت مسواک کردن در احادیث بسیار است از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مسواک

کردن از دست پوزانت و حضرت رسول صلعم فرمود که چوبیست بر لب مرا امر بمسواک
 تا آنکه ترسیدیم که دندانهایم شود یا بریزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل علیه السلام
 امر بمسواک کرد که همان کردم که بر امت من واجب است و اگر کرده و حضرت صادق علیه السلام
 که در مسواک دوازده فصل است از دست پوزان پاک کننده دندان است و جدا کننده
 چشم است و موجب شادی پروردگار است و نفی رافع میکند و حافظ را زیاده
 میکند و دندانها را سفید میکند و حشمت را زیاده میکشد و اندوختن انداختن و پوسیدن
 دندانها را میبرد و دندانها را محکم میکند و دشتهای طعام را از او میکشد و طعم را
 حشو میشود و در حدیث دیگر فرمود که آب بخین چشم را میبرد و نور چشم را زیاده
 میکند و حضرت رسول صلعم فرمود که چنان دندانهای شما را زرد میبینم که مسواک نکند
 و در حدیث دیگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرد که بر تو با و بمسواک کردن برای
 و بسند معتبر از امام موسی و امام رضا علیه السلام منقول است که سنتی است که حضرت امیر
 ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنهایی که در سر است مسواک کردن و شارب کردن
 و موی سر را در حدیث کردن که جای سجده شود و مسننه کردن یعنی آب در دهان کردن
 و گردن و استساق کردن یعنی آب ریختن کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن
 خنده کردن و پشت زدن را تراشیدن و موی زیر لبی کشیدن و ناخن گرفتن و استنجاء کردن

و در مسواک کردن

و در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و در شارب کشیدن
 سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است مویهای بدن را از ازاله
 کردن و خنده کردن و استنجاء کردن و در حضرت رسول صلعم منقول است که اگر نه این بود بر
 امت من دشوار میشد بر آید واجب میکرد و اینست که در وقت نماز مسواک بکنید
 از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نماز شب بخیزید مسواک بکنید که ملکی می آید و آن بدان
 شما میگذارد و در چه از قرآن و دعا و کلامی که بخوانید یا نماز میبرد پس باید که بدان شما
 خوشبخت باشد و علی بن حسن از برادر خود حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کرد که آیا میتوان بود کسی
 نماز شب بخیزد و بآنکست مسواک نکند و او تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که
 اگر ترسد که هیچ طالع شود یا کی نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام
 پیش از فوت مسواک کردن بسبب آنکه دندانهای حضرت بسیار ضعیف شده بود و در حضرت
 رسول صلعم منقول است که چنانچه است که حافظ را زیاده میکند و در موی بدن را میبرد و کند و بخورد
 مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از دست پوزان
 موی خوش کردن و بازمان تردی کردن و مسواک کردن و خضاب بجا کردن و در حدیث
 امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خواندن کعبه شکایت کرد بخدا از نعمتهای بدی که از آن حق تعالی
 با و وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعضی اینها جاتی موی تو خواهم فرستاد که دندانهای

و در مسواک کردن

خود را بچوب رختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلعم بهوشش جبرئیل موصواک
 خال برای آنحضرت آورد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام
 کرد از موصواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که موصواک را پیش از وضو باید کرد
 و اگر کسی فراموش کند تا وضو ببارد بعد از وضو موصواک کند پس سه مرتبه مضغه کند
 بعد از موصواک کردن و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که اگر کسی با وضو موصواک
 و بایستد نماز عظمی کند و نماز بر دامن او گذارد و اینچنین بگوید بخاطر نگاه میدارد
 و اگر موصواک نکند بگنای استیلا و قرائت شرعی نشود و از حضرت رسول صلعم منقولست
 که در رکعت نماز که با موصواک باشد بهتر است از وضو و رکعت نماز که بی موصواک باشد
 و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که موصواک کند باید که بعد از آن مضغه کند و در وضو
 دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم موصواک ابغرض خدا نهادی نماید و حضرت امام
 فرمود که موصواک کردن در وقت طهارت کند دامن ادرت و منقولست از حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام که موصواک کردن در حمام و نمازها را میریزد و فرمود که موصواک است
 مکن و در سه روز اگر چه یکبار بیدان باشد **فصل دوم** در تعقیب ستر تراشیدن و آنست
 آن از حضرت امام موسی منقولست که چه ستر است که هر که لذت او را بافت ترک نکند
 موصواک را نچسباند و جامه را کوتاه کردن و دلی کثیران و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موصواک

سر را از پنج کپک بکشد و جانوران در آن جا نمکند و گردنت کند شود و دیده بپوشد
 باید و بدست راحت باید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که من هر چه ستر تراشتم و در حدیث صحیح
 حضرت امام موسی منقولست که چون موی سر بلند شود چشمت را صیقل میدهند و نورانکم
 کم میکند و موی سر را از آن گردن دیده را جدا میدهند و در وقت ارفاقه که است که چون خواست
 سر تراشی رو بقبله کن و ابتدا کن کن از پیش سر از جانب راستی تا در استخوان
 پهلوی کوشش بند شده و در حین شروع ابتدا باید عجب بخواند بسم الله و یا الله
 علیه و آله و رسول الله صلی الله علیه و آله تسبیحاً سبباً و ما اتانا من الخیر کین
 اللهم اعطني کل شعرة نورا ساطعاً یوم القیامة چون فارغ شوی بگو اللهم
 ربی یا تقوی یا حبیبی و یا شعیب و یا شعیب معاصی و جمیع ما نکر هوا
 منی فانی لا املک لنفسی نقفاً و لا ضیاً و در وقت دیگر منقولست که در وقت
 شروع باید عجب بخواند بسم الله و یا الله و علی علیه و آله و رسول الله صلی الله علیه و آله
 اللهم اعطني کل شعرة نورا یوم القیامة و چون فارغ شوی بگو اللهم ربی
 یا تقوی یا حبیبی و یا شعیب و یا شعیب معاصی و جمیع ما نکر هوا منی فانی لا املک
 و زمانه بدانکه زنا برای ضرورتی و عذری موی سر تراشیدن حرام است
 مردان را یکی از دو چیز است یا آنکه موی سر را تراشند و این بهتر است یا آنکه موی

در وقت تراشیدن موی سر

بگذارد و تربیت کند یا انکه بگوید و شایسته موی پیش سر را در حقه کند که در میان
نه فوطا بر شود و چون در اول اسلام سر تراشیدن عظیم بود در میان عرب و غیر
امام کاسی نمی باید بکند که در نظر باقیع نماید حضرت رسول صلعم موی سر را بقدر چهار انگشت
میگذاشته و در حج عمره می تراشیدند و در حدیث بر آن حضرت رسول صلعم و آل او
که هر که موی سر را بلند بگذارد بیکو رعایت تر پیش بکند و یا از تن برود بلند نگذارد و در
حدیث وارد شده است که آن حضرت صادق م پرسیدند که آیا حضرت رسول صلعم موی
سر را در حقه میکردند و می تکافتند فرمود که آن حضرت موی سر را بلند نمیکشاده
که احتیاج باین نبود بلکه ایضا بلند میگذاشته که به نزد کوشش میرسید و هیچ
بجز آن موی سر نگاه نمیداشته و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که موی سر را بلند
و میانش را تکافت حق تعالی در قیامت باره او آتش بنکافت و در حدیثی وارد
است که حضرت رسول صلعم نمی فرمودند از آن ترنی که بحد بلوغ رسیده با و بر و تن
جمع موی سر او پیش سر را در میان سر را در اطراف سر که بترتیب و بیاورد و در
حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از کاکل کشیدن موی را و پیش
که رونق و نقش خضاب کردن فرمود که زنان بنی اسرائیل ملاک شده اند از این
موی سر را در پیش سر که میزدند و نقش خضاب میکردند و مشعل است که بر او آتش

آن باشد که تعارف است میان زنان عرب که بوزن بدت و بدن میزنند و سر و گردن
در آن میزنند بلکه گشت می مانند و احتمال دارد که نقشها خراش شامل باشد و در حدیث دیگر
منقولست که آن حضرت صادق م پرسیدند از زنی که موی بالای پیش را میبرد یا می کشد برآ
زین آنکه کیوی خود را با کیوی باقی بگذارد فرمود که با کثرت آبا موی زن دیگر بلند شود
زن دیگر را با خود تو ام من زن دو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با پیش موی جوانان با
امان زن خودش بیاورد یا کی نیست و بداند که اگر با موی جوانان چه بگذارد که بداند که گشتن
باشد و حال نماز باید که او نباشد که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه از پیش موی
باشد که پیش از این مذکور شد بر او نماز میتوان کرد **مصلح چهارم** و فضیلت شستن
یعنی موی با بلار از آن که رفتن سنت است مگر که هر چند پیش بکشد بهتر است و آن حضرت رسول
صلعم و آل او منقولست که شارب را در آن میکنند که شیطان در آن جا میکند و پنهان شود
و آن حضرت صادق م منقولست که شارب که رفتن رقع غشم و سوار میکند و از دست حرکت
رسول صلعم وارد است و آن حضرت فرمود که سنت است که رفتن موی شارب را با انگشت
بیم لب با آن حضرت صادق م شارب را بقدر یک رفتن که بیه موی رسیده و از آن حضرت
منقولست که نهی و شارب که رفتن از چوب چاشنی که امان میدهد از خود و در حدیث دیگر
وارد شده است که شخصی گفت آن حضرت عرض کرد که در حدیثی صلعم من کن که بپشت زانو

روزی من شود فرمود که شاربین را بخور و باید که در روز پنجشنبه و در حدیث دیگر از آن حضرت
منقول است که هر که شاربین را بخورد و در وقت گرفتن تسبیح الله و با الله علی
سنت رسول الله صلی علیه و آله بعد از هر روزه که از خود شاربین بریزد حق تعالی ثواب
یکصد از فرزندان اسمعیل آزاد کردن با و بدهد و چهار شود دیگر چایاری حرکت از
حضرت رسول الله صلی علیه و آله منقول است که هر که در روز شنبه و پنجشنبه شاربین را بخورد و در وقت
باید از روز دوشنبه و در حدیث دیگر فرمود که شاربین را نه بگیرد و در شاربین
بسته نموده از بهر یهودان و کفران خود را شبیه کرده اند فرمود که از این است که کسی که
شاربین را بخورد و در وقت گرفتن تسبیح الله و با الله علی سنت رسول الله صلی علیه و آله
میانه گذاشتن بسیار بزرگوار است که از قبیل کشتن کرده است و احتمال فرستادن
و شاربین را بخورد که تر است شاربین را بخورد اما در وقت گرفتن تسبیح الله و با الله علی
جایز است و احوط آنست که اصلاح شد که شبیه تر است شاربین را بخورد و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که اگر از شاربین که یکصد بزرگوار باشد در وقت گرفتن تسبیح الله و با الله علی
و دیگر منقول است که دست بر شاربین بگذارد و از قبیل کشتن کرده است و احتمال فرستادن
که گفته ایم مصححی اصلاح شاربین حضرت امام محمد باقر علیه السلام میگرد و حضرت باقر فرمود که شاربین
نه در کفن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی علیه و آله شاربین را بخورد و در وقت

داشت فرمود که چندی شد که این مرد در شاربین خود را با صلاح می خورد چون این جنبه رسید
در شاربین ایستاد کرد و بخدمت آنحضرت آمد فرمود که چنین کنید در شاربین او در حدیث شاربین
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که اگر از شاربین بخورد و از قبیل کشتن کرده است و احتمال فرستادن
حدیث دیگر منقول است که آنحضرت در شاربین ایستاد کرد و بخدمت آنحضرت آمد فرمود که چنین کنید در شاربین او در حدیث شاربین
امام موسی علیه السلام پرسید که از روی شاربین میتوان گفت حضرت فرمود که از عارفی یعنی پهلوانی
و از شاربین دونه و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در زمان پیش کردی
بود که در شاربین ایستاد کرد و بخدمت آنحضرت آمد فرمود که چنین کنید در شاربین او در حدیث شاربین
امام علیه السلام منقول است که چون حق تعالی تو بخدمت آدم را قبول نمود سبزه که در حدیث شاربین
سرسر داشت و با آسمان که گفت پروردگار احسن و جمل را زیاده کرد و آن بعد از آن شاربین
بسیار باری بر ویش روید و بیشتر شاربین نه است گفت پروردگار این چیست با و می رسد
که این زمین است از تو و مردان فرزندان تو است تا روز قیامت **فصل ششم** در شاربین
موسی علیه السلام حکم کردن آن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که پیش از زمان حضرت ابراهیم
موسی علیه السلام در سر ویش بهم نمیرسید پس هرگاه کسی شاربین را بخورد و فرزندانش در آن مجلس
حاضر بودند میان پدر و فرزندان فرقی نمیگذاشتند و می پرسیدند که کدام یک پدر است
پس چون زمان حضرت ابراهیم شد دعا کرد که خداوند ابراهیم را برای موسی علیه السلام قرار دهد که از

فرزندان خود و منکران خود را بر سر و بر پیش آنحضرت سفید شد و آنحضرت صادق و مظلوم است که
اول کسی که موی سفید را بجا من او بهم رسید حضرت بر او بهم بود نظر کرد موی سفید و بر سر خود
بید گفت پروردگار را این چه پارت خطا رسید که این باعث و قار آدمی است گفت پرورد
گار او قار مرا زیاد کرد آن و آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول که چون حضرت ابراهیم
سفید را بجا من خود بید گفت که و سپاسم خداوند بر آنراست که مرا این حسن رسانید
که در یک چشم زدن معصیت او نکرده ام و آنحضرت امیر المؤمنین منقول که موی سفید را بکنید
که آن نور مسلمانان است هر که یک موی سفید را بر پیش او پیدا شود در اسلام نوری پدید آید
و آنحضرت صادق منقول که کسی که خداوند عالمیان در روز قیامت با او بیست
تمکویه و نظارت نمیکند و اعمال ایشان را نمی پسندد و برای ایشان خدا اب الیم میباید که
موی سفید خود را بکند و کسی که با دست خود بازی کند که او را نمی بایاید یا جانی باشد
و کسی که ویران با او نوازش کند و در نیست که این حدیث منقول بان با ششم بر آن حدیث
موی سفید خود را بکند زیرا که در حدیث صحیح آنحضرت صادق منقول که با کسی که موی
سفید را بر بدن و کند آن اما بر بدنش را دوست تر در دم از کند و در حدیث دیگر
هم دارد شده است از آنحضرت که کند و بر بدن او دو با کفایت و در حدیث دیگر منقول
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر بدن موی سفید میفرمود اما کند آنرا بشش ماه که و در حدیث

و آنحضرت امام رضا منقول که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که موی سفید را بر سر
و در عارضها علامت خاوت و جو انداخت و در جای زلف علامت شجاعت و در پشت
سرشوم است و ظاهر امر او از ابتدای سفید شدن است **فصل هفتم** در کندن موی
و باری کردن باریش و در حدیثی بر آنحضرت رسول صلعم منقول که باید هر کس که شارب
موی بینی خود را بکند و به احوالی بدن خود به بر و از زکاتها باعث زیادتى جمال او
و آنحضرت صادق علیه السلام منقول که موی بینی را گرفتن رو را بکند و آنحضرت امام
موسی منقول که چهار چیز است که از سواش شیطان است کل خوردن و کلر آب
ریزه کردن و ناخن زدن آن گرفتن و ریش را جاسیدن و آنحضرت صادق علیه السلام
که بسیار است بر ریش گذار که رو را معیوب بد نما میکند **فصل هشتم** در نیستن
گرفتن آنحضرت رسول صلعم منقول که ناخن گرفتن در فقر بزرگ مانع میکند و در فقر
میکرد آن و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهترین امر فرمودند بناخن گرفتن که چون
شیطان در اینجا بکند و مو را تراش و مویشیت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که ست دندان
ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقول که حضرت رسول صلعم مردان را امر فرمود که ناخن را از
سر بکنند و نه تراش فرمود که اندکی بلند تر بکند از حدیث شلالت و در حدیث دیگر دارد
شده است که چنانچه آن حضرت رسول صلعم را از آنرا زایل شده از سبب آن بر سینه فرمود که چنانچه

ازین باینست و حال آنکه ناخن نمیکرد و در آنکشتان خود را از آن نمیکند **فصل**
فصل در بیان ادب اوقات ناخن گرفتن منقول است که حضرت رسول ص و امام
فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث حسن از حضرت صادق م منقول است که ناخن
گرفتن در روز جمعه ایمن میکردند از خوزه و پست و کوری و اگر احتیاج میکردن نه اشتباه
بسی که از آن ریزد تا بریزد و در چند حدیث دیگر فرمود که در هر جمعه که شارب ناخن بگیرد بگوید
بسم الله یا ربنا یا جمیع و دیگر و در حدیث دیگر و در حدیث دیگر که ناخن و شارب گرفتن بسم الله
بسم الله شستن در هر جمعه فقر را برطرف میکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث دیگر منقول است
که با حضرت عمری کردند که خبر عارضه است که تعقیب بخون بعد از نماز صبح
طلوع آفتاب نافع است برای زیاده ای روزی از سفر کردن بشهر یا حضرت فرمود که خوا
هید شما را تعلیم کنم چیزی که از آن نافع تر باشد باید که ناخن و شارب بگیرد و در هر جمعه که
بایستن باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شد که از آن چشم داشتند
که بنوعی چیزی بود تعلیم کنم که از این از اخلاصی بایی و هر که در چشم نه می گفتند فرمود
در چشم نه ناخن بگیرد و شخصی چنان کرد که در چشم نه دید و از حضرت امام علیه السلام فرمود
که هر که بدین مداومت نماید هر که در چشم نه بیند و در حدیث دیگر و در حدیث دیگر که چنان
سرخ باشد با انگشت کوچک و چپ بکشد و از چپ بگیرد و با انگشت کوچک دست راست بکشد

2
و در حدیث دیگر و در حدیث دیگر که هر که در روز چهارشنبه ناخن بگیرد ابتدا کند بکشد
کوچک دست راست و ختم کند با انگشت کوچک و چپ او را امان میدهند از در چشم و در
روایت دیگر و در حدیث دیگر که در روز چهارشنبه ابتدا کند ناخن انگشت کوچک دست راست
و با انگشت همین بگیرد و پس ابتدا کند با انگشت کوچک و چپ و تا انگشت همین بگیرد و امان
از در چشم و در حدیث دیگر که اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا با انگشت دست چپ کرد و پس
و اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا در دست با انگشت کوچک آن دست ابتدا کند و اگر در روز
جمعه یا سایر روزها بگیرد ابتدا با انگشت کوچک دست چپ بکشد خوبست چنانکه علی بن بابویه
است و در حدیث دیگر منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز چهارشنبه بگیرد و بکشد ناخن
بکشد و در روز جمعه بگیرد و پیرانی را از او زیاده کرد و از حضرت امام رضا علیه السلام
که هر که ناخن را در روز جمعه بگیرد حق تعالی در دمار او شتر انگشتان او بیرون کند و در حدیث
آنها نقل کند که در روز چهارشنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد از در دندان و در چشم
عاقبت باید و از حضرت میر المومنین م منقول است که ناخن را در روز جمعه گرفتن هر روز
بر طرف میکند و در روز چهارشنبه گرفتن روزی را فراخ میکند و در حدیث دیگر منقول است که بکشد
امام موسی در عرض کردند که صحابا میگویند که ابتدا ناخن را در روز جمعه باید گرفت و فرمود
که اگر خواهی در جمعه بگیرد اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر در روزهای دیگر در روزهای دیگر

کردن است پیش از نماز و در حدیث دیگر نیز در نماز واجب است و در حدیث دیگر فرمود
 که هرگاه در شش اشانه کشتی شانه را بر سینه خود بکشد که اندوه و پمار بر او میزد
 صادق و منقول است که هر که در شش خود را بکشد و نوبت شانه کند و بشاره یکی که شیان
 تا چهل روز نزدیک او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که در تمام شانه نکن که مود را نکند
 و در حدیث دیگر فرمود که کسی اراده شانه کردن داشته باشد باید که در شش راست و چپ
 حالی که شسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش از شانه کند و بگوید اللهم
 شری و مبتی و طیبها و اصراف علی الوباء پس عقب سر را شانه کند و بگوید اللهم
 لا ترونی علی عقبی و اصراف علی کبد الشیطان و لا تمکن من فوادی و یوفی
 علی عقبی پس بر دارا شانه کند و بگوید اللهم من یجی بر نیت العبدی پس بر شانه از
 طرف بالا شانه کند و شانه را بر سر نهاده و بگوید اللهم متح عینی الغم و الهموم
 و وحشة الصدور و وسوسة الشیطان پس از پایین در شش بطرف بالا شانه کند
 کند و سوره انا انزلنا بحوانه و در روایت دیگر آورده شده است که هر که در شش
 شانه کنی از زیر شش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره و العادیا فبحوانه پس بگوید اللهم
 متح ما فرود و از حضرت امام رضا منقول است که هر که شانه را به دست راست و چپ
 و سینه بکشد و روی نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی منقول است که اگر شانه را
 با عتد

باعث ضعف و کسالت شود و شانه کن که از آنوی میکند و در حدیث دیگر آورده شده است
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمودند و میبایند و در حدیث دیگر آورده شده است که اگر
 شانه کردن در شش شانه که این دعا بخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد و البقی
 فی خلقک و تر منید فی عبادک و حسن شعری و بشری و لا تنینی بالنفاق و لا
 تنفی الهمایه بین بریتک و احمد من عبادک یا ارحم الراحمین و از حضرت صادق
 منقول است که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض شود و از حضرت امیر المؤمنین منقول
 است که اگر شانه کردن باعث قنوت و پریشانی میشود و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله از طرف بایست چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میفرمودی
 و فرمودند که روزی برآید میگذرد و بغم را قطع میکند و از قاسم بن دینار منقول است که هر که
 صادق و بر سینه از آنرو من دان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود که بایک نیت و از
 حسن بن عامر منقول است که بخدشت حضرت امام موسی عرفتیم دیدیم که حضرت شانه استخوان
 فیل در دست دارند و بان شانه میکنند گفتند ای نو شوم جاعتی و در عراق شنیده شانه
 کردن از استخوان فیل را حلال نموده فرمود که چه ایراد پریم بکشتن یا دوشانه از استخوان
 و آنکه پس فرمود که شانه کشیدن استخوان فیل که شب میبرد و در احادیث بسیار وارد
 شده است که آنکه از استخوان فیل شانه میفرمودند و در روایتی از حضرت صادق منقول است

کوتب ز توره و توره نشان شاد کردن مکرر است **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن
 و کل بوییدن و روغن مالیدن **فصل اول** در سیبب شدن بویهای خوش در زمین
 حدیث منبر از حضرت صادق علیه السلام نقل است که چون آدم و حوا از بهشت زمین آمدند حضرت آدم هرگاه میخواست
 و خواب کرد و مرد و حضرت حوا چون بخت کرد که خود را از بوی خوش بجا نشاند که از بهشت چون زمین آمد
 گفت چه امید داشته باشم از شطری که در بهشت کرده ام و حال آنکه اهل آنجا از من خوشتر است که بوی
 خود را کشیده آن بوی خوش که از گیاههای آنجا فرو ریخته بود و بوی خوشی که از زمین بلند میشد
 سبب آن بویهای خوش میگردید و در حدیث دیگر از آن حضرت نقل است که چون حضرت آدم از آن
 درخت که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامه های زیوراتی بهشت را و فرو ریخت پس
 بر که از برگهای بهشت گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون زمین آمد بوی خوشی
 آن برگها بلند رسانید و چنان و گیاههای آنجا خوشبو گردانید و باین سبب که بوی خوش بود
 باشد و اول جانوری که از آن برگ بهشت آید خورد آن بوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی
 خوش و در گوشت جاری شده تا که جمع شده و بوی خوش از آن مشک به سید **فصل**
دوم در کیفیت آداب بوی خوش را حدیث منبر آورده شده است که عطر و بوی خوش کردن
 از جمله اخلاق پسندیده پیغمبر است و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که بوی خوش را قوی میکند و دوست
 جامع رای افزاید و در حدیث منبر از حضرت امام رضا علیه السلام نقل است که سزاوارت مرد را که ترک کند بوی خوش را

در روز و اگر قادر نباشد بکردن در میان و اگر قادر نباشد در هر چه ابر تر نکند این را و از حضرت
 امیر المؤمنین علیه السلام نقل است که بوی خوشی را که بوی بسیار است از اخلاق پیغمبر است و اگر امید داشتن ملائکه
 است که اعمال آدم را میپسندد و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که هر که در اول روز بوی خوش بخورد
 بالاد باشد و بوی خوش او باقی بماند و هر که نماز کند بوی خوش داشته باشد بهر است از بهشت و نماز که بوی
 خوش باشد و فرمود که پیغمبر است که خدا به پیغمبران داده است بوی خوشی در زمان و مساوی و در حدیث
 دیگر فرمود که نام است بر هر بالی که در بهشت رفتن بکرد و چیزی از بوی خوش بخورد ببرد
 و حضرت رسول ص علیه السلام چون روزی میرسد بوی خوش نزد آن حضرت نبود و پاک از زنان می
 که بوی خوش داشته باشد و تر میگردند و بر روی مبارک خود می مالیدند و در حدیث دیگر از آن حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام بر روایتی که سید میگردند از آن می شناخته اند و متواتر از بوی خوش آن حضرت و حدیث
 رسول ص علیه السلام میفرمودند که هر کس که بوی خوش را بکرد و در میان خود را خوش بکند و در هر چه ابر تر نکند این را و از حضرت
 که در بهشت خود را خوش بکند که اگر بوی خوش زنانه باشد روزی عثمان بن طلحه بن ابی جهل از آن حضرت
 عرض کرد که میخواهم بوی خوش و چیزی چند را از آن حضرت بکنم حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکن
 ملائکه بوی خوش مؤمن را میپسندد و در روز و هر چه ابر تر نکند این را و از حضرت رسول ص علیه السلام
 نیست و حدیث دیگر از آن حضرت که هر که بوی خوش را بکرد و در میان خود را خوش بکند و در هر چه ابر تر نکند این را و از حضرت
 بوی خوش زنانه باید که رنگش ظاهر و بوی خوشی باشد و بوی خوش مردانه باید که بوی خوشی باشد

بر آن نهند و در روز دیکر و ارشد است که شب صبح در بدن نگذارند و در وقت که این نهند
 باشد که نکند بدن بسیار مانده **فصل پنجم** در فضیلت غایب سبده منقول است که حق بن
 عمار مجذبه حضرت صادق علیه السلام کرد که من با تجار سود میکنم و غایب با خود میام که مرا فقیرانه نشود
 فرمود که غایب را کم و بسیارش مساویست کسی که اندکی غایب گاه بخود مالدار کافیت و در آنوقت
 که من بخود حضرت عمل کردم و شاه درم مخیریم و تمام سال جان خوشموشم و در آنوقت
 منم که حضرت علی بن ابی طالب سلام شب از خانه بیرون آمدم و خبری در میان پوینده بود
 و رئیس خود را بغایب خوشم کرد و بودند پرسیدند که یا حضرت را این شب باین هیأت بر چه بیرون
 آمد فرمود که بخوانم عباد کثرت و حوران بهشت را از خدا خواست کاری نمایم یعنی برای
 عبادت یافت و بوی خوش کردن است است و در حدیث منقول است که حضرت امام رضا
 فرمود که روغن برای آنحضرت بجل آوردند که در آن مشک بسیار داخل کردند فرمودند که کاف
 آید که در سوره حمد و معوذتین و آیه چند از آیات حفظ نوشته اند و در میان شب که روغن بود
 که انشد و بپوشد بر پیش خود میمالیدند و در وقت دیگر منقول است که حضرت امام رضا فرمود
 که روغن را با مشک برای آنحضرت بجل آوردند و به مقداری هم بر آن فضل پس در روز
 بجز آنوقت که مردم شمارا میکنند حضرت در جواب نوشت که مگر غایب آنکه بپوشد و بپوشد
 و جاده بسیار با فیه پوشید و بر سر سینه طایفه نوشتند و اینها از حکایت حضرت است که در حدیث

فرمود که غایب نشود چهار روز در هم **فصل ششم** در فضیلت وادار روغن بر بدن بکار
 از حضرت امیر المؤمنین منقول است که روغن بشیره را نرم میکند و باغ را زیاده میکند و باغ
 آب را در بدن آسان میکند و شونت جلد و بد حالی و تنگی روز را بر طرف میکند و در وقت
 میکند و از حضرت صادق منقول است که روغن تو آنکه بر ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود
 که تقرا را زیاده میکند و از حضرت امام محمد باقر منقول است که در شب روغن را مالیدن در برق
 بدن جاری میشود و بشیره را سیر میکند و در روغن سفید میکند و در روغن دیگر فرمود که هر موی که
 روغن مال حق تعالی بعد از هر موی موی نویسد که در قیامت او عطا فرماید و از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است که روغن را بر کف دست خود بزنید و بگوید اللهم انی استسئلت
 الذین والوینة والمحبنة واعوذ بک من الشین والشان والمقت بر کف ایضا
 بکند و در آنجا ابتدا کند روغن مالیدن و در روز است دیگر و ارشد است که چون
 روغن را بر کف بزنید بگوید اللهم انی استسئلت الذین والوینة واعوذ بک من الشین
 والشان فی الدنیا والاخرة و در حدیث نبوی و ارشد است که او است بر روغن
 مالیدن و در روز و در روز دیگر و ارشد است که در ماهی یکبار مالیده و ده یکبار باده و در تیر
 اما زمانه را روز مالیدن نیست **فصل هفتم** در فوائد روغن سفید و در حدیث حسن است
 صدوق منقول است که روغن سفید سید و بهرین روغنهای شام است و در حدیث دیگر فرمود که

که گاه قادر بر همه ای خود را بدو خوشبو برارد و از حضرت امام رضا مردم بسیار بود
بخور نشینند و ملازم رویت کرده است که با حضرت امام موسی مرکام رفیق دیمیم که چون
حضرت پیرون آمد از رخت کن عود نو طلبیدند و خود را خوشبو کردند پس فرمود که ملازم
من خوشبو کنید و در روایت دیگر دارد شده است که چون زمان حضرت امام موسی می شد
که بخور کنند اول بگفتند از خرمای صحابی که نوعیت از خرمای مدینه میکردند و خرمای
آنها را از آن جدا نمیکردند و در آتش می انداختند چون اندکی دو میکرد بعد از آن بوی
می انداختند و جامه را برنج میداشتند که این باعث خوشبویی میشود و از حضرت صادق علیه السلام
که عود خالص بویش بر بدن چهل روز میماند و عودی که بوی خوش دیگر برود و به خوشبویی
ناچست و میماند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام عود خالص می بخور میکردند
بعد از آن که بابت شک خود میمالیدند و در روایت دیگر دارد شده است که حضرت رسول صلوات
قداری بخور میکردند و در حدیث دیگر از حضرت منقول است که بر شما باد عود مدنی که در آن
صفت نوع از شفاست و در روایت دیگر منقول است که محمد که بر او هر روز و در روز جمعه
که شمشیر از او می افتاد و جامه را بشیر میپوشیدند و بخور میزدند و بخور از آن روز و از آنست که بخور میزدند
گفته اند جامه را بشیر میپوشیدند و بخور میزدند و بخور از آن روز و از آنست که بخور میزدند
در وقت بخور کردن میفرمودند اللهم انزلنا من السماء طوبی

عرقنا و زک رو بخیر و احسن تغلبنا و اجعل القوی را و نا و الحجة معا و نا و لا تفرق
بیننا و بین عاقبتنا یا نا و کریمنا لنا انک علی کل شیء قییر و در روایت دیگر منقول
که در وقت بخور کردن میفرمودند اللهم انزلنا من السماء طوبی و لا تفرق
خولتنا و اجعل الله قهر و لا تجعل و بالا علی اللهم طوبی که یزید بن حلفه کما
طوبی شری و شوری و شوری افضل نعمت عندی فصل باره هم
در بیان فضل کتاب کل سنخ و انواع کلمات حضرت رسول ص و در منقول است که کتاب بر
برنجین آبر و راز میزند و پیریش را بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کتاب بر او مال
بد حال و پیریش را بر او رسد و چون کتاب بر او دستمالا الله خدا کند و صلوات بر محمد و آل
برساند از حضرت صادق منقول است که هر که در روز اول ماه رمضان یک کف کتاب بر او بریزد
آن روز را بوی کرده از خاری و پیریشی و هر که در روز شنبه یک کف کتاب بر او بریزد آن سال
بر او سلام و ذات الحطب ایمن کرده و بر شمشیر از حضرت امیر المؤمنین منقول است که حضرت رسول
صلوات علیه و آله هر روز از کل سنخ پر کرده و بمن عطا فرمودند چون بزرگیکش نام خود بر دم
فرمودند که این بهترین کلمات است بعد از کل مورد و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص و در
منقول است که چون مراد باستان بر دوازده عرق من چند قطره بر بن ریخت و کل سنخ از آن روید پس آن
کل را با افتاد با خور است که بر دوازده عود که کریمیت در میان آب سیرانی دارد و دوم بار یک

در حدیث دیگر

در ناری دارد و خواست که بر دور در میان ایشان نزاع شد پس متشاکل را در نشاند
در میان محاکمه کرد نصف را جای نصف را بجموع او و باین سبب پنج هر که بر کوه زبر
کل پیش و تا بشکل دم ما نیست که در سر پیر برده و دو تا بشکل دم عوس بر یکت و از
جج حرف پیری که یک طرف پیر از دو طرف دیگر دارد که نصفش مثل دم ما نیست و نصفش
دم عوس است و در دست هر حقول که چون اکثر از اجماع هر دو زمین از زمین اکثر
عروق شایان سبب یک را آن روئید پس چون برگشته زمین شد و کل سرخ در آن روئید
که یک طرف از آن اکثر را استقام غایب کلسه خراب بویید و در دو واحد بر آن طرف عمارت دارد
شده است و کل آن در آن طرف است و در سبب راج و کلسه از عروق حیریل و کل در آن عروق
براق و در روایتی دارد شده است که بوییدن نرگس و در نرگس اما بوییدن نرگس بویید
و در چون حضرت ابراهیم را در نرگس انداختند از آن روز نرگس در میان مردم بهم رسید
از حضرت امام موسی ع منقولست که حضرت رسول ص را در نرگس و آن روز که نرگس در نرگس
زیر عرش میروید و نرگس باعث شفاعت چشم است و در روایتی که منقولست که سید بر نرگس
که در نرگس ای انفراد و از حضرت صادق ع منقولست که کل بیت و یکنوعت و یکنوعت
عوز است **فصل دوازدهم** در آن که کل بوییدن در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
در حدیثی که از حضرت رسول ص آمده و آنکه در نرگس منقولست که هر که کلی بر شام بویید و بویید

خود بکارد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و هنوز بر زمین نماند است بشاید که کنان شما نماند
شود و از حضرت امام امام علی القلی ع منقولست که هر که کلی بویید و بر دیوار گذارنده صلوات بخند
و آل و آنکه بر سر است متعلقا برای او حشا بقدر یکسایان عاج که در دامن کوه و شام و عراق
کشته است بویید و از کنان او بویید و هر یک که آن پایان بویید **باب هفتم**
در او است تمام رفتن و سر و بدن شستن و در او کشیدن و او را بعضی از خصال **فصل**
اول در نرگس تمام منقولست که عمر گفت به خواند است تمام عورت را ظاهر میکند و پرده را میزد
میدرد و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که نیکو خواند است تمام چشم را بپا و آدمی آورد و چرا
از بین برود و از حضرت امام موسی ع منقولست که تمام بوییدن در میان کوشش بر نرگس بویید
و در روز رفتن پیر کرد و مار میگذارد و به نرگس میگذارد و از نرگس منقولست که گفت تا نرگس
تا آنکه کوشش تبیل رفت بخت حضرت امام رضا ع فرمود که میخواید کوشش تبیل است که در
کوشش تبیل فرمود که بوییدن در میان تمام رو که کوشش تبیل عود میکند و زیاده هر روز و در کوشش
مردم سلی میشود و در حدیثی که فرمود که هر که میخواید که فریب شود و بوییدن در تمام برود و بوییدن
نرود و کوشش تبیل فرموده شد و خواهد که نرگس شود هر روز تمام رود و از حضرت امام
محمد ع منقولست که بهترین دوا برای شام حقه و حجامت کردن و دوا در چرخ کشیدن و تمام
است در روایتی که در او است که دوا برای تبسم تمام است و در حدیثی که در او است که

که در کمال ایمان بخدا و برز قیامت در دایره زشتی انجام نبرد و علما و اولی کرده اند و بدو
اصل آنکه در بلادیت که آن بلاد اعتبار کری هوا احتیاج ندارد زن انجام رفتن را و بیم آنکه
مراد آنست که زن خود را هفت دهد که برای سب در سر کردن انجام برود **فصل دوم**
در ادب داخل شدن و بیرون آمدن و دعا که باید خواند و در احادیث بسیار آمده است
است که هر که ایمان بخدا و برز قیامت دارد باید که بی لشک داخل حمام نشود و از حضرت صادق
منقولست که هر که بالش داخل شود حق تعالی کنایان او را در پردهستر پوشاند و در حدیث دیگر
فرموده که هر که داخل شود و دیده خود را از نظر کردن بجهت دیگران بپوشاند حقیقی او را
از چشم تنبیه این کرده اند و حضرت رسول ص و آلش فرموده غسل کردن در زیر آسمان بی
لنگ و از داخل نهنگی لنگ و از حضرت صادق منقولست که داخل حمام شود مگر بعد از آنکه اندک
چیزی در معده نباشد که حرارت معده را از او فرو نشاند و این شش ساعت قوت است
و داخل حمام شود و وقتی که معده پر از طعام باشد و در حدیث دیگر منقولست که هرگاه آنحضرت را
حمام رفتن میکردند اندک شش ساعت اول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که شستن انجام
رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه اندک چیزی خوردن بهتر است که صفرا را فرو نشاند و حرارت
اندرون را ساکن کردند و در روایت دیگر فرمود که حمام رفتن شستن بهتر است
و بعد از آن چیزی خوردن سفرا و سودا را پاک میکند و فرمود که اگر خواهی که گوشت بپزد

بعد از خوردن انجام برود اگر خواهی که گوشت بپزد کم باشد شستن انجام برود و بیشتر
از حضرت صادق منقولست که در وقتی که در رخت کن حمام جامه را از خود میکنی بگو اللهم
استخرج عني ريقه التفاح و يقيني على الايمان پس چون داخل توان اول حمام شوی بگو
اللهم اني اعوذ بك من شدة غشي واستغيد بك من اذاه و چون داخل حمام دوم شوی
بگو اللهم اذهب عني الرجس الخس و طهر جسدي و قلبي و دیگر از آب گرم بپسریزد
و بعد از آن بر پا بریزد اگر توانی چیزی از آن بخور که برای بول را پاک میکند و در خانه دوم شستن
مگر کن پس چون داخل خواند شستن شوی بگو **عود بالله من النار و سئله الجنة** مگر این
بگو انما علم بیرون آمدن از خانه گرم زینهار که آب سرد و خمر بزه و حمام بخورد
فایستد و آب سرد بر خود بریزد که بدتر از صغیف میکند چون از حمام بیرون آیی آب سرد
پا بریزد که درد را از بدن میکشد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم العینی
التقوی و جنبی و ابرس چون اینها را گفتی کردی از همه بلا و در آیه این شوی از
حضرت امیر المومنین منقولست که چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر تو را بگو
بتوطأ حمامك و جمدك و جواب بگو اللهم الله بالک و در روایت دیگر وارد
شده است حضرت امام حسن از حمام بیرون آمدن شخصی با حضرت گفت طاب حمامك
حضرت پاسخ کرد گفت طاب حمامك باز او را منع کردند پس گفت طاب حمامك باز او

منع کرده اند پس بگویم فرمود که بگو طالب علم من است و طالب من است یعنی خدا یا طیب
یا کرمه و نیکو کرد و اندکی نسبت معصیت کند آن و توفیق طاعات آنچه پادشاه است و تمام انصاف
بدن تو پاک کرد و اندک از لوث کند آن و جهالت و ضلالت آنچه نیکوست و پاکیزه است از لوث گناه
دل و نفس و عقل و سایر قوی و انصاف شریف باشد و در روایت دیگر منقول است که کسی که از تمام بدن
ایستاده بگوید اللهم اغفر لی او را جزا بکشد و بگوید که الله و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه از
تمام بدن ایستاده بر سر بیدارید و فرمود که بعد از پیردن آمدن از تمام پا را بشوید که در
شقیقه را زایل میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه از تمام
بدن ایستاده و در نماز است و تمام بدن را بشوید و میفرمودند که امان است از درد و سردی و گرمی
و یکبار در گذشته که چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غلبه کند آب سرد بر خود ریزد
تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی علیه السلام روایت شده که در روز چهارشنبه حمام مروید **مصل**
سیم در چاه آنچه در حمام نباید کرد و آنچه خوبتر از شستن منقول است از حضرت صادق علیه السلام که هرگز نباید
با صابون نمودند که در حمام بر پشت نخوابید که به کرد ما را میگرداند و سفال و اجبر صابون را که گوش
خوفاست و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با صابون حمام نرود که نظر کند به عورت او و فرمود
که بیرون رود و در اجابت فریست که نظر کند به عورت فرزند آن خود و فرزند آنرا اجابت فریست که نگاه کند
به عورت پدر و مادر و فرمود که حضرت رسول صلعم لعنت فرمود کسی را که نگاه به عورت دیگری کند

و تمام بدن را شست و هر که دیگران به عورت او نگاه کنند و در حدیث دیگر فرمود که به پهلوی و ران
و تمام که به کرد را از این بکشند و به ران او نمیکند و در حمام شستن مکن که موسی را شست میکند و ستر
یکل مشوی که غیرت را اجبرد و سفال بر بدن مال که مورث میست و لنگ بر وی مال که
اجبرد و پیرد و این بابویه علیه السلام فرمود که کل مصر و سفال شام مرا دست و در حدیث شیخ
منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام کردن و حمام فرمود
که بکفایت و در روایت حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام که آیا
امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود حضرت فرمود که وقتی میفرمود که عربان باشند پس اگر لنگ باشد بکفایت
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از تمام پاکی نیست که قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد و شستن
و در حدیث دیگر منقول است که روزی از حضرت میفرمودند که حمام بروند عجمی گفت که میفرمودی حمام
برای شستن منقول است که حضرت فرمود که اگر غایت مؤمن کارش از آن سبک تر باشد که حمام
برای او فرق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که هر که در حمام سفالی بر بدن خود نمالد
با و برسد طاعت کند مگر خود را و در حدیث مشوق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زینب در حمام
به پهلوی خود آب به کرد ما را از این بکشند و بر پشت خود آب که در داند ران بهم میرسد و شستن مکن
که تو میرا میریزد و مگر مکن که داند آنها را میریزد و سر را بکل مشوی که بر او آب نمالد و بکشد
برود و ستر مال که کبر و بر و کفایت را با سفال مال که باعث شستن میشود و از آنی که در حدیثها

کوچک و نامهای بسیار جمع میشود و غرض مردم غسل کن کردن است و بعد از آن و اگر دشمن
 با اهل بیت که از همه بهتر است جمع میشود و خدا خلقی از سبک خصلت خلق نموده است کسی که عداوت
 با اهل بیت دارد از سبک خصلت است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بول کردن
 در عظام باعث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که با کسی نیست که در پاکیزه نشستن
 حاتم برود اما باید که لشکر بسته نباشد و مانند فرات برهنه نباشد که نظرها بویست بگردانند
 و در روایتی وارد شده است که در عظام سلام نکنند و آن در صورتی که لشکر بسته نباشد زیرا
 که در احادیث بسیار وارد شده است که اگر در عظام سلام کرده اند مجرمند **فصل چهارم** در فضیلت
 نشستن سر و بدن و دفع بویهای بدن از خود کردن از حضرت رسول ص علیه و آله منقول است
 که کافیت آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که حاجت بپوشد باید که پاکیزه باشد
 و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نشستن سر هر چه که بپوشد و از آن پیشتر دفع میکند و پاکیزه
 از برای نماز میشود و فرمود که خود را پاکیزه کند باریک بویهای بدن که مردم متقاضی میشوند
 و در باب اصلاح بدن خود باشد برستی که خدا دشمن میدارد و بدعا نشسته که کسوف و کسوف و کسوف
 که به پهلوی هر که نشیند از او متقاضی شود و فرمود که اگر آب بوی خوش خود کرد و آینه و از حضرت
 امام رضا منقول است که حق تعالی غضب نموده بر کسی که بوی خوش خود را در حق تعالی
 و راضی نشدند این را از آن حضرت سر بردن کرد و از حضرت رسول ص علیه و آله منقول است که سر را پاک

معر شوی و از کوزه که در محراب نشاند آب بخورید که خاری و دلت می آرد و غیر آنرا بپوشد
 از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست نیکو دارم که سر خود را با گل معر شویم از آن حضرت
 دلیل گرداند و غیرت مرا ببرد و از حاجت منقول است که شکایت کرد از حضرت امام محمد باقر
 از آنکه کسی در سرمه هست بسیار میریزد و جلد مرا چرک میکند فرمود که مورد پاکیزه
 و آب را پاکیزه بپوشد که اگر شراب بپوشد با آب بسیار بشوید و در هم زن اینقدر که کف
 کند پس سر را بشوید با آن بقیه تمام مال و بشوی پس بر دوش شیر تازه سر و بشوید
 چرب کن که آن علت زایل میشود **فصل پنجم** در فضیلت نشستن سر با سدر و خطمی
 حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ناخن و شراب گرفتن و سر را با خطمی نشستن
 خود در دوش شیر آب بپوشد و در حدیث موقوف دیگر فرمود که نشستن سر با سدر و خطمی در
 هر چه امان میدهد بر آن پیش و بوی آنکی و در حدیث دیگر فرمود که نشستن سر را با خطمی دل را
 می کشد و سودا و دوده را بر طرف میکند و در حدیث موقوف دیگر از حضرت امام محمد باقر
 منقول است که نشستن سر با سدر و خطمی روزی را زیاد میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
 که چون حق تعالی رسول اسلام را بر فرمود که اسلام را ظاهر گردانند آن حضرت کی مسلمان
 و بسیاری که با آنرا از یمنین شده حق تعالی حضرت را با یک برکت سدر از دشت سدر
 المستقر است و که سر را با آن بشوید پس آن شست اندوه آن حضرت برطرف شد و در حدیث

دفع سرخس و
 دود

سدر

دفع سرخس و
 دود

و در حدیث شریف از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شستن بر باطنی همان میوه هزار درخت است
میگوید انداز پیشانی و سر را پاک میکند انداز گری و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله سر خود را با سدی شستند و میفرمودند که بنشینید سر خود را با برکت
که در ملک مقرب و پیغمبر مسل او را پاک میاید کرده است و هر که سرش را با آن بشوید حق تعالی
و سر شیطان را بمشاده درازا و دور گرداند و هر که مشا و در و سر شیطان را از او
دور شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت میشود و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقول است که شستن بر باطنی هر یک سر و جان را از آبر و طریقی میکند **فصل ششم** در
نصیحت دار و کشیدن و در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که دار و کشیدن
پاک کننده بدن است و در حدیث شیخ منقول است که عبد الرحمن بن ابی عبد الله گفت یا حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بجام رقیم فرمود که دار و بکش گفتیم که چه روزی است که دار و کشیدم
فرمود که دیگر بکش که او پاک کننده بدن است و بر بنفخون چند حدیث وارد شده است
و در حدیث دیگر منقول است که شیخ را حضرت تکلیف دارد کشیدن کرد و او گفت که روزی
که کشیده ام فرمود که باز بکش که پاک کننده بدن است و در حدیث امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که موسی
بر سر از خود باندازید که بنفش است و در حدیث شیخ از آن حضرت منقول است که موسی
چون بند شد و آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بود و بنی آید و بنده را است میکند و ضعف

فصل
در حدیث

علاء بن

و خبیثی آورد و نور کشیدن آب پیش از یاد میکند و بدین را قوی میکند و بگردان را یاد میکند
و در حدیث امام جعفر منقول است که چهار چیز است که از اخلاقی شریفان است بوی خوش کردن
نور کشیدن و مسرترا کشیدن و بسیار جاک کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول
که موسی شارب و پشت را از زیر بغل بگذارد که شیطان در آنجا جا میگیرد و پنهان
میشود **فصل هفتم** در از آن زیر بغل و در حدیث شریف از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که در از آن بگذارد موسی زیر بغل را که شیطان در آنجا جا میگیرد و پنهان میشود
حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام زیر بغل را در او میگذاشتند و میفرمودند که کشیدن
موسی زیر بغل و شها را است میکند و در حدیث دیگر منقول است که دار و کشیدن زیر بغل
بهر است از ترا کشیدن و ترا کشیدن بهر است از کشیدن و در حدیث دیگر وارد شده است
که بسیار بود که آن حضرت از برای از آن موسی زیر بغل بجام میرفتند و همین موضع را دار
میگشاید و پروان می آمدند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که موسی زیر بغل کشیدن
بغیر از این میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا است **فصل هشتم** در رعایت
رمانی که نوره را تا خیر توان کرد و در حدیث شیخ از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
هر مردی که ایمان بخدا و در حق تعالی است با موسی پشت را از زانو به زانو بگذارد
و حال نیستی را که ایمان بخدا و در حق تعالی باشد بگذرد از آن موسی زانو را زانو

از پشت زانو و از حضرت صادق علیه السلام در وجود او میگذشت و گوشت
 پشت زانو در میان پا را در حد شش انگشت از حضرت صادق علیه السلام که شش انگشت در نوزده کشیدن
 که هر پانزده روز یک مرتبه بکشد و یک روز یک مرتبه در دست و یک مرتبه در کمر و یک مرتبه در نوزده
 کشیده با قوت کند بر خنده نوزده بکشد و کتبی که چهل روز بر او بگذرد و نوزده بکشد او مسلمان
 می شود و او را کرامت می دهد و در نوزده امین است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
 هر که ایمان بخدا و روز قیامت در او موی مای زده را زیاده از چهل روز نگذارد پس اگر
 چیزی نیاید بعد از چهل روز غرض کند و پس بخنداند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که
 فرمود در میانه ارم از برای مؤمن که هر پانزده روز نوزده بخالد و از حضرت صادق علیه السلام
 که باید پشت زانو را در نوزده پشت کند اردو که نوزده زیاده از یکماه ترک کند غار مقبول
 نیست **فصل هفتم** در دعا های که نوزده کشیدن بایزاد از حضرت صادق علیه السلام
 قول است که هر که پیش از نوزده کشیدن اندکی از نوزده بردارد و بر سر پی خود بگذارد
 بگوید صلی الله علی سلیمان بن داود کما امرنا بالانوار و او را نوزده از حضرت
 علی بن ابراهیم السلام منقول است که هر که در وقت نوزده مالیدن در بدن این دعا بخواند خدا او را از
 چهره کاهک فتنای دنیوی و آخروی و گناهان پاک گرداند و بعضی آنرا موی با نگر کشند
 که در آن نمک نهند و بعد موی از پیشش بکشند و گویند که اگر برای او تسبیح الهی بخواند نوزده

در وقت نوزده بخواند

بهرستی که گریه از تسبیح خدا شود و پیش بر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین و دعا است اللهم
 طیب قلبی و طهر ما بیعتی و ابدلی شعرا طاهر الا یعصیک اللهم انی
 طهرت ابتغاء من الله المسجلین و ابتغاء دعوایک و حقنک فحرم شعری و شجر
 علی النار و طهرت قلبی و زنت علی و اجعلنی ممن یلک علی الحقیقة الساعده من الله
 خلیفک و دین محمد صلی الله علیه و آله الحسید و رسولک عاملاً بمشیر اعدائک
 بیا السنه نبیک صلی الله علیه و آله اخذ ابده مناد یا ینا و بیک و نادیک
 صلی الله علیه و آله و نادیک یا ینک الذین عدوکم باؤکم و در عده حکمه
 فی صدورهم و جعلهم معادن العلم و صلواتک علیهم **فصل هشتم** در دعا
 نوزده کشیدن و سایر ادب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که یک مرتبه در زبان ببرد و
 فنیست و نفع که یازده مرتبه در رستان بکشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که اگر نوزده
 کشند از نوزده مالیدن در روز چهارشنبه که روز تحلیت و جهنم در روز چهارشنبه خلق شد
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که پنج خراست که مورچه است نوزده در روز جمعه و روز
 چهارشنبه مالیدن و وضو غسل در آبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حال خست چیزی
 خوردن و زدن در حال حیض طبع کردن و در حال سیر چیزی خوردن و از حضرت امام همام
 منقول است که هر که در روز جمعه نوزده بخالد پس شود علامت کند که خود را و دور نیست که این دعا

در وقت نوزده بخواند

صد

محمول بقیه باشد یا یکی از اهل سنده است زیرا که حدیثی که گذشت که حضرت پیغمبر در روز
جمعه در مدینه کشیده و در حدیثی دیگر منقول است که بجز حضرت صادق علیه السلام که در مدینه
مردم میگویند که نور کشیدن روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که چنین نیست که گمان کرده
که مردم میگویند چه بگویند که نرسد تراست از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیثی دیگر منقول
است که علی بن یحییٰ خود است که بجز حضرت امام رضا علیه السلام نبوی که آیات و احادیث در این باب
توان کشیده فراوانش کرده و باین احوال را نوشته که بایک بیت نوره باقی باقی و باقی و باقی
جنت و از حضرت صادق علیه السلام نیز پرسیدند فرمود که بایک بیت و در حدیثی منقول است که بجز
نور و از حضرت که در کشیده استاده بول میخواند که فرمود که بایک بیت و در حدیثی دیگر
منقول است که در وقت دار و مالیدن بنشیند هم آنست که بعد از آن بمشاید و بشیر غل
با حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت حضرت گفت که از آن نوره و خدمت کار حاضر اندیش
که آنچه بایستی و باین نوبت دار و مالیدن و بعد از آن او را بپروان کردند از آن نوره و از آن
نور کشیده و باین نوبت که هرگاه که در دو بخت چنین کنی و در بعضی از احادیث نیز این
دارد و در حدیثی که غیر مورخین را در یکی از حدیثی منقول است که از حضرت صادق
پرسیدند که آیا در حق ریت مخلوط کنند بعد از نوره بر بدن مالند بر روی که بوی
ببرد فرمود که بایک بیت و در حدیثی دیگر منقول است که حضرت امام موسی پرسیدند که اگر در

نور است که در آن

کتابخانه
مکتب اریانی
تبریز

بعد از نوره می توان بر بدن مالید فرمود که بایک بیت را وی گفت که مردم میگویند که اگر در وقت
حضرت فرمود که چنین که اصلاح بدن کند اگر وقت من بسیار که میفرمایم آورد و بجز از این
ریت مخلوط میکنند و بر بدن میمالند اگر وقت که مال را تلف کنند و بر بدن ضرر رسانند
فصل یازدهم در فضیلت خضامه علی بن عبد الله بن نوره حسین بن موسی روایت کرده است که
چون حضرت امام موسی که هرگاه اراده تمام میفرمودند تمام را بسیار گرم میکردند و بفرموده که در خل
نقیر داشتند پس میفرمودند که بخند یا بر زمین حمام می انداختند و بعد از آن داخل میشدند
روزی از تمام بیرون آمدند شخصی از آل زهرا با حضرت سید و از حضرت در دست حضرت دید
گفت این چیست که در دست است فرمود که رنگ خضامه است که پدر نام از حضرت رسول خدا علیه السلام
روایت کرده اند که هر که بخام رود و در او بکشد و بعد از آن خدا از ستره یا مالند و او را
امان میدهد از دیوانگی و خوره و پست تا آنکه نوره کشیدن و دیگر در حدیثی منقول است که
حکیم بن عبد الله که حضرت صادق علیه السلام را خبر داشتند و بنا خنهای خود گذاشتند پس فرمودند که ای
حکیم میگوئی در این باب گفت چه توانم گفت در کاسی که شما بکنید اما این کار را پیش از ما
جوانان میکنند حضرت فرمود که ای حکیم ناخام بعد از نوره بشیر میشوند ناخام مردگان
پس از آنکه نماز میخواند و نیم بخام و در حدیثی دیگر منقول است که امام محمد تقی علیه السلام از تمام بیرون
می آمدند و از آن نوبت که بکارش آمدن سبب شده بود از خضامه حضرت صادق فرمود که

نور است

در حدیثی دیگر منقول است که

خفا مایه آن بوی برامید و آب را زیاد میکند و طاهر تر میشود و فرزند را نیکو میکند و هر که ترا
 یا خدایا الله تعالی در پیش از او بر طرف میشود **فصل در غسل و راه و غسل تیمم و سایر اغسال**
 غسلهای واجب پنج قسم است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مرثیه
 غسل میت و مستحبات آن که در وقت غسل جنابت اینها بخواند اللهم طهر قلبی و ذریه علی و عقیل
 سعید و اجعل ما عندی خیرا اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المقطوعین و
 اگر این دعا بخواند تبارک اللهم طهر قلبی و اشتری صدق و اجعل علی کسائی موحدا
 و الشفاء علیک اللهم اجعل طهر او شفاء و نور و انک علی کل شیء قدیر و بعضی
 دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند و تفسیر امام حسن عسکری هم مذکور است که هر که بعد از وضو غسل
 جنابت این دعا بخواند کفایت آن او بریزد چنانکه بر آن دشمنان میریزد و هر طره از طهر
 وضو غسل او حق تعالی علی خلق فرماید که تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و صلوات بر محمد و آل
 بر سرشند و نورش از او باشد و کفایت آنش کرده شود سبحانک اللهم و بحمدک
 اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک و اشهد ان محمد
 عبدک و رسولک و اشهد ان علیا ولیک و خلیفتک بعد منک علی خلقک
 و ان اولیائک خلائک و اولیائک و اما غسلهای مستحب است و غسل آنرا
 جلایا غسل جمیع است و بعضی از علما و حرمینانند و احوط آنست که تا مقدر و یا بر نکند

در وقت غسل
 این دعا بخواند

و در احادیث پیشتر در آورده شده که غسل جمیع و جهت بر مردان در زمان در سفر و حضر و اگر حضرت و الله
 زمانه که ترک کنند سفر برای تنگی آب است حضرت صادق علیه السلام غسل تیمم را کرده اند از
 کفایت کفایت است و تیمم تیمم دیگر و حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که هر که غسل جمیع کند
 بگوید اشهد ان لا اله الا الله و احد لا شریک له و اشهد ان محمد عبده
 و رسولہ اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المقطوعین
 این غسل و دعا پاک میکند او را تا بقدر دیگر و بهتر آنست که این دعا را نیز بخواند اللهم طهر
 و طهر قلبی و اتق عسلی و اجعل علی لسانی محبه منک و بارک بک و اللهم طهر قلبی
 کل قدره حق تعالی و طهر لسان علی و در دفعه الرضا مذکور است که چون از غسل جمیع خارج
 شوی بگو اللهم طهر لسان علی و طهر قلبی و اتق عسلی و اجعل علی لسانی ذکر و ذکر بنده محمد
 صلی الله علیه و آله و اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المقطوعین از وقت صبح تا وقت
 ناهشتین و مشهور آنست که هر چند نزدیک تر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد
 که در روز جمیع آب یافت نشود در روز پیشین میتوان کرد و نیت قضا و کار نیت و از مشیت
 شام بقصد قضا میتوان کرد و در دفعه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر مقدم میتوان کرد
 ظاهر از علما قایل بر این شده اند و در غسل در شبهای طاق ماه رمضان در شب اول
 و شب نیمه و شب مقدم و آن شبی است که مؤمنان را کافران نور و روشنایی عظمی فرماید و آن

در وقت غسل
 این دعا بخواند

فصل کردن است برای کف کردن بستر که از کثافت و ظاهر حدیث است که بعضی منکر
 میت است و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی ضعیف مرده باشد است که غسل خیار بر بدن او پیش
 غسل میت بعد از آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی که غسل روز عید بجا آوری روزی زیر
 شقی بجا آور و چون خواهی شمع و کبریا اللهم ایما تابک وصدق یفا بکتابک وایما یست
بک وصدق یفا بک محمد صلی الله علیه و آله و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله
کفارة بذنوبی وطمأنیة لقلبی اللهم اذهب عنی الوصع پس بدو که تفصیل افعال و عظام
انما و این را که در پیش ظاهر است در کتاب و کتاب عید رات نوشته میشود و الله اعلم بالصواب
 در ادب و عفت و پندار شدن و در پست اخلاق **فصل اول** در بیان اوقات خواب و بیداری
 کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و قن و بعد از عصر مکرر و در پیش از ظهر در وقت
 گرمی هوا و بعد از ظهر تا عصر قبله است و از حضرت علی علیه السلام منقول است که ای خیرة شامی فرمود که
 خواب کن پیش از طلوع آفتاب که من برای تو دست خمدارم زیرا که حق تعالی روزی بجا می آید که
 قنیت میباید و هر که در این وقت خوابت از روزی قنوم میشود و از حضرت رسول صلی الله
 منقول است که زمین بسوی خدا ناله و فریاد میکند از حسن و زینت حق که بر آن عید شود و این که
 نمازگستره بر روی آن و یا خواب کردن بر آن پیش از طلوع آفتاب از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که خواب باید از شوم است روزی را منع میکند و روزی را قبیح و غیر میکند و این خواب بر شوم است و این که

یا شبی

حق تعالی روزی را از این طلوع صبح تا طلوع آفتاب قنیت میکند پس نهاده که این خواب را بکشد
 که مرغ بریان و تیرنجین بری اسیر این نازل میشود و هر که در این وقت خواب بود بهره او
 نازل میشود حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در جای خود نشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خدا او را
 مستور گرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل خواب حج کننده هزار گز باشد و
 گنا مثلش امر زنده شود و در حدیث دیگر فرموده است که اگر نماز کند و قدری بخوابد
 و پیش از برآمدن آفتاب بخوابد یک بیت خیار و در حدیث دیگر منقول است از حضرت امام رضا علیه السلام
 که شخصی فرمود که بعد از طلوع آفتاب چاکم من بعد از نماز صبح خانی میکنم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
 که شخصی فرمود که چون حج کردی و در کعبه خدای را پیش از طلوع آفتاب بخواب روی یک بیت و از
 حضرت امام قداق منقول است که خواب اول روز نماز است و خواب قبله نماز است و خواب
 بعد از عصر نماز است و خواب میان نماز شام و قن و از روزی قنوم مکرر داند و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
 منقول است که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب پیش از قن و پیش از عصر و در وقت
 دیگر منقول است که شخصی یک بیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد که من حافظ کوفی
 داشتم و اکنون فراموشی بر من غلبه شده فرمود که آیا قبوله میکردی و الحال ترک کردی گفت
 بی فرمود که باز خواب قبوله کن چنان که حافظه اش برکت و در روایت دیگر وارد است
 که قبوله کند که شیطان قبوله نمیکند و فرمود که بگوید در وقت خواب قبوله ببرد پس از آن

فصل دوم در وضو من پیش از خواب حضرت صادق منقول است که هر که وضو بخواند و
به رخت خواب برود رخت خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت
برود و بپا دشت آید که وضو ندارد برخلاف خود میگوید که اگر با وضو یا تسبیح بخوابد یا وضو بخواند
است که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که خود در مسکنی در حالی که جنب باشد
و خوابیده بود وضو را اگر آب نیابد برای غسل وضو میگیرد که پاک است زیرا که روح مومن را در وقت
خواب آسمان میرساند حق تعالی او را قبول میباید و برکت بر او میفرستد پس اگر اجتناب میداد
او را در کجینهای رخت خود میسپارد و اگر اجتناب نرساند باشد با امینان خود از ملائکه
جن و اهریمن که در حدیثی دیگر منقول است که روزی حضرت رسول صلوات الله علیه بر سر درخت
که کلام یک زن شام نام سال روزه میدارد سلمان گفت که من وضو نمودم که ام یک زن شام
اجام میدارد سلمان گفت که من وضو نمودم که ام یک زن شام روزی ختم قرآن میکند سلمان گفت
پس بخندید گفت که این مردیت فارسی و میگوید که بر آن که قرآن میخواند دروغ میگوید و در
اکثر روز روزه نیست و اکثر شب روزه است و در اکثر روز غسل خاموشی چشم حضرت فرمود که چنان
و شب بیهوشان حکیم است از او سوال کن که جواب بگوید عمر رسید که جوابی را که سلمان گفت
سالهای روزه است که روزه میدارم و حق تعالی میخواهد که هر که جنب کند و در خواب باشد
میدهم این بر او روزه سال میشود و آنکه شام را هم روزه میدارم و بامداد وضو میخوانم

اما پنداری شب رخت با وضو بخوانم و از حضرت شنیدم که فرمود که هر که با وضو بخوابد چنانچه
که نام شب را عبادت اجبار کرده باشد و اما قرآن در هر روز سه مرتبه سوره قل هو الله احد
مخوانم و از آنجا شنیدم که حضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که با علی مثل نمودن میان این
مثل قل هو الله احد است که سوره قل هو الله احد را یکبار بخواند چنانکه گفت و آنرا
خوانده است و هر که دو بار بخواند چنانکه دو مثل قرآن خوانده است و هر که یکبار
بخواند چنانکه قرآن را ختم کرده است پس هر که ترا دوست دارد مثل قرآن در
کامل شده است هر که ترا بر زبان و دل دوست دارد بدینست خود ترا یاری کند تا
ایمان در او کامل شده است با علی بن ابی طالب که مراد است از آنست که او را دوست
که اگر ترا اهل زمین چنان دوست میدارند که اهل آسمان دوست میدارند و خود
عالمیان هیچ کس را تشنه نمیدارند و تشنه نمیشود که گوید که تشنه نمیشود
که تشنه نشد **فصل سیم** در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن مشهور میان
علمانست که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر احادیث است که مکروه است
مگر در مسجد ارام و مسجد رسول خدا ص است و اگر در آنجا نیز بخوابد واقع نشود
است و در احادیث معتبر بسیار وارد شده است که رسول خدا صلوات الله علیه هرگز در مسجد

کرد کسی که تنها چیزی بخورد و تنها بفرزد و تنها بخوابد و فرمود که اگر کسی تنها بخوابد و خوابم
 آنست که دیوانه شود و آنحضرت امام موسی عم مقولست که هر که در خانه تنها بخوابد بگوید اللهم انی
 و تشیی و اعنی علی حدی و در حدیث دیگر مقولست که حضرت رسول صلعم نمی فرمود از خوابیدن
 بیایی که دیوانه باشد و در احادیث معتبره آنحضرت صانق عم مقولست که کسی که بر باری تنها
 بخوابد یا در باری که دیوانه می باشد بخوابد و فرمود که هر روزی که در وقت خواب بگوید
 که اگر طرف دیوانه باشد چو نیست فرمود که نه بلکه چهار طرف دیوانه می باید دانسته باشد
 و در بعضی روایات وارد شده است که حدیثی دیوانه است و در بعضی
 احادیث دیگر زرع و کثیر بصره وارد شده است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که اگر خواب
 بر سر فرود آنحضرت صلعم نمی وارد شده از آن کسی که دست چرب و الوده بخوردی که از آن
 چکی کند شیطان بر او دست ببرد و دیوانه شود علامت کند که خود را فرمود که الطاف خداوند
 خواب که بخوابد و دست و پا نشناسد که شیطان آنرا میبوید و در خواب میبیدد
 و در چند حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مقولست که هر که بجا خواب داخل شود و گنج خانه
 خود را بر دست خوابد و اگر جانوری داخل شد پیش برود و با فرزند سر نهاده از حضرت
 امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده است که باید پیش از خواب بگوید اللهم انی

و بعد از آن بخوابد **فصل چهارم** در سبب آداب خوابیدن است که بر دست است
 بخوابد و دست راست بر زیر سر بگذارد و چپت خوابیدن بر دست خوابیدن مکرر است چنانچه
 آنحضرت امیر المؤمنین عم مقولست که خواب بر چهار قسم است بخوابان بدست بخوابد و دیده باری
 بخوابد و دست را در جیب پرومک خود چپا شده و نمون بر دست راست بخوابد و عقیده و پاوان
 و فرزند آن ایشان بر دست چپت بخوابد که آنچه خورده اند که او را شود و شیطان و بر او را می
 برود و دیوانه که مبتلا که باشد بر رو افتاده بخوابد و در حدیث معتبره دیگر فرمود که آدمی هر روز
 و هر که را چند بر خوابیده است او را پیدا کند و نگه دارد پیش بر آن حال و فرمود که هر که کسی را
 خواب کند باید که دست راست را بر جانب راست بر زیر کمر دارد بدست که نمیداند که از این خواب
 بیدار شود و بدست چپت بر دست راست منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد
 شده است **فصل پنجم** در آیات و ایه که پیش از خواب باید خوانده شود و در
 مسیح آنحضرت امام خیر صادق امام محمد باقر عم مقولست که هرگاه کسی دست راست بر زیر سر بگذارد
 بخوابد و بگوید لبهم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امی
 الیک و ارجأت طهری الیک و تکل علیک و عینک و عینک الیک و لا ملجأ
 و لا منجی الا الیک امنت بکتابک الودی انزلت به رسولک الذی اوسلت بعد از آن

در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هرگز نرسد که غفلت شود چون بر خیزد خواب و اندک بخواند اللهم
اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِحْلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْاِحْلَامِ وَمِنْ اَنْ يَّبْلَا عِبْدَ الشَّيْطَانِ فِي الْقِيَمَةِ
وَالنَّاسِ وَدر حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی خواب پریشانی برپندارد آن
بهبود خواهد بود است بهلوی دیگر کرد و بگوید اِنَّمَا الْخَوْفُ مِنَ الشَّيْطَانِ الَّذِي يَحْزِنُ الَّذِينَ آمَنُوا وَرَبُّ
النَّاسِ اَعْلَمُ شَيْئًا اَلَا يَدْنِ الْقُدُّوسِ كُوَيْدُكَ بِمَا عَادَتْ بِمَلَائِكَةِ الْقُرْبُونِ اَنِّيْ اَسْأَلُكَ
الْمُسْلِمِينَ وَعِبَادَةَ الصَّالِحِينَ مِنْ ثَمَرَاتِ اِيْتِ مِنْ ثَمَرِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَدر حدیث دیگر از آن
حضرت منقول است که چون خواب پریشانی برپندارد بیدار شود و بگوید اَعُوْذُ بِمَا عَادَتْ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ
الْمُقَرَّبِينَ وَابْتِغَاءَ اللَّهِ الْمُسَوِّدُونَ وَعِبَادَةَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَالْاَمَّةِ اَلْوِ اَشْدَدُ اَللَّهُ
مِنْ ثَمَرَاتِ اِيْتِ اَنْ تَصْرُفَ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ رَبِّكَ اَللَّهُمَّ
روایت دیگر آورده است که شخصی بگفتن شکایت کرد که دشمنی شب و روز بر سر من نهاده و فرمود که
بکن و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد که دشمنی بر سر من نهاده و فرمود که
و اعضایش مست و حس میشود بگویند از دشمنی است فرمود که نه دشمنی است بکن و ایشید با
عمل به پند و اندرز که بجز این که ایستاده و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بگفتن شکایت کرد
شکایت کرد که دشمنی بر سر من نهاده و فرمود که نه دشمنی است بکن و ایشید با

در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است

در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است

فرمود که کسی بگوید ای خداوند زکوة را بگفتن آنحضرت منقول است و آنحال بطرفش **فصل هفتم**
در عالمی برای دفع بیماری و بیدار شدن در آخر شب حدیثی از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند فلانما انا بشر مثلكم بوجی الى انما الحكم الله و
كان يرجو القادر به فليعمل عملا صالحا فلا يضرك عبادة ربه احد ابروفك في
خوابه بدار شود و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که خواهد از
شب بیدار شود چون بر خیزد خواب است و بگوید اللهم لا تؤمنني مكر ولا تجعلني من الغافلين و
ساعة كذا او كذا اخرجي من ساعت بخرم حق تعالی ملكی را هر گاه سار و گوارا باشد بکن
و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که در شب بیدار شود و بگوید اللهم لا
ذكر ولا تؤمنني مكر ولا تجعلني من الغافلين و انتبهي لاجل الساعات اليك ادعوك
فيها فليست بحسب و اسئلك فتعطيني و استغفرك فتغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت
يا ارحم الراحمين که چون بیدار شود از خواب از حق تعالی و ملک او بفرستد که او را بیدار کند و اگر بیدار
نشود امر کند که آن و ملک او بفرستد که او را بیدار کند و اگر بیدار نشود امر کند که آن و ملک او بفرستد که او را بیدار کند
بطرف خدا و عطا فرماید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که بیدار شود
ساعات برای عبادت بخرم و خداوند کار داند که در آنشب او را و صادق است این حدیث

در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است

در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است

کتابت حضرت علی

بفرستد که در آن وقت را حرکت دهنده نماید شود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام نقلت
 که هر که بخواند عارف شود و خواشانی نباشد ایند عا بنو اند سبجان الله ذی الشان و اثم السطان
کل یوم هو فی شان و در روایت دیگر حضرت فاطمه علیها السلام شکایت فرمود از چربی بر روی
خدا صلوات فرمود که ایند عا بنو ان یا منیع البطون المجابیه یا کاشی الجبوم الجبوب العا دیریا
مسکن العروق القادیه و یا منوم العیون الشاهره سکن عروق القادیه و ادن
لعین نوما عجله **فصل هشتم** در بیان غار و عابری برای خوابهای نیک و بد و ادب و بد
 از حضرت صادق علیه السلام نقلت که هر که خواهد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند بعد از نماز
 حقیقت غسل کند بگویند غسل آورد و چهار رکعت نماز کند و در هر رکعتی بعد از روزه صد مرتبه یا اکریم
 و بعد از نماز چهار مرتبه صلوات بفرستد و بر جامه پاکیزه بپوشد که بر روی جامه باطله و خالی نباشد
 باشد و دست راست را بر جانب راست و دست چپ را بر دست راست بگذارد و بگوید یا سبجان الله ذی الشان و اثم السطان
یا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله پس صد مرتبه بگوید ما شاء الله چون کند نماز
 و در خواب ببیند و در روایت دیگر نقلت که اگر کسی خواهد که حضرت امیرالمؤمنین ع را در خواب ببیند این
 دعا بخواند اللهم انی استسکت یا منی اللطف خفی و ایا و به باسطه لا تنقضی استسکت یا لطفک
الحق الذی اللطف به بعد الا کما ان توفی مولای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

کتابت حضرت علی

در خواب ببیند

در خواب ببیند

فی شایع در روایت دیگر نقلت که اگر خواهد که در خواب ببیند با وضو و جانب است
 بخوابد و پس حضرت فاطمه علیها را بگوید پس بخواند اللهم انت الحق الذی لا یوصف الا بالان
بیرق منک بذات الاشیاء و الید تقوم ما قبل و منها کنت لمجاه و منجاه و ما
ادبر منک لم یکن له لمجاه و لا منک الا الید فاستسکت بلاءه الا انت و استسکت الله
الرحمن الرحیم و بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله سید البقیین و بحق علی خیر الوبین
و بحق فاطمه سیده النساء العالمین و بحق الحسن الحسین الذین جعلتهما سیدی شباب
اهل الجنة علیهم السلام اجمعین ان تقبلنی علی محمد و آل محمد و ان ترینی بحق فی الحال انی هو
قیما منقولت که چون حضرت رسول صلوات برت خواب میرفت صد مرتبه یا سبجان الله یا سبجان الله یا سبجان الله
و چون بیدار میشد صد مرتبه الحمد لله الذی احیانی بعد ما امانتی و الید النشور و از حضرت
منقولت که چون کسی از خواب بیدار شود بگوید سبجان الله رب البقیین و الله المرسلین و رب المستضعفین
المستضعفین و الحمد لله الذی بحی الموفی و حی کل شیء قد بین چون این را بگوید حق اوست که
در آن بگوید بنده من و شکر کردم از در حدیث دیگر منقولت که چون آنحضرت را در خواب ببیند یا سبجان الله
عنه یکفشفه اللهم اعنی علی هو المطلق و توسع علی المعرج و از من خیر ما قبل الموت و از من خیر
ما بعد الموت و در حدیث دیگر منقولت که چون از خواب بیدار شود بگوید یا سبجان الله یا سبجان الله یا سبجان الله

ابا خورشید در دهنه کسی دیده او در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر منقول است که شخصی از حضرت رسول
علیه السلام سوال کرد از قرآن چه میگوید که میگوید که این منوکانو میفکون لهم البشر بالاحیاء الدنیا و فی الآ
خیره منک که ایمان دارند و پیرکارند ایشان نزد ایشان از زندگانی دنیا و آخرت حضرت فرمود که ایشان
زندگان و دنیا و آخرت را میگویند که مومن و دنیایم چند و آن بشارت میشود و در حدیثی از حضرت
علیه السلام منقول است که خواب منقسم است اول بشارت خدا از برای مومن دوم ترساندن شیطان
و خوابهای ترسان و در حدیثی منقول است که خوابها دروغ که اکثرش ظاهر میشود و آن خوابها که
از اوایل شب دیده میشود وقت استیلائی شیاطین و میروند است آنها خیال چند است نزد او
میدانند شیاطین که احصا ندارد اما خوابهای راست آن خوابی چند است که در وقت آخر شب دیده میشود که
آن وقت تفرق ملائک است و شیطان و آن خوابهاست بسیار و مختلف نمیکند و اگر کسی خواب دیده
یا چیزی خوابیده یا چیزی را از او ذکر یا بخوابد و خوابش را بخوابد که باین حالت خوابیده باشد
خوابش بطل نمی آید از حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت رسول خدا صلوات الله علیه فرمود که هر که مراد خوابی
چنانست که مراد پیدا شود از خواب بزرگ که شیطان منتقل نمیشود از خواب و مراد پیدا شود از خواب
صیای می آید بصورتیکه از شیعیان ظاهر می شود که خوابها را استیلا می کند و از شما خبر فرمود که از
حضرت سوال کرد از منقول است که در آخر الزمان خوابها را منتقل نمیشود و هر که راست که مراد

[illegible]

درمانی با شیاطین انشی شود و نفی و تجرد نگاه بپوش کند تا خود می تواند نگاه باب تفرع و توجیه خود را
تطبیق نماید این طاعت چون روح ایشان را به اعتبار اشتغال و تعلقات و خطایا و سیئات بعدی عظیمی از
جناب قاضی الحیات و انبیا و ملائکه سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس از اشتغال بمن فی الجمله فرجی
از حیات ناسد که از راه در روز نهائی بفرستاده و داخل میشود و گویند فی الجمله او با شیاطین قدیم
یاد می آید و با دشمنان روحانیان و قدوسیان هم باقی میکند اما در اول شب چون پاره از حیات
سپاری و ضمیرش حاضر است هنوز از اسباب تعلقات خود پرواز میکند و بطش بآن عالم ناقص است پس این
علت شیاطین بر او مستطیع میشوند و نفسش را به تنهایی پیر می شود و پرواز او را با عالم بالا رسانا میشود
آنکه چون وقت صبح میشود از زمین آسمان و زمین و هوای خود را می بیند و می بیند و در وقت صبح می بیند
بصحت مغزبان فانی گوید استیلا شیاطین ضعیف میشوند و لطف و ملائکه آسمانی بر او تنبیه می افتد و
که در خواب غفلت ربودگان و دور کردن عساکر شیاطین و چنان فرو می نشیند لهذا در آنوقت خواب
روحانی می بیند و افاضت سجده بر اعراف مؤمنان فانی میشود و ایشان را برای تاز و تفرع و زاری و توبه
و پیشانی آنچند روز غفلت کرده اند و بعد از این سبب نیاز شب را در آنوقت ساخته و گردان
اللیل می شود و طاه و اقوام قیلا و دشمنانش فرستاده اند که حاصل صحنه آنست که عبادتی که در شب کرده
موافقت دل بزبان بیشتر است و در آن درست نداشت نهی سعادت مندی که قدر آنوقت را بداند

و اندازد ان شهت را بی اندازه را بشناسد و دلش را در جان برافروشد و سوار شود بر شیطانی و خود را بگذارد در
مقدور خود را از او که با کمال تقاضا دیده پاک کرده و بساحت قریب پروردگار خود را نداند و در وقت
مبارک که بنگاه سازد دنیا و غریب باشد با خداوند بیایا خود را رام آواز ایشان کرده اند و صدی قد خود را
بیاند و اندکی پس خود را بیاید و آورد و آن جوهری را بیایا می که نفوذ شد و درین طایفه سرور در کمال
نگویند و تقاضا در سیر المؤمنین بسوگات المغرین و لطفه من الغنم الغافلین و بعد از کچن این
و حکایتی که بکتاب است و شیشهها را در ان دخیل می نویسد و در وقت خواب بر پیشانی دیده و دل او را بکتاب
وجود و خروج بر اثر علی با بغیرش این خیالات آید که اندر چه چیز را بصورت دیگر دیده میشود
چیز را با اعتبار نسبتا شکما و صورتها است که در کلام الهی و سخنان انبیاء و اصیاء را غفلت می نماید
نوشته و بوسان سرای غرور با تمامش زده اند چون ایشان را عقول است منفرد است و در ایشان بجز
است لهذا عقول را در برابر محسوسات ایشان مینمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند مار است
که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان فرغیده میشود و در میانش زهر کشنده است و چنانچه علم عیث
و الهام است که دیده اند با حیات به نهانست و چنانچه بر زمین بابت سحر سحر می و الهام علم است و چنانچه
علم را برده و یک نور آفتاب بر چرخ تشبیه کرده اند زیرا که نور را یک شعله ظاهر را بر طرف میکند و علم
ظلماتی شکو که در شهادت و حقیقت و خیالات و خطرات را بر این میکند و کلام حق تعالی و انبیاء و اولیایان

اشال شجرت و سرش هفت که نه گوشه اندر عالم خواب نیز با عصبانیت ایشان بر خیزد
خوده میشود و باین سبب حاجت تعبیر باشد و گاهی تعبیر کنند که از آن صورتها بدین صورت
منتقل میشود چنانکه کسی خوابی بیند که در میان فضا افتاده است یا در شش بقضای الواده تعبیر
میداند که این صورت دنیا است که در شش مردم آگاه از فضل کندیده نرات میدهد که تا بخت او نیاید
یابی چندانکه ماری متوجه او شده مالی رو باو میکند بای چندانکه در میان آفت علی و درو میاید
علیت عظیم و مخصوص دلایا و انبساط و صیانت و غیره حضرت یوسف تعبیر خواب و تحقیق انعام
حجاج بر طبق است که این رساله کجایش نه از آن است و نه از آن کتب دیگر که در خطرات اگر خواهد
بر وجه کامل مذکور خواهد شد و آید و دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام نقل است که از ابیسیار خوابی میاید
و تعبیر خوابی خود میکنم و خوابی که تعبیر میکنم واقع میشود در حدیثی که در خواب مذکور
در زمان حضرت رسول صلعم شود و در خوابی که استون خوانده است شکست بخورد و
حضرت فرمود که شورت بجا است آید پس چنانچه ببرد که شورت بجا است و او با چنان خوابی
خوابت کرد باز شود شورت بجا است و در خوابی که استون خوانده است شکست بخورد و
خواب را باو نقل کرد او گفت شورت بجا است و در خوابی که استون خوانده است شکست بخورد و
نیز خوابی که او کرد و در حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل است که حضرت رسول صلعم فرمود که خوابی

در میان آسمان و زمین در بالای سرش بر او نیکند تا آنکه خود برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او
کند پس آن خواب که تعبیر کردند واقع میشود و چنانچه در اشغال از برای کسی که عاقل باشد و در حد
تعبیر دیگر از حضرت منقول است که خوابی را نقل می باید کرد که از برای مومنی که خواب باشد از حد اعتدال
و طهانه و در حدیث حسن منقول است که شخصی بخت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت خوابی دیدم که آفتاب
بر سرم تابیده بود و بدین نم داشت حضرت فرمود که نور ساطعی و دین شایع تو خواهد رسید اگر
نم ترا فرود می گرفت و درین حق غوطه می خوردی آن شخص گفت که دیگران بپادشاهی تاویل میکنند ش
فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی تیر است
از دین حق که در آن امید بخت بهم میرساند و در روایت دیگر منقول است که قدس مسلم گفت
آنحضرت فرمود که در خواب دیدم که در افق خوانده بودم دیدم که زخم آمد و در دهان بسیار گشت و بر سر
من ریخت حضرت فرمود که متوجه خواهی بود در دست مطلع خواهد شد و رختهای تو که پوشیده باشی
بدست پاره پاره خواهد کرد و زیرا که پوست کوکان بمنزله جامه است و بعد از شکست چون هیچ وجه شد
نمود که در عید عید پیشوایم در بر کردم و بر در خوانده نشستم و خری گشت از راه طلبیدم و بخوانه
بردم و مطلع کردم زخم مطلع شده بر سر آمد آن دختر که بخت دین از راه ماند و رختهای
نوم با پاره پاره کرد و منقول است که شخصی دیگر خوابی را نقل کرد که خوابی دیدم و بسیار ترسیدم

دایم این است که مرده است که دیدم دست در گردن من کرد و میترسم که بمرگم حضرت فرمود که انظار بر کنش
 هر چه شام و از هر که بزرگان باشی اما معانیه مردگان بازندگان علامت طول عمر است که
 دایم تو چنانست که گفت حسین فرمود که زیارت حضرت امام حسین ترا نصیب خواشد زیرا که معانیه بایم
 نام آنحضرت کرده توفیق زیارت آنحضرت میباید و در حدیث میفرماید که هر که از آنحضرت
 که در حرام است اگر نرسد آنجا عین کرده و شخصی دیگر آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که چوب نیل
 دست و استم فرمود که این در شش بود گفت نه فرمود که اگر این شش افتد ترا پسری میدهد و چون
 آن شش افتد ترا دختری خواهد داد پس عقی میبرد بعد از آن پرسیدند که آن نر و خنثی را
 گفت و از ده بند فرمود که دوازده دختر بهم بیاورم و این شش را بیاورم و بگویم که من این عذاب
 شخصی کردم او گفت که من یکی از آن دخترانم دوازده خواهرم و در حدیث میفرماید که حضرت
 امام رضا علیه السلام فرمود که این شش مولای علی بن یحیی است و خواب دیدم که در میان دو پیش منیدی بود
 چون بپریدم که بدین شش را خواهد داد و در حدیث دیگر میفرماید که با سر فادم آنحضرت عرض کرد که در
 خواب دیدم که از ده شش در میان قفسه بود ناگاه آنقفسه افتاد و ششها شکست حضرت فرمود که اگر خوا
 راست میباید که شخصی از اهل بیت خودی را بکشد و در پادشاه شود و بعد از آن ببرد و در میان مردم
 و گوید باو التیرا خرد و کرد و بعد از آن بکشد و در میان مردم بکشد و در حدیث میفرماید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

فرمود که خواب دیدم که قدی بر اثر شیر بدست من افتاد و آنقدر خوندم که از ناخنهایم بر بدن می افتد
 که بچه بپرید و بدو فرمود که بگویم در حدیث دیگر میفرماید که شخصی که بخت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب
 دیدم که از شهر که در بیرون رفتم بوضع موافق در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر آب چوبی سوار بود و
 در دست داشت و حرکت میداد و من مشاهده کردم ترسیدم حضرت فرمود که دایم میگوید بر آب چوبی سوار
 بفرست شخصی را از روزی بر آوری از خدا ترس ترستی بیاور و چنین مکن آن شخصی گفت که کوای
 اعم که خدا علم عظیم بود او علم را از خود نشاند که بدستی که شخصی از آب بکان من خورد آن
 او گفت هر چند دارم بخواهم بفرستم و من چون دیدم شتری غیر از این نه اردو رضا طر کرد از دیدم که
 بعینت بسیار از آن بخرم **فصل دوم** در آداب پنداری و مذمت اخلاص بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 میفرماید که سخن گفتن و محبت داشتن بعد از نماز صحت کرده است و در حدیث دیگر میفرماید که آنحضرت میفرماید
 که شب پنداری داشتن خوب نیست مگر در چوبسیر در نماز کردن و قرآن خواندن و در طلب علم و برای عز
 که که آن شتر شش بر بند و از حضرت صادق علیه السلام میفرماید که پنج گسند که بخواب غیر و نه کسی که
 کشتن کسی داشته باشد و کسی که مال بسیار داشته باشد و اینی نه داشته باشد و کسی که در میان مردم
 و نهان بسپارد گفته باشد و کسی که مال بسیار از خود خواهد داشت و مال نه داشته باشد و کسی که بخواب خواهد شد
 که اگر بجا شود و بدیدم علیه السلام میفرمود که ممکن است که این تنهایی بامروید که خواهد شد

میکنند زیرا که باید که کسی را با نفس خود باشد که دشمن اند و نیست و پوست دریا کشتن اینک است
در مایه ایمان و طاعت اینک در دین یعنی ندارد و نفس شیطان و مواد شهوات همه اتفاق کرده
بر غارت آنها و دروغ و بهتان آنها بسیار گفته است همه طاعت بند که را بسیار خوار اند
باید تحقیق کرده اند چون خدا بخواهد و در دنیا و آخرت قریب و از دست میدارد پس کسی که
اسباب میداری و بشو بگویند و از حضرت صادق منقول است که عجب دارم از کسی که در حق تعالی
میکنند و بنده میگویند و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که شیخون خدا را سرسده بگوید
که خدا کند و منقول است که چهار چیز است که کش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمنی از حضرت
رسول ص علیه السلام منقول است که مادر حضرت سیدمان م با او گفت که زنهار در خواب بکن که کسی
خواب آدمی را قهر میگرداند و از حضرت صادق منقول است که هر چه خدا دشمن میدارد خواب کند
به آنکه میداری کشیده با و خنده کردن بی تو و با سیری خیر و خردن و در هر که اول میگوید که خدا اگر
به شیخ خیر بود و محبت و محبت است و محبت طعام و محبت زمان و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت امام
عجله فرمود منقول است که شیطان از سه راه است که در دنیا مردم میکشد لعون است که در حق مردم میکند
مستولی است که در دنیا مردم بچکاند سر و اسب میکشد و لعون است و در دین و منقول است که از حضرت
امیر المؤمنین منقول است فرمود که مستی از چهار چیز است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی ناله

کس

و از حضرت

و از حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت موسی مناجات کرد که پروردگار ادا کند که از بنده جان
دشمن بیشتر میداری خطاب رسید که کسی شب تا صبح مانند کسی که مرد را افتاده و در روز را بکشد
شب برساند و از حضرت امام موسی منقول است که دیده خود را بخواه عادت ده که عصب و بدن شکفت
کتر از دیده نمیکند و حضرت صادق فرمود که خدا دشمن میدارد بسیار خواب کند و بیدار مانع بودن
که بسیار خواب دنیا و آخرت را ببرد و با آنکه بسیار بیدار کشیدن هم نمودم و در غیر شبانی که خصوصاً
و از هر شده در تمام شب بیدار بودن که از آنست که در دنیا و آخرت را در شده و دیده با آنکه در شب
بر بسیار بیداری حق را ضایع نباید کرد و خواب و بیداری را با قیاس باید و نشستن
دارد و چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقول است که کسی را قیاس نبیند و وقت را با قیاس کند که در با قیاس نشستن
باید چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقول است که در با قیاس نشستن که در با قیاس نشستن
و عباد را کند نمیکند و در دای اندر دایان بطوری آید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در با قیاس
چهار خصوصیت است که از تغییر نمیکند و اینک است که بوی میکند و جامه را کند نمیکند و باعث در دای میشود **فصل**
باب دهم در ادب اللسان و در آنکه در داخل اللسان شود سر را بشوید و اگر در بالای عالم چیزی دیگر
بر سر کرد بهتر است و بسم الله مجبور و دعا بخواند باین عنوان **بسم الله و با الله اللهم انی اعوذ**
من اللّٰبث اللّٰبث اللّٰبث من الشیطان الرجیم و من کجوبه بسم الله و با الله و لا اله الا الله

متغیر

مگر آنکه در یک شب و یک مرتبه و یک سو که کردن در پیشگاه که باعث کند دامن میشد و در صورت کفایت از آن
مکونه که خدا و عالمی مقرر و الهی الکبری و الهی کوفی و آنچه ماذن میگوید بی آنکه گفتن چنانچه گفت
حضرت موسی در مقامات خداوند خود گفت که عالمی چند بر من میگرد که در الحال را برتر گردانم که از این
کمتر فرمود که ای موسی در هر حال مرا یاد کن که یاد من در هر حال میگوشت و واجب است در اسلام یا مگر ای موسی
رسول صبر و عبادت بشنود صلوات بفرستد بر قول حق است که اگر در عین عبادت که بگوید صلوات
بفرستد و جایز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و بر سر تا بر سر آن گفت شود یا نداشت
دست زدن اعلام نمواند کرد و سخن بگوید و مقولست که هر که در پیشگاه حرف بگوید چنانچه بر او درود
و کمینه از روز و در شبیدن در حال بول و دعا بگوید و در استجایابی کردن که بوش متعین
باشد بغير نیابت مگر آنکه آیه دیگر یافت شود **فصل دوم** در بیان احوال و اوضاع و احوال
که نهی از آنها دارد شده و واجب است که عورت خود را از نا محرم بپوشاند از زین و خود و از
که وطنی تواند کرد از اطفالی که تفرقه داشته باشد و سایر حیوانات و عورت که از است و حیض و در بر
سنت است که تمام به زرا بپوشاند یا آنکه پنهان شود و در خواند یا کوی که در آن باشد و در شود که کسی
عورت او را نبیند و اگر علم بر آنست که در امت رویت کردن و پشت بپوشیدن در حالت بول و غلط
خواهد در محراب و خواهد در بنای و احوط اجتناب است چنانچه حضرت امام رضا فرمود که هر که بپوشد بپوشد که از

روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبول کرده و بجانب دیگر از آنجا خبر و مکرر کند و
او را پامزد و احوط آنست که در حالت استیجاب نیز و بقیه کند و داشت که در مشرق یا مغرب کند و
آنست که از یابین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبول رانده است کسی کند بمعرفه
خاطر حج شود که در وقت بقبول کرده باشد و اگر مغفرت باشد یا کسی نیست در این صورت اگر وقت بقبول کرده
و آنست که اگر قبول بجای بلندی یا جایی که خاک بسیار داشته باشد بروی که خاطر حج باشد یا قبول
ترشح میکند چنانچه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که از هر کسی پیشتر خدا را قبول از هر
بولی که حقیقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب نیاده نیز بول کردن مکروه است و در احادیث
معتبره نیز بول کردن در آب مانده و در آنست نیز وارد شده است و در آب نیاده بول کردن با
تسلط اجنه و شیاطین میشود و موردی بود که در غلبه فراموشیست و بهتر آنست که غایب را هم در میان
و آب نیاده بول کردن حیم آنست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بول کردن مکروه است و مکروه
بول کردن در سوراخ جانوران و بول و غایب کردن و مجروحی آب چندان است داشته باشد
مچنین در میان راه و کناری آب و در مسجد یا در نزدیک بیواری مسجد یا در جویها و در جاهای
سبائی و شام دهند و لغت کنند و در زیر درختان میوه دارد و وقتی میوه در آب نیاده باشد
آنوقت با آن درخت بسیار که نگاه میدارند میوه را از هر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت

مکرده است و در آنجا مردم غافل و نادانید و جانی که مردم از آن متناهی میشوند از بوی آن و در بهر شهر از
رسول صلوات الله علیه و آله مشغول است حق تعالی گفت که ای کسی که غافل کند در سیر که قافله آنجا منزل میکند و کسی که
مردم را ضعیف کند از آب صافی و بر جایگاه و در چشمه های مردم که بنوبت بر آن وارد شوند یا آنی که ملک جافتی
باشد و در روز در شب نیت شخصی باشد صاحب نیت منع کند و کسی که راه شایع مردم را کند یا بویاری
یا راه را بکون یا راه را بوقت **باب نهم** در ادب حجاب و تقیه و خواص بعضی از ادب و رعایت
احضار خود که بعضی از ادب و احراز **فصل اول** در ادب پستی و بر کردن در آن و بیان شده است
مؤمنان و در هر جمیع آن حضرت صادق مشغول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حجاب است
کردند و تبسم فرمودند و صحابه از سبیل آن سؤال کردند حضرت فرمود که هیچ یک دم نرو ملک که زمین فروماند
و بنده مؤمن صلی را در جای غار نشین طلب کرد که عمل بر روز شب را بنویسند او را در جای غار نشین
آسمان نشین گفتند پروردگار افغان بنده ترا در جای غار نشین طلب کردیم او را اینها فیم او در بنده پاریت
حق تعالی فرمود که بنویسید برای بنده من شغل آنچه در حالت **فصل دوم** در افعال غیر در شبها و روزها میکرد است
که در بنده من است و در هر مرتبه دیگر آن حضرت رسول صلوات الله علیه که چون مؤمن را ضعیف چیزی عاید شود
حق تعالی امر میفرماید که آنچه در جانی و دوتی بگوید که برای او بنویسید و همچنین ملک را مکرر کند که برای
پار بنویسد آنچه در حالت محبت بگوید است از کارهای غیر از برای کارهای غیر از محبت بگوید است از کارهای

و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر یک شصت چاه جاری شود نه از است از عباد کیست
 و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حق تعالی ملک است چنانچه امر میفرماید که در ایام جاری کنایه بر من نمی نویسند
 و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که بزرگ پاری کنایه عبادان هم میرساند و خبری نیست و خبری نیست
 و در حدیث دیگر فرمود که یک شصت برابر با عباد کیست و یک شصت برابر با عباد و در حدیث دیگر
 با عبادت و عبادت و در حدیث معتبر منقولست که یک شصت کنایه کنایه و در حدیث دیگر
 معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که هر یک شصت چاه جاری کنایه
 شکار کنند بدل میکنم برای او کوششی تیر از کوشش او و نونی تیر از نون او پس اگر عبادت دهم از کنایه
 میکنم و اگر میرانم بسوختن و میسرم او را و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که هر یک شصت چاه جاری
 و قبول کند آنرا آنچه شرط قبول گردانست یا آنکه کسی از عبادت بد از آنچه کشیده همچون سح شود خدا را شکر کند
 بفضل خود و ثواب عبادت شصت سال با دعا و نماز و در حدیث حسن از حضرت منقولست که حدیث شصت سال است که گوید
 و شصت سال است که بدیانت است که بگوید به بانی مبتدیان شود و ام که هیچ کس آن مبتدیان نشود
 را بسته به چهل و شصت سال و در حدیث دیگر فرمود که یک شصت سال هر کس که زندان خداست و در حدیث
 و در حدیث دیگر است و بهره نون از حدیث معتبر منقولست که نیکو و در حدیث دیگر
 بهر عضو می رسد بهر از ابر و خبری نیست که بگوید به بانی مبتدیان شود و در حدیث دیگر فرمود که هر یک شصت چاه جاری

میکند که آن او میریزد چنانکه بر آن درخت میریزد و اگر برخت خراب میگردد اما اگر نشاء سبحان الله در
 و فراتر شوی ثواب الله الله دارد و از پهلوی به پهلوی میگرداند مانند کبیت که در راه خدا شنیده باشد و اگر
 امام رضا علیه السلام مشغولت که بیماری برای نمون پاک شده اوست که آن دان و رحمت الهی است نسبت با و
 برای کاف و غفلت و غداقت و فرمود که یکیش در دسره کن و با طرف میکند مگر آن کبر و اخفرت
 صادق م مشغولت که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سخته برای او میفرستد یا بدو را
 چشم در احادیث مشهور بسیار در شده است که بلائی بر آن از هر کسی شد به تر است پس بعد از آن
 او صیای ایشان و بعد از او صیای که نیکوتر و فاضل تر است بلائی بر او میفرستد و مؤمن بعد از ایمان
 و اعمال نیکیش بلا او میرساند پس هر که ایمانش صحیح تر است و عملش نیکوتر است بلایش بیشتر است
 و هر که ایمانش ضعیف تر و عمل نیکیش کمتر است و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام
 که نوا علیهم السلام با بلا عظیم شد و هیچ کس را در راه خدا دوست نمیدارد مگر آنکه از آتش از اهل بیت میگرداند و فرمود
 که حق تعالی را بنده کسان خالص است که از آسمان هیچ کس بر زمین نمیفرستد مگر آنکه او را از آسمان
 بسوی غیر ایشان و بر او میفرستد و اگر اخفرت امام محمد باقر علیه السلام که حق تعالی بر بنده دوست دارد
 او را در بلائی غوطه میدهد و میریزد و بر او بلا میبارد و هیچ کس را خدا را برای رنج آن بلا بخواند حق تعالی
 که یکای بنده من و اگر زود توجه بهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر خیر کنم برای تو و خیر است

از برای تو و در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که نمون چهل شب بر او نمیکند مگر آنکه او را امری او میریزد
 که اندوه کمین شود بسبب آن خدا را آگاه کرد و در حدیث صحیح از اخفرت مشغولت که در شب قرابت
 که هیچ کسی آن منزل نمیرسد مگر آنکه بلائی بر بدن او برود و فرمود که اگر نمون بداند که در مصیبت است و در
 برای او دست بر آید از روزی که بدش را بفرماند یا به گفته و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که اگر
 عالمیان را میبیند بنده نمون بفرستد یا چنانچه کسی از سخته برای اهل خود بفرستد و او را بر پیر میباید
 از دنیا چنانچه بیمار را طلب بر پیر میفرماید از خبر ثانی که با دفر میرساند و اخفرت صادق علیه السلام فرمود
 که شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بخواند و طلبید چون حضرت داخل خواند او شنید که مرئی را
 دیوار ختم کرد و آن ختم افتاد بر روی کسی که در میان دیوار بود و بنده شفیق و در شگفتی حضرت ختم شد
 آن شخص که از آن آیه بسمانی بخواند که ترا بر استی فرستاده است که اگر ضرر بر من فرستیده است آن ضرر
 و طعام آنرا نشاء الله نموند و گوشت که اگر نقصانی باشد برسد امید خیری در او نیست و در حدیث دیگر فرمودند
 که خدا نمون را بر بلائی بنده میکند و هر مکی بخواند اما عقلمش را بر طرف نمیکند یعنی کسی که شیطان را بر او
 و فرزندانی حضرت کوبند و بر عقلش مسلط اند که بان عقل خدا را بچاکلی بشناسد و در حدیثی دیگر فرمود
 که حق تعالی میفرماید که اگر نمون بود که نمون در دل چیزی میبافت بر آینه عصبیه بر کافری بشارت که اگر از
 سر او برسد **فصل دوم** در ادب حاجت رسیدن به اخفرت صادق علیه السلام مشغولت که دو چهار رجا

است

بِاللّٰهِ الْكَرِيمِ فَجِي تَجَامِي مِنْ عَيْنِ وَاللّٰمِ مِنْ كُلِّ سُوْعٍ وَاعْلَالِي وَلِيْسِي وَاسْفَامِ وَاجْجَاعِ
وَاسْلَكِ عَاقِبَةَ الْمَخَافَةِ وَشَفَا هَمِي ذَاوِ دُرِّهِ دِيْتِ بِكَ مَقُولِ كِي جَعَلَتْ صَافِي الْقَلَمِ
عَرِي كَرْدَمِ كَرْدَمِ بَدَنِيْتِ تَجَامِي دُرِّ وَشَبَدِ چَارَشَبَدِ فَرُوْدِ حَضَرْتِ رَسُولِ صَلَواتِ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ
كِهِ كِهِ كِسِي زِيَادِي خُونِ دَر خُونِ بِيَا بِيَا تَجَامِي كَنْدِ كَمَبَادِ اَو را بَكَشَدِ دَر فَرُوْدِ كِه اَوَلِ بَشَبَدِ كِه اَز اَوَلِ
مَهِ رُوی كِه اَوَلِ مَهِ بَهارِستِ كِه تَجَامِي كَنْدِ بَاقِیْتِ بَدَنِ مِیْشَوِ دَر حَضَرْتِ اَمَامِ تَجْمِدِ بَقَرَمِ فَرُوْدِ كِه حَضَرْتِ
رَسُولِ صَلَواتِ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ كِهِ اَز اَرَامِ غَیْرِ سَبَدِ كِه اِنِیَا تَجَامِي مِیْجَرَدِ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ
سَرِ شَفَا دُرِّ
بِا بَدِ اَز دُرِّ
بِا بَدِ رُغْلِ مِیْكَرَدِ كِه حَارَتِ خُونِ فَرُوْدِ شَبَدِ دِرْشَدِ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ
مِیْكَرَدِ دُرِّ
عَلِیَّ اسْلَامِ تَجَامِي كِرْدَنِ دُرِّ
صَافِي مَتَوَلِّ مِیْكَرَدِ دُرِّ
خُونِ رَا سَاكِنِ مِیْكَرَدِ خُونِ اَنَدِ رُونِ اَمَّا مِیْكَرَدِ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ
تَجَامِي كِرْدَنِ بَاقِیْتِ مِیْشَوِ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ

خون می افتد در آنوقت قیامت میگردند و آنحضرت صادق علیه السلام که در راه مبارک معصیان نهران که
قیامت را در شب گشاید و فرمود که قیامت را در روز و شب است و فرمود که زینهار باشد قیامت
نکند اما اگر چیزی بخیزد که پیشتر باشد چون آمدن خون و قوت خون میشود و فرمود که چون بخیزد
اکل باشد خون هیچ میشود و فاسد خون را میبرد و اگر پیش از اکل باشد خون صاف میبرد و
خون فاسد میماند و زین شام گوید که در وقت حضرت صادق علیه السلام بودم که قیامت را طلبیدند و فرمودند که بخیزد
را بشوید و نهنگی پس ناری طلبیدند و شاول فرمودند چون آنحضرت فایع شدند اما دیگر طلبیدند و گوید
فرمودند و گفتند که خوردن آنرا از آنوقت صغیر است نه آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو بصیر پرسیدند که
مردم بعد از قیامت چه میگویند گفت بر کاسی میگویند که فرمود که بایست که آنحضرت امام موسی علیه السلام
موقوف که اگر کسی خواهد که قیامت کند در روز شنبه کند و فرمود که قیامت کردن در روز شنبه شغای هر روز
در روزی و او شده بنیاد قیامت کردن در روز چهارشنبه که هرگاه فردا عقرب باشد و آنحضرت صادق
موقوف که در روز پنجشنبه خون در موضع چهارشنبه میشود و پس چون ظهر شد در بدن موقوف میشود پس
قیامت را پیش از ظهر باید بکشد و در وقت دیگر نه فرموده از قیامت کردن وقت عصر و آنحضرت امام
علیه السلام موقوف که در وقت ماه خرمین رومی که اول ماه است آن قیامت بکن و اگر نشود
عباده هم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که قیامت را در روز چهارشنبه و آنحضرت رسول الله

منقول که حاجت در کوپت سر موجب غلبه فراموشیت و اخلاص صادق علیه منقول که حاجت بفرماید
 رسیده است و برای هر دوی نافع است بغیر از هر کس پس از هر دو طرف بر سر شکر کردن بجا نیست و
 اینجا انکت رساندن نشان کردن و حاجت پیش برود و در دست او بگوشت منقول که در دوشنبه ساعتی است
 که اگر در آنوقت حاجت اتفاق افتد خون بند نشود و تا بگوید و فرمود که هر که در وقت زجره حاجت بگوید
 با و برسد حاجت کند مگر خود را و در پیش او بگوید که فرمود که آیه الکرسی بخوان و هر روز که خواهی حاجت کن
 فرمود که حاجت سزاوار است از برای دیوانگی و خوره و بیستی و دزدان و در حدیث دیگر ناری است
 و در سر و بسیار خواب فرمود که چون فصل چهار ماه شود هر ماه یک مرتبه از حاجت بگوید و اگر حاجت بر
 معاشش خوش میکند و هر از ترا از پیشش بگوید و منقول که حضرت امام قدس تعالی علیه السلام طبعی بر او
 و فرمود که اگر حاجت است بگوشت منقول که شخصی بگفت که حاجت من در عیال است شکایت کرد از درد
 بگوشت حضرت بود او را فصد با فرمود و شخصی بر از خارش بدن شکایت کرد و فرمود که بر سر و در آن
 کن در پشت پا و در میان کعبه و یا شخصی بگفت که امام موسی علیه السلام شکایت کرد از جگر و فرمود که فصد
 پانی راست کن و بقدر دقت و در آن با دلم شیرین بر روی کعبه بر روی و یا کسی شکایت کرد که در کف
 دیگر بگفت حاجت من علیه السلام کرد از جگر و فرمود که اگر کف کف در میان انواع است
 که از آن علیه السلام رواست شده و پان جواز رجوع با او از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است که

در دست و دست این در دوشنبه است یعنی صفرا و سودا و بلغم و دوی خون حاجت است و دوی
 سهولت و دوی غم خام است و از حضرت صادق علیه السلام که از دوی غم است حاجت کردن و دوی
 کشیدن و دوی این چکاندن و حاجت کردن و از حضرت امام قدس تعالی علیه السلام که هر روز دوی غم است
 و دوی این چکاندن و حاجت کردن و دوی غم رفتن و دوی غم فرمود که طبع عرب و حاجت و دوی
 و از فرمودی این دفع کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طبع عربان و دوی غم است حاجت
 و دوی دوی این کردن امام رقیق کردن و خوردن عمل و از فرمودی این دفع است و از فرمود
 صادق علیه السلام منقول که فصد کردن از جگر و دوی غم است و حکم را بزرگ میکند و فرمود که دوی غم است
 و در او مالیدن و فی کردن و فصد کردن و فرمود که طبع این حاجت و فصد فی و دوی این چکاندن
 و از فرمودی این دفع است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بزرگ
 که بدن را سدا و آکنده است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است
 فرمود که در دوی غم است امام رقیق کردن و دوی غم است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است
 و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است
 در دوی دوی فرمود که هر که کافران شود که بگوید که دوی غم است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است
 و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است و از فرمودی این دفع است

و از فرمودی این دفع است

و از تیره کردن تا وقتی که مقدار شد که آنقدر آفتاب شد چون آنوقت وقت منقضی شد و او
 حضرت اشرمید بدو آن دو اشفا مییابد هر که پیش از آن مدت عیال تصدق یا کار یا چیزی که
 پیشتر از آن مدت دو از حضرت یا خبر بد و فرمود که در غسل شغای بر در ایت که هر که یک انگشت
 عمل نداشت بخور و معریم رافع میکند و سود را بر طرف میکند و درین راضا میکند و حافظ را قوی میکند
 هرگاه با کند بخور و آب سرد در آن و صفا را قوی نشاند و طعام را هضم میکند و اخلاقی که در معده
 است میکند از روتب را بر طرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدتر از این میکند باید بد آن است و جاسته نام
 پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را مانده که کند زنده شود و بوی خوش تصدق
 آسمان رافع کند و قضای حکم را بر طرف میکند و فرمود که چای پری میبرد و مانده تصدق و دعا و استغفار
 که شتهای پری و اسکا چاره روز است پری زنه آنست که چیزی بخورد بگو آنست که بگوید و فرمود
 صحت و مرض در بدن آدمی با یکدیگر در مقام صاف و متعادل است پس هر وقت که صحت غلبه یا مرض غلبه
 می آید و شتهای طعام بهم میرساند پس هرگاه که طعام بطلبد بدید که شاید شتهایش در آن باشد
 فرمود که شغای هر روز در قرین است پس چنان خود را عیال و او کند تصدق و طبعش را که بخواهد
 که هر که قرآن شغای هر چیزی شغای او نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است که هر که در این
 خود یا بدو را بر فراج خود غالب نماید یا در آنجا صفت نماید که هر روز از فرمودی نشاند و از حضرت

در عیال تصدق
 یا کار یا چیزی که

در غسل شغای
 بر در ایت که

در مقام صاف و متعادل
 است پس هر وقت که

مشغولت که عامد و در و چهار بار بخور و فرمود او خون سوخته و نیم زیاد و شهاب پس باید که آدمی
 احوال میکند پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و این را ملاک کند و از حضرت رسول الله علیه و آله
 با سینه بقره از آن حضرت مشغولت که و او کند چنان خود را تصدق و فرمود که تصدق و صفا
 طایبای حکم رافع میکند و فرمود که تصدق هر گاه ای بد را از صفتش دفع میکند و در وقت که انگشت
 شغای بخت امام موسی علیه السلام کرد که من ناده فرمود عیال هم چای پری فرمود که این نزد او کند تصدق
 که هیچ چیز بهتر از تصدق نفع نمیکند و بنده معتبر از حضرت صادق علیه السلام است که شغای حضرت امیر
 با فرمود که از آن خود یکدم از هر که با و داده بطلب که بخواهد غسل بکند و باید از آن بخور تصدق
 چنان کرد شغای آن از سبب پسند حضرت که شغای میفرماید که اگر زمان از هر خود و شهاب
 بخاطر چیزی بخشد که او عافیت نکند و با غسل میفرماید که در آن شغای از برای مردمان
 و در باب این میفرماید که فرستادیم از آسمان آب بر کعبه در اینجا که در آنی و عافیت میر
 همه شمع و در وقت که شغای که مرد پری بخت عیال سلام آمد و عرض کرد که دردی دارم که اطباء این
 شراکت از آنرا که هر که شغای فرمود که و او کند بگو ای که خدا فرموده که که خبر این زنده است
 گفت این موافقت نمیکند فرمود که هر که غسل بخورد که خدا این شغای مردمان کرد و سینه است گفت
 بیستم نمی آید که چای پری بخورد که استخوان پست چنان بر او پست که شغای پست نمیکند فرمود که بخور

در عیال تصدق
 یا کار یا چیزی که

الحمد لله الذي جعل في الدنيا والآخرة ما شاء الله لا قوة الا بالله كذب الله لا علقين انا
ورسلي ان الله قوي عزيز ان عزب الله هم الغالبون ومن يعصم الله فقد هد
الى صراط مستقيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين ورسلمان فارسي رضي الله عنهما
وآلهمين وكانت منتهى طاعتهم وروايت حضرت روزافنده پيرون آدم وراجه
امير المؤمنين سلاماقت كردم و فرمود كه برو نزد حضرت فاطمه عليها كتحفة از پشت برآي
است و بخواهد تو عطا فرمايد يعجل كجاست آنحضرت شفاقم گفت برو ز حزين موضع نشسته
و در خانه بسته بود و علقين بودم و فكر ميكردم و منقطع شدن وحي الهى از ما و نيامدن ملائكه
مبوى ما كاديدم در كنود بشدم و سه خواهر بزرگ من آمدند كه كسى بچنين وجه و طراوت و قوت
ايشان و نزاکت هرگز ندیده همچون ايشان را دیدم برخاستم و سؤال كردم كه شما از اهل
ايد يا از اهل مدینه گفتند اى دختر رسول خدا صلوات الله عليه و آله از اهل مدینه نيستيم ما را پروردگار عزت از پشت
جوابه رسولى تو فرستاد و بپايشان تو را كه ايرى كه بزرگتر ايشان مينويستيم چه نام دارى
مقدمه كشم كه سبب ترا اين نام كردند گفت بچشمه انكه براى مقدار اسود خلق شده ام
پس از يكرى پرسيدم كه چه نام دارى گفت زهرا نام دارم از سبب ام پرسيدم كه چرا كه
پراى ابوذر غفارى خلق شده ام و پرسيدم كه چه نام دارى گفت سلمى از سبب ام پرسيدم

بجانب

الحمد لله الذي جعل في الدنيا والآخرة ما شاء الله لا قوة الا بالله كذب الله لا علقين انا
ورسلي ان الله قوي عزيز ان عزب الله هم الغالبون ومن يعصم الله فقد هد
الى صراط مستقيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين ورسلمان فارسي رضي الله عنهما
وآلهمين وكانت منتهى طاعتهم وروايت حضرت روزافنده پيرون آدم وراجه
امير المؤمنين سلاماقت كردم و فرمود كه برو نزد حضرت فاطمه عليها كتحفة از پشت برآي
است و بخواهد تو عطا فرمايد يعجل كجاست آنحضرت شفاقم گفت برو ز حزين موضع نشسته
و در خانه بسته بود و علقين بودم و فكر ميكردم و منقطع شدن وحي الهى از ما و نيامدن ملائكه
مبوى ما كاديدم در كنود بشدم و سه خواهر بزرگ من آمدند كه كسى بچنين وجه و طراوت و قوت
ايشان و نزاکت هرگز ندیده همچون ايشان را دیدم برخاستم و سؤال كردم كه شما از اهل
ايد يا از اهل مدینه گفتند اى دختر رسول خدا صلوات الله عليه و آله از اهل مدینه نيستيم ما را پروردگار عزت از پشت
جوابه رسولى تو فرستاد و بپايشان تو را كه ايرى كه بزرگتر ايشان مينويستيم چه نام دارى
مقدمه كشم كه سبب ترا اين نام كردند گفت بچشمه انكه براى مقدار اسود خلق شده ام
پس از يكرى پرسيدم كه چه نام دارى گفت زهرا نام دارم از سبب ام پرسيدم كه چرا كه
پراى ابوذر غفارى خلق شده ام و پرسيدم كه چه نام دارى گفت سلمى از سبب ام پرسيدم

بعد از این شو ما اخاف علی نفسه و حق بر بگوئی و در بدو دیگر فرمود که دست بر موضع را بگذارد
 و میگوید بسم الله و با الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و آله و اولاد و لا قی الا با الله
 اسلم علی ما اجد و در مرتبه دست بر موضع میگذارد و در بدو دیگر فرمود که دست بر موضع را بگذارد
 و حق بر بگوئی و با الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و آله و اولاد و لا قی الا با الله
 جز الله و هد الله اعینک ایها الانسان بما عاهد الله به عموشه و لا
 یوم الرجعة و الا لانی و در بدو دیگر فرمود که دست بر موضع را بگذارد و با الله و اولاد و لا قی الا با الله
 شفاء و مذهب عاهد انزل علی ما بی من دله شفاء و در حضرت امیر المؤمنین و مشورت که الی
 بنی بریدند ایند عا بنو اندا یح الم و دردی با و فرزند ساند اعوذ بفرقة الله و قد تری علی الاله
 اعین جیبا و السماء اعین نفسی من لا یضر مع اسمع داء اعین نفسی الذی اسمع
 و شفاء و در حضرت صادق و مشورت که دردی بهم رسیده دست بر موضع را بگذارد و با الله و اولاد و لا قی الا با الله
 و تنزل من القرآن ما هو شفاء و هد للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا حسدا و ابر عا
 از هر علی که باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که اسوره قد و علی هو الله انشا میبرد هیچ چیز او را
 نمیدهد و در حضرت امام جعفر و مشورت که هرگاه کسی از برای در وجود پاید بگوید بسم الله صلی
 علی رسول الله و اهل بینه و اعوذ بفرقة الله و قد تری ما انشاء من شرا اجد و در حدیث

برای هر که خواهد

بگوید

مشورت که شخصی بگفت حضرت شاکت که از بسیار بیمار و پریشانی فرمود که ایند عا بنو
 لا حول و لا قوة الا با الله العلی العظیم نوکلک علی الی الذی لا یموت و الحمد لله الذی
 یجد و لا اولم یکن له صلی و لی من الذل و کبره و نکیه و در حدیث دیگر از حضرت صادق
 مشورت که حضرت موسی بن جعفر شاکت که از غلبه رطوبت حق تعالی او را فرمود که ایند
 عا بنو و او را بیاورد و با علی بن محمد و بخورد و حضرت فرمود که اینست که شما نظر بکنید و در حدیث
 الا ثم علی السلام روایت کرده است که شخصی بگفت حضرت امام علی الشیخ عرض کرد که درم
 سایی با شخصی را عیوب گزیده و بیم آنست که هلاک شود فرمود که بخور ایند با و و اطعم را که
 که از حضرت امام رضاء ما رسیده آپس فرمود که سنبلی در عوفان و قاقله و عا و فرموده حق
 سفید هم سادی یکدیگر و فریون دو برابر هر یک را آنها را بسیار نرم بگویند و از هر مرد
 کنند و بعضی که کفش گرفته باشند بخورند و کسی را که مار و عقرب گزیده یا کج آنرا بآب حلالت
 با و بخورند که در ساعت شفا مییابد و از حضرت امام رضاء روایت شده که از برای قلع و
 یکج آنرا بآب مرز کوش در پی بچکانند و از حضرت امام جعفر علی نقل کرده که از برای درد سر
 معده و حقان قلب باغ ایت که یکج آنرا آب سیر که بچکانند بخورند و در حدیث دیگر از
 حضرت امام رضاء مشورت که از برای آزار اسپر یکج آنرا بآب سرد اند که مر که بخورند و در

بگوید

دردی که عیوب گزیده و بیم آنست که هلاک شود

بقی

نیت یا روغن ککیر چینی بچکانند در اخر زرد خام و چون بچده ماه بگذرد برای دفع نفی آن عوض آن
 بزنند که خون در آید و بعد بککیر روغن بادام تلخ یا روغن منو بکوزند و اندک در معنی بچکانند و نکند
 بر آن موضع مالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب شیرین گرفته باشد بگذرد که از جوار حلال باد اندک از آن
 دو انباشت بکوزد برای دفع سهر و فراموشی و بغم سوز و تب که نافع است و چون چپ ماه بگذرد بککیر و ککیر
 از آن گرفته آب حل نماید برای سنگینی گوش در گوش بچکانند و اندک بر کلاه سرش بریزند و از برای جفا
 سر ساق آب ترش نافه و در و حدیث دیگر روایت از حضرت صادق علیه السلام که مثل این دو اجر است
 برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد و فرمود که چهار طلع شیرین بکند و در پانزده کند و چهار طلع
 کاه و بر آن نیند و آنقدر بکوشاند که از آن در دهان بماند و چهار طلع را در روغن کاه بر آن نیند و آن قدر
 بکوشاند که از آن روغن نماند پس بعد از آن با جود بر آن پاشند و بر هم بزنند تا خوب بماند
 کوزه کرده سرش را به بندند و در میان جوی خاک چنان کنند و مدت ایام تابستان و در رستان
 بپزد و آن در آب و بعد بککیر که در کان بکوزد برای هر روز نافع است و کلیه درجه بقر و در
 کرده از اسمعیل بن الفضل که شایسته کرد بکشد حضرت صادق علیه السلام فرمود و در آنکه طعام و عود
 و عود و حضرت فرمود که چرا نمیکوی بنیدیر که ما میخوریم و بافت طعام میشود و فرمود که با و میگویم
 دفع میکند پس فرمود که بککیر کفاح از مویزد و اندک بر آن بپزد و در آن بکشی و در طریقی کن و آنقدر

بر آن بزرگ که در پوستان و در رستان شبانه روز بکشد و در تابستان بکشد و در زمستان
 و آب صافتر و در یک بریزد و آنقدر بکوشد که در دهان برود و بکشد تا پس نیم طلع غسل در یک بر
 و آنقدر بکوشد که در دهان بکشد و در پیشانی غسل بخشد و در پیشانی و در چپ و در غفران و در غفران
 و مصلی را بکشد و در میان کف نازک بکشد و در میان چپ و در گوش بکشد و در پیشانی بکشد
 تا رسد و در دهان بکشد و در پیشانی بکشد و در میان کف نازک بکشد و در میان چپ و در گوش بکشد و در پیشانی بکشد
فصل ششم در مصالح و در سر و نفی و در کام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن از حضرت امام علیه السلام
 علیه السلام منقول است که برای در سر و نفی سر اینده را بنویسد و بر آن خواب سر کرد و میکند تا بپزد
الهم لست بالله استخذه و لا بربی و لا معک شرکاء یقضون معک و لا
 کان قبلك اله ندعوه و نقود به و نقضت الید و ندعک و لا اعانک علی خلقنا من
 احد فقلک فیک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلان و صلی
 الله علی محمد و آله و اهل بیته و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در سر و نفی
 یا بوش نبیند باشد دست بر موضع در بکشد و بگوید اسکن سکیفتک یا الذی سکنی یا ربی
القیل و الثنا و هو الصمیم العظیم و از حضرت امام علیه السلام منقول است که برای دفع درد سر این
 را بر روی آب بکشد و بکوزد و لم یزال من کفر و ان السعوط و الارض کانتا و تقافتا

بکوزد در روغن ککیر

بر سر

از در فرمود که بکلام بر و پیش آنکه داخل شوی صفت عام آب کرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله
بگو و مقولت که شخصی که بخت حضرت امام همام شکایت کرد که سرای غلیم در سر خودی نیم که اگر بگوید
بر آن بوزدیم آنست که نفس کشم فرمود که روغن عین در روغن زیتون بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان و
در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام مقولت که بپوش از قزو آن آدم نیست مگر آنکه در او دو رنگت
یک رنگ در سرش که خوزه از بکرت می آورده و یک رنگ در پیش که سپی از بکرت می آورد پس آنرا سر
چون بکرت می آید خداوند زکام را بر او مسلط میگرداند که در دمای سر را می کشد و هرگاه رنگ بکرت
می آید حق تعالی دبل را بر او مسلط میگرداند که در دمای بدن را می کشد پس کسی که زکام و مله هم ساند
خداوند آنرا نکند و در روایت معتبر دیگر فرمود که زکام لشکری است از لشکرای خدا میفرستد که در دمای
بر طرف کند و در چند حدیث آمده است که زکام را علاج نمیدارد و یک روایت دیگر از حضرت
شده است در معالجه زکام که بخر و روغن بخت آلوده کند و در وقت خواب بر معده خود بگذارد و در آن
و یک فرمود که یک انگ سبزه و آنرا و نمیدانگ کند را بگویند و در دماغ بدمند زکام را بر طرف میکند **فصل**
پنجم در معالجه سایر امراض سرد و کله و در حدیثی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مقولت که
چشم کسی که زرد شده باشد باید که آیه الکرسی بخواند با اعتقاد درست که البته شفا می یابد و در روایتی
دیگر مقولت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که میخوانی ترا دعا تعلیم نمایم که برای دنیا و آخرت نافع باشد

در حدیثی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

و در چشم ترا زایل کند گفت بی فرمود که بعد از نماز صبح و شام مداوا نمایند باید دعا که اللهم انی استسئلت
بجو محمد و محمد علیک ان تعالی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصيرة
فی دینی و البقیة فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر
ابد اما البقیة و در حدیثی دیگر مقولت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای در چشم انداخته میفرمود اللهم
مستقی بصیری و اجعلهما الوارثین منی و انصر فی علی ظلمی و انصر فی خیر نادی
و در روایت دیگر مقولت که شخصی که بخت حضرت صادق علیه السلام دید که چشم آنحضرت را زکام دارد و در آن
کجاست آنحضرت رفت و یک هیچ از آن نمانده است آنسبب پرسید فرمود که این تعویذ بخوانم اعوذ
بقوة الله اعوذ بقدره الله اعوذ بعظمته الله اعوذ بجلاله الله اعوذ بکرم الله اعوذ بهما
الله اعوذ بقرآن الله اعوذ بحلم الله اعوذ بنور الله اعوذ برسول الله صلی الله علیه و آله
علیهم ما اجد فی عینی و ما اخاف ما احذر اللهم رب الطیبین اذهب الک عینی بحولک و
قوتک این شهر انوار است که مرده کوری شنید که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام انداخته اند
و چون بایمنه رسید که آن تعویذ نورانی بصری دیده اش روشن شد اینست اللهم انی استسئلت
یا رب الارواح الفانیة و رب الاجساد البالیه استسئلت لطاعة الارواح الراجعة
اجسادها و لطاعة الاجساد الملمة الی اعضائها و باشتقاق الطهور عن اهلها و بد

در حدیثی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

در حدیثی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

در حدیثی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

عنك الصادقة فيهم واخذك بالحق بينهم اذ ابرز الخلق بظهور قضاة
بودن سلطانند و بجا نون بطشت و بوجون چشت يوم لا يلقى مولى عن مولى
شيئا ولا هم ينصرفون الا رحم الله انه هو العزيز الرحيم اسئلك يا رحمن ان يجعل
التور في بصري واليقين في قلبي وذكر بالليل والنهار على سائر ابد اما البقيت
على كل شي قد بر و در بر و در بر از حضرت امام موسي مشورت كه شخصي شكات كرد از ضعف
با حضرت و كفت بترتبه رسیده كه شب كور شده ام فرمود كه آيه الله نور السموات و الارض را بخوان
بخوان و تكرار بجای بزن و بآب بخور و ابرار در شير كن و از ميل چشم كنش راوى كفت كه تكرار عسل
كشيدم كه پنهانی من بر كشت و در حديث بجز مشورت از حضرت امام ضام كه شفای چشم خوان
سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آية الكرسي و كشيد و تخط و در دو كند را
و دعای كه كوشش را دعا در دو كند و در حديث بجز مشورت كه شخصي بجز حضرت امام محمد باقر شكات
كرد از سنگيني كوش فرمود كه دست بر كوشش و اين آية را بخوان كه لو انزلنا هذا القرآن
على جبل رايت خاشعا مستصدعا من خشية الله و تلك الامثال بضر بها للناس لعلهم
يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي
لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان عما يشركون

نصف
معه

نصف
معه

هو الله الخالق الباري المصور له الاسماء الحسنى تسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم در روايت بگردار شده بروغن يا سمن يا رومن بترتبه مشورت بجز آن كان اسم
كان في ذنبه و قرآن التسميع والبصر والقوادكل و لك كان عنه مسئولا بجز
از كوش بچكان و از بر اي قطع رعايت مشورت كه بر پنهانی بنويسد يا ارض ابلعي ما نكد و يا آ
اقلعي و غطي الماء و قضي الامر و استوف على اليهودي و قيل بعد للقوم الظالمين
و در روايت و بكارين آيات بخوانه منها خلقناكم و فيها نعبدكم و منها نخرجكم نارا
اغوى يومئذ يفتنون الذمى لا عوج له و خشعت الارضات للرحمن فلا تسمع
الا هسما يا ارض ابلعي و يا سماء اقلعي و اقر اي بخواند و من يتق الله يجعل له مخرجا و
يرزقه من حيث لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
جعل الله لكل شي قدرا و جعلنا من بين ايديهم سدا و من خلفهم سدا فاغشىنا
فهم لا يبصرون و مشورت كه شخصي بجز مشورت كه شكات كرد از درد دمان فرمود كه دست
بر دمان بگذار و بگو بسم الله لا يضر مع اسمه داء اعوذ بكلمات الله التي لا يشعها
شيئ قدوس قدوس يا رب الطاهر المقدس المبارك الذي من
به عطيتيه و من دعاء به اجيبه اسئلك يا الله يا الله يا الله ان تصلي على محمد النبي

در اين دفعه عاف

نصف
معه

واهل بيته وان عافيتي مما اجدني في راسي وفي سمعي وفي بصري وفي طمعي وفي ظمعي وفي
 يدي وفي رجلي وفي جميع جوارحي كلها وابو بكر شكايتك كالحزب الممجد باقره از در دند ان
 شهما از اين درد پيدايشم فرمود كه بر كاه اشري ظاهر شود دست بر آن موضع در ديك از دستور حمد
 و قل هو الله احد بخوان و اين آيه را بخوان و نوال خيال بحسبها جامده و هي تمر السحاب
 التي انق كل شئ ان خير مما تعلمون و از حضرت صادق موقوف كه اينها را بخوان بار بار
 انزل و از حضرت امير المؤمنين هم موقوف كه براي دفع درد دند ان دست بر موضع سجود جالد و بر مني
 كه دره ميكند باله كوبيه بسم الله الشافي الله لاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و در ريد و
 موقوف كه براي دفع درد دند ان سوره حمد و مودتين و قل هو الله احد بخوان پس كوبيه بسم الله الرحمن
 الرحيم و له ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم قل يا ناد كوني برد او سلاما على ابراهيم
 و اداد و ابه كيدا فجعلناهم الاخرين نو دي ان بودن من في النار و من حولها و
 سبحان الله رب العالمين اللهم يا كافي من كل شئ ولا يفي من شئ الف عبدك و ابنك
 من شرمات خاف و عذرو من شرمات جعل الذي شكوه اليك و در ريد و ديكر موقوف كه براي دفع درد
 سوره حمد و مودتين و قل هو الله احد بخوان پس كوبيه بسم الله الرحمن الرحيم و له ما سكن في الليل والنهار
 وهو السميع العليم قل يا ناد كوني برد او سلاما على ابراهيم و اداد و ابه كيدا فجعلناهم الا

نحوه در دند ان

درد دند ان

نحوه در دند ان

الاخر

الاخرين من دند ان بودن من في النار و من حولها و سبحان الله رب العالمين اللهم
 يا كافي من كل شئ ولا يفي من شئ الف عبدك و ابنك من شرمات خاف و عذرو من شرمات
 من شرمات الوجع الذي شكوه اليك و در ريد و ديكر موقوف كه براي دفع درد
 از ريد و ديكر درد دند ان كه دست بر آن دندان كه گرم خورده است بگذارد و مفت مرتبه بخواند
 العجب كل العجب ان يكون في القم ما كل النظم و تترك اللحم انا انفي والله الشافي الكافي
 لا اله الا الله و الحمد لله رب العالمين و ان قد علمت نفسا فاذا اتممت فيها و الله محمدا و
 فقلنا ان شربوه ببعضها كذا الشافي الموق و يريك انما لعلم تقفون و در ريد و ديكر موقوف
 سوره حمد و قل هو الله احد بخوان پس كوبيه بسم الله الرحمن الرحيم و له ما سكن في الليل والنهار
 فلان بن فلان بنهم خود و پدرش را كوبيه اكلت النار و البارد اقبال النار تسكين يا البارد
 تسكين له ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم و استندت واء هذه الفرس
 بن فلان بسم العظيم پس سوزاد و يوا كوبيه الله الله الله و در ريد و ديكر موقوف كه شخم شرمات
 مرمي شكايت كرد از كند دند ان حضرت فرمود كه در جبهه بكوب يا الله يا الله يا الله يا الله و سخن بيازي
 يا رب لا رب يا سيد الساد يا اله الاله يا مالك الملوك يا مالك الملوك يا شفي صل
 شفاك من هذا الداء و اخره عنى و انى عبدك و بن عبدك و انقلب في قبضتك

نحوه در دند ان

نحوه در دند ان

راوی که میگوید اینها را در جوار خود نهادم شفا یافتیم و حضرت سوالی از عیسی علیه السلام کرد و میفرمود که از کجاست
 و او برای در چشمش نافع است حضرت صادق فرمود که مسواک کردن آب چمن شیراز را میگوید چشم
 را جلا میدهد و در چشمش که شفا یافتیم که از آنجا چشمش فرو رود که در اوئی بسیار جز
 و کافور و هر دو را بر آب و کبر و در چشمش فرو رود که ضعف چشم و خیال را بر طرف میکند و در چشمش فرو رود
 که در چشمش نافع است برای دفع سعیدگی که بر روی باهر و بهم رسد نافع است و در چشمش نافع است از حضرت امام موسی
 مشقوت که بر سقوی و کافور و باهی مساوی که کبریا بسیار بر پرده کشد و مایه که در چشمش میگذارد
 مایه سر چشمش بر طرف میکند و حضرت امام حسین علیه السلام میفرمود که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر
 فلفل بسای و بر برود و در چشمش فرو رود که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق که در چشمش نافع است
 که در چشمش او بهم رسیده بود و از در دندان و مفاصل فرمود که فلفل و در چشمش نافع است از حضرت امام باقر
 صاف کبر هم و در سر را خوب بسای و از هر بر پرده کن و در چشمش نافع است از حضرت امام صادق که در چشمش نافع است
 روی دینه را قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و در در مسکن میکند و چشم را با سر دهنوی و در چشمش نافع است
 سر دهنوی که در چشمش فرو رود که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق
 در پهلوی چشمش نافع است از حضرت صادق که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق
 دست چشمش نافع است از حضرت صادق که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق

دفع چشم

نفع چشم

دفع چشم
دفع چشم
دفع چشم

نفع چشم

نامش گرفت از در چشمش امامی بخشد و در چشمش که شفا یافتیم که از آنجا چشمش فرو رود که در چشمش نافع است
 و خون بسیار از چشمش آید فرمود که کبریا بسیار کند را قدری بگیر و نرم بکوبد با شیر زن مرغی کن
 بر روی آتش گرم کن و نرم و چند قطره در گوشش که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است
 مشقوت که کف خردل و یک کف کج پوت نکند و هر یک را الی الله بکوبد و یکدیگر مخلوط کرده روغن
 بگیرد و در چشمش که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق
 و در گوشش بکند از سر روغن چمن کشد شفا یابد و در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است
 و چند قطره در گوشش بکند و از حضرت سوالی از عیسی علیه السلام کرد و میفرمود که از کجاست
 و از حضرت صادق که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق
 عیسی علیه السلام مشقوت که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق
 بسیار عرض به حضرت شفا یافتیم که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق
 که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق که در چشمش نافع است
 شهر دیگر که شفا یافتیم که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق
 و در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق که در چشمش نافع است
 که برای در دندانان سعد را بر آن کبریا و فرمود که سر که در چشمش نافع است از حضرت امام باقر که در چشمش نافع است از حضرت امام صادق

نفع چشم

دفع چشم

نفع چشم

دفع چشم

حکم میکند و برده بفرزاده بن طیار منقول که بجز آن حضرت رفت و او میکشد بفرمود که ترا
چو میشود گفت دندانم در میکند فرمود که بجامت بکن بجات کرد در ساکن شد بعد از آن گفت
بجات و خوردن نعل نرسد و دیده بفرمود که منقول که برای در دندان قتل کرد و پیش
را بکند پس و غشرا بکند اگر دندان شراب گرم خالی کرده با در میان او دندان بکند ارد و بر پشت بکند
تا سه شب چنان کند و اگر بن دندان در دندان در آنکه بکند که در جانت دندان در وقت و بخت
هر شب در قطره یا قطره و باز فرمود که هر که در دندان داشتند یا شد یا خون ازین دندان آید
یا در دندان یا دندانش چو شیده با و نکش سرخی کشد یا بشکست ناز که رسیده با و در دندان
بکند و تا مشرب بکند و سرش را سوراخ کند و کاری از آن سوراخ داخل کند و مقرر شد که بکند
که سوراخ نشود و سر که بسیار شدی که از شراب بمل آورده باشد از آن سوراخ بریزند و بر سر
آتش بکند از آنکه بسید بچو شد پس بردارند و هر وقت که احتیاج باشد بعد از آن بکند و بر دندان
دندان باله و بعد از آن بر که مصغه کند و اگر خواهد آنچه در میان قتل است و در شیشه یا ظرفی دیگر
کند و در چند آتش بر طرف شود سر که بر دندانش بریزند و هر چه کند تر شود و نفسش پست و در حدیث
منقول است تا بر ابراهیم بن نظام که گفت مراد از دندان در راه گرفته و با او در گرم ارد دندانم گرفته و
بعد از آن دندانم را از برف پر کرده پس دندانهای بن تمام بکشد حضرت امام رضا علیه السلام را در آنجا

دندان
دندانی

دندان
دندانی

دندیم که فرمود که سعد در دندان بکن تا دندانهایت بر رویه بعد از چند کاشیدیم که حضرت عجل را دارد
است و بجز آنسان میرود بجز آنکه حضرت فتم و حال خود را عرض کردم تا آنکه فرمود که در خواب
بود چنان کردم دندانهایم روید **فصل هشتم** در معالجه قناری و قروح و جروح و ثلث
و شوره و خوره و پشه و بهق و امثال آنها از علی بن نعمان منقول که بجز آنکه امام ضام عرض کرد
که ثلث بسیار در بدنم بهم رسیده و باین سبب من حضرت فرمود که از برای بر ثلثی معقب جو
بکند و بر روی منقوبه اذ اوقعه الواقعة بجز آن فاکانت هباء منبثا و مفت نوبت بکن
و سینونک عن الجبال فقل سیفها و بی شفا فیدرها فافا صافصفا لا تراها
عوجا ولا استا پس بر جویرا بکنوب بر ثلثی مال و مجموع جویرا در پیوسته بکنوب
بر آن به بندد و در جای بندد و بهتر آنست که این را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت چو بکنم
بعد از یک هفته همه بر طرف شد و در حضرت صادق علیه السلام منقول که دست بر ثلثی مال و بخت
این دعا بخوان **بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و با الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله**
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم اللهم ارح عني ما اجد و در حدیث بفرمود حضرت امام
رضا علیه السلام منقول که فرمود که دختری در خانه ما قناری و کوهش بهم رسیده شخصی را جواب گفت
که بگو این دعا را که بجز آنکه یاد و وفای رسیدی و در حدیث دیگر منقول که بکنم حضرت

دفع اول

دفع ثانیه

صادق عرض کرد که کشته داده در بدن من ظاهر شده است افزود که سر در زوزه بهار در روز
 چهارم در وقت زوال غسل کن و بجزایایام بمبندی بر دو چهار گفت غار کینه ارد بهر سوره که خوا
 د تا توانی سعی کن در گریه و تفرع و حضور قلب چون از غار فارغ شوی جاهای خود را بنده از دعا
 کند پاکیزه بطریق لنگ بر خود ببند و بر خاک سجده برو و دهلوی را روی خود را بر خاک کنه از بزرگ
 و خستوع بگو یا واحد یا احد یا کیم یا حیا یا قوی یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و
 محمد و ائمتنا من بعد و البسنى العاقبة الکافیة فی الدنیا و الآخرة اصفی علی تمام
 النعمه و اذهب ما یجب فقد اذنی و عنی و فرمود که وقتی نفع میکند که خاطرت مطمئن باشد
 یقین باشی که تاثیر بدست میکند اشخاص چنان که برودی عاقبت یافت و در سینه دیگر فرمود که در
 در بدست بهم میرسد و ترسی که بحال بری منتهی شود در وقتی که وضو بسانی برای نماز و در پیشانی
 نماز بر آن درم بخوان این آیات لو انزلنا هذا القرآن علی جبل ینظر الیه الذین ینکرون
بآیاتنا لیراهن ان یرجع الیه الذین ینکرون برای دفع آید و کم پیرونی نور و حق نقل کرده
 و بهتر است که تیر تیر بدو و از حضرت صادق علیه منقول است که برای نبود و میل بای ریزه که
 بدن چرونی آید در اقل که اثرش ظاهر شود و انکشت مشاهده را بر دورش بگرداند و مقرب
 بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در مرتبه ششم انکشت را بر روی آن بقوت بگذارد و در مرتبه

تاثير
 دفع و کم در صورتی که

برای دفع

دفع و تیر تیر

نماز است

فرمود که صیبهها و شوره اگر از خون فادیت که در وقت طغیان از بدن بچرخد بکشد پس
 در او اینها حادث شود چون برخت خواب بر روی بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و کلما است
 اللامات الی لا یجاء و حق بر ولا فاجرمین شرک ذی شرفا از اینها و سایر درگاه امین
 کرد و در روی دیگر منقول است که برای و میل و گریه و قویا این آیت را بخواند و بنویسد و بخواند
 و مثل کلمه جیهة اجتفت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم و فیها نعیدکم
 و منها نخرجکم تارة اخر الله الیک و انت لا تنکر الله بقی و الله علی کل شیء قدير و در وقت
 معتبر منقول است که یونس بن عاصم کایت کرد بجزت صادق علیه از سببی که در روی او شاده بود و بهم
 حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود وضو بسیار و بنماز شب برخیز و در سجده آخر در کت
 اول نماز شب این دعا بخوان یا علی یا عظیم یا رحمن یا رحیم یا سامع الدعوات یا معطی
 الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی من خیر الدنیا و الآخرة ما انت اهلده
 انی عنی من خیر الدنیا و الآخرة و ما انت اهلده و اذهب عنی هذا الوجع
 نام آن از آری بر روی بگوید قد عافنی و خیر و مبالغه در تفرع و دعا کند راوی کوفت خفا که
 هنوز بگوید سر رسیده بودم که آن سببی از من بر طرف شد و در روی او دیگر منقول است که اسحق بن
 اسمعیل و غیر او از همین علت بجزت شکایت کردند فرمود که وضو بسیار بزد و در وقت نماز

سعد الله تعالی و دینا

دفع و تیر تیر

کجا اور پھر

[illegible]

5/6/67

دعوت

مکتبہ اسلامی

وضع ہو

۱۰۰

در حدیث مشهور است که جبراحی در پهلوی متوکل که مشرف بر هلاکت شد و اطا جرات نمیکردند که شتر بر تندی
 فتح بن خاقان وزیر او بود بخدمت حضرت امام علی التقی علیه السلام فرستاد و حال متوکل را عرض کرد حضرت
 فرمود که سر کین کو سفید و زرد و زرد و سفید آن سرشته میشود و بگوید و با کلاب غلو کند و بر آنجا حرکت کند
 چون این خبر رسید اطا خندید که این چه فایده میکند و زیر گفت که آن حرکت و ناما ترین خلق است آنجا
 فرموده است باید که دلیل آنچه فرموده بود بعمل آورند و در دوش سکن شد و بخوابد و آنجا حرکت کند
 شد چو کربس بیدار دفع شد و دشایافت و آنحضرت صاوق عمو مسعود که چقدر را با کوشش و چنین
 مپسی را بر طرف میکند و دیده دیگر مسعود که شخصی شکایت کرد از این مپسی بخدمت حضرت فرمود که تمام برو خدا
 با نوره مخلوق کن و بر آن موضع مال که دیگر خواهی دید از تران **و ایضا** از آنحضرت مشهور است که
 چیز برای مپسی تر از تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه نیست باریک آن بخور و بر آن موضع مال
 فرمود که موی بینی را بکنند اما نت از خوره و تربت حضرت رسول صلوات الله علیه خوره را زایل میکند و فرمود
 که اگر کسی که خوره به پیشانی اش باشد بگریزد و نظر ایشان نکند و با ایشان هم معاشرت ننماید
 که سر ایشان نشود و آنحضرت امام موسی هم مشهور است که کوشش کا خوره و مپسی را زایل میکند و حضرت
 امیر المؤمنین هم فرمود که در هر چه شارب گرفتن اما ن از خوره و آنحضرت امام موسی
 مشهور است که بچکان غیبت بکارد که در آن وقت که از آنجا میگذرد و نور و شمع و دیده دیگر که

روای سی

روز

که شخصی یا حضرت عیسی که که ماه طاعون در بینم ظاهر شده افزوده که سپید بخور است و چنانچه
عافیت یافت **فصل هفتم** و عالمی امر این اندر تو قوی بود و اما در آزار ما و از ما زوده و شر
مشغول که شخصی یا حضرت امیر خسرو صمدی که شکایت کرد از درد سینه حضرت فرمود که طبع شکایت
قرآن زیر اکتفا می نماید که قید شفاء لما فی الصد و در معنی در قرآن شفاء است و در سینه
و از حضرت صادق می فرمود که شخصی یا حضرت رسول صمدی که شکایت کرد از درد سینه که در سینه
فرمود که کوانکی غسل با آب گرم بخورد روز دیگر که شکایت خود دفع کرد فرمود که برو با غسل
بخورد و هفت مرتبه سوره حمد نزد آن بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادرش منافی است این
سبب غسل او را نفع بخشید و در ریت دیگر مشغول که شخصی یا حضرت امیر المؤمنین می شکایت کرد از درد
شکم فرمود که آب گرم بخورد این دعا بخوان یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب العالمین
یا الله یا الله یا ملک الملک یا سید السادات استغفر الله من کل سوء
فاقی عبدک و بن عبدک اقلب قلبی بقضتک و بیده دیگر مشغول که شخصی یا حضرت
صادق می شکایت کرد از درد ناف فرمود که دست بر آن موضع بگذارد و مرتبه بخوان ان الله
عزیز لا یتدیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه من حکیم حید و در ریت دیگر
شده است که برای قوی و در شکم سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب

علاج شکایت

الاصحاب و در شکم

علاج در شکم

علاج در شکم و در ریت

برابر جامی یا شک و زعفران نبوی و این دعا را نیز بخوان **اعوذ بوجه الله العظيم و بوجهه العلی**
لا توام و بعدد نه التي لا یتسع منها شیء من شیء هذا الوجع و شری ما اخذ منه و باب
باران بنوی و بخور ناشتا یا در وقت خواب و در ریت دیگر مشغول که برای فالج و تبخیر در ریت
منع است و در حدیث دیگر مشغول که شخصی یا حضرت امیر محمد باقر می شکایت کرد از درد تنگی کاه فرمود
که چون از نماز فارغ شوی بر موضع خود بمال بعد از آن بر موضع درد بمال و این تالیفات
انحسبتم انما خلقناکم عبداً و انکم الینا لا ترجعون فتعالی الله للک الحق لا اله الا
هو و ب العرش الکریم و من یدع مع الله الها اخر لا یروهان له به انه عند ربه انه لا
یفعل الکافون و قل رب اغفر و ارحم انت ارحم الراحمین راوی که شکایت کرد از درد
بر طرف شد و در ریت دیگر از حضرت صادق می مشغول که دست بر تنی کاه مالد و مرتبه بخوان
بخواند بسم الله و با الله محمد رسول الله علیه و اله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم
اللهم اسمع عنی ما اجد فی حاجتی و در ریت دست بر آن موضع مالد و از حضرت صادق می مشغول
که از برای دفع الم سپرد این آیت را بر زعفران نبوی و با بصره می بخورد و بخورد قل اعوذ بالله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاله اسماء الحسنی و لا تجس بصلواتک و لا تخاف من جاء
بین ذلک سبیلاً و قل الحمد لله الذی لم یجد ولداً و لم یکن له ولی من الدل و کبره تکبیراً

علاج در شکم

علاج در شکم

علاج در شکم

و منقول که شخصی بخت حضرت امام موسی ^ع سبایت کرد از فرافرو خدا ای شکم غیر بخت که از
میکشید و با کسی شنبه ششم شرمند می شود خورشید بود چون از نماز خارج شوی امید جانان اللهم
ما عملت من خیر فهو منك لا حول لی فیہ ما عملت من سوء فقد عدت من عندک فلا عد لی فیہ
اللهم انی اعوذ بک ان انکل علی احد فیہ او لعن لا عد لی فیہ و در روایت دیگر همین دعا
برای دفع فیه وارد شده و در حدیث دیگر منقول که شخصی شکایت کرد با بخت از پیش شکم فرمود که
ای کبر و این آیت را بر او بخوان بید الله بکم العیسوی لا یرید بکم العیس من ربکم و اولم یر الذین
ان السما والارض کانتا رقعا فنفقناهما فجعلنا من الماء کل شیء حی الا ان یؤثروا
پس این آیت را بخواند و دست بر شکم مالده و در بید و دیگر وارد شده و که این آیت را بر دهن بخواند و بر
شکم مالده بسم الله الرحمن الرحیم نفقنا ابواب السماء بماء منهمر و نفقنا الارض عیونا فالتقی الماء
علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح و در سر الارض عیونا کانتا رقعا فنفقناهما فاجعلنا
حدیث دیگر منقول که حضرت صادق ^ع در خوابی بود و می بیند فرزند از بخت شکایت کرد از در شکم و در
حضرت او را پدید فرمودند که بر پشت بخوابند و این دعا را بخوانند بسم الله و با الله و بصلی الله
الذی تقی کل شیء انما یصلون اسکی یا ربی یا الذی یکن له ما فی الدیل و التما
هو التبعی و در روایت دیگر منقول که شخصی بخت حضرت ابی الرزین ^ع شکایت کرد از در دست فرمود

در روایت دیگر منقول که شخصی شکایت کرد از در شکم

در روایت دیگر منقول که شخصی شکایت کرد از در شکم

در روایت دیگر منقول که شخصی شکایت کرد از در شکم

که دست را بر افروغ کرد و در او را بگذارد و بر ترابین آید را بخوان و ما کان لفعل ان عموت لا
باذن الله کتاب مؤجلا و من یرد لوالدینا فوسیه منها و من یرد ثواب الخیرة یوقیه
منها و منجز الشاکرین و وقت من بمرور انا انزلناه بخواند و در حدیث دیگر منقول که فضل بخت
صادق ^ع شکایت کرد از شکم گفت اندک است ای که بر دهنم شکم می شود و می شنیم فرمود که با
شتر بخور و یعنی در حدیث حسن یرد آمده که شخصی بخت صادق ^ع شکایت کرد از سر و کلاه
انجنان از ترس و روی و بهمان مقدار نبات خوف کن و دیگر فرمود و بخور از شکم گفت که بخت فرمود
بر او شد و در حدیث دیگر منقول که شخصی شکایت کرد بخت امام موسی ^ع از رفس س حضرت فرمود
که سبید و قاتله و غفران و عاق و قرقه و زبر النج و خرق سفید و خرق سفید بجز از ساسا و دیگر و بقیه
را دو برابر بر یک بجز از یک و تمام بجز از ساسیده از بر بر برون کن و با عسل که غش از ترش باشد
تیر کن و بعد بکشد بآب گرم در شب بخور چنان که در غایب و در بید و دیگر منقول که شخصی شکایت
امام صادق ^ع شکایت کرد از سر و فرمود که بکپ از فضل سفید بجز و فرمون و در جز و خرق سفید
بجز و سبید بجز و در جز و غفران بجز و زبر النج بجز ساسیده از بر بر برون کن و مثل و در
تمام بجز از عسل که کشته اخل و غیر کرده میباید از بر برای سر و کلاه و در وقت خواب
رازیانه نیم گرم بخور و در حدیث دیگر منقول که حضرت صادق ^ع پرسید که بخت عیسی ^ع پرسید که

در روایت دیگر منقول که شخصی شکایت کرد از در شکم

در روایت دیگر منقول که شخصی شکایت کرد از در شکم

در روایت دیگر منقول که شخصی شکایت کرد از در شکم

در روایت دیگر منقول که شخصی شکایت کرد از در شکم

که بفرزند امیر رسید فرمود که بی در غفلت بپای بیا مردم هر که با او میرسد و در ترکی چای بخورد
 با او میرسد و در تهی گاه از روی بزرگان در غفلت گاهی در عارضی شد و با او میخفت
 که غسل و سیاه دانه در روغن زیت با یکدیگر خورکان از برای بنیاد و چون می آورد که است
 از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا که است داری خود طلبیدی میگفت بلی من برای آنرا طلب کردم
 از برای خیر غفلت و بدعتی دو اگر است دارم پس گرفت و تناول می نمود و در چند روزی داشت
 است که خوردن اینهای ماه در سوره میریزد و در حق کار بر طرف میکند و در وقت حضرت صادق
 مشغول میگردد و از روی که در این سوره و در دمای اندر و نراساکن میکند و در سوره افروم و کجوز
 انجمن روی را که در تهی کار از برای میکند و از حضرت امام محمد باقر مشغولت که حضرت خرقه علیه السلام
 در جگر هم رسید دعا کرد با و می فرمود که شیره انجیر را که بر سینه خود از پرده نال جان کن
 بر طرف شد و در وقت دیگر مشغولت که شخصی با امام محمد باقر شگایت کرد از شسته و در سینه فرمود
 که پاره شوره بده و در نه بخور و از روغن عسل و سه روز بخور اگر خدا خواهد شفا می یابد و کلیسیا
 معجزه کرده که بجز آن امام موسی عارض کرده که یکی از غلامان آنحضرت سپرد از فرمود که
 روزی با و تره بخور ایند چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا مشغولت که بخور
 سر که از برای است خسته باشند که تمامه را می کشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغولت که در

بدرستی

خود بخور

بدرستی

نماشت خوردن گرم معده را می کشد و از حضرت صادق ع مشغولت که هر که معده دانه خورده
 وقت خواب بخورد که تمامه را می کشد و در چند روزی معجزه از حضرت صادق ع برای
 اسهال برنج بپزند و بشوید و بر سر خیسک کنند و بروی آتش بوبند و نرم بگویند و در با باد
 از آن تناول کنند و در وقت دیگر از آنحضرت مشغولت برای دفع اسهال برنج را در روغن کشند و با
 بخورند چهار چاه مسک در زیر آتش بگذارند تا سنج شود و به قلوته نازد را بپزند و با آن
 در میان کاسه چند از دانه دیگر بر سرش بگذارند که بخارش بپزد و حرکت دهد تا آن پخت
 شود پس چون برنج پخته شود این روغن را بر رویش بریزد و بخورد و در وقت دیگر مشغولت که شخصی
 از غیر شگایت که بجز آن امام محمد باقر فرمود که کل ارضی را بوبده با آتش ملایم و سفوف کن و بخور
 که زیر را بر طرف میکند و در حدیث دیگر مشغولت که شخصی هم شگایت کرد از زهر از حضرت فرمود
 که بز قطن و صمغ عربی و کل ارضی را بوبده و سفوف کرده بخورد و در حدیث دیگر مشغولت که شخصی
 بجز آن امام رضا شگایت کرد از چشیدن و در آن فرمود که در کاسه بپزد و بروی آتش بگذارند و چون
 بریان شود پوست را بکن و بخورد و در حدیث دیگر رویت که شخصی بجز آن شگایت کرد از زهر و فرمود
 و فرمود که سیاه دانه با عسل بخورد و در حدیث دیگر مشغولت که شخصی بجز آن صادق ع شگایت کرد از
 معده فرمود که خوره را با آب سرد بخورد و در کاسه آب بپزند و در کاسه

بدرستی

بدرستی

دوای از برای

دفع چشیدن

بدرستی

بدرستی

دستم در مصالح اوجاع مفاسد و فالح و بوسه بر امراض شانه و سایر امراض و در چند فقره شست
که معنی بن خیر حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از در دفعی که عورت خود را در موضعی کشوده که سزا
وار نبوده و این سبب این دراهم سینه است دست بر آن موضع بگذارد و این دعا بخوان که بسم الله و یا الله
بلی من اسلم وجهه لله و حسن فله اجره عند ربه و لا حول و لا قوة الا بالله و لا هم یخربون اللهم
اسلم وجهی الیک و فوضت امری الیک لا ملجأ و لا منجأ الا الیک و در وقت
دیگر مشغول که شخصی بجز امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد رانها فرمود که اگر کسی در وقت کن
و در میان آب شستن دست بر آن موضع که درد دارد بگذارد و بگوید اولم یزکک الله من کفر و ان التمس
الارض کانتا رقفا فتقنا فما جعلنا من الماء کل شیء الا لیموتن و در چند
دیگر مشغول که شخصی بجز امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول سوره انا فتحنا
بخوان تا و کان الله عزیزاً حکیم و در وقت دیگر در شده است که ابو حمزه بجز امیر المؤمنین
شکایت کرد از درد رانها فرمود که این دعا را بخوان یا اجد من اعطی و یا خیر من سلط
یا ارحم من استرحم ارحم ضعیفی و قلة حیلتی و اعفنی من وجهی چنان که در بر روی باشد
یا ت و در چند دیگر مشغول که سالم بن محمد شکایت کرد که بجز حضرت صادق علیه السلام از درد ساق و کمر
درد مرا از آن کار عاجز کرده است فرمود این دعا را بخوان یا اجد من اعطی و یا خیر من سلط و یا ارحم من استرحم

دفع در دفع

دفع در دفع

دفع در دفع

دفع در دفع

دفع در دفع

کنند

کتاب بک لا یبدل الکلماته و لن یجذب من دونه ملحد او در ریه دیگر شست که شخصی
بجز امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد بند پا فرمود که دست را بر آن موضع بگذارد و بگوید بسم الله
و یا الله و السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و ما قدر و الله حق قدره و الا قدر
جمیعاً قبضته یوم القیمه و السموات مطویات بیمینه سبحان الله و تعالی عما یشبه
و در و این دیگر مشغول که شخصی بجز حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد ستان فرمود این دعا را
در خواب مرتبه و بعد از بیدار شدن یک مرتبه بخوان الم تعلم ان الله علی کل شیء قدیر الم
ان الله له ما فی السموات و الارض و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر و در وقت دیگر
مشغول که شخصی بجز حضرت امام علی علیه السلام شکایت کرد که شخصی از شیعیان شتابان شده است
حضرت در جوابش که آیات بخوان و در هر مرتبه که از آن دعا بخوانی بر آن موضع بینداز و در وقت دیگر شست
که شخصی بجز حضرت شکایت کرد از درد مفاسد فرمود که این دعا را بخوان اللهم انی اسئلك باسمک
و بر کانت و دعوه نیک الطیب المبارک الیکین عندک صلی الله علیه و آله و بحمد
و بحسب قیمته المبارک و بحسب وصیه امیر المؤمنین و بحسب سیدی شباب اهل البیت الا
ادعیت عنی شریکاً ما اجد بحکم حقیق یا اله العالمین چون این دعا را بخواند همان وقت
ساکن شود و در حدیث دیگر روایت که شخصی بجز حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از عرق الشافیه فرمود که اگر

دفع در دفع

دفع در دفع

دفع در دفع

دفع در دفع

دفع در دفع

بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله قال ما جئتم به السحر الله سيبيطه ان الله لا يصلح
عمل المفسد بن فوق الحق وبطل ما كانوا يعملون فقبلوا اهلنا لك والقلوب صاغرين
 وگرفتند که اگر از ساحری یا طلسمی ترسی بعد از نماز شب و پیش از شروع در نماز صبح روزه بگذازی
 هفت مرتبه بگویم الله سشد عضدك با حيك و بجعل لك سلطانا فلا يصلون عليك يا
 تانا انتما ومن يتبعكم الغالبون و در روزه دیگر مشغولت که بر مثل خبر داد بر رسول خدا صلعم که پس
 بن اعمم یوساحری بر آنحضرت کرده ایس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هر دو نفر
 چاه سحر را پر کن و در حضرت با غرض رفتند و در آنجا داخل شدند و از ته آب خور و را درند
 و نزد حضرت رسول صلعم آوردند و در آنجا ز کانی بود که تازه کرده بر آن روزه بودند پس مثل
 قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الفلق را آورد از آسمان و حضرت فرمود که یا علی این دو کوزه
 بر این کوه بپاش پس رای که حضرت میخواستند نیکو کشوده میشد چون بر دو سوره تمام شده کوزه
 کشوده شدند و سحر بطرفش پس موافق آنچه در حدیث و احادیث آمده دیگر این دو سوره را و سحر
 تا غیر عظیم آورد و احادیث و در روزه که چشم بر تاثیر عظیم میپاشد و فرمود که بسیار چشم او را
 بفرود شتر را بدیکر نعل کند پس هر که خوش آمد او را از چیزی دار کسی آید اگر بگوید در روزه و دیگران
 خدا پرورد در روزه دیگر از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که چون خوابی ترا چشمی با چشم تو در کسی میزنند

در روزه
 چشم را
 در روزه

چشم را
 در روزه

بگو ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم فرمود که اگر کسی با بیعت نکند
 خواهد که از خانه بیرون آید سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الفلق بخواند
 بیرون رود و چشم او را نرنگند و در روزه دیگر فرمود که هر که چشم بر باد رسیده یا در شعله
 بر دارد برابر رو بکند و سوره حمد و قل هو الله و معوذتین بخواند و در شب پیش از
 و از حضرت رسول صلعم علیه السلام مشغولت که هر که از شیطان و جادوگری ترسد آیه نوره بخواند
 ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض اخرایه که قرین الحسنین و در روزه
 دیگر مشغولت که شقی بجزت صادق علیه السلام شکایت کرد از بسیاری حیالات فاسده و وسوسه
 شیطان که بر او دست یافته بود و فرمود که دست بر دل بگذارد و سه مرتبه بگویم اللهم
بالله اللهم منت علی الایمان و اودعنی بالقران و حرقتنی صیام شهر
رمضان فامن علی بالرحمة والرحمة والرفقة والغفران و تمام ما او
لیتمنی من النعم والاحسان یا حنان یا منان یا ذا انعم یا رحمن سبحانک و یکبر
 احد سوال سبحانک اعوذ بک بعد هذه الکلمات من الهوان اسئلك ان
 تخلی عن قلبی الاخر ان یس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و در روزه دیگر مشغولت که شقی
 با حضرت شکایت کرد که چون شهادت میخوانم مرا وحشتی داند و می عارض میشود و چون میخوانم

در روزه
 چشم را

در روزه
 چشم را

چشم را
 در روزه

بر طرف شود و فرمود که دست بردار و سرت به بوسم الله و دست بردار مال و بگو
بفرق الله اعوذ بقدره الله اعوذ بجلال الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجحج الله اعوذ
برسوال الله واعوذ باسماء الله من شر ما اخذ و من شر ما اخاف على نفسي
مرتبه ايند بخواند و در هایت دیگر مقلد که شخصی با خبرت نکات کرد از آرزوی سید
و سوسها سینه فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله و با الله محمد رسول الله صلی
الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم امسح عني ما اجديت
دست بر شکم مال و سرت بخوان این آیه را آن شخص چنین کرد آن حالت را ایل شد
شیخ احمد بن محمد در کتابه رحمه الله اذی از برای کردن کسی که او را بسته به خبر نشاند
نقل کرده است که بنویسد بخود دارد بسم الله الرحمن الرحيم اما فتحنا لك فتحا مبينا
ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تاخر و یتیم نعمته عليك و یهدیک صراطا
مستقيما بسم الله الرحمن الرحيم اذ اجاء نصر الله انصر و بعد از آن این آیه را بگوید
من ایلته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودة و رحمة
ان في ذلك لآيات لقوم يفتكرون اذ خلوا لعلهم الباب فاذا دخلوا
غالبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فخرجنا الارض عيونا فالتقى الماء

در کتابه

در کتابه

على امر قد رتب شرح لي صدري و قد لي امر و جعل عقدة من اسالي يغفوها
قولي و بركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض و تقع تصور تخضناهم جمعا كذا الله جللت فلا
بن فلاته على فلاته بنت فلاته لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم عليكم
بال المؤمنين و وقت رحيم فان تولوتم فليس جسي لا اله الا هو عليه و هو رب العرش العظيم
و در حدیث بقره حضرت امیر المؤمنین هم مقلد که چون زن یهودیه که سفند زهرا بود از نزد
رسول مسلم و کو سفند زهرا بن آمد با مرالی و گفت محمد یا رسول الله مرا که بر الهوده از جبرئیل فرست
و گفت پروردگار سلامت میرساند و میگوید این دعا را بخوان و بخود که زهر تو آسیب نرساند پس
حضرت امیر فرمود اصحاب را که هر یکی این دعا را بخوانند و از آن کو سفند خورند امر فرمود که حجاب
بکنید و دعایت بسم الله الذي لا يسميه كل مؤمن و بعد عن كل مؤمن و نبوده الذي لا
يه السماء و الارض و بقدرته التي خضع لها كل جبار عنيد و انكسر كل شيطان بين
من شر السم و السم و السم و الله العلي العظيم الملك القدوس الذي لا اله الا هو و قد
من الله و ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين و لا يؤذي الظالمين الا حسادا و در حدیث دیگر
از حضرت امیر المؤمنین هم مقلد که کسی که از شیر و حیوان آذرنده بخورد و کو سفند از خود برسد بر
خود و آنها خطی بکشد و بگوید اللهم رب السم و الب و رب كل اسد مستأبد انی

در حدیث

در حدیث

واحفظ غفر و فرمود کسی عقرب سداين آيت را بخواند سلام على نوح في العالمين اما لك
بحر المحسين انه من العباد المومنين و در روايت شيرازي كه حضرت صادق نه شصت و يك
شيرازي بين دروي آيت الكري بخوان و بگو غفرت عليك لغزوة الله و غزوة محمد رسول
الله و غزوة سليمان بن داود و عليهما السلام و غزوة علي امير المؤمنين و الامة من
بعده الا تجيت عن طريقنا و لم تؤدنا فاننا نوديك را و يكفت كه بشير بر خوردم و اينده ناخو
ندم سر برانده ايت و در ادريان پاهان خود كشيده بركت و در حد مود كه موقوف كشيده بركت
امام موسي عرض كرد كه من جانور درنده شكار ميكنم و شب در اها با و اها ميروم كه بر سر من فرمود كه
چون داخل خانه بشوي پاير استرايش كند و بسم الله بخوان چون پردي آبي چپ يا پيش كند
بسم الله بگو كه آسبي تو نميرسد و از حضرت امام ضامن موقوف كه چون شيرازي بين دروي آيت
الله الكبر بگو الله اعز و اكبر و اجل من كل شئ و اعوذ بالله مما اخاف و اخذ و چون
يك برروي تو فرمايد كه اين آيت را بخوان يا معشر الجن و الاشرار ان استطعتم ان تنفذوا
من اقطار السموات فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان و از حضرت امام محمد موقوف كه
براي دفع جانوران اين دعا را بخوان بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله و با الله محمد رسول
صلى الله عليه و اله اعوذ بقرعة الله اعوذ بقرعة الله على ما يبئ من شر كل هامة

دفع عقرب

دفع نمراسه

دفع نمراسه و جانوران

دفع نمراسه

دفع نمراسه

دفع نمراسه و جانوران

توب بالليل و النهار ان ربي على صراط مستقيم و از حضرت صادق موقوف كه هرگاه از غرت
تر شي شب بخت بداره سماكن و نرويك سنا و دويم بيات النفس است و در مود بگو اللهم يا رب
اسلم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه و سلمنا من شر كل ذي شر او كفت حال
يك شب بخوانم كه در آيت عقرب حركه كريد و در حد مود كه كسي را كه از راه عقرب تر شي
اول شب اين دعا بخواند بسم الله و با الله و صلى الله على محمد و اله اخذت العقارب و الحيات
كلها باذن الله تبارك و تعالى يا فواهما و ادخلهما و اسرعهما و ابصاهما و اوقا
حافني عن احبيبت المحن و الهما و در روايت كه فرمود كه اين دعا بخواند بسم الله و با الله
توكلت على الله و من توكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلني في كنفك
و في جوارك و اجعلني في حفظك و اجعلني في امنك و در روايت موقوف كه امام موسي
كه اصحاب حضرت رسول صلعم در بعضي جنگها با حضرت شكايت كردند از بسيار ليك فرمود كه در وقت
خواب اين دعا بخوان ايها الاسود الوهاب الذي لا يبالى علقا ولا بابا باعزمت عليك
بام الكتاب ان توفيني و اصحابي ان يذهب الليل و يحجى الصبح بما جاء و از حضرت
صادق موقوف كه هر كه غضب شود و اگر آيت او بشنيد ساكن شود غضب او و اگر
خوش خود غضبناك شده با اين دعا بخوان اللهم اذهب عني غيظ قلبي و اغفر لي ذنبي و اجعلني

دفع عقرب و جانوران

دفع عقرب و جانوران

دفع نمراسه

دفع غضب

بیته و آنحضرت امام ضامن مشغول که از برای کم شده بگوید و عنده مفتاح الغیب لعلهم
هو و اعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و الاحبة فی ظلمات الارض
و رطب الا یا بس الا فی کتابین اللهم انک تصدی من الضلالة و تنجی من العوی
تردد الضلالة تصل علی محمد و آله و اعرفنی و راد ضالتی و صل علی محمد و آله و سلم
آنحضرت امیر المؤمنین مشغول که برای کم شده و در کف خاک بگذارد و در هر رکعتی بعد از نماز
بسیار بخواند و بعد از نماز دست بسوی آسمان بلند کند و بگوید اللهم راد الضلالة و العادی
من الضلالة صل علی محمد و آل محمد و احفظ علی ضالتی و ارددھا الی سالمه یا ارحم
راحمین فضل و عطا یت یا عباد الله فی الارض یا سبادة الله فی الارض و دعا
علی ضالتی فانما من فضل الله و عطا یت و یردد و یرشد و یرشد و یرشد و یرشد
باکی نیست آمان چون عاقل میشود باید که تقوی که با خود دارد در میان پرست باشد و فرمود که
از دعا و قرآن و تقوی که خواهید برآ گزینید و در آن بخوانید اما آنکه معنیش معلوم نباشد
فرمود که بسیار از تقوی و آنکه کفر است **فصل دوم** و فرمود تریب حضرت امام حسین علیهم السلام
و خواص از او فرموده در احادیث بسیار دارد است که در خاک تریب حضرت امام حسین علیهم السلام
هر روزی است آنست دوی بزرگ در حدیث دیگر آنحضرت صادق مشغول که هر کس اعتقاد

عمران

نماز بزرگ

آنکه تریب حضرت امام حسین علیهم السلام را در خاک بگذارد و در هر رکعتی بعد از نماز

مفرد

نماز بزرگ

شود و تریب آنحضرت را و آنکه از شفا بگوید که آنکس که مرگ باشد و یرشد و یرشد و یرشد و یرشد
شفا می بخشد از هر درد و آمان میدهد از هر ترسی و یرشد و یرشد و یرشد و یرشد و یرشد و یرشد
آنحضرت بر دارد که آمان میدهد از بلا و درویشی و دیگر مشغول که حضرت امام ضامن هر طایفه
بجائی میفرستد و مگر آنکه قدری از تریب آنحضرت در میانش میکند آتش که بر برکت آن خطو
ماند و در حدیثی دیگر مذکور است که ابن ابی نفیر سوال کرد از حضرت صادق علیه السلام که بعضی
از مردم از تریب حضرت امام حسین میگیرند و منتفع میشوند و بعضی نفع نمی بینند فرمود که
و الله که هر کس اعتقاد بنفع دارد البته نفع میابد و در حدیث دیگر مشغول که شخصی با آنحضرت
کرد که زنا رفته بن دادگاه که بخندم که عظمه بهم که جامه کبریا بآن بدوزند حضرت فرمود
که آنرا بده غسل و غفران بخور و خاک تریب حضرت امام حسین علیهم السلام را بر آن نرم کن و در آن
غفران و غسل بزر و بشویی تا مباد که چهاران خود را بآن دو اکسند و در دست بگیرد و فرمود که
خاک تریب حضرت امام حسین علیهم السلام در دست هر چند ثلث فرسج و در تر از قبر بردارد و در
روایت دیگر فرمود که عقدا زرع و در از قبر تریب شفا را میتوان برداشت و در روایت
دیگر فرمود که تریب شفا را اگر فرسج و ثلث فرسج میتوان از اطراف قبر برداشت و فرمود که هیچ چیز
نمیشود که خیرتر از آن نیست از خاک تریب آنحضرت را و هر کس که برکت آنرا کم میکند و بجای آن خاک را

ع

ص

وكم اعتقادى انكسرت که میخورد اما کسی که یقین داند که الشفا هست هر وقت که آنرا معا کلمات
اوراد و دیگر احتیاج نمیشود و فایده میکند نفع تربت اشیا طین و جیایان کافر که خود را بداند
میالند و بهر کسی میکند زند آنرا میبندد و اشیا طین و کافران جن و انس که بر بند بر فرزند آدم
پس خود بدان میالند که بگویند نفع او را کم کنند و هر ترسی که از هار بر پیران می آورند انقدر که
توان شتر و اشیا طین که از بیم طایف اهل جای میشوند و در پیران تمیها که از هار بر پیران آورند
خود را بر آن مبالند و اگر تربت از این سالماند بر چاری که بخورد تربت شفا یابد پس چون تربت
بر داری به بند و پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را بر
ختر اسبک می شمارند حق آنکه در توبه چهار یا پان یا در میان طرف طعاس می زند آنرا از چنین
چون شفا یابد برستی که هر که صاحب یقین نیست یا شفا بهر که موجب صلاح اوست اعمال خود
نمیکند و اندوخته دیگر شفاست که شخصی بجز تربت عرض کرد که مراد در دوزخ بسیار شد و در دوزخ
نفع نکرد و مراد که هر چه تربت است اما حسین میخوردی که در آن شفا و دمان از بیم و تربت و قی
بر میزد از تربت را بگو اللهم انی اسئلك بحق هذه الطيبة و بحق الملك الذي اخذها و بحق
النبی الذي قبضتها و بحق الوصی الذي حل فیها صل علی محمد و آل محمد و اهل بیته و اجعل
شفا من كل داء و لسانك كل خوف و یكفت شفا بر در دوزخ هم چگونه دمان از دوزخ

دور تر تربت را بگو

که کلاه

انگلی یا زبانی آنرا داشته باشی از خانه بیرون میاگر خاک تربت آنرا بپاشی و آنوقت که خاک را
بر میداری بگو اللهم هذه طینة قبر الحسين و لیت و ابن و لیت اخذها من الما الخاف و از
ابو خرو شفا شست که حضرت صادق م فرمود که چون خواهی تربت قبر را بر سر خود و بر سر خویش و بر سر
احد من ابیها الکافرون و اما آنرا نه و ایالتی که بخوان و بگو اللهم بحق محمد عبد و حبیب
و نبیک و رسولک و امینک و بحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عبد المکرم و بحق
فاطمة بنت نبیک و زوجة ولیدک و بحق الحسن و حسین و بحق ائمة الراشدین و بحق هذه
و بحق ملک الوکل و بحق الوصی الذی هو فیها و بحق المسد الذی قضت و بحق السبط الذی
و بحق جمیع ملائکک و رسولک صل علی محمد و آل و اجعل هذا الطین شفا فی لمن یشتریه
کل داء و سقم و مریض و اما انما من کل خوف اللهم بحق محمد و اهل بیته اجعل علما نافعاً
و در قفا و سقا و شفا من کل داء و سقم و افة و عاصفة و جمیع الاوجاع کلها انک
علی کل شیء قدیر پس بگو اللهم رب هذه التوبة الباکة المیمنة و الملك الذی
فیما صل علی محمد و آل محمد و سلم و انفضی بها انک علی کل شیء قدیر و در تربت دیگر فرمود که
وقتی که تربت بخوری اول بوس بر سر خود و بده یکد از زبانه از یکد بخور که هر که زیاد بخورد چنان
که گوشت و خون با او خورده او و وقتی که از تربت بر سر خود بگو اللهم انی اسئلك بحق الملك الذي قبضها

دور تر تربت را بگو

دور تر تربت را بگو

...

دفعہ ۱۰۰

است که هم در روز قیامت چنان عرش میریزد میگوید بر درگاه را هر که مراد اوست که او را توام فرود
برفت خود و اصل کن و هر که مراد قطع کرده آرد بیا تو امرو را و از آن وقت خود قطع کن و در این
بیت مشغولت که یکی با خویشان کردن باشد قبول اعمال او مال را زیاده میکند و بلا را دفع میکند و در
در آن میکند و جفا قیامت آسان میکند و در حد حسن حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول
که در طرف صراط امانت و صراط مستقیم کسی که در امانت خدایت کند و با خویشان خود یکی کرده
از صراط آسانی میکند و در بهشت میرود و کسی که خیانت در امانت کرده و قطع صلوات بر محمد و آل
نفع نمیدهد و صراط او را آتش می اندازد و حضرت صادق ع فرمود که صلوات کردن با هم سایه
نیکو شود که در خانه را با آبی می کند و عطر را در آن میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول
که هیچ علی زد و ترش اویش از صلوات خرم نمیرسد و در حد حسن حضرت صادق ع مشغولت که ناخبر از این
که عطر را در آن کند مانند صلوات حرم تا آنکه گاه است که کسی از عطر شش سال مانده است و بجهت صلوات
عطر شش سال میشود و در حد موثق مشغولت که شخصی از آن حضرت سوال کرد که خویشان دارم
که شایسته نیستند آیا این را بر من حقیقت فرمود که بی حقیقت چرا هیچ خبر قطع نمیکند و اگر شایسته
حق از حق خرم حق سلام و فرمود که صلوات بر محمد و آل و در آن مؤمن جفا قیامت آسان
میکند و از گناهان نگاه میدارد پس صلوات بر محمد و آل با پیاد و آن مؤمن را ترک نمیکند اگر چه اسلام

جواب سلام میگوید و این باشد حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که هر گاه خویشان با یکدیگر بدی کنند مانند
بدی بدکاری افتد و در حد صحت هیچ از حضرت امام محمد باقر ع مشغولت که در حد حسن
اینها شود پیش از مردن عقیبت اینها را میکشد ظلم و قطع رحم و قسم دروغ خوردن و اینها
که جاعلی بد کرد از بد و بسبب صلوات بر محمد و آل فرزندان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ قطع
خانها را از این شر خالی میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغولت که هر که بپا خیزد و برود
بخانه خویشان خود بدیدن ایشان یا بر آنکه مالی بایشان رساند حق تعالی ثواب میدهد و اگر
کرامت کند و بعد از هر گاهی که بر دارد چهل هزار حسنه زیاده اعمال او بنویسد و چهل هزار گناه از او
شود و چهل هزار درجه در بهشت برای او بنویسد و چنان باشد که صد سال عبادت خدا باشد
کرده باشد و در حد پیش دیگر فرمود که هر که کند که داخل بهشت نمیشوند کسی که همیشه را بر حق و با حق
سخن کند یا قطع صلوات بر محمد و آل فرمود که هر که رعایت حق خویشان کند حق تعالی در بهشت با او در درجه
کرامت کند که از در درجه نادر در یک صد سال راه با یکدیگر در آن نرفته و یکدیگر را اطلاع و دیگری از درگاه
و دیگری از درجه و دیگری از شک و دیگری از غرور و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزها که خدا بدست
خلق فرموده است و در حد صحت هیچ از آن حضرت مشغولت که در شب معراج دیدم حق تعالی فرمود
رحم دیگر شایسته کرد و از او پرسیدم که در چند بهشت است و او بهم میرسد گفت در بهشت

در حدیثی که فرمود که خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم در روز شنبه از آنجا که در آن روز
او را داخل بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از راه رسیده میشود و آنرا می شنود
عاق پدر و مادر و قطع کننده رحم و پیر زنا کار و در حدیثی صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
که هر که بر غلامی یا کنیزی بعد از حدی ارغند و الهی نریند بی آنکه خبری از او صادر شده باشد یا کفار
مینت کند او را بغیر از آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت امام علی التی می پرسیدند که
که زمان حشیش نبرد آیا حالت زن فرمود که اگر موافق طبیعت باشد نگاه دارد و اگر
مفرد شد یا را کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع مشغول که در ادب اطفال و غلام و کنیزان
بیخ تا ریزه شستن از نایز بیشتر فرزند و از اهم برقی و هموار بر نیند و در حدیث معتبر دیگر مشغول
که زاده از آن حضرت سوال کرد از زن بنده فرمود که هر چه در دست او تلف شود بی تقصیر
او چیزی نیست اما اگر از آنست فانی تو بکنه سوانی زد او را که چه مقدار بزم فرمود که یا الهیا
یا حج و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول که چه سستی بیل هم مراد صیت میکرد و باب
غلام و کنیزان که کان کردم که برایشان حدیث معتبر خواهد کرد و چون بان حدیث رسیده از آن حضرت
از حضرت صادق ع مشغول که بنده مومن من چون مفتال خدمت کند آزاد میشود و بعد از
آن خدمت فرمودن با و حلال مینت و علما حل کرده اند این حدیث را بلکه سنت مؤکده است که

بعد از هفت سال او را آزاد کند و در حدیثی صحیح از امام محمد باقر ع مشغول که چهار صفت است که اگر
باشد حقیقاً او را سال کن کرد و از آن علما علی بن دراعا و غیره شرف کسی که رحم کند چنانچه غلامان
ایشان نماید و کسی که پناه دهد به تنگی را و متوجه احوال او گردد و از برای او بنمزد به دربان باشد
و کسی که مال خود را صرف رویه نماید و با ایشان را کند و حسان نماید و ایشان را آزاد نکند
و کسی که شادی و سخاوت تا بنده خود نکند و او را یاری نماید بر خدایا و میفرماید و گاهی که
با و دشوار باشد یا با و فرمایند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول که به بنده کان خود
از آنچه خود بخورد و بایشان پوشانید آنچه خود می پوشید و در حدیث دیگر مشغول که آن حضرت ع
خود فرمودند که میخواستند خود را به بدترین مردمی گفتند بی رسول الله فرمود که بنده کان خود
ظلم نکنی ایشان بر تو ظلم کنند و زمان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بنده کان خود
را بعد از عقل ایشان مورد عتاب زنند و در حدیث معتبر مشغول که در غلامی از حضرت صادق ع علیه السلام
نماید ابو و حضرت او را می طلبید تا آنکه دیدند رجائی خواستند او را باین اول نشسته و او را
با و میزدند تا چهار شد پس فرمود که ترا نیست شب خواب که روز خود کنی شب خواب کن و روز
خدمت کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع مشغول که کسی که غلامی را بایشان مقبل است
که از آنانی خود را بکشد یا بکشد تا آنکه بر او و خود را نسیم نماید و شخصی که پیش نمانی با کسی که بکشد

و در حدیث دیگر مشغولت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در چاری بدین خصوصیت موصوفان کافر
اصحاب حضرت بود و تشریف برده و فرموده که با ائمه من عیادت و آمدن از قوم خود و اگر
ما را امری نیستی خود را از آن امر بکنار بگذار که اوستی نیاز از قوم و قبل خود نیست و با ایشان
است اگر باری ایشان کنی بکباری از ایشان منع کرده و با ایشان بایشان از خود کرده اند پس اگر
ایشان را در حال غلبه نیازی ایشان بکن بران امر و اگر در غلبه باشند ایشان را از آنکه از او بکار کردن
نمایند بکار باید در اطاعت خدا باشد کسی که همیشه بر غایت و غفلت خواهد بود و اگر بکار بکار بکنند
طاعت خدا باز استبداد محضیت خدا و در حدیث مشغولت که اسیری چند را نزد حضرت رسول
آورده اند اگر آن پس کی از ایشان را پیش آورده که کردن زنده در آن حال جبرئیل مایل شد گفت
یا محمد این اسیر را که میخواهی کرد تشریف بفرمودم طعام بخورند و همانند سری میکرد و در جهانی که در آن
قبضه واقع میشد میداد و بارهای گران اهل قبضه را بدوش میکشید پس حضرت صلعم بان اسیر فرمود
که حق تعالی چنین دلی در ستاده است و من ترا آزاد کردم اگر شستن یا بخیصلتها اسیر گفت که پرکار
ان بخیصلتها را دوست میدارد و فرمود که بلی اسیر گفت که شهادت میدهم بوجدانیت خدا و پیغمبری تو
بحق آفریده ای که ترا برستی فرستاده است که هرگز از مال خود کسی را نبرد و اندیشه ام و در حدیث
معه و آورده است که خوردن مال یتیم با حق آنکه گناهان کبیره است و در حدیث مشغولت که در حدیث

فرمود که هر که نگاهداری کنی یتیم را و نفقه دهی و او در بهشت مانند و انکس با هم باشیم و بگفت
شهادت و میا اشاره فرموده و در حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را و عیال خود داخل کند و خرج او را
بدهد تا مستقی شود از او خدا بهشت را برای او و اگر بکند او چنانچه برای خوردن مال یتیم است
و اگر بکند عید او را و او را یتیم بر حضرت امیر المؤمنین مشغولت که هر مرد مومن وزن نموند
که دست بر سر یتیم بکشد از وی حرام حق تعالی برای او بعد از موتی که دست بر او میگذارد
برای او بنویسد و در حدیث دیگر مشغولت که هر مردی حق تعالی نوری که امت فرماید در قیامت
در حدیث مشغولت که هر که در مسکنی دل خود از او ببرد و بخواهد که دلیش نرم شود
را نزد خود بخواند و با او بماند و بر سر خوان خود بخواند و آنرا در شب بوقت دست بر سرش مالد
بدستی که یتیم را بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر فرمود که چون یتیم بگریه عرش الهی برود
پس برود و کار عالم فرماید که گشت آنکه بگریه در آورده این بنده مرا که پدرش را مادرش را و فرزندش را
نفرته و حال خودم سکند که هیچ بنده او را سکند که در هر آنکه بهشت او را و اگر بکشد و در حدیث
معه از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که حق تعالی از آن مجید بر آن کسی که مال یتیم را با حق خود
عقاب معسر ساخته است یک عذاب خستیم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا عذاب را و با حق خود
بکشد آنکه بیعتان دیگران کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مشغولت که حق تعالی

جامعی باشند که عظیم را خورده باشند چنانچه می نماید برستی که انجاست که مال غیر انظم می خورد
در شکم خود که اگر از بدوی ایش او در تنم کرده و بداند که ولی تیمم تفرق مال او تواند نمود
و بعد بدوی و دمی ایشان که تعیین کرده باشد اگر ایشان نباشند حاکم شرع یعنی امام و کسی که تحت
فرموده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علماء را اعتقاد است که جهت جامع الشرائط میکنند کسی
نصب کرده باشد و از احادیث معتبره میشود که مؤمنان صالح از ترأض استغفل احوال ایشان
و ضبط اموال ایشان میتوانند که آنچه ضرر و غبطه ایشان را بشمارند و اگر برایشان باشد
دعی در مال تیمم مانع کس ایشان نباشد بقدر خرج ضروری تواند شد که بکنند و بهتر آنست که بکار
کنند که زیاده از اجرت متعارف اقل بپردازند و هم چنین پدر و جد پدری او و بی که بکار
رعایت در ضرر ایشان بکنند و اگر نقد مال نداشته باشند که دفع بوض کنند اموال ایشان
فرض بپردازند و اگر پدر و جد پدری برایشان باشند بقدر نفقه ضروری خود اموال ایشان
برداشتند و اگر مادر برایشان باشد نفقه او را و اموال تیمم میتواند داد و اگر بقدر نفقه
حاکم کنند و بانفقه خود قسم کنند و با هم چیزی بخرند بکفایت **فصل سیم** در حقوق خدا
و اجرت و در حدیث مشهور است که حضرت امیر المؤمنین در وقت وصیت خود بفرمود که امام
که برادری کن با برادرین اینها و دوست در میان را برای صلاح اینها و دوستی

مشورت که کسی که بعد از اسلام فایده نیافه که برادر برادر باشد که از برای خدا گرفته باشد و از
حضرت امام رضا علیه السلام مشورت که هر که برادری مؤمنی برای خدا گرفته باشد و از ایشان
و در حدیث دیگر مشورت که شخصی بفرموده امام محمد باقر عرض کرد که بسیاری است که اندوه که بین من
با سببی بخوی که اهل دیاران من اشرار از روی من مشا به میکنند فرمود که حق تعالی متجاوز
از طبیعت نیست آفریده و از نسیم حمت خود در ایشان جاری گردانیده پس این سبب مؤمنان
برادر و پدر و مادر و دیگران پس بر روح کی از مؤمنان اندوهی رسیده مؤمنان دیگر برای اندوه
او غم میزنند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشورت که نظر کردن بر روی
امام عادل عبادت و نظر کردن بر روی پدر و مادر و از روی هر یک با مشقت عبادت و نظر
کردن بر روی برادری که در دست داری او را برای خدا عبادت و از حضرت امیر المؤمنین
مشورت که برادران دو نوعند یکی برادران که محل اعتماد باشند و دوستی و یاری یکدیگر
و دیگری برادران خدین و محبت آنها ایشان بکنند که دوست اند و یارند و اهلند و مانند پس
برادر چنین داشته باشد از برادر او صرف کن مال بدین خود را و با دوستانش دوستی کن و با دشمنانش
دشمنی کن و از اشرار پوشتن و عیبش را مخفی دار و نیکیها را بشمار افشا کن و بدان که این تقسیم برادران
که در مثل گوگرد و کبر که اگر است اما آن دویم پس تواند صحبت ایشان را با یاری این از ایشان

قطع کن و توقع زیاده از این مدار در احاطه پیشتر دارد شده است که خوف برادر
داشتن در عالم ارواح بهم رسیده و در این نشان چون یکدیگر را دیده اند از پاوی آورند و در
حدیث دیگر وارد شده است که مؤمن و برادر مؤمن دیده است در نهامی دوست با او پیش
نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب میدهد و وعده که با او کند خلف نمیکند و با او دروغ نمیکند
و غیبت او نمیکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که صدایاری و دوستی در
چند ارد که هر که آنها را در او نباشد بحال صداقت نیست مگر کسی که یکی از آنها را در او نباشد
هیچ خبر از صداقت او را نمیتوانی باشد و کلام دوستی و صداقت پنج خیر است اول آنکه اشک
و نهانش کی باشد تا تو دهم آنکه زینت تر ازین خود داند و عیب خود داند و ستم
آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی سلوک او را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او بان
رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت تنگیها دلا ترا و انکسار و قهر کانی تو نکند و
در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران مؤمن تو سه مرتبه با تو بغضت آید و در هیچ مرتبه
برای در حق تو نکند او را بدوستی و یاری خود بگرد و در حدیث دیگر فرمود که اعتماد بسیار
برادر و دوست خود کن که را از خود را با و بسیار در وقتی که از تو برگردد و چاره شوائی کرد
و از حضرت امام رضا علیه السلام مشغولت که پنج مرتبه ساله خوشان و بدیت و علم اهل شر با یکدیگر

پیشتر جمع نمیکند و ربط میدهند از برادران و از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که چون دوستی از شما
و حکومتی بهم رساند و ده یکدیگر پیشتر با تو دوستی میکردند بکنند دوست بدی نیست از برادر تو
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشغولت که دوستی با دوستان خود هموار کن و خود را بر ایشان
بلکه روز دشمنی تو شوند و دشمنی با دشمنان خود هموار کن و خود را بر او در عدالت با ایشان بلکه روزی با تو
دوست شوند و از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که مطلع کردن دوستان خود را بر آن خود که اگر دشمنی تو
بداند تو خوارتر ز من زانکه گاه است که دوستی که در دشمنی میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام
که بهترین عیال دنیا در فراخی خواند و بسیار در دست است و حضرت لقمان علیه السلام بدین خود گفت که با کسی
مصاحبت کن و با یکدیگر دشمنی کن و راضی باشی که غلام نیکیان باشی و راضی باشی که فرزند بد باشی
و از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که پنج خیر است که در هر که نباشد زندگی او کوار نیست و بدین
امینت و وفای و وفات و مؤمنی موافق و در حدیث دیگر فرمود که هر که را پند دهنده از دانش و عیال
زجر کند از نفسش و مصاحبتی که او را بر او خیر نباشد در دنیا و آخرت سودمند و فرمود
که قطع آشنائی از دشمنان پیری خود کن که روشنی احوالت بتایر کی مبدل میشود و فرمود که هر که
محبوب را بغیر خودش بکند او خود متعوض قطع محبت شده است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشغولت که هر که
را در محفل محبت در آورد و محبت نکند که خود را در که را از خود را پنهان دارد از حق با خود است و در

که از دو کس گذشت فاش میشود چون با کسی برادری کنی که آنچه از او بینی در محل نیک محل کنی تا آنکه کتبی
برسد و کتبی نیک نیایی و زنهارگان بد بر لبخی که از برادرت صادر شود تا محل نیک بانی نیایی و
بسیار یک از برادران نیک ایشان وقت زحمت نمید برای وقت بلا و وقت بلا پیشترند برادر
دفع بلا و مشورت با جاعنی کن که از خدا ترسند و برادران مؤمن را بعد بر بر کارهای وقت
و بد بر برادران بد و از میان ایشان در خدا باشد از حضرت امام ضابطه است مشورت که
اگر خواهی بر آن تمام شود وقت کامل شود برای تو مردی و مردی و با صلاح آید برای تو مو
میشت پیشتر یک مکر و ان غلامان و دن خود را در کارهای خود که اگر ایشان را این کنی چنانست
میکنند و اگر سختی با تو گویند و ندع میگویند و اگر بلائی ترا پیش آید تراباری نمیکند و با عاقل صحبت
کن هر چند کریم نباشد از عقلش بهره در شود و از خلق بدش اقرار کن از خد عاقل نباشد که از
عقل خود را از شفع میشود و بگریز از حق نهایت که بخیل باشد **فصل چهارم** در بیان
حق مؤمنان بیکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسبب مشورت که معنی جناب حضرت امام
علیه السلام بر سید که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود که هفت حق است که هر یک از آنها چیست و اگر یکی از
آنها را ترک کند دوستی و طاعت خدا میرود و بر سید که آنها چیست فرمود که میترسم بداند و بعل نیاید
در عایت کنی آنان حق آنست که آنچه از برای خود دست داری از برای او دست داری

و آنچه از برای خود میخواهی از برای او خواهی دویم آنکه به پرهیزی از غضب و بدی و بدی و بدی
کنی و آنچه فرمایند عاقل کنی سیم آنکه او را بدی بجان و مال و نرمان و بدست بپا کنی چهارم آنکه
دید و را نهاد و آید او باشی بخشیم گوئید سیر نباشی و او که رسیده به تو سپر نباشی و او نشد
و تو پوشیده نباشی و او در میان باشد ششم آنکه اگر تو خدمت کا داشته باشی و او ندیده باشد
و جهت خدمت کا خود را بفرستی که جامه اش را بشوید و طعامش را بزد و زحمت خواستار بکشد
هفتم آنکه ترا قسم دهد بعل آوری و اگر ترا بخواند خود دعوت کند قبول کنی و اگر چهار شود بیا و
بروی و اگر غیر بجز از هشت حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد پیش گیری برادر و در پیش آنکه
از تو سوال کند چون چنین کنی چون کرده تجت و تجت او و تجت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ
عبادت برادر از ادا کردن حق مؤمن نیست نزد خدا و بسبب حسن از حضرت صادق علیه السلام که در حد
کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نداریست که کفاره ندارد و هر که خلف وعده مؤمن کند اول متدایه
خلف وعده خدا کرده است و متعرض غضب الهی شده است و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
که مؤمن از مؤمن هفت حق است آنکه در حضور او را تعظیم نماید و جثتش در سینه او باشد و مال خود را
صرف نماید و غیبت او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود بعبادت او برود و چون میرد بجزایه او
حاضر شود و بعد از کشتن نیز از تنی او چیزی نگوید و بسبب حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که

عده از مشغولت که هر مؤمنی را شاد کرده اند و شاد کرده اند است هر که را شاد کرده اند و شاد کرده اند
کرده است و در حدیثی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که منم کردن بر روی برادر من کند
و هیچ عباد را خدا دوست نرساند و از شاد کردن ایندن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب
فرمود بجهنم موعی بدرستی که مرا ایندگان که بهشت را برای ایشان مباح میکنم و ایشان را حاکم
میکردم در بهشت حضرت موسی گفت خداوند کیستند ایشان کسی که سرگرمی و اهل کند بهشت
فرمود که مؤمنی در ملکوت شاه جبار بود و آن پادشاه در مقام آزار او بود و از او کج و
بشهر گفاری پناه بگافری برد انکار او را جاداد و هرگاه بخواست که چون وقت مرگ آن
کارش حقیقتا با و دخی فرمود که بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جانی بود
هر آینه ترا به بهشت نمی آوردم و لیکن بهشت حرمت بر کسی که کافر نمید و بی خطاب کرد
با شخص منم که او را بر سران رموران داده فرمود که در اقل روز آخر روز برای او دینی بزند
و حسین از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که منم بجهنم او دم کند از بندگان
من چنان نزد من می آورد بهشت را برای او مباح کردم حضرت او دم پرسید که آنکه ام است
فرمود که بر بنده من خوشی داخل کرده اند اگر چه چندان فرمایند بهشت حضرت او دم گفت پروردگار است
و از است کسی که ترا بشنا قطع امید خود از تو نکند و حدیث دیگر فرمود که مؤمنی را شاد کرده اند

شاد کرده اند است و بکه حضرت رسول را شاد کرده اند و این حدیثی که از حضرت مشغولت که چون
مؤمنی از قبر برودن آید با شخصی بیرون آید و میگوید بشارت بده که مراست اینجا خداوند
شما بی مؤمن باد میگوید که خدا ترا بشارت نمیکند بد پس او با شکر مولی که میکند و با و میگوید این
از تو نیست و بهر نیکی که میکنی میکند و میگوید این از تو نیست و چون بشارت میدهد آنکه بشارت
جست آید پس چون امر شود که او را بهشت بزند با و میگوید که بشارت بده که ترا حق تعالی فرمود
است که ترا بهشت بدهند ان مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مؤمنی
بودی و از جانب خدا مرا خبر رسانیدی گویند منم آن کسی که در دل برادر مؤمن خود داخل کردی
و در دنیا خدا مرا حق کرده که بشارت نمیده تو در شهادت و مؤمنی تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که
هر که مؤمنی را شاد کرده اند حقیقتا هزار مرتبه از خدا برای او بنویسد و در حدیث دیگر فرمود که هر
یک حاجت برادر مؤمن خود را بر آورد حق تعالی در قیامت صد هزار حاجت او را بر آورد که یکی از
آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خوشی او را شناسانند و در حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است
حدیث دیگر فرمود که بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است از هزار بنده آزاد کردن و هزار مرتبه
در راه خدا بجنگ فرستادن و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از بهشت حج که بر حق صاحبش است
در هم صرف کرده باشد و در حدیثی که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که یک مرتبه از خداوند

از آوردن دفعه کشیدن نفقه دادن اهل خانه یکسلمان که ایشان را سیر کند و پیش از روی ایشان
از سوال کردن حفظ کند تهرات از هفتاد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام که هر
مست شیطانی و خواند که بگوید حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد و شش هزار گناه بخشد و شش هزار
درجه برای او بدهد و شش هزار حاجت او را بر آورد و بر آوردن حاجت مؤمن تهرات از ده طاعت
و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی حاجت مسلمانی را بر آورد حق تعالی او را ده گناه ببرد و ثواب ببرد و او را
عنایتی برای او بفرماید و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برای بر آوردن حاجت مؤمن را
حق تعالی دو ملک را مقرر گرداند از جانب راست و چپش که برای او استحقاق کند و عاقلند که حاجت
آورده شود و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام که هر که برادر مؤمن او برادر و پسر او
حاجتش بختیست که خدا بسوی او فرستاده اگر قبول کند با یکدیگر پیوند کرده است دوستی او را با دوست
دادوستی را بدوستی حق تعالی موصوفت و اگر او را رد کرد و قادر بود که حاجتش را بر آورد حق تعالی بر
مسئله گرداند و بر قریاری از آتش که او را بگذرد تا روز قیامت خواهد در قیامت خدا او را پاره پاره نمود
خدا بکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که مؤمنی برادر مؤمن او برای حاجتی نزد او پیاده قرار
بر بر آوردن حاجت او بشود دلش شاد شود و سبب همین خدا بهشت را برای او و چنانچه در حدیث
حضرت صادق علیه السلام مشهور است که مؤمنی که در جهت حاجت برادر مؤمن راه رود ده حسنه برای او نوشته

شود و ده گناه از او بخشد و ده درجه برای او بدهد و ده برابر دهنده از او گردانند و ده
از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت امام رضا علیه السلام مشهور است که خدا از سبکایان است که سعی در
حاجت مردم میکنند ایشان با ایمانند و قیامت هر که دل مؤمن را شاد گرداند حق تعالی در قیامت
دل او را شاد گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که هر که راه رود برادر آوردن حاجت برادر
مسلمان خدا او را هفتاد و چهار ملک بفرستد که او را سایه کند و بهر قدری برای او حسنه بنویسد و گناه ببرد
و در حدیث دیگر که چون از کار ساری او فارغ شود ثواب حج و عمره بر او بنویسد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که چون راه مردم در حاکمان دو ستر داریم از آن دو گردانند و هر کسی را بر اسبابان بنشیند
و لحاظ کرده سوار کنیم بجهاد فرستیم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند در راه رود و حاجت برادر
خود را بر آورد از برای رضای خدا برای او از حسنه بنویسد که در اینها خویشانش و دشمنانشان او را پیاده
هر که با او یکی کرده است در قیامت با او خطاب رسد که داخل بهشت شود و هر که در دنیا بتو یکی کرده است او را
داخل بهشت کن مگر آنکه دشمن اهل بیت رسول خدا باشد و فرمود که حق تعالی فرموده که خلائق میبایستند
و محبوب ترین ایشان نزد من کسیست که با ایشان همدان نماید و سعی در بر آوردن حاجت ایشان
و فرمود که هر که بفرماید برادر مؤمن رسد که عیال و منظر خود را در این مقام نشاند و سعی در بر آوردن
حاجت او را بر آورد حق تعالی او را ده گناه ببرد و ده حاجت که می را در دنیا بدهد هر که کارهای خیر

ساخته شود و هفتاد و یک جفت دیگر را برای او فرجه کند از برای ترسها و شسته تنهای روزی پیر علی و هم
قیامت و فرمود که هر غمی از مؤمنی بر دارد حق تعالی آن غمها را از او باز دارد و چون از قبر برآید
آید دلش مطمئن و شاد باشد و هر که مؤمن را طعام دهد حق تعالی او را از میوهای بهشت طعام دهد
و هر که مؤمنی را آب دهد حق تعالی او را از شراب بر بهر بهشت آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که
غمی از مؤمنی بر دارد و حق تعالی حاجت او را بر آورد و هر که مؤمن را پوشانند خدا او را
عجبیست و آخرت او را بپوشاند و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن است خدا او را و دوست و دشمن
معتبر از حضرت علی بن الحسین السلام مشغولت که هر که حاجت برادر مؤمن خود را بر آورد حق تعالی
صد حاجت او را بر آورد و یکی از آنها بهشت باشد و هر که اعانت کند مؤمن را بر ظلمی خدا او را بپوشاند
او را در گذشتن صراط و در وقتی که قدمها لغزد و هر که حاجت مؤمن را بر آورد که او را و شود
چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد و هر که مؤمن را آب دهد در وقت تشنگی
حق تعالی از شراب بهشت او را بپوشاند و هر که مؤمن را بر آورد حق تعالی او را از میوهای بهشت بپوشاند
و هر که بر مؤمنی جامه بپوشد در غیر عیال پوشیده از امان خدا باشد از بلا تا از آن جامه بپوشد
باشد و هر که خادمی بدو بپوشد او را از لیسان بهشت خادم بدو و هر که پیاده را سوار کند حق تعالی
او را در قیامت ناقه از آنها بهشت سوار کند که در قیامت با ملاک مباد کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشد

بر مؤمنی جامه باشد که او را جامه داده باشد از وقت ولادت تا وقت مردن و هر که زیاده بمونی که نه باشد
که با او انسی که حق تعالی در قبر ملک است که مؤمنی که داند باو بصورت خوبترین اهل او و دیگر در
جاری عبادت مؤمنی بکند ملاک او را از همه بزرگوار کند و گویند که خوشحال تو گویا باو بهشت است
تو داند که حق تعالی حاجت مؤمن را بر آورد و خدا از روزی داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از
ماههای حرام و از حضرت امام موسی علیه السلام مشغولت که خدا او را قیامت را بپوشاند است که در
زیر آستانه نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مؤمنی که بنده مؤمن را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمنی را
کند یا مؤمنی که مؤمن را که خدا کند و در حدیث شیخ از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که مؤمنی که در روز
قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی امر فرموده باشد که او را بکفیم بر بند و ملک او را بپوشیم و خطاب کند
مؤمن را که بفرمان من بر کسی رو نیامی بگوئی که مردم حاجت ترا بر می آوردم مؤمن بگوید دست
از او بردار و حق تعالی گوید که چون بنده مؤمن شفاعت او کرده او را بکند او را در حدیث از حضرت
علی بن الحسین ع مشغولت که بگردان مسلمانان از خود و بختن اهل خود میزان ایشان را بمنزله خود
بدان و خوردن ایشان را بمنزله فرزندان خود بدان و آنها هم که با تو باشند بمنزله برادران خود
بدان پس بر کدام یک از اینها سخنانی بنمائی یا عزیز کنی یا غیبت ایشان را غاش کنی و اگر شایان
خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بزدانی و اگر کسی را بدینی که از تو بزرگتر است بگو که او از من

و اعمال شایسته و برین پیشی گرفته است پس این تهر است و اگر خود ترا خود را به چینی بگوید
من پیش از او کنه کردم پس او این تهر است و اگر هم سال خود را به چینی بگوید بقیس کنه
خود دارم و در کنه او شک دارم پس چرا بقیس خود را برای شک بگذارم و اگر منی که مرا
تعظیم و تکریم میکند ترا بگو که این از نیکی ایشان است که بجای من ادب مسل میکنند و اگر ایشان
از تو دور میکنند و حرمت ترا ندارند بگو که این از کنه است که کرده ام چون چنین کردی
بجای تو انسان شود و دوستی با دشمنان کم شود و از نیکی ایشان نشود و
و از بدی ایشان دلشک نشود و بد آنکه اگر می بینی مردم گستاخی که خیرش را بیان رسد
ایشان مستغنی باشند از او و سوال نکنند از ایشان و اگر کسی ترسید که محتاج باشد سوال
کنند از ایشان زیرا که اهل دنیا همگی از پل مال میروند هر که با ایشان در مال مراحتی نیست
عزیزتر و گرامی تر است و در حد دیگر مشورت که حضرت عیسی هم یکی از اصحاب خود فرمود
که آنچه میخواهی که با تو بکنند یا بچکس کن و اگر چنانچه بر جانب راست و یست بر تند جانب
چپ پیش کن و در حدیث دیگر مشورت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر مسلمانی که مسلمان
دیگر نزد او پیاید برای حاجتی و او قادر باشد بر آوردن آن حاجت و بر نیاید و حق
تعالی در دنیایت تقریر سرزنش نماید و بفرماید که برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد که ترا

قادر دانیده بودم بر آوردن حاجت او تو بر نیادی و آنکه ثواب از آن خواستی بجز خود کنه
میوزم که در هیچ حاجت نظر رحمت بسو تو نکنم خواه ترا سپاه مرزم و خواه ترا عذاب کنم و در حد
و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی منع کند از مؤمنی خبری را که او بان محتاج باشد که او قادر باشد که
او را از خود یا از دیگران با و برساند حق تعالی او را باروی سیاه و دیدهای کمبود و دستها دراز
عقل کرده باز دارد پس بگوید که امنیت خایمی که با خدا و رسول خیاست که دست از پیرش باید داد
بچشم بر بند و حضرت امام موسی علیه السلام که در قیامت است کند که در سایه عرش الهی باشند
در روزی که سایه غیر آن نباشد کسی که برادر مسلمان خود را زن بد و کسی که خادمی با و بدید
و کسی که راز او را پنهان دارد **مصلحت ششم** در دیدن مؤمنان و عیادت به ایشان
در احادیث معتبره وارد شده است از حضرت امیر المؤمنین و حضرت صادق علیه السلام که هر که بدید
برادر مؤمن خود برود از برادر اخلاقی تعالی از او طلب و موکل گرداند که او را ندانند با خود
خود بر کرد و گویند خوشحال تو که او را با و داشت برای تو و در حدیث معتبر دیگر مشورت که
رسول صلعم فرمود که هر چنانچه مرا خبر داد که حق تعالی علی برین فرستاد و آن ملک رسید بدیدی
که در در خانه استاده بود و از رضا جوانه حضرت میطلبید که داخل خانه شود و ملک رسید که
باصحاب این خانه چکار داری گفت برادر شما نیست از برای خدا بدیدن آن آمده ام

ملک گفت که هیچ مطلب دیگر بخیر این نداری گفت ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو آمده
 ام و ترا سلام میرساند و میگوید بهشت را واجب گردانیدم برای تو و میفرماید که مسلمانان
 بدین مسلمانان برو و چنانست که بزایرت من آمده است و تو ابش بر من بهشت است
 و در حدیث دیگر از آنحضرت مشغولست که هر که بدین برادر مومن خود برود بخواهد او حق تعالی
 او را خطابت نماید که تو همان منی و بزایرت من آمده و همان داری تو بر من بهشت است و اگر
 واجب گردانیدم بسبب آنکه دوستی برادر مومن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر
 مشغولست که مومنی که برودن آید بخدمت دیدن برادر مومن خود خداوند عالمیان ملک
 میکند و اندک یکپایش بر زمین گذارد یکپایش بر سر او سایه کند پس چون او را بخواهد انعم
 شود خداوند جبار او را زندا کند که ای بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت کنایه پیغمبر
 نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم از من سوال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوان تا اجابت
 دعای تو کنم و اگر خواهی ساکت باش تا من ابتدا بر حرکت کنم پس چون برگردد حق تعالی او را
 زندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است بر من که ترا گردانم تعظیمی بهشت
 برای تو و واجب گردانم و ترا در حق بندهکان خود شفاعت دارم و از حضرت صادق علیه السلام
 مشغولست که بدین برادر مومن رفتن از برای خدا بهتر است از بنده مومن از او کردن و اگر

بنده مومنی را آزاد کند حق تعالی بر غضوی از آن بنده و او را از پیش اینم آزاد گرداند و در حدیث
 معتبر مشغولست که آنحضرت بداد بن سرعان فرمود که شیعیان مرا ازین سلام برسان بگوشت
 کنند بنده را که با دیگر میباشند و یاد کنند احادیثی که بسبب هم نشینی و مذاکره شماست
 و دین مانده میشود و بهترین مردم بعد از انکسبت که مذاکره احادیث میکنند و ما را یاد کنند و از حضرت
 امام محمد باقر مشغولست که بدین یکدیگر برودید و خواهشها خود که باین زنده میان این مآخذ است
 کند کسی را که بدین است از بنده بداد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغولست که خوشحال آنها
 که دوستی میکند با یکدیگر یا خدا بدین است که حق تعالی در بهشت عودی خلق کرده است از اوقات سرخ و
 آنقدر مفاد و فقر است و در هر فقری مفاد و فقر است که خدا خلق کرده است آنها را برای
 کسانی که دوستی با یکدیگر کنند و بدین یکدیگر گردند از بر آخذ و از حضرت صادق علیه السلام مشغولست که هر
 قادر باشد که با احسان بکند شیعیان صالح ما احسان کند تا ثواب احسان کردن با او را عیش
 نوشد شود و هر که قدرت بر دیدن مانند آنست با بدین صاحبان و شیعیان ما برود تا ثواب
 دیدن ما در آن عیش نوشد شود و در حدیث معتبر مشغولست از حضرت صادق علیه السلام مشغولست که
 مسلمان چهار بار در آن روز مفاد و فقر از ملک او را مشایقت کنند و برای او سیصد عفو کنند و بخواند
 بر کرد و از حضرت امام محمد باقر مشغولست که هر که عبادت کند مومنی را در رحمت الهی فرود

این حدیث از کتاب
 شیعیان است که در
 این کتاب آمده است

پس چون نزد او بنشیند رحمت او را احاطه کند و چون برگردد مقتضا آفتاب از ملک با او مکمل
گرداند که جهت او طلب مغفرت کند و بر او تحريم کند و گویند خوشحال تو و کوار با بهشت از
برای تو بار فرزند دیگر میوقت او بیا بهشت با و عطا نماید که سواره در آن چهل سال تبارد و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که نمونی را در چاری عبادت کند برای خدا حق تعالی با و
مکمل سازد و عطا دهد از ملک که همیشه بخواند او آیند و در آنجا تسبیح و تکبیر و تهلل و تعبد الی
گویند از رقیات و نصف ثواب ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که از او است
کسی که چار شود و برادران مؤمن را اعلام نماید که بعبادت او بمانند که آنها ثواب میدهند
او ثواب چار بخیر کردن آنها اگر چنین کند ده چند برای او نوشته شود و ده گناه از او
محو شود و ده درجه بر او بلند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی م منقولست که چون کسی
چار شود مردم را رحمت دهند که بعبادت او بمانند برستی که نیست کسی که آنرا او را عطا
کند مستجاب شود و از حضرت صادق م منقولست که کسی که بعبادت چار برادران مؤمن
مؤمن برادر او خود طلب دعا کند که دعای او عطا شود و دعا را عطا کند از حضرت صادق م
که در چشم عبادت نمی باشد و در اول چاری سه روز متوا او را باید دید و بعد از آن که در
نه دیگر روز چون چاری بطول کشد او را با عیالش باید گذاشت و عیالت نمیدارد کرد و

حدیث دیگر فرمود که چون بدین چاری روی سپی یا بپن یا بترنج یا بکوشی یا عودی یا خود
بیرید که چار بآن استراحت میباید و پیشه دیگر فرمود که تمامی عبادت آنست که دست بر رخ
و وقت دعا کردن و روز و شب هر عبادت اتقان دشوار تر است بر چار از در او
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که از عبادت کنندگان کسی ثواب بیشتری که در روز
بر خیزد مگر چار نشستن و او خواهد و از او سوال کند که بنشیند **فصل هفتم** در طعام چار
و آب و آن ایشان و بعد پوشانیدن و عیال عیالتی ایشان و باری کردن و نظارت
از حضرت صادق م منقولست که هر که مؤمن را بر سر کند بهشت او را و آب و چار شود و هر که کافر را بر
کند بر خدا لازم است که شکر او را پس تو هم آن کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سفره اسلام را
بر کند خدا ثواب بشارت او را طعام و در جنت الفردوس و جنت عدن و درخت طوبی و درخت
و دیگر فرمود که هر که طعام دهد مؤمن را که تا سیر شود هیچ یک از خلق خدا نداند که او را چه بشارت
از ملک مقرب نه نیم هر سال مگر آنکه پروردگار عالمیان دانند پس فرمود که از جمله چیزهای
که مؤمن را در این یک روز از طعام داد و آن را در جنت است از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که هر که شربت آب دهد بمسکین در یک آب کم باشد چنان باشد که ده بنده آزاد
کرده یا از فرزندان اسمعیل م و در حدیث حسن منقولست که هر که طعام دهد بر مؤمن خود یا بر

خدا چنانست که در بنده نیکو شایسته صد هزار گسی از دیگران طعام داده باشد در حدیث حسن
دیگر فرمود سید مضاف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من وفا نمیکند
فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثوابی برای تو باشد پس سید که مال را بپایان
فرمود که مال را هم گاه است خواستش طعام دارد و در حدیث دیگر فرمود که یک بنده که برادر
مسلمان نزد من بخورد و من بهر است از یک بنده آزاد کردن و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مومن مال را بر اطعام بدهد برابر است که یک بنده از فرزندان اسمعیل هم که او از کشتن
آزاد کند و هر که مومن محتاجی را طعام دهد برابر است با صد بنده از فرزندان اسمعیل
را که از کشتن آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هر یکی از آنها بجا آورد
داخل بهشت میشود کسی که تشنه را سیرا کند یا گرسنه را سیرا کند یا عریانی را بپوشاند یا بنده
که در شرف باشد آزاد کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین اعمال نزد خدای
تعالی سیرا سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمان را ادا کردن یا غنی را از بر داشتن خود
که خیر و برکت در خانه است که در آن طعام داده میشود و خیر و برکت با نخواند زود تر برود از
فرود رفتن کار و بگویند شتر و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که جائز را بداد
داشته باشد و دادند که برادر مومن خود یا محتاج است باوند حق تعالی او را سز نکند و از کشتن

آزاد کند و هر که سیر بخورد و نزد یک مومن گرسنه یا محتاجی را طعام بدهد یا بنده که او را بیکم بر این
بنده که من او را بر کرده ام و با فرغانی من کرد و اطاعت دیگران کرد بداند که او را بر خود
که از شتم و هرگز او را نیاورم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ایمان نیاورد و دست کسی
که سیر بخورد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق علیه منقولست که هر که خوانده داشته باشد
و مومنی محتاج شود که آن خانه ساکن شود و او را رضی نشود حق تعالی بگوید که بنده من بیکل آن
با بنده من در ساکن شدن در خوانده او در دنیا و بعزت و جلال خود مگو کند میفرم که هرگز او را
بهشت ساکن نکردم و از آن حضرت نیز منقولست که هر که دو رکعت از اری از راه مسلمان حق تعالی
ثواب چهار صد آیه بر او بنویسد که هر حرفی ده حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر فرمود
که بنده داخل بهشت میشود بیک کاری که از راه مسلمان برداشت و از حضرت صادق علیه منقولست که بگو
خیرت به یه فرستادن پیش از آنکه حاجت را بگوئی و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه
را از سینه های بزرگ فرمود که دایم کرد این هدیه را به پس دادن نظرهای هدیه و فرمود
که هدیه قرستم هدیه که برابرش توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوه فرستی
هدیه که از برای خدا فرستی و غرض دنیوی نداشته باشی **فصل ششم** در حقوق فقرا
مطلوبان و پیران و اعیان و ادب معاشرت ایشان در حدیث شریف از حضرت صادق علیه السلام

مشغولست که فقر و مومنان چهل سال پیش از تو اگران در بهشت منتقم میشوند پس فرمود که برآ
 تو مثل من مثل فقیر من و کشتی که بشاری بگذراند کسی غالی زد و روان میشود و نگاه میکند
 و کشتی پر بار را بر اجسای نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان زیاد میشود و کشتی
 روزی زیاد میشود و فرمود که اگر نه این بود که مومن الحاح و مبالغه در دعا طلبند و در میگرد
 هر انچه ایشان را حال تنگ تر از آنچه دارند می انداخت و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 که فقر و درویشی امانت از خداوند خلقش پس هر که او را پنهان دارد حق تعالی او را مثل کوه
 کسی بهد که روزی را روزه دارد و شب نماز ایستاده باشد و هر که او را اظهار کند نزد کسی قادر
 باشد بر آوردن حاجت او نکند تحقیق که آن فقیر را کشته است بشمیر و نه بلکه آن
 جراتی که در دل آنکرده و آنحضرت صادق علیه السلام مشغولست که حق تعالی در روز قیامت
 میفرماید فقر و مومنان مانند کسی که معذرت طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود قسم نمیخواهم
 که شمار در دنیا فقیر کردم بر آن خاری شما و امر و خواهید دید که با شما خواهم کرد هر که
 در دنیا بنمایان کرده است و مسترا بگوید داخل بهشت کن پس کی از ایشان گوید که پروردگار
 اهل دنیا زان خوشتر و خواسته اند و جاهها نرم پوشیده اند و طعامهای میگویند
 اند و در خوانهای نیکو سکن کرده اند و بر اسبان نفیس سوار شده اند پس امر فرمود که اینها

عطا فرما پس حق تعالی فرماید که هر یک را شما دادم مثل مشا و برابر آنکه بجمع اهل دنیا دادم
 از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود که مردی از اری جاهها پاکیزه پوشیده بود و فرمود
 حضرت رسول صلعم آمد و نشست پس پرسید که جاهها چو کین در برداشت آمد و در پهلوی
 او نشست و آناله را جامه خود را از کشید حضرت فرمود که آیا ترسیدی که از فقر و جبری تو
 رسد گفت نه و فرمود که آیا ترسیدی که از تو اگر کسی تو چیزی با و رسد گفت نه فرمود که بلکه
 ترسیدی که جاهها تو چو کین شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین کردی گفتی رسول الله
 هم نشین بهشت از نفس شیطان که هر بدیر برای من زینت میدهد و هر نیکو از نظر من
 بد میکند و من تبار که آنچه کردم نصف مال خود را با و بخشیدم حضرت به پیرایش خطاب
 فرمود که قبول میکنی گفت نه تو اگر گفت که چرا قبول نمیکنی گفت میترسم که مثل نوشوم و دور
 حدیث دیگر مشغولست که آنحضرت شخصی برایش فرمود که آیا بیارای روی و میوه و چیزهای
 نفیسی منی که قادر بر خریدن آنها نیستی گفت بی فرمود که هر چه بگویم منی و قادر بر خریدن
 او نباشی حسنه برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن دیگر از آنحضرت مشغولست که در
 روز قیامت گروهی از مردم بر خیزند و بپایند تا در بهشت پس ملائکه گویند یا اینان که
 شما گیسند گویند ما هم فقیران ملائکه گویند که پیش از حساب آمده اید که بهشت برودید چرا

گویند که چیزی مانده است که ما را مانده است تا ما این حق تعالی را بپذیریم و بگویند بر ویست از
حضرت عیسی مشغول که حق تعالی فرماید که من غنی را تو را بگو که امیده ام بر آنکه این کار را
بوده اند بر من و من غنی را تو را بگو که امیده ام بر آنکه این کار را
امتحان کرده ام غنی را و اگر غنی را نپذیرد تو را بگو که اگر تو بپذیری من غنی را
حضرت صادق علیه السلام که هر که دلیل حقیر می شمارد مؤمنی را برای پریشانی او حق تعالی
را در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آن حضرت مشغول که بسیار
جنگل باشد که اگر آنکه بنده مؤمن مراد بگوید که این بنده غنی کسی که مراد از بنده
بنده مؤمن مراد اگر ارفیاء مشرق تا مغرب باشد مگر یک مؤمن تا امام عادل بر آید بابت
ایشان مستغنی شوم از جمیع آنچه خلق کرده اند در زمین و مقف آسمان و مقف زمین بر ایشان
برپا باشد و بگویم اگر ایشان در ایمان ایشان انیسی که محتاج بامور دنیاست و در
حادثه پیش از بسیار مشغول که حق تعالی فرماید که هر که دوستی از دشمنان را بخار کند و از دست
که بر روی من بیک استاده است و من بسیار زود یاری میکنم دوست خود را و از حضرت رسول
آل علیه السلام مشغول که دلیل ترین مردم کسب که مردم را بخار کند و در پیشه بگوید که هر که
مؤمن را دلیل کند خدا او را دلیل کند و فرمود که حق تعالی مؤمن را از عظمت و جلال و قدر خود

افزاید پس هر که بر او طعن کند یا سخن او را رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مشغول که حقیر می شمارد مؤمنی را و در آن خود را که هر که مؤمن را حقیر شمارد خدا او را با
مؤمن در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول ص علیه السلام مشغول که بسیار
روانید و موفور و الو که دو جامه کند پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهم می شمارد و من غنی را
صادق علیه السلام فرمود که حقیر می شمارد مؤمنی را که اگر او را استخفاف کند خدا او را حقیر شمارد
و پوسته او را در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشغول که حدیث است
را که مسلمان را برساند و از حضرت صادق علیه السلام مشغول که هر که اعانت کند بر از مؤمنی که در روز
قیامت در میان دو چشمی نوشته باشد که نا امید است از رحمت الهی و از حضرت رسول ص
علیه السلام مشغول که هر که کرامی دارد برادر مؤمن خود را بیک کار از روی لطف یا حاجت
او بر آورد یا غمی از او بردارد پوسته در رحمت الهی باشد تا در کارها و کارهای و مهربانی
برادر مؤمن باشد و فرمود که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مردم در جان و مال خود
از او میبندند و مسلمان کسب که مسلمان از دست دزدان او سالم باشد و مهاجر کسب که از
کنایان بجزرت کند و هر که مؤمن را دوستی بزند که او را باقی بسبب دلیل کند یا طایفه ببرد و او
بزند یا چیزی که خواهد بست یا بجای آورد ملائکه پوسته او را لعنت کنند تا او را راضی کنند

تو بکنده پس آنها که تعجب میکنند از آن مردم که شاید او مومن باشد و شما ندانید و خبر دستهای
هواری بکنند که هیچ چیز نزد خدا بهتر از استقامت نیست و در حدیث دیگر فرمود که هر که پانچ مرتبه
مؤمنی یا مسلمان بتردد حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد دست و کردارش در غل گردد
خوشتر شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث دیگر فرمود که دشنام دادن مؤمنی که
بزرگ است با او جنگ کردن کفر است و عقیقت کردن او نافرمانی خداست و در حدیث دیگر فرمود
صادق علیه السلام که هر که برسانه مؤمن را صاحب کسی که آزاری با او برساند او را تشنه است و اگر
برسانه او را با برسانه فرعون ال فرعون باشد و در حدیث دیگر فرمود رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که هر که بکشد کسی را که قصد کشتن او کند و بزند کسی را که قصد زدن او کند و بکشد
بغض خدا و در حدیث دیگر فرمود که بخی خداوندی که جانم در قبضه تصرف است که اگر اهل آسمانها
زمین و جمیع شایه بر کشتن و راضی شوند بر کشته شدن او و خدا را حق تعالی در آن خیم کند و بخی آن
و کاری که جانم بدست قدرت است که هیچ کس کسر اسباب حق نازد یا نه غیره مگر آنکه در جنت باشد آنکه آن
تا زیاده میزد و فرمود که هر که نظری کند بمؤمنی که او را بان نظر کردن برساند خدا او را برساند در
روزی که جزا و پناهی نباشد و او را در صورت مورد عفو و بخشودگی اند و در حدیث امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که کسی که از زمان شخصی بیرون میاید بگوید اگر چه شش ماه میاید یا پنج فرسنگ بگوید و اگر بگوید

بر میگرد و بجهنم و حدیث دیگر فرمود که هر که طبعی کند بر مؤمنی بگوید بدترین مردنها و سزاوار
است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی با حضرت عرض کرد که چه میفرمائی و حق
مسلمان دیگر بدیدن او نباید داد و خواند باشد بی حقیقت بطلید و او حقیقت نداند که
داخل خواند شود و خود بیرون نیاید و فرمود که هر مسلمانی بدیدن مسلمان نباید یا بی کاری داد
در خواند باشد و او را حقیقت نداند و خود بیرون نیاید پوسته و لغت خدا باشد یا بگوید که
طلاقات کنند و در حدیث صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که میان او و مؤمنی جهلی باشد بگوید
شوند رسیدن حقیقت و میان او و دینت مفاد و از احصاء قرار دهد که علت در احصاء مفاد
ساده باشد و احصاء را احصاء دیگر مفاد ساده باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام ضایع علیه السلام
منقول است که در زمان نبی اسرائیل چهار نفر مغان بودند پس نه نفر ایشان را خواند جمیع بودند بر
کعبه و چهارم آمد بر آن خواند و در زو غلام بیرون آمد و پرسید که مولای تو کجاست غلام گفت
خواجه زیت النسخ برکت و غلام فرست و بمولای خود گفت که فلان شخص آمد و من با او چنان کشتم
و برکت و آن ساکت شد و پیر دانگرد و غلام را علامت نکرد و از بر کشتن او از زنده نشد و
منقول است که خود نشد و روزی که آمد و با او دین و ایشان آمد و دید که ایشان از خواند خود بیرون
آمدند و فرمودند و بر ایشان سلام کرد و گفت من با شما پیام کفشی می دهم و روزی که شد را

از آنجا که اگر در پیشان و قیام بود در شای راه نگاه ابرو ظاهر شد کان کوفه که
باران خواهد آمد شد رفت چون ابرو بخاری سرایشان شد مادی از میان ابرو که اگر آتش
ایشان بگریزد و هرگز میل رسول خدا این نگاه آتش آمد و آنکه نظر را بر بود و آنکه در حجاج ترسان چون
شد و بخت یوشع آمد و آنکه را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا برایشان غضب عظیمی را می
ارزینان راضی بود بسبب بعل آوردند و آنکه را برای نقل کرد آنکه گفت من ایشان را
کردم و در کشتن از ایشان یوشع گفت اگر پیش از آمدن عذاب بفرستد میگرد اما الحال نفع
نمیکند شاید در قیامت ایشان نفع و عذاب کردن تو در حدیث معبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
که هر که یاری کند برادر من خود را و قادر بر یاری کردن او باشد او را در دنیا و آخرت یاری
کند و از حضرت امام محمد باقر مشهور است که حاضر نشود احدی از شما در وقتی که حاکم کسی را زند
کشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او کند زیرا که یاری من بزرگتر است هرگاه حاضر باشد در
حدیثی از حضرت صادق علیه السلام مشهور است که شخصی از یاران او قبرش نشاند پس باو گفت که حاضر باش
از عذاب الهی تو من نیز میگویم گفت طاقت ندارم پس چای کم کرد گفت طاقت ندارم گفت حاضر باش
از یاری پر سید که سبب این تا زبانه بر من نیز شد گفت باین سبب که در پیوسته نماز کردی و بر
ضعیفی گذشتی بر او ظلم میشد او را یاری کردی پس گفت زبانه از عذاب زنده که قبرش پر از

شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کسی که حق تعالی در قیامت نظر رحمت برایشان می افکند شخصی
کسی که پیش از او خمریه باشد و پیمان شود و سپس بدهد و قبول کند کسی که بغیر از مضطری برسد
کسی که بغیر از خدا کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشهور است که کسی که بغیر از برادر من خود برسد
که او را در روز عظمی یا ندوی پرونی آورد حق تعالی او را ده چندی بخشد و ده درجه بخشد که ده
و ثواب بنده آزاد کردن باو کرامت فرماید و ده عذاب او برادر او داده شفاعت بر او
در قیامت نماید که ده از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مشهور است که هر که به بند بچاره و در راهی که چهار پیش
افتاده است و بغیر از او برسد و چهار پیش سوار کند یا بر سر او برادر حق تعالی خطاب فرماید
که خود را بمشقت انداختی و نهایت سعی کردی در فریاد من برادر من خود بر تو موکل باشم مگر
چند که عددشان زیاده باشد از سیع میان او اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک از آنقدر قوت باشد در
برد داشتن آسمانها و زمینها تا نمایند در بهشت از برای تو قصرها و خانهها و بندگان و برادر
جهاد چون در بهشت در آئی از پادشاهان بهشت باشی و کسی که دفع کند از مظلومی قهر ظالمی را
که از زبان دمال حق سبحانه و تعالی خنجر کشد بعد از هر جنی از کفتهای او و بعد از هر جنی از کفتهای
او و در هر یکی از اینها او صد هزار ملک دفع کند از او شیاطین را و باو ای برادر قیام
از او دفع کرده باشد صد هزار جوان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند و کار امیدارند و گویند که

اینها همه را بر دفع کردن آن فرست که از حال و بدن برادر مومن کردی و از حضرت رسول
منقول است که هر که حرم مردی را بشناسد و او را تعظیم کند برایشش خدا و را این کرد اند
از ترس و قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مومن بیش سفید و فرمود که آنکه
هر که خورد آن را از جسم نکند و پیران را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت
برای کوری حاجتی از حاجتها دنیا را و در حاجت رود و سعی کند تا خدا را از او رخصت
او را براری دهد از نفاق و از آفتی چشم معاف و حاجت از حاجتها او را و دنیا بر او رخصت
در وقت خدا باشد تا بر کرد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کبری چیزی را شنو اینند بدانند
آن دلت شود تصدیق آسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که حضرت امیر
علیه السلام فرمود که هر که فایده کوری شود چهل کام در زمین حواری و فایده میکند بقدر سر سوز از آن اگر
تمام زمین را پر کند از طلا و اگر بر سر راهش مملکت باشد و از آن نجات دهد و بگذراند در پناه
حصانات او گشاده تر از دنیا صد هزار مرتبه که بر آن کفایش زیاده ای کند و او را با اعلام مرتبه عرفا
بهشت رساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بسیار نظر کنید بسوی امیر مومنان و از آنکه
دارند که اندامهاک میشود و در پند دیگر فرمود که اگر کسی خورده و نشسته و ایستاده و میکرز
و با او سخن مگویند مگر آنکه بقدر بگزارد از او و ترساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ایشان را

پنجاه خدا عافیت بطلبید از مرض ایشان عافیل شود که مبارک باشد است کند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که هیچ کسی نداند ایشان را اجتناب ببرد خورده و مسپ و دیوانه و لاله از
و عرباید و نشین و در پند دیگر فرمود که کم نظر کنید با اهل بلا و بزد و مردود و چون ایشان بگذرد
شد بگذرد که بشمار سه پنج با ایشان رسیده و در پند موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
که چون شخصی به پنی که بملا متلاست بگو الحمد لله الذی عافانی عما یبلاک به و فضلی علیک
و علی کثیر آمن خلق و است که بگو که او نشود و در حدیث از آن حضرت منقول است که چون
کسی از صاحبان بلا را به پنی بر مرتبه است بگو که او نشود الحمد لله الذی عافانی عما یبلاک
به و لو شاء فعل هر که چنین کند هرگز با او بلا نرسد و در پند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
که هر که بملا را به پند و امید عافانده هرگز با او بلا نشود الحمد لله الذی عدل علی ما
ببلاک به و فضلی علیک یا العافیة اللهم عافی هما ابتلیت به و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که چون امیر مومنان را به پندید خدا بکنید و با ایشان مشنوا کنید که باشد
اندر و ایشان میشود **فصل ششم** در رعایت حقوق مومنان و رعایت ایشان و در پند
معتبر منقول است که شخصی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام را که فلان شخصی شما را کرده و ترجیح
میداد حضرت فرمود که حق هم نشینی او را رعایت کنی که سخن او را بمن نقل کردی و حق من را

مگر چیزی بجز آنکه من عید انتم را و بی برسانیدی همه را مرا که شایسته و محترم و خیر از همه
گاه یعنی عده گاه عید قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد و عینت مکن زنها که مانع
سكان جهنم است و حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که اعتقاد بحدیث
رسول دارد و نشیند در مجلسی که با دشنام دهند یا عینت مسلمانان کنند و در حدیث دیگر فرموده که
عینت کشیدن مسلمان را ثواب روزه و وضویش بر طرف میشود و در روز قیامت را و ثواب آنکه
آن بگوید که اهل شجره از او درازا باشند و اگر پیش از او حلال کرده باشد بجز آنکه خدا
حرام کرده است و هر که حسان کند بر برادر مؤمن مجلسی که او عینت کشند و کند او را که او عینت
حق تعالی از نوع بد و دنیا و آخرت از او دور گرداند و اگر قدرت بر او عینت داشته باشد مثل
کنایه آن عینت کشنده عفو و برابر داشته باشد با و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بدیده خود یکی
کند و گوید عاقل بر او گوید و دهند که کنایه کرده است و از اهل عدالت است و گویند عینت
در چند در واقع کنایه داشته باشد با و عینت کشنده او را بکنایه که در او بشمار از دوستی و یاری
پروان است و دوست و یاری شیطان و داخل است تحقیق که خبر او مرا بدیدم از پدرش از
رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که عینت کشد مؤمن را بجزی که در او نباشد عصمت میان ایشان
شود و در حدیث دیگر فرموده که هر که در حق برادر مؤمن بگوید یا بچشمش بدیده و گوشش شنیده

عینت

باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید بدرستی که آنان که میخواهند که شایع شود که مانع برادر
مؤمن ایشان است عذاب روناک و درد حدیث دیگر فرموده که عینت آنست که در برادر مؤمن
عیبی یا کنایه بکنایه که خدا بر او پوشانیده است و بهمان آنست که در او خبری نباشد
و حدیث دیگر فرموده که هر که عینت کند برادر مؤمن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد
شیطان در لطف او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرموده که عینت آنست که در برادر
همچو برادر لازم میشود کسی سخن گوید و دروغ بگوید و چون با مردم خلط کند بر ایشان
ظلم کند و چون وعده کند وفا نکند و بر او حیثیت که عدالت او در میان مردم ظاهر باشد
و در وقت او در میان مردم موهبدا باشد و عینت او بر ایشان حرام باشد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که عینت برادر است از زنا زیرا که زنا کار توبه میکند و خدا توبه او را قبول میکند
و عینت کشنده توبه را قبول نمیشود و عینت آنست که او را حلال کند و از حضرت صادق علیه السلام
که برادران خود را بدیدند هرگاه غایب باشند به تیر از آنچه دوست میدارید که شمارا بد
کنند و در حدیث دیگر فرموده که چون فاسق علانیة کنایه کند و پیرا کند او را از حدیث دیگر
او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که عینت کشد برادر مؤمن
بدعت و مشرک ظلم و فاسق که علانیة فاسق کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر

رو کند حرف بر او عرض برادرستان گویند بنویسند بر او بخت را و در حدیث از
حضرت امام قده باقر علیه السلام روایت که هر که نزد او غیبت کند برادرش را پس او را یار و رفیق کند
خدا او را یار کند در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن علیه السلام روایت که هر که حاضر باشد در مجلسی که
عرض برادرش را در آن داده باشد و حاضر باشد و اعتبار باشد و او را کند بر آن ظالم و عرض برادر
مؤمن را نکند او حق تعالی بر آنکه ملائکه را که جمع میشوند در بیت المعمور بر آید و آنها نصف
ملائکه است آنها اند و ملائکه کرسی و عرش او ایشان نصف ملائکه است که ایشان همه در نزد
خدا مدح و ستایش کنند و از برادر او خدا در وقت وفات و بلندی مرتبه او را سوال کنند
حق تعالی بفرماید که در چه کردید ما میگردیم بر او بعد از هر یک از شما که مدح او میکنند از درجه بخت
و قدر با برادرها و بستارها و درختان را آنچه خواهیم که عقل مخلوقی بآن احاطه نکند و خداوند
حضرت صادق علیه السلام روایت که هر که نقلی کند در وقت مؤمنی برای آنکه عیب او را نقل کند و
او را در هم شکند او را از دیدنای مردم بیدار دهد او را از دوستی و یاری خود ببرد و کند
و دوستی دیگر شیطان داخل کند و در وقت مؤمنی که هر که در روز زمان درشته
که در حضور مردم مدح و در غایبانه عیبت ایشان را گوید چون در قیامت محسوس شود و زبان
آتش داشته باشد یکی در پیش یکی در پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا در زبان

داشت و در پشت دیگر مقولست که محمد بن فضل بخت امام موسی علیه السلام کرد که شخصی از برادران
مؤمن خیری را او بن میبرد که تو شمی آید از او سوال میکنم و انکار میکند و حال آنکه بنی از مردم
تقریب خبر را بن نقل کردند حضرت فرمود که چشم و گوش خود را بکند کن و در حق برادرش خود
اگر خیاه کسی شهادت دهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنجا بگوید بنی او را تصدیق کن و آنها را
کند بکن و برادر خیری فاشی کن که موجب نقص عیب است یا در حضرت رسول ص علیه السلام
مقولست که هر که کسی را رسوا کند در کنی چنانست که آنکس را خود کرده و هر که مؤمنی را بخیر
سرزنش کند از دنیا نزد او آزار خود کند و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام مقولست که هر که خود را از
بدگویی و عرض مسلمان نکند او را خدا ایستادگان را نشاند و قیامت پامزند و در حدیث صحیح از
حضرت صادق علیه السلام مقولست که هر که بختان بگوید برادر مؤمن یا زن مؤمنه بخیری که در او باشد
خدا او را در میان چرخ فروغ زنا کاران که در یک چشم چو شد نگاه دارد تا از عهد بگذرد
خود بد آید و از حضرت صادق علیه السلام مقولست که از اظهار شامت و شادی کنی در بلای که بر او
مؤمن توانا نزل شود که خدا او را از او دفع میکند و بنویسند آن بلای او فرمود که هر که شامت
کند بر مصیبت برادر مؤمن خود را از دنیا نزد او آزار ببلای شود و در احادیث معتبره بسیار
دارد شده است که نزدیک احوال بنده بیکلوانست که کسی با مؤمنی برادر کند و نکند و آنرا

در خاطر نگاه دارد که بگوید او را سرش کند با نهادن حضرت رسول ص علیه السلام منقول است که فرمود که
جماعت که بزبان مسلمان آید و ایمان بدل شمار نیستند اندقت مسلمان میکنند و تفریق بی ثبات
کنند که هر که تفریق مردم کند خدا او را رسوا کند اگر چه که در میان خواند خود کینه با او خوش
صداقی علیه فرمود که هر که سرش کند توفی را خدا او را در دنیا و آخرت سرش کند و از حضرت رسول
ص علیه السلام منقول است که بدترین دروغ کمان بد بر کمان او از حضرت صادق علیه منقول است که هر
مهم سازد و برادرش را ایمان در دلش گذاشت و چنانچه ملک در آن کشته میشود و از حضرت
رسول ص علیه السلام منقول است که فرمود که من هیچ چیز دهم شمار از بدترین شما که شهادت بی بار است
فرمود آنها که در میان مردم سخن چینی راه میروند و در میان دوستان جدا می اندازند و از
بی عیبان عیب می بینند و از حضرت امام محمد باقر علیه فرمود که بهشت حرام است بسج چنان و از حضرت
صادق علیه منقول است که دو شخصی به آذر دگر از هم جدا میشوند مگر آنکه یکی مسخی بر آری و وقت
خدا میشود و بسیار باشد که هر دو مسخی شوند شخصی گفت که اگر یکی مظلوم باشد چه استحقاق است
فرمود بر آنکه چنانچه آید نزد دیگری که او را بار بار بصله و حسان دارد و او در کرد و از حضرت
رسول ص علیه السلام منقول است که آذر دگر و جدا از دگر از هم دور نمیشد و از حضرت صادق
علیه منقول است که پسر شیطان در فرج و شادی را با دو مسلمان از یکدیگر آذر دگر و دوری میکند

و چون با هم طاعت کنند را نوازش نیست میشود و بر هم مجوز و فریاد میکند که او را چه
بلا بر سر من آمد و از حضرت رسول ص علیه السلام منقول است که دو مسلمان که از هم دوری کنند و از
یکدیگر جدا گنجند از اسلام بد میروند و میان ایشان دوستی بر طرف شود پس هر یک که زود
تر ب دیگری سخن بگوید و رفاقت زود تر ب دیگری سخن گوید زود تر بهشت خواهد رفت **فصل**
دوم در ادب معاشرت ظالمان و قلیبی از احوال ایشان پس بعد از حضرت موسی بن جعفر
منقول است که بشیعیان خود فرمود که ای شیعیان که دشمنای خود را دلیل کنید بر ترک طاعت پادشاه
خود پس اگر عادل باشد و از خدا بطلبید که او را باقی بدارد و اگر ظالم باشد از خدا بطلبید که او را بجا
آورد و پادشاه عادل بمنزل پدر است اگر شما دشمنانید از او بپای از او دشمنی نمیدانید و خواه
از او بپای از او دشمنی نمیدانید و پس بعد از حضرت رسول ص علیه السلام منقول است که خدا
کند کسی که بیاری کند پادشاه خود را و از حضرت صادق علیه منقول است که هر که معترض پادشاه ظالم
شود و از او آزاری بپندد خدا او را بر آن آزار ثواب دهد و بر او آزار کند و از حضرت رسول
ص علیه السلام منقول است که هر که مدح کند پادشاه ظالمی و نزد او نکست و توال کند بر او طاعت
او باشد چنانچه از خدا میخواند و لا تترکوا الذین ظلموا فتمسکم النار یعنی پس بکنید بر او
انها که ظلم میکنند شما را آتش مس میکنند و فرمود که راههای کند ظالمی را بر ظلم و ختم با مان

وزیر فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی خصومت یا کینه او نماید در آن خصومت ملک متفرق و آید
و گوید بشارت باد ترا ببلعت خدا و قتل تمام و هر که تازیانه در دست گیرد پادشاه یا حاکم جهان
بایستد حق تعالی تازیانه را در قیامت از دمانی که داند که درازی او مشا و زنجیر باشد مسلط
گرداند و بر او و جهم دنی فرمود از حاضر شدن بر سر فرقه فاسقان و حضرت امیر المؤمنین
وقت وصیت فرمود بحضرت امام حسن که دوستی اصلای را بر صلاحشان و مدارا کنی
بظواهر با فاسقان و در دل دشمن ایشان باشی و از حضرت صادق منقولست که هر که دوست
ظالم را دوست داشته که خدا را معصیت کند و هر که دوست دارد که خدا را معصیت باشد
دشمنی کرده علانیه و در خفا و هر که فرمود که حضرت عیسی و بابی اسرائیل گفت که یار و یار و یار
بزرگم فصل شام بر طرف میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر چه چاره است که دل را
میکند و نفاق را در دل میرد باید چنانچه آن بخت را میرد باید نشیندن سار و خوانند که هر
فحش گفتن بد و خوانند پارت و رفتن و شکار رفتن و از حضرت صادق منقولست که گاه دارد
حفظ کنندین خود را به پیر کاه از حرمت و قوت میدین خود را از تقیه کردن از
فحاشان و مستحق شدن بخدا از طلب کردن حوائج از پادشاهان و بدانند که مومنی که خصوص
شکایت کند نزد صاحب ملکی یا کسی که مخالف او باشد در پیشش برای طلب دینائی که دست

اوست خدا او را کرم نام کند و دشمن دارد او را بخود او را و اگر چینی از دنیا بدستش نیاید
بلکت مهر را از آن بردارد و او را ثواب دهد و اگر خرج کند هیچ یا عمره یا بنده آزاد کردن
و در حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون روز قیامت شود خداوند
از جانب خدای تعالی کند که گنجینه طالمان و مددکاران ایشان و دشمنان که در وقت
لینکه گذشتند یا بر کس بر ایشان و دشمنان یا بد قلمی بایشان داده اند آنها
همه با طالمان محشور کنند و در خفا و هر که فرمود که هیچ بنده پادشاه نزدیک نمیشود مگر آنکه
حاشایش دشوار تر میشود و هیچ بنده امپراتور بسیار نمیشود و هیچ بنده مالش زیاد نمیشود
مگر آنکه حاشایش دشوار تر میشود مگر آنکه شیاطین او را بیشتر میشوند و فرمود که زنها را هرگز
کنند از خانه پادشاهان و آنها که پادشاهان منسوب میباشند و نزدیکترین شما
بآنها دورترین شماست خدا و هر که پادشاه را بخدا اختیار کند خدا پیر کار بر او بر او
و او را حیران گرداند و در حدیثی از حضرت صادق منقولست که هر که معذور در از ظلم
و ظلم او خدا مسلط گرداند کسی را که ظلم بر او میکند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب شود
خدا او را بر آن قسم که میکند ثواب دهد و در حدیثی دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالم را
بمظلومی پیوسته است و هر که بر او دشمنی کند ثواب دست از آن یاری بردارد و

حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی علیه السلام پادشاه ظالمی بود که حاجت مومنی را نداشت
بنده صالحی بری آورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح هر دو در یک فرزند مردم محلی خوار
آیند و شاه جمع شدند و در طی بار بار بستند برای مردن او تا سر برود و آن مرد صالح در خانه
بنامد تا که همای زین رویش را خورد پس حضرت موسی علیه السلام را خبر رسد و فرموده آن مرد صالح را
با خیال مشاهده فرمود گفت خدا یا آنکه دشمن تو بود یا آنکه از تو را که او را بر سر شد این
دوستت یا خیال مانده است حق تعالی فرستاد که یا موسی این دوست از آن خیار
کرد و او را آورد او را مکافات ادا برای بر آوردن حاجت این مومن و که همای زین بر
این مومن مسلط کرد پس بر آن سوال که از آنجا کرد و دید که یک مشغول است که سلیمان جعفری
بحضرت امام رضا عرض کرد که چه میفرمایید در کارهای که مردم متکفل میشوند از جانب پادشاه
حضرت فرمود که در خل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان کردن و سعی در جوارح ایشان
نمودن معدن کفایت و عدا نظر بسوی ایشان کردن کنه کبیره و آن حضرت از این
مشغول که هر که برود بنزد تو آنگهی و نزد او شکست کند برای تو آنگهی او و دولت دشمن
و در پیش بجز از حضرت امام محمد باقر مشغول است که هر که برود بسوی پادشاه ظالمی او را بر سر
کاری بگذراند و بگوید او را مثل تو را بجزی و انسی بگذراند و از علی بن حمزه مشغول است که گفت

روسی استم از نویسندگان بنامه و بجز حضرت صادق علیه السلام و بعضی که در کتب
من در دیوان بنی امیه کار میکردم و مال بسیاری بهم رسانیدم حضرت فرمود که اگر این بود که
مردم برای بنی امیه کتبت میکنند و غنیمت برای ایشان جمع میکنند و از برای ایشان جنگ
میکند و نزد ایشان حاضر میشوند و ایند حق ما را غصب کند و آن شخص گفت ای سرافراز
حضرت فرمود اگر خواهی که بگویم گفت میکنم فرمود که چه کتب کرده در دیوان ایشان
پس ده و آنچه غنیمت نامی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامنم بهت را برای تو آن شخص
سر در زیر انداخت و گفت چنین میکنم علی بن ابی حمزه گفت که آن جوانی با ما بگو و آمد و تمام
مال خود را حق جاب که در برداشت و پوشیده بود و در میان خود مانع کردیم و تمام
برای او خریدیم و خرجی بر او فرستادیم بعد از چند گاهی بیمار شد چون بیدار نشد رشم در
حال جان گفتن بود چشمش بکشد و گفت حضرت صادق علیه السلام خود وفا کرد این را
گفت و جان بقی ندیم کرد پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بکثرت آن حضرت رشم چون نظر
آن حضرت برین افتاد فرمود که و الله برادرفیق تو وفا بضمی کردیم و از مفضل بن عمر که
نویسنده خلفا و شیعه بود مشغول است که بجز حضرت صادق علیه السلام که مدینه اند که خدا
که من در نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که ای پسر من این شیعه بد حق شما میفرماید که شما
کنایان و سبائتر امیر و در مدینه مشغول است که صفوانی شتر دار است بکثرت حضرت امام

خدا

موسی حضرت فرمود که چنانچه بخواهی بگریزی خود را بپوشان و آن را بشوید که بگوید میوه
گفت اما که می خواهم خود را با و بگردانم اما برای کار بدی یا شکاری یا لهوی و لیکن اگر
راهی که بگوید که او را و من خود همراه او نروم نوکران و علما را خود را میوه خورتم فرمود
ایضا میوه ای میوه زنده باشد که گویا بر تر باشد گفت میوه که در نزدیکی ایشان خواهد از
ایشان است و هر که از ایشان است اهل جهنم است و در شد دیگر مشغول که عبد الغفار بن القاسم
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که چه میوه میوه را بختن فرمود که میوه که میوه را
نو گفت بسیار است که بشم بروم و مرا نزد ابراهیم علیه السلام بفرستد حضرت فرمود که در نزد پادشاه
حکام باعث چیزی میشود اول بخت دنیا دوم فراموشی هر کس سیم راضی خودی یا آنچه خدا را
روزی کرده است گفت باین رسول الله من عیال بایم و تجارت میروم بر منصفیت یا بخت
حضرت خویش این فرمود و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت هر که راضی باشد حکم پادشاه ظالمی
اعانت او کند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول که دو
صنفند از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمامت و فساد ایشان موجب فساد است و آنست فقیران
و پادشاهان و حضرت صلی الله علیه و آله فرمود که امید بخت دارم بر آن هر که اعتقاد بامامت داشته
باشد برای این امت مگر کسی صاحب سبیل که ظلم کند بر عترت خود و کسی که درین عیادت

و کسی که علانیه فتن کند و فرمود که هر که بکشد که هر که بایشان نماز کند دلیل و بمقدار میشود
باید بدان و پادشاهان و قرض خوانان و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول که چنان
تر و کم و دست از همه کس پادشاهان و در شد حسن از آن حضرت مشغول که هر که حکومت مرا
کند و عدالت کند و در خواند خود را بکشد و پیرده بردارد که هر کس پادشاه باشد پند
و باحوال همه برسد بر خدا لازم است که ترس او را و رقیابت با منی بعدل گرداند و او را اول
بهشت کند و در شد دیگر فرمود که چون حق تعالی خیر رحمت را خواهد پادشاه را برایشان عباد
میکنند و بر او را و بر عادل میگرداند و بسند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول که خداوند
عالمیان میفرماید که من پروردگاریم که بخیر من خداوندی نیست افزیده ام پادشاهان را و اول
ایشان بدست من است پس هر که وی که اطاعت من بکند و لهای پادشاهان را برایشان
و هم میگردانم و هر که وی که معصیت من بکند و لهای پادشاهان را برایشان بعضی از مردم مشغول
مگردانند خود را بدست من و آن پادشاهان و توبه کنند بوی من و لهای ایشان را برایشان
میگردانم و در شد دیگر فرمود که حق تعالی بهشت را خلق فرمود بزرگوار می خود سو کند بخیر که اول
بهشت نمیکند کسی را که همیشه را بخیر و در سخن چنان را و دوست و چو یکسان ظالم را و
مخافند کان قبر را و طفا چنان را که عشر از مردم میگرداند و قطع کنند چنان را که کسی که بخیر قابل

و در حدیث دیگر فرمود که هر که بناحق سر کرده جماعتی شود برایشان استیلا یا بدعتی شود او را کینه
جهنم برای روز قیامت رساله بدارد و چون مشورت شود دستهایش در کف دستش باشد پس اگر با خبر
در میان ایشان عملی کرده باشد او را نکند و اگر طعم برایشان کند و اگر شربت او را بچشم
و در حضرت صادق علیه السلام که هر که در مسلمانان شود و ایشان ترخیص کند و باحوال
ایشان بی پروا در خدا او را ضایع بگذارد و تحت خود را از او باز دارد و از حضرت امیر
علیه السلام منقولست که هر دلی که مردم را ممنوع سازد از آنکه کار خود را با عرض کند حق
در قیامت حاجات او را بر نیارد و اگر چیزی برسم هدیه بکند و خدایت که بگذارد اگر او را
هدیه بدهد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی در روز قیامت سبزه از بهر آن که در مملکت
پادشاه جباری بود که بر او پادشاه بگو که من ترا پادشاه کرده ام که خون مردم را بر سر دانی
ایشان را بگیری بر آتش پادشاه کرده ام که خدا را مظلومان را از حق باز گیری بر رستی که من ترا پادشاه
خواست ستمها که بر ایشان شود و نمیکند هر چه کافر باشند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
در چشم گوی است که او را سعد میگویند و در آنکه وادانی است که او را سوز میگویند و در آن
جایی است که او را میبگویند که گاه برده آن چاه را بر میدارند اصل چشم از گوی
بفرایمی آیند و آنجا جایی جباران او را بگذارد که منقولست از عبد بن اسماعیل بن ربیع که حضرت

امام ضیاء علیه السلام فرمود که خدا را در وجود پادشاه جماعتی هستند که خدا این حق را برایشان عطا
فرموده و ایشان را استیلا بر شهرها داده که لیکن ایشان از دست ایشان هزار وستم تا واقع
کنند و میرکت ایشان با صلاح آورده امور مسلمانان را و مؤمنان را و جاهلانی برایشان پناه
میدارند و آنجا که با ایشان متصل میشوند و با ایشان خدا ترس مؤمنان را با همی
میکند و مملکت آنان ایشان مؤمنان حق و رستی ایشانند اینان در زمین و تو ایشان
از دشمنی میدارند و اهل آسمان را از دشمنی میدارند اهل زمین را و در قیامت مؤمنان
عرضه را روشن میکند و ایشان را بر این پشت خلق شده اند اگر خواهی که از ایشان باشی
کردان مؤمنان و دشمنان ما را و در حدیث شیخ از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که برساند پادشاه حاجت کسی که تواند حاجت خود را با
رساند حق تعالی با بهایشان او را قیامت بر فراز ثابت کند و در حدیث منقولست که خبری
عرضه وقت بگذشت حضرت صاحب الامر علیه السلام که شخصی است که مقصدی او قافیت و حلال
میدانند و در آنجا بلی بلیگوید و عرض میکند و من گاهی مرده او را و میگویم و اگر طعام
او را بخورم با من عداوت میکند و گاهی هم هدیه بر من میفرستد حضرت صاحب الامر علیه السلام که اگر آن
مرد با ما عداوتی بخیزد و دوست او را زود فدا را طعامش را بخورد و چنانچه قبول نماید اگر غیر آن

مال خیری ندارد و طاعتش بخیر و عبادت او قبول کن و از حضرت صادق علیه السلام گفت که دعای کافر
و کاه خداوند بخیر و دعا بد برای فرزندش بگوید و فرزند او بر فرزند بد کار و فرزند مظلوم بر ظالم
و دعا مظلوم بر کسی که انتقام او را ظالم بکشد و دعا مؤمن برای مؤمنی که بر او بی عدالتی است
او را مال خود اعانت کند و فرزند مؤمن بر کسی که اعانت نکند با عدالت و احیای آن مؤمن را
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که حق تعالی میفرماید که غضب من بخت شدیدیست بر ظالمی
ظلم کند بر کسی که یاوری بکند و در حدیث دیگر منقول است که حق تعالی میفرماید که من سختی بکنم و عا
کسی را که ظلم از کسی نزد او باشد و از حضرت ابراهیم عین منقول است که ظلم کشته داری کشته او را
و کسی را بی ظلم بکشد بر ظلم را نسبت او با فرزند آن فرزند او بکشد و در حدیث دیگر منقول
است که هر که حق مؤمن را حبس کند حق تعالی او را در قیامت پانصد سال در پایداری انداخته و عرقش رود
و از آنها جاری شود و فدا می نماید که اینست ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را
سر زدن کند پس فرماید که او را بچشم بزنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که با
آنست که چون سجده کند ظلم بر کسی را ظاهر باشد **فصل نهم** در آداب و معاشرت
کافران و مخالفان ایشان و همیشه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که از اهل بیت مؤمن را
که با کافران اهل ذمه شرکت کنند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت منقول است که مسلمان نباید که با کافر

یک چیز بخورد و یا با او در یک فرس بنشیند یا با او صاحب کشد و در حدیث دیگر فرموده که اگر
حقاقت شود بطیبت با کسی نیست که بر او سلام کنی و دعا تو نفی با و غیر سازد و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقول است که ایمنه بکنند اهل کتاب را سلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم گویند
و جواب ایشان و مصافحه بکنند و ایشان را بکنیت نام میرید مگر آنکه با آنها مضطرب شوید و در
حدیث دیگر منقول است که شخصی بجز حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من میلا کافران میروم و در آن
میکویند که اگر آنجا میروم آنها خوش رویی شده و نور تو در قیامت پیش روی تو خواهد بود و در
حدیث دیگر از حضرت پرسیدند که دعا بر ایهودان و ترسان یا چگونه کنیم فرموده که اگر با ایشان
مصافحه کنی از هر عاصی کن و اگر دست بدست او بر شاد است و ریشش و در حدیث دیگر فرموده که
با اهل ذمه یعنی یهودان و ترسان و کفران مصافحه کنی دست را بکوبد و او را مال و اگر با دشمنان
بیت مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور میان علماء آنست که دست با نجاسات و دیوارهای بدن
صورت که دست مسلمان یا ایشان هیچ یک نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر
منقول است که اگر کسی بر مصافحه کند متشرب را بشوید و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هر که یهود یا کفر یا ترسان را بگوید الحمد لله الذی فضلتی علیه با الاسلام
و بالقرآن کتابا و محمد انبیاء و بعی اما ما و بالمومنین اخوانا و بکعبه قبله

خدا میان او و کافران کشد و بر حق تعالی و علی السلام مشورت که تقیه بسیار است
و ایمان ندارد و تقیه کند فرمود که در عشرین در تقیه است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشورت که تقیه
در بلاد مخالفان واجبست و کسی از روی تقیه قسم بخورد بر دفع ضرری از خود بکند بر آن
و کفار و یهود از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشورت که اگر کسی ترسید از کفار و یهود که تقیه
بسیار کند و از حضرت صادق علیه السلام مشورت که درین خود را حفظ کند و پنهان دارد و از تقیه کردن از
مخالفان بدترست که شهادت میان سنیان از بابت که عسکریه در میان پیران و اگر مخالفان
که عسکریه از شک آنهاست بکیرانند و نمیکند از آن و اگر سنیان بدیدند که تقیه را در سینه شهادت
بر آنکه شهادت را میگویند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که تقیه را ترک نکنید که هر که تقیه را ترک کند
کفار را ترک کرده است و بعد از تقیه در بلاد کافران و مخالفان و سنیان و حبیب و کافران
باشد و درین خود را اظهار نکند بلکه درین ایشان را اظهار نکند و در وقتی که ایشان مطلع باشند و مخفی شوند
ساخت و وضو نماز و سایر عبادات را بطریق ایشان بعمل آورند و آدمی خود بترسید اند که در
وقت خوف و ضرورت تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعیه و سنی در امری که ظن فرود آید
لازم است مگر در خون که تقیه در آن غلبه مثل آنکه گویند که اگر کسی را از کفر ترا میگویند باید خود
کشته شود و او را نکشد **فصل دوم** و در حق تعالی و علی السلام مشورت که تقیه بسیار است

بر او اول کسی باید که احوال او بداند و از او بپرسد و از او بپرسد و از او بپرسد و از او بپرسد
خویشا آن سفر نوشته او را بباید اول چیزی که او را ضرر است اعتراف بقیص و ندانست که گشتها
و تو بکامل کردن است و تضرع و زاری بجناب حق سبحانه و تعالی کردن که از گناهان گذشته
گذرد و در احوال احوال که در پیش از او را بخود و دیگران نکند و در پس متوجه شود حقوق
و خلق آنچه در دمه او باشد ادا کند و دیگران نکند و بعد از مردن اختیار از دستش برد
و حرمت را احوال خود کند و شیاطین جن و انس و وسوسه ها نکند و او بکمال امانت شود که در
او را بری سازد و او را چاره نباشد و گوید که برگردانید مرا بعد از آنچه اعمال شماست خواهیم
مال خود کنیم از او نشوند و حرمت و ندانست بود و بپوشد پس تقیه ثلث مال خود را برای خویش
و تقیه سایر چیزات و آنچه مناسب حال خود دارند و تقیه نماید که زیاده از ثلث را اختیار ندارد پس
ابراهم و سایر برادران مؤمن خود را بطلبید هر که را عیب باشد یا امانتی یا از ارضی یا برسانید
باشد اگر حاضر باشد از ایشان التماس نماید که او را احوال کنند و اگر حاضر نباشد از برادران مؤمن
التماس کند که برای او ابراهیم و سایر برادران مؤمن احوال و عیال خود را بعد از تو کل بجناب حق
بامینی بکنند و وصی را خود تعیین نماید و کفن خود را میداند و شهادتین و عقاید حق و انکار کفر
و آیات را بجا آید که در طهر و در کفایتش نماید و از برادران مؤمن حضرت امام حسن

گفتن او را بنویسند و این در صورتی که پیش تر غافل شده باشند گفتن را مهیا کرده باشند و اگر چنین
می باشد که همیشه گفتش می باشد و در آن حال حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام نقل است که اگر
گفتش را بشناید خواند اش حاضر باشد او را از غافل متولید و هرگاه نظر بر گفتن افتد نوبت
یابد و باید که بعد از آن دیگر نکران و فرزند مال نباشد و متوجه جاب مقصدش نمی شود و باید
آورد که این امور فنی بکار او نمی آید بغیر از لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی ندارد
او نمیرسد و بداند چون توکل بر حق نمائند امور باز ماندگان او با حسن و جود صورت خواهد یافت
و بداند که اگر خود باقی ماند بدون مشیت الهی نفعی بایشان نمی تواند رسانید و ضرری از ایشان
دفع نمی تواند کرد و بخدائی که ایشان را آفریده از ایشان هرگز نباید که در آن حال
مقام جواد امید باشد و از رحمت خدا بسیار امید داشته باشد و شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و ائمه معصومین صلوات الله علیهم امید عظیم داشته باشد و منتظر قدم شریف ایشان باشد و بداند
که همگی در آنوقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشمارند و امید دهند و ملک الموت را سفارش نمایند
و بر شهادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله متفق است که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو کند عا
نقصان عقل و مروت است گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیکی وفات
او برسد و مردم ترا در جمع شوند بگوید اللهم فاطمات السموات و الارض عالم الغیب و الشهادت

در وقت مرگ وصیت نیکو کند

هو الرحمن الرحیم عهد الیقین اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شریک
لك ان محمد عبدك ورسولك وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان تبعث
من فی القبور و ان الحیة حق و ان الجنة حق و ما وعد الله فیها من النعم
الماء كل و المشرب حق و النكاح حق و ان النار حق و ان الدین حق و ان
صنعك ان الاسلام كما شرعت ان القول كما قلت و ان القرآن كما انزلت
و انك انت الله الحق المبین و انی اعهد الیقین دار الدنیا فی وصیتك
ربا و بالا سلام دنیا و محمد صلی الله علیه و آله نبیا و علیا اماما و بابا القراء
كتابا و ان اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام اتممتی الله انت تقی عند
سنتی و رجائی عندك بنی و عندی عند الامور التي تنزل لی و انت ولی
فی نعمتی الهی و اله ابائی صل علی محمد و آله و لا یكفی الی نفسی طرفه عین ابی
و انس فی قبری و حشی و اجعل لی عندك عهدا یوم القات منشورا و این
که این عهد و پیمان میت است یا خدا و روزی که میخواهد وصیت کند و وصیت لازم نیست
بر مسلمانی پس حضرت صادق علیه السلام نقل این حدیث فرمود که تصدیق این سخن در سوره بقره
که قضا میرساند که لا یملكون الشفاعة الا من اتخذه عند الرحمن عهدا یعنی در دنیا

واقبل من اليسير من طاعتك والي الحق نبيان وبرا دران مؤمنانيد كه كه او را در جنين جاني
 تنها كنند و نذر او دعا و قرآن بخوانند و سوره يس و صفات نذر او بخوانند و عقوبات
 بوجدان خدا و رسالت محمد مصطفی ص الله و امامت ائمه معصومين صلوات الله عليهم اجمعين و استغفار
 خود از بهشت و نزع و صفات كالميله الهی و تفرقه خدا از تقايي مگر بگويند و اگر نتواند كه
 بخواند و دعای عذبه را بر او بخواند و اگر مغشوش عربی نداند بر او بگفت و يا ابراهيم
 كنند و در وقت حاجت چوب نذر او بخواند كه از ايشان نفرت ميكند و اگر كسي ديگر بخواند
 برا خطرات نذر او بخواند و چون نذر يك شود كه جانش برون رود آنها برون روند و در
 معجزه دارد شده است كه اگر جان كنند بر او دشوار شود و او را بر نذر جاني كه نذر نما ميكرد
 يا بر روی جانماری كه بر او نما ميكرد و او را بخواند كه اگر امید شفا هست شفا يابد و اگر
 جانش با نذر برون ميرود و در حدیث شریف منقول است كه حضرت رسول ص الله و ائمه
 بر شخصی از فرزند ان عبد المطلب و در حال احتضار بود و در آن حال كه پاي او را بسوی قبله
 ملاكه آورد و در حث الهی متوجه او كرد و در حضرت امام رضا عليه السلام منقول است كه
 زهرا در حال احتضار بر او دست گذايد و اگر دست باز نماند شمشير چنانچه جلالان ميكند
 و او را بخواند و خدا بكنند و صلوات بر محمد و آل بفرستيد و در حدیث ديگر منقول است كه فرزند

حضرت امام خود صادق و در احتضار بود حضرت امام محمد باقر و در كنار خود نشسته بودند و در
 كسي نذر او ميرفتند منع ميكرد و ميفرمودند كه دست بر او نگذاريد كه او را بخيال در نهايت
 و در دست بر او گذارد چنانكه او را گذارست و در حدیث شریف منقول است كه حضرت امام محمد باقر
 منقول است كه حضرت رسول ص الله و فرمود كه تلقين كنيد مرگاني خود را كه لا اله الا الله بگويند كه اگر
 بخش لا اله الا الله باشد و احل بهشت شود و در حدیث ديگر فرمود كه لا اله الا الله تلقين كنيد كه
 ايشان را در هم ميكند و در حدیث شریف منقول است كه حضرت امام محمد باقر منقول است كه هرگاه كسي در وقت جان
 كند ن پايه اين كلمات فرج را تلقين كنيد كه او بگويد لا اله الا الله الحمد لله الذي لا اله الا الله
 الحمد لله الذي لا اله الا الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و
 ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين و در حدیث ديگر
 منقول است كه اگر اهل خانه حضرت امير المؤمنين ع متفرق شدند حضرت كلمات فرج را تلقين بدين
 ميفرمودند و ميكشيدند اين چنين بخوانند ميفرمود كه برو كه ديگر بر تو بايست و در حدیث شریف
 كه حضرت رسول ص الله و فرمودند كه در حال جانكندن فرمودند كه اين كلمات بخوان
 خوانند فرمودند الحمد لله الذي لا اله الا الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و
 ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين و در حدیث ديگر منقول است كه اگر

در وقت جانكندن
 در وقت جانكندن

درین خود جانشین یافت کند و اگر کسی مومن کامل باشد نمیتواند او را بشکند و اینست پس انکال
تلقین ایشان کنید کلمات پنج و شهادتین و اقرار برائتم یکبار تا از حق گفتن بازماند و در وقت
دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن اقرار با ما مت ائمه بکنید و این تسبیح را اعتقاد کنید
چون بپوشید و در وقت دیگر فرمود که شخصی امر کرد رسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حاضر شد
با جماعتی از اعیان و پهلوانان بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار تا از او سوال
کنم آن شخص بهشت شد حضرت فرمود که چه خبری منی گفت سفیدی بسیار سیاهی بسیار منی فرمود که
که ام یک تو نزدیک تر اند گفت میا منی حضرت فرمود که بگو اللهم اغفر له الکثیر من معاصیه و اغفر
لنفسه من طاعتک پس آن شخص بهشت شد و باز ملک الموت فرمود که دست از او بردار پس او پیش
آمد حضرت فرمود که چه خبری منی گفت سفیدی بسیار سیاهی بسیار منی فرمود که که ام یک تو نزدیک
است گفت سیاهی که در سفیدی بیشتر حضرت فرمود که او را آمرزیدند پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که نزد
حاضر نشوید در خیال بگویند که اینها بخوانند و در وقت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آله
شدند در وقت مردن و با و گفته بگو لا اله الا الله و از بانش منبذ شد بود و نتوانست گفتن
پرسیدند از آن که در یلین او نشسته بود که این مادر دارد گفت مادر اویم فرمود که از او خوشتر می باش
ناگفتن شش سال که با او سخن نگفتم ام فرمود که در روزی که گفت با منی شدم پس حضرت با آن گفتن

بگو لا اله الا الله بانش گشوده شد حضرت از او پرسیدند که چه خبری منی گفت بر من سیاه بد رفتی
بد رفتی جامه چرین بپوشم که نزد یک منت و کلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیس
یعصو عن الکثیر و اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت العفو الرحیم جوی گشت
انید ما خواند فرمود که چه خبری منی گفت مرد سفید را خوشتر جانم بگو بپوشیده می بینم که نزدیک
منت و آخر سیاه میرود فرمود که بار دیگر انید ما بخوان چون خواند فرمود که چه خبری منی گفت
آخر سیاه را نمی بینم و آن شخص سفید را می بینم که نزدیک منت این بگفت و قوت داشت
که دامنش را بر هم گذارند و چانه اش را ببندند و قرآن تر و او بخوانند و زود در آن
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سر او را آنت که برادر مومن را بکشند یا بخانه اش حاضر
شوند و بر او نماز کنند و از بر او استغفار کنند و میت ثواب بر او ایشان ثواب بزند
در چند حسن نیز از آن حضرت منقولست که چون مومن را بفرستند از دنیا می کنند او را که اول
که تر او ایم بهشت است و اول عطائی که او ایم آنها را که با جنازه نماند اند امرش کنایست
و در وقت دیگر فرمود که اول آنها که بمومن میدهند در قبر آنت که می آمرزند هر کس که بپوشد
جنازه او بوده است و در وقت دیگر فرمود که همراهی جنازه مومن که بکشند تا او را دفن کنند حق
در قیامت مشا و ملک میکار و بر او که همراهی او کنند او قبرنا موقع حساب فرمود که هر که

یکروز خانه را بیکر دیت پنج کنه کپره او امر زیاده شود اگر چهار طرف را بکپرد اگر نه شش طرف
آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بشوید و دست چپ را
دیس بپاشد راست را هم بدوش راست بر دارد پس طریقی چپت را بده و شش چپ را در پیش
چپ بده و شش چپ بر دارد پس اگر خواهد که دیگر ترجیح کند از پیش روی جنازه نزود بلکه از جانب چپ
جنازه بر کرد و همان روش ترجیح کجا آورد و بهتر آنست که پشت جنازه یا پهلو جنازه راه رود و
پیش جنازه نزود و ظاهر حدیث آنست که اگر جنازه مومن باشد پیش او راه رفتن خوبست و در جنازه
خلاف مذکور است پیش او نباید رفت زیرا که ملائکه خدا را با استقبال میکنند و با جنازه
سوار و راه رفتن مکرر کرده از حضرت رسول ص آیه و الا منقولست که هر که جنازه به چند آید
بخواند هر یک یک خاند که کریم بر او رحم بر او کند الله اکبر هذا امانا و عذنا الله ورسوله و
صدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تغفرنا ایا القدره و
قهر العباد با الموت و از حضرت رسول ص آیه و الا منقولست که شیع جنازه بکیند که قضا
بر دارد و بعد از آنکه بر آید نوشته شود و بعد از آنکه از او خوش شود و بعد از او در بر آید
شود و اگر جنازه اش نماز کند حق تقابل بعد از موت و بعد از آنکه بر آید که بر جنازه نماز
کنند و از بر آید استغفار کنند تا وقتی که دفن شود و در آن زمان صدرا ملک

در وقت دفن جنازه

حق تعالی مقرر فرماید که برای او استغفار کنند تا از قبرش بر آید و قیامت و در حدیث از حضرت
امام محمد باقر علیه منقولست که هر که مؤمن را غسل دهد و چون او را از پهلو به پهلو دیگر کرد آید
بخواند کنان کسان او امر زیاده شود مگر کنان کپره اللهم هذا بدن عبدک المومن
و قد اخرجت روحه منه ففرقت بینهما فغفوت غفوت و در حدیث دیگر فرمود که
هر که میت را غسل دهد و از جنازه بپاشد بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند کنان شش امر زیاده شود
در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی ع از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسی که میت را غسل
بدهد و جواب رسید که او را کنان می شویم مانند روزی که از او در توبه شده باشد و در حدیثی
از حضرت صادق ع منقولست که هر که مؤمنی را غسل دهد در وقت غسل او را مگر بگوید غفرک غفرک
خدا او را می آمرزد و در وقت از خاک برداشتن در وقتی که دست بر شکمش می آید بخواند
اللهم انی سألک حب محمد و اله صلوات الله علیهم فی بطنه فاسئلک به عیال
و در حدیثی معمر از حضرت امام محمد باقر و حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانچه
که ضامن پوشش او شده باشد تا روز قیامت و هر که قبری بکند از برای مؤمنی چنانچه او را در
خانه مراعاتی جاده باشد تا روز قیامت از حضرت رسول ص آیه و الا منقولست که هر که جنازه
مؤمنی نماز کند و بعد از آنکه او را دفن کند و کنان او را کند زیاده شود پس اگر هر گاه

در وقت دفن جنازه

در وقت دفن جنازه

تا اور از کسب هر قدری که بدارد قیراطی با و ثواب به بند که آن قیراط مانند کوه باشد و
حدیث دیگر فرمود که هر که بر جنازه ثمنی ناز کند بهشت او واجب گردد و اگر آنکه منافق یا عا
بد روم باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل است که چون ثمنی بپزد و چهل نوبت بخانه خود
و بگوید اللهم انما لا نعالم منه الا خيرا و انت اعلم به متابعی خداوند اما در بعضی از کتب
نمی بینیم و تودعاتی از احوال او را چون این را بگویند حق تعالی نماید من شهادت
قبول کردم و امر زیدم آنکس می داد که میدانم و شما نمیدانید و در حدیث دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و آله نقل است که در اول چیزی که در دنیا می بینید بعد از کسب آن چیزیست که مردم در حق او میکنند
اگر نیک بگویند می بینید و اگر بد بگویند می بینند و در حدیث حسن از حضرت صادق
نقل است که چون میت را بفرستند او را از خویش بای قزو اهل کن چون بر قبرش گذاری آیه الهی
بخوان و بگو اللهم یا الله فی سمیع الله و علی مله رسول الله علیه و آله اللهم افسح له
فی قبره و الخ فی نیت اللهم ان کان محسنا فزنی احسنه و ان کان مسیئا فاعف
له و ارحمه و تجاوز عنه و استغفر له و ابرأه کن و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام نقل است
چون میت را داخل قبر میکردانید باین دعا بخوانند اللهم جاف الارض عن جنبه و
اعمله و لقه منک رضوانا و در حدیث دیگر فرمود که چون میت را بفرستد ای باید که او را

در کتب معتبره

در کتب معتبره

در کتب معتبره

مردم با نزدیکی شده نام خدا ببرد و صلوات بر محمد و آل بفرستد و پناه ببرد بخیال از شر
و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله و آیه الکرسی بخواند
و اگر نتواند در پیش از این کند و بر خاک گذارد و در آنجا تلقین کند او را به شهادت و اقرار بانه
موصوفین و سایر اعتقادات حق و در حدیث دیگر فرمود که چون خاک بر قبرش بریزی
بگو ایما نابک و تصدیقا بیعتک هذا اما وعدنا الله و رسوله انما نکره به
زره خاک حسد در امدات نوزده شود و چون قبر را بکشد که این تلقین باعث این شود
که مکر و دیکر از او سؤال نکند و سنت مکر است که در نزد قبر بعد از دفن میت اهل آن قبر
بگویند و پیش از دفن نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آله نقل است
که اگر کسی را تعزیه بگوید در روز قیامت او را هله پوشانند و مثل ثواب الضابط
او را باشد بگو از ثواب و چیزی کم نشود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل است که
مردگان را زیارت کنید که ایشان خبر میشوند و بشناسانند و چون نزدیک قبر برود
بگوید اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیه السلام و ارحم و ارحم و ارحم و ارحم
و اسکن الیه من رحمتک ما نقل به و حدیث هم و توش به و حشمتهم انک علی
کل شیء قادی و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادرش برود و

در کتب معتبره

در کتب معتبره

در کتب معتبره

بقیة دست بر قبرش گذارد و وقت تدفین آنرا الشافی لیل القدر بخواند از ترس بک
روز قیامت ایمن کرده و در روز دیگر مشغولت که حق تعالی او را صاحب برادر و پیامبر
و در روز دیگر مشغولت که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در قبر کی از شیعیان ایستادند و امید عاقل
اللهم ارحم قریبه وصل وحدته و انسی وحشته و امن روحه و اسکن الیه
و جنت ما یشفی بها عن رحمة الله من سوائه و الحق من کان یتولاه و در
وایت دیگر مشغولت که هر که سوره انما انزلناه بخواند نزد قبر منی حق مرتبه حق تعالی بفرستد
که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آنکارا برایت بنویسند و چون از قبرش خوش
شود بهر طوار احوال قیامت که برسد حق تعالی بسبب او ملک امرالی را و فرستد که ادا
بهت شود و مستجاب است که نزد قبر سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیه الکرسی هر یک بار
و انما انزلناه انما یتدبر بخواند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغولت که هر که بر قبرش بگذرد
یا زده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند ثوابش برابر مردگان آن قبرستان بیست و بعد از آن مردگان
اجر و ثواب بدو بماند و چون این رساله محل ذکر احکام مختصار و غسل و کفن و نماز و غیره
قلبی از ادب اینجا مذکور شد و این رساله از فوائد غنی باشد و مفصل حکمی در جایگاه الامور
مذکور است **باب دوم** در ادب مجلس از اسلام و مصارف و معارف و بوسیدن

در روز قیامت
ایستادند و امید عاقل

در ادب عطفه کردن و نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها **فصل اول**
در ادب نصیحت سلام و در حدیث معبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغولت که صاحب برادر
فرمود به حق حضرت عیادت چهاران و مشایعت خانه مردگان و قبول کسی که انگار است
و در دو عاقل کردن برای کسی که عطفه کند و یاری کردن مظلوم و بهر که سلام کردن و قبول
ضیافت کردن و در حدیث معبر دیگر از حضرت مشغولت که در بیست و نه چیز است که از اندیش
پردن مینماید و از پرورش اندرون می نماید کسی را متین در آنها ساکن میشود که با آنها
نیک با مردم سخن گوید و طعام بخردم بخوراند و افشای سلام است که بخیل نوزد سلام کردن
بر احمد از مسلمانان از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که هر که ابتدا کرد سخن پیش از سلام جوابش نشود
و کسی را طعام خود بطلبند پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاقلترین مردم کسی است که
کردن بخیل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بدو از مسلمانان برخورد و برایشان سلام کند ثواب
یک سبده آزاد کردن در غایت عمل او نوشته شود و از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که هر
مؤمنی بجا آید از رمضان سلام کند ملاک در جواب او بگویند سلام علیکم و رحمة الله و
بر کانه ابتدا او از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغولت که سلام کردن سنت است و جواب
سلام و حریت از حضرت صادق علیه السلام مشغولت که چون کسی سلام گوید بگوید یا ایها الذی یستجاب له

که سلام کرد و با جواب سلام او گفتیم و چون کسی جواب سلام گوید بگوید یا الله سلام کند بگوید
که سلام کردم و جوابی نگفتند و در پیشه دیگر فرمود که هر که السلام علیکم بگوید چه کند بر او بگوید
و اگر سلام علیکم در خانه و بر کاه گوید بسی حسنه باشد و در پیشه دیگر فرمود که هر کس که بگوید
جمع با ایشان سخن بگوید و چندی تنها باشد و کسی که عطر کند میگوید هر چه کنم آنرا هر چند بگوید
نباشد با او و کسی که سلام بر کسی میگوید السلام علیکم و کسی که کسی را دعا کند میگوید یا فاما
الله پس هر چند کسی بخیر بگوید یا اینها ملاک میباشد و در قصه مردمان غایب هم داخل میشود
کرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل است که هر کس که کسی را دعا کند که کسی بخیر
با السلام و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که هر کس که برایشان سلام بخاید که کسی بخیر
راه رود و کسی که بخیر بخیزد و رود و کسی در حمام یا حمام کرده اند بر صورت که تنگ بسته باشد
در حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل است که کسی که داخل حمام شود و داخل مسجد شود و مردم نماز کند
برایشان سلام کند و حضرت رسول سلام کند و متوجه نماز شود و اگر نجیسی داخل شود که مردم سخن
گویند بایشان سلام کند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل است که کسی که داخل حمام شود و بر اهل خانه
سلام کند و اگر اهل خانه باشد و خواند خالی باشد بگوید السلام علیکم یا ربنا و فرمود
اگر کسی یا تو بخیر حیاتی الله با سلام با السلام بگوید یا الله یا الله یا السلام و

و از مقام و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل است که چون کسی که اطاعت کند سلام
مصابی بکند و چون از کسی که جدا شود طلب مرزش از برای کسی بگوید و در پیشه دیگر
فرمود که کسی که داخل خانه خود شود سلام کند که سبب برکت میشود و ملاک آنست که بگوید یا فاما
و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که چون زن بر حاجتی داخل شود بگوید علیکم السلام و چون
مرد داخل شود و السلام علیکم بگوید و بعضی اخبار وارد شده است که چند کند که بایشان
سلام نباید کرد و بگوید و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت الحرام باشد و کسی که بر سر خان
شراب نشسته باشد و شامی که بر زمان محنه عقیقه فحش گوید و کسی که خوش طبعی ایشان بشناید
مادر است و کسی که نزد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و کسی که در انشای نماز باشد و کسی
خورد و کسی که تنور یا عود نواز و مردی که مردم عمل تو ادا کنند و عاشقی که علاقه فحش کند و پروا
نکند و در ریه آید و در رفته است که سلام بر کسی که شطرنج بازی کند نگاه گیرد و او بیخبر
وارد شده است از سلام کردن بر کسی که شراب خورد و در ریت که اینها محمول باشد بر آنکه سلام
کردن بر اینها فضیلت ندارد بسیار یا بر آنکه از روی مهر یا محبت و راضی بودن بکنایه است
سلام بر ایشان نباید کرد زیرا که اینها بسیار وارد شده است که بر کسی سلام کردن خوب است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل است که چون کسی از نجیسی بفرزد و او را معذرت کند اهل آن نجس است سلام

کون

که اگر بعد از آن حرفی بگویند و او را بشنود و اگر حرفی بگوید که نمی
آنها خواهد بود و بر او کفایت نخواهد بود و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که هر که
سلام میکند و کسی که نشسته باشد سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت سلام
میکند و در پیش دیگر فرمود که سواره باید بر پیاده سلام کند و اگر سوار بر خر سوار سلام
کند و اگر بر سر سوار سلام کند و ایستاده بر نشسته سلام کند و در چند حدیث معتبر از آن
مستوفی است که چون حاجتی بکند و یکی سلام کند از یکران قنات و اگر کسی بر جماعتی سلام کند
یکی از آنها که جواب بگوید از یکران قنات و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله بر زنان سلام میکرد و ایشان جواب نمیدادند و حضرت امیرالمؤمنین
بر زنان پیرو سلام میکرد و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند
که بهتر است خوشم آید از آواز آنها و گناه بر من داخل شود و زیاده از توانی که سلام کردن بر طلب
میکند و امثال آنها را تعلیم دیگران میفرموده اند و خود از امثال آنها معصوم و منزوع
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ابتدا بکند باهل کتب یعنی یهود و نصاری و مجوسی و
چون ایشان سلام کنند علیکم بگویند و در پیش دیگر فرمود که چون یهود و نصاری و مجوسی
بابت پرت بر تو سلام کنند بگو علیکم و بدانکه از جمله سلام است که چون خواهند داخل خانه

خبر می

کسی شوند بیشتر سلام کنند که در چهره او برسد سلام کند اگر جواب سلام بشنود داخل شوند
و اگر نه برگردند جواب این سلام واجب نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
در مرتبه است در مرتبه اول میشوند و در مرتبه دوم خد میکنند و در مرتبه سیم اگر میخواهند
رفت میروند و اگر نه ساکت میشوند که او برگردد و حق تعالی فرموده که داخل مشوید
خانه غیری یا استیئاس بکنید و سلام بر اهلش بکنید و استیئاس گفتن سلام
کردن است **فصل دوم** در فضیلت مصافحه یعنی دست بیکدیگر گرفتن و معاشرت
دست در کردن کردن و بوسیدن و آداب هر یک از اینها صحیح از حضرت صادق علیه السلام
که از آنجانی بخت سلام کسی در سفر باشد مصافحه کرانت و تمامی سلام کردن کسی
سفر شده بخت در کردن یکدیگر کرانت و در حدیث معتبر از ابو عبیده منقول است که گفت
من هم گاه حضرت امام محمد باقر بودم من اول بجا و میرفتم پس آنحضرت بجا میروید
چون برود و بجا و دست می نشینم حضرت بر من سلام میکردند و احوال را می
میکشید مانند و کسی مدتی یکدیگر را ندیده باشند و با یکدیگر مصافحه میکردیم چون از بجا میروید
می آمدیم اول آنحضرت باین می آمدند پس بر دو و زین قرار میکردیم سلام میکردند و در حال
میکشید مانند و کسی مدتها یکدیگر را ندیده باشد من کفتم باین در سوال از شما چند میکنند که

که نزدیک باشند چنین نمکند حضرت فرمود که مگر عید که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدین
 و نمون که یکدیگر مصافحه کنند بپوشد گفته از ایشان میریزد چنانکه بر آن درخت میریزد و حق
 تعالی نظر رحمت بر ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در عهد بعد از او حیره منقولت که گفتن
 هم گجاده بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام چون باز را فرود آوردم حضرت اندک راهی رفتند پس
 آمدند دست مرا گرفتند و فانی سخن دادند که گفتند خدا تو شوم باشا بودم و گجاده حضرت
 فرمود که مگر عید از چون مؤمن اندک کنی بکنند و بعد از آن دست برادر من خود را یکدیگر
 نظر لطف بسوی ایشان میکنند در دست خود را بجا میبندند و بکنان میفرمایند
 فروریزند از ایشان تا که از یکدیگر جدا میشوند هیچ گفته بر ایشان نمانده است و در عهد
 حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصافحه آنست که در دو درخت خرمایا کردند و پس از آن
 با مصافحه کنند سنت است حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که اگر از آنست که دو مؤمن از یکدیگر جدا
 شوند اگر چه بدختری باشد که در میان ایشان حاصل شود پس ملاقات کنند یکدیگر مصافحه کنند
 و در عهد دیگر فرمود که هر که دست را در زیر بر میگردارد تو را شپش تر است و حضرت صادق علیه السلام
 فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکردند که دست از دست او بکشد تا آنکه از دست
 میکشید بر او دیگر فرمود که یکدیگر مصافحه کنند که گنهارا از سینهها میبرد و فرمود که مصافحه کنند

ملاقات کنند

با نمون که بهر دست از مصافحه کردن ملاک و در حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چون
 برادر من ملاقات نمایند مصافحه کنند و شش است و خوشی از ایشان ظاهر کنند تا اگر چون
 جدا شوند هیچ گناهی بر شما نمانده باشد بدشمن خود نیز مصافحه کنند هر چند او نخواهد که چنین
 فرمود است که باعث دفع دشمنی او میشود و در عهد دیگر از سخن هراف منقولست که من در
 کوفی بودم و شیعیان بسیار بر من می آمدند و من از شهرت رسیدم و علام خود را
 امر کردم که هر که مرا خواهد که بگویم یا میت پس در آن سال حج رفتم چون بوقت حضرت صادق
 علیه السلام رفتم آنحضرت را از خود متغیر دیدم گفتم فدای تو شوم چه خبر باعث تغییر شما شد
 از من فرمود که باعث تغییر تو شده است از مومنان گفتم فدای تو شوم از شهرت رسیدم
 و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست میدارم حضرت فرمود ای سخن طلال بهم رسان از شما
 آمدن برادر من بدین تو که چون مؤمن با برادر من بر میخیزد با او مصافحه میکند
 از بر او ایضا است مر جاسوسان پس چون با او مصافحه میکنند حق تعالی میان دو عالم صلوات
 رحمت بپوشد که نود و نه ای آن از آنست که دیگر را بیشتر دوست میدارم پس حقیقتا روی رحمت
 بیکدو از ایشان و هر یکدیگر بر او دست ترمیدارد و رحمت بسوی او بیشتر است پس چنین
 در کوفی یکدیگر رحمت است از خود میگرد پس چه خبر از برای خدا با یکدیگر باشند و عرض فرمودی

نداشتند ایشان خطاب میرسد که از زید شدید علما را بر یکدیگر چنان از یکدیگر احوال گیرند و
سخن گویند ملاک یکدیگر میگویند که در شوق میگویند که با یکدیگر را میگویند و خدا بر ایشان پوشانید
است آنچه گفت پس حرفی که میگویند ملاک نمیگوید حضرت حق میبند کشیدند و گریستند از شدت
آب دیده مبارک بر پیشانی و انداختند و فرمودند ای اتحق حق تعالی که مرا فرموده است
که چون دو نفر با یکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند بر آن تعظیم ایشان و اگر ملاقات کنند
اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان و در پنهان و آنچه در پنهانهاست از خداوند
است میداند که چه میگویند پس ای اتحق از خدا بترس چنانچه گویا و ارامی منی و اگر تو را دانی
پس ای او ترای پسند و اگر کان میکنی که او ترا نمیبیند که فراموشی و اگر میدانی که او ترا میبیند
کنان از آن مخلوق پنهان میکنی و ترا میبیند پس او را از آنکه سهل تر شمرده و در شوق و در شوق
که شمار در مصافی کردن مثل ثواب آنهاست که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت امام محمد باقر
جنود صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که از خواندن چهره در رود بعبقده دیدن بر او مؤمن خوش
نقش هر کای حسنه ز نام عیالش بنویسد و گنهی از او بگذرد و در جبر بر او بگذرد پس چون در خانه
آن مؤمن را بگوید در ای آسمان بر او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و در دست و پا
یکدیگر کنند حق تعالی روی محبت خود را بر ایشان بگرداند و با ملاک مبادات کند ایشان و فرموده

نظر کنید

نظر کنید که این دو بنده مؤمن من که بدیدن یکدیگر رفتند از بر ارضای من با یکدیگر دوستی کردند
لازم است که بعد از این برایشان عذاب نکنم پس چون برگرداد و داشت بخت ملکیتی
بعد از تقسیمها او و کاهها او و بختها او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت او را نگاه
دارند تا روز دیگر آنوقت و اگر در این میان بجز واجب قیامت نکات یا بدو اگر آنوقت
حق او را شناسد و رحمت او را داند همین ثواب هم داشته باشد از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شیعیان را نوری در شبانی است که بآن نور شمارد و دنیا می شناسند چون یکدیگر
برخیزند آنکو مشغول از ایشان میمیرد و رسید و هدایت حسن دیگر فرمود که نمی باید بوسید سر
دست و اگر رسول خدا یا کسی که مراد از بوسیدن سر دست رسول خدا باشد و تحمل است که
خصوصی آنکه معصومین با او اظهار است که شامل سعادت و علما نیز باشد زیرا که تعظیم ایشان
برای آن میکند که فرشته که فرزند آنحضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت اند و او
است که بفرست پیغمبر و امام بنویسد چنانچه در حدیث دیگر آنحضرت صادق علیه السلام منقولست که نشاند
دست بوسیدن مگر پیغمبر و ائمه پس در حدیث صحیح آنحضرت امام موسی منقولست که کسی
دست خویش خود را بر آغوش پیغمبر یا بر آغوشی نیست و بر او ایمان مؤمن را بپلوه روی را
میوسند امام را میان دو پیشانی بوسند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در آنرا بوسیدن

نیباشد مگر بر این وفورند خود **فصل سیم** در آداب نشستن مجالس اخوت و عزل
عزت و آنکه منقول است که حضرت امیر المؤمنین هم که است که اگر حاضر شوند ملاحت
نکنند مگر خود را کسی حاضر شود و بفرود که او را خوانده باشند تا بجا نرسد و کسی را که طبع
کند از دشمنان خود و کسی توقع ایمان و یحییان کند و کسی خود را در آورده و مداری که
او کبر باشد بی حضرت ایشان و کسی استغفار کند پادشاه و کسی در مجالس رجا نشیند
که سر او را آن نباشد و کسی سخن گوید که گوش بسنجد و آنکه حضرت امیر المؤمنین هم منقول است که
کسی که شمع این حضرت با یکی از اینها در آید باشد و در صد مجلس نشیند اجابت آتی الی الله
از او پرسند جواب بدهد که گفت ویم آنکه چون دیگران حاضر شوند و حق را بیان تواند
کرد سیم آنکه راه طلب بود بر هر که صلاحش در آن باشد و تواند آنرا کرد و حضرت صادق
منقول است که سر او را میت مومن را که بنشیند مگر بعد از جماعتی که نشسته اند و اگر بپایان
مردم که اشتق و ملا رفتن علامت بیکی عقل است و بنشیند از حضرت رسول صلی الله
منقول است که از علامت اخوتی آنست که آدمی راضی شود و مجلسی که پست تر باشد از مجلسی که سر او را
اوست و هر که برسد سلام و ترحم بدهد و هر چند حق با او باشد و نخواهد بود و هر چه با حق است
کند و ترحم بدهد و هر چند دیگر فرمود که چون مردم در جایی بنشینند و یکی در بالا اگر کسی

نشستن

آنها در ابطه و جای برایش کشاید و اگر آنکه امتیاز نسبت با کرده است بر او و او را که
کسی جای بر او کشاید هر جا که کشاید تراست بنشیند و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی بخواهد شخصی
بیاید هر جا که صاحب آن میفرماید آنجا بنشیند که صاحب آن نیک بدخواه را بهتر میداند و حضرت
امیر المؤمنین هم فرمود که چهار سر را اما بنشیند و حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان
بنشیند و جامه از آن خود دور کند و از حضرت امام حسن عسکری هم منقول است که هر که راضی باشد
به نشستن در جایی که مناسب شرف او از آن بالاتر باشد پست خدا و ملائکه و صلوای فرشته
تا بر خیزد و از حضرت صادق منقول است که در اکثر اوقات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و روایتی
نشدند و در حدیث حسن منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آتش کاهی را زانو
را از زمین بر میداشتند و دستها را بر این زانو میکشیدند و ساعد بکمر است و دیگر میکشیدند
و کاهی دوزخ زانو نشسته و کاهی یکبار بر سوی پای دیگری کشیدند و هرگز چهار زانو نشسته
و در حدیث حسن از ابو حمزه منقول است که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین عم نشسته بود
و یکبار بر بالای ران پای دیگر کشیده بودند کفم فدای تو شوم مردم این نشستن را خوب
نمیدانند و میگویند که این نشستن بر در کار است حضرت فرمود که من از برای و اما ندکی
چنین نشسته ام و خدا را و اما ندکی نمی باشد و او را پی نمی جواب می باشد و او را چه بنشیند

او انباشد و در روز دیگر منقولت که حضرت صادق ع چنین فرمودند و بایستی
بر روی ران چپک استه بودند و در حدیث منقولت که حضرت رسول ص علیه السلام
فرمود که سزاوارت جماعتی که با یکدیگر نشینند در باب تسبیح و استخوان زراع که
تقریباً یک شبر از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بدارند که اگر کار از آن نشینند
حضرت صادق ع منقولت که آدم مثلاً کسی را که در جای تنگ چهار نفر نشینند و چند
حدیث وارد شده است که احتیاط دیوار عرب نشین و احتیاط آلت که پامان را بجا میبرد
و بر روی کند و دست را قفل کند بر آن و چنانچه گذشت یعنی ایشان در محراب
که نزدیک دیوار باشد این بعضی یکدیگر بر دیوار کردن است و در حدیث منقولت از حضرت
صادق ع پرسیدند که احتیاط چوالت فرمود که اگر عورت نمایان نشود بکایت و در
حدیث دیگر فرمود که جایز نیست مرد را که احتیاط کند در برابر کعبه **فصل چهارم** در ادب
ملاقات صاحبخانه با کسی که بخواند اوست و در حدیث شریف از حضرت صادق ع منقولت که
بر خواستن از برای تعظیم مکرر است مگر از برای کسی که بخت دین مانند علم و صلاح و بیکی و تقوی
کنند و از حضرت رسول ص علیه السلام منقولت که حق کسی که داخل خواند میسر و پیراهن خواند
که اگر وقت داخل شدن و پیراهن را بپوشد یا پاره با او راه رود و فرمود که چون کسی

خواند شود به صاحب خانه حاکم است تا بیرون آید و آنچه گوید بپایند صاحب خانه از اطاعت کند و
از حضرت صادق ع منقولت که کسی که تخف برای مؤمنی بیاید یا مثل آن باشی یا مشکالی
یا پوششی یا سلامی کند بر او بهشت مستند شود که او را مکافات دهد پس حق تعالی با و جی
فرماید که من طعام بهشت را بر او اهل دنیا حرام کرده ام مگر بهنجری یا دمی بهنجری چون روز قیامت
شود بهشت را خطاب رسد که امروز مکافات تخف ایشانرا بده پس غلامان و کثیران از
بهشت بیرون آیند با طبقهائی که بر سر و آنها و مسالها از مرد و زن انداخته باشند و
ایشان بیاد و نه چون نظر کنند بچشم و مول آن و نظر کنند به نعمتها بهشت و آنچه در آنست
عقبتن بیرون کنند و از آن طعام بخورند پس منادی ندا کند از زیر عرش که حق تعالی
حرام کرده است چشم را بر کسی که از طعام بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بگویند و در
حدیث منقولت که دو شخصی بخواند حضرت امیر المؤمنین ع آید از حضرت از برای
از ایشان باش انداختن یکی بر سر و باش نشست و دیگری ایما کرد حضرت فرمود که بشین
که با نمیکند مگر از کرامت بعد از آن فرمود که هرگاه پایداری شما کسی که نزد قوم
کریمی باشد شما را که از او آید و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولت که هر کس که چنان
بجای ایشان نیست مگر منافعی که در اسلام پیش سفید شده باشد و کسی که حامل لفظ یا معنی

باشد و امام عادل فرمود که از تعظیم خداست بدون کردن و از حضرت رسول ص الله علیه و آله
منقولست که کسی را که گرامی دارند باید که او قبول کند و در نکند که در نمیکند که اوست را مگر خرد
و در چند پیش از حضرت امام رضا ع منقولست که از آنحضرت پرسیدند که اوست این گرامی
که رو نمیدارد فرمود که مثل آنکه جایز برای او بکشاید یا بوی خوشی از برای او بگذارد
یا مثل اینها از گرامیها و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که اگر اوست مکن کسی را بچیزی که
بر او دشوار باشد و از حضرت رسول ص الله علیه و آله منقولست که هر که خدمت کند که در حق او غیبت
حق مثل عدو ایشان خدمتکاران در بهشت کرامت فرماید و حضرت صادق ع فرمود
که هر که را برادر دشمنی نبوی او پیاید و او که امیدارد چنانست که خدا را که امید باشد است
و از حضرت رسول ص الله علیه و آله منقولست که هر مطلق که کسی با برادر مؤمن خود بکند حق
او را از خدمت بهشت کرامت کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که اگر اوست برادر دشمنش را بیک
کلمه از روی لطف یا او بگوید غمی از دل او بردارد و پوستانه رساید حجت الهی بآیات منقولست که اوست
باشد **فصل عجم** در بیان محاسنی که در ایجاد اهل شدن رده و جامع است که هم نشینی و صحبت
ایشان سر او را است از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که متابعت کن کسی را که ترا که بایند
خیر خواه است و متابعت مکن کسی را که ترا خنداند و در مقام فریب دادن است و از حضرت رسول

ع الله علیه و آله منقولست که نظر کنی که با دشمنی میگویند و صاحب میکنند که هر که است در وقت ترک
مصاحبتش را با او مینمایند اگر حاشان نمیکند از مصاحبت ایشان نشاء میشود و اگر حاشان است
نمکن میشود و حضرت صادق ع فرمود که بهترین برادران من کسانیست که چشمها مرا بمن که فرمود
که بر تو باد مصاحبتان کند و در کن از مصاحبت مصاحبتان که ایشانرا عهدی و وفای نیست
و بر خدا باشد از حدیثی که در چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیر المؤمنین ع در وقت
وفات وصیت فرمود که زنهار که اجتناب کن از جاه که محل تهمت اند و از مجلسی که گمان بد
میرسد که هم نشین بد فریب میدهند مصاحبت خود را و از حضرت رسول ص الله علیه و آله منقولست که
سر او را ترین مردم نیست که با اهل تهمت هم نشین باشد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که خود
را محل تهمت در آورد ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام موسی ع منقولست که بد بر میزند
مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نایستد زیرا که هر که کسی نمیداند که
مادر او است و در حدیثی منقولست که حضرت عیسی ع میفرمود که مصاحبت اخلاق بد شایسته
نمیکند باین کس و هم نشین بد را نکند مگر پس نظر کن که با کس هم نشین نمیشی و از حضرت
صادق ع منقولست که دوستی بیکان با بیکان توانیست که بر اینکان نظر کنی و دوستی با
باینکان نصیحت است بر اینکان و دشمنی بدان باینکان زینتی است بر اینکان و دشمنی باینکان

بایدان خاریت بر آیدان و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که با چنگل مصاحبت فرمایید و در
مکن زنه را با دروغ کو مصاحبت مکن که او از بابت سرایت بد و غمهای خود ترا فریب میدهد
ترا بر تو نزدیک مینماید و نزدیک را در نظر تو دور مینماید و زنه را با فاسق مصاحبت مکن که او ترا یک
طعام خوردن نزد دیگران میفروشد و با نجس مصاحبت مکن که ترا با مال خود بیار غمگیند و در مصاحبتی
نهایت احتیاج بهم رساند و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد تو نفع رساند ضرر میرساند و با کسی
که قطع حرم مصاحبت مکن با ایشان که حقیقت در سه موضع قرآن مجید اور لعنت کرده است حضرت
صادق ع فرمود که سر او از نیت مسلمانان که با فاجر و احمق و دروغ گو هم نشینی برادر می کنند و حضرت
رسول ص و ائمه و اولاد فرمود که هر کس که هم نشینی ایشان در آید میراند نشستن با مردم دنیا سخن
گفتن با زنان و نشستن با نوکران و حضرت لقمان با پدر خود گفت که بسیار آشنایان چندان
نزدیک شو که باعث جد آید و در ایشان دوری مکن که خوار میشوی و یکی با کسی که خندان باشد
چنانچه میان کرک میشو و سستی نیت میان نیکوکاران و بدکردار دوستی نباشد پس هر که نزدیک
قرب و پیوسته و هر که با بدکردار مصاحبت میکند از بدیهای او بی آموزد و هر که مجادله با مردم میکند
میشود و هر که در مجالس بد داخل میشود و تمت زده میشود و هر که با هم نشین بد می نشیند از بدی سالم
نماند و هر که زبان خود را نگاه ندارد همیشه پشیمانی میکند و از حضرت صادق ع منقولست که مصاحبت

هم نشینی

و هم نشینی با احمایبت عت میکند که نزد مردم مثل آنها خواهد شد و حضرت رسول ص فرمود که
آدمی بر دین دوست و مصاحب خود پیشا فرمود که زنه را با احمق مصاحبت مکن که در حکامی
از او راضی تری نزد دیگر است یا اینکه ترا بر بخاند و از حضرت رسول ص علیه السلام منقولست
که حکیم ترین مردم کسیست که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که برادر
مؤمنش را بر امری که مکروه است بپنداند و تواند که او را بگریزد و از آن امر بگریزد از دنیا
گرفته آید برادر می آید و کسی که اجتناب نکند از مصاحبت احمق نزدی اخلاق او برسد و
و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که بدترین مصاحبان تو کسیست که معصیت خدا را در نظر تو نیست
و بد و فرمود که هم نشینی با بدان مورت گمان بد برده و از حضرت صادق ع منقولست که نظر کن هر که تقی دینی تو نمی خرد
و صحبت او غیبت مکن و بد و بد کرد فرمود که چهار چیز است که ضایع میشود چنانچه که با کسی دوست
باشی که بپوشد با شیخی با کسی مکی که شکر تو نکند و علی که با کسی چاه موزی و گوش نه بد و درازی
با کسی بسیاری که نگاه ندارد و از حضرت امام موسی ع منقولست که در بدیها با عالم است
و اشتن تهر است از صحبت اشتن با جاهل بر سر و زشتمای نیکو و از حضرت رسول
ص علیه السلام منقولست که حواریان حضرت عیسی ع گفتند یا که هم نشینی کنیم فرمود یا که خود را

بیاد شما آورد و دیدن او علم شما بجزایر سخن گفتن او شمار بسوی آخرت رجعت فرماید و چنانچه
دیگر فرموده با اهل این نشستن شرف دنیا و آخرت و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نشستن با کسی
اعتماد بر او داشته باشم بهتر است نزد من از عبادت یکسال و در پیشگاه دیگر فرمود که با تو اگر نشیند
که بنده که اول می نشیند چنان میداند که خدا بر او نعمت بسیار دارد و هنوز نخواست که چنان
کمان میکند که خدا هیچ نعمتی بر او ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار خبر است
در امر میسر زنده ماند بعد از کشته شدن و بازماندن بسیار سخن گفتن با اهل حق و دعا کردن که او گوید و گویند
بخی بر کرده و هم نشینی با مردگان کردن گفته یا رسول الله مردگان کیستند فرمود که تو انگری که خدا
فراموشش کرده باشد از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرموده آن خود میفرمود که با اهل دین
و معرفت هم نشینی کنید اگر بدست شما نیایند تمامی مؤمنان در اسلام است و از صاحب غیر ایشان
و اگر ناچار باشد از هم نشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشیند و ایشان در مجلس خود خشم نمیکند
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سر او را بر تراست که آدمی صاحبان بد خود را نگاه دارد و یکی
با ایشان مانند نیکی باید ران است و در پیشگاه دیگر منقولست که حضرت لقمان علیه السلام فرمود که اگر نشینی
ببیه بصیرت نظر کن در مجلس اگر جماعتی را به پیش که یا خدا کند با ایشان بنشیند زیرا که
اگر عالمی علم متوقف میدهد و از هم نشینی ایشان علم تو زیاده میشود و اگر جاهلی ترا علم می آموزاند و نشانی

که خدا حتی با ایشان بغیرتند و ترا هم با ایشان فرود کرد و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که بر تو با کسی
نشستن در مجلسی که یا خدا کند و در پیشگاه دیگر فرمود که و انما یان در زمان گذشته میکشید که سر او را
که نزد کردن در خواننها یکی از ده و چهل بار اول رفتن بخوانند برای آواز حج و عمره دویم در خانه
با دشمنان دین که اطاعت ایشان با اطاعت خدا متصل است و حق ایشان واجبیت دفع شایان
عظیم است و ضرر مخالفت ایشان سخت است سیم در خوانده علما که از ایشان استفاده علوم دین و دنیا
نمایند چهارم در خواندن اهل بخشش مال خود را با مید ثواب آخرت میدهند پنجم در خواندن
خرد و اندام مردم در حوادث و هر با ایشان محتاج میشوند و در جاهها با ایشان پناه میبرند ششم در خواندن
اشرف بزرگان برای طلب عزت و احتیاج مقوم درگاه جمعی که نزد ایشان امید یافت دارند از حق
راهی ستقیم ایشان و تقوی عظیم و اسرار مشورت کردن با ایشان ششم در خواندن بزرگان
سبب موصلت ایشان و اوجب حق ایشان لازم است نهم در خواندن دشمنانی که بعد از کون ساکن میشوند
که ضررهای ایشان بر وفق مداد و بدین عداوت ایشان دفع میشود دهم در خواندن جبر که از دیدن
ایشان آداب حسنه آموختن میتوان کرد و انسی بهم زبان ایشان میتوان گرفت **فصل ششم**
در آداب عطا و رزق و آب و دامن انداختن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مسلمان را بر برادر
درش حق لازم است که چون او را عطا کند بر او سلام کند و چون چاه نمود او را عطا کند

در غایت خواه باشد و خواه نباشد او را دعا کنید و باید اگر عطا کند بگوید الحمد لله رب العالمین
شکر یک دیگران با او بگویند هر یک از او در جواب بگوید بیدیدیم و بصلح بالکم و ان حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که چون کسی عطا کند او را دعا کنید اگر چه در میان فاصله باشد و در حد
صحیح از حضرت امام رضا منقول است که در دره از شیطان و عطا از جانب خداوند علان
است و در حد دیگر منقول است که حق تعالی بخت بسیار بده است در تمام صحت بدن و سلامتی اعضا
و ارج و بند و رافراش کنید که خدا را با آن نعمت شکر کنید پس خدا را امر فرماید که با دیگر که
در بدنی جولان میکند و این شکرش پر دنی می آید پس بخت مقرر کرده اند که در این حال خدا
را حمد کند که این حمد تلافی شکر آن نعمت میکند که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر فرمود
که نیکو خیریت عطا نفع میرساند ببدن و خدا را پادشاهی آورد و در حد حسن از ان حضرت رسول
که چون کسی عطا کند بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علیه و آله و اهل بینه و در حد حسن
فرمود که چون کسی عطا کند با او بگویند هر یک از او در جواب بگوید یا یغفر الله الکم و در حد
دیگر فرمود که کسی عطا کند بگوید الحمد لله لا شریک له و دیگری با او بگوید بیدیدیم و او را
جواب بگوید یا یغفر الله لك و لنا و ان حضرت صادق منقول است که طفل با علی بن حضرت
رسول صلعم عطا کرد گفت الحمد لله حضرت فرمود باریک و نیک و در حد دیگر منقول است که

حضرت صادق عطا کرد و فرمود الحمد لله رب العالمین پس آنکس را بر مبنی گذاشتند گفتند
و نعم الله انفی الله و غما و اهل و ان حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که بعد از عطا بگوید الحمد
رب العالمین کل حال در کوشش و ندان نیاید و ان حضرت صادق منقول است که هر که عطا کسی را
بشود حمد الهی کند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد در چشم و ندان با و نرسد و فرمود
که این را بگو اگر چه در میان فاصله باشد و در حد دیگر فرمود بر دفع درد ندان و کوشش که چون
عطا کند کسی حمد خدا بکند و در حد دیگر منقول است که ترسانی عطا کرد ان حضرت با او گفتند هر که
و در حد دیگر ان حضرت رسول صلعم عطا داد منقول است که چون مسلمانی عطا کند و سکت نماید از آن
علی ملائکه از جانب ان بگویند الحمد لله رب العالمین و اگر او بگوید ملائکه میگویند یا یغفر الله لك و فرمود
که عطا کردن چهار علامت عافیت است و راحت بدنت و ان حضرت صادق منقول است که عطا نفع
میبخشد به بدن مادام که خواه از به شود و چون زیاده از به شود و در و چار لیت و در حد
دیگر فرمود که هر که عطا کند دست بر سر کسی که او را دعا بگوید الحمد لله رب العالمین کثیر الکما هو
ا صلعم و صلی الله علی محمد و بنیه و اله و سلم از سوراخ چپ بینی او مرغی پر دنی آید از آنک
کو چکتر و از آنکس بزرگ تر و برود تا بر سرش و استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حد
دیگر فرمود که کسی عطا کند تا هفت روز از بدن ایمن است و ان حضرت رسول صلعم عطا داد و در حد

روایت منقول است که عطفه بن می کند تخی را که معان آن واقع شود علامت راستی آن است
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که عطفه را سه مرتبه دعا بگوید چون زیاده از سه شود او را کذا
 و در هر دو دیگر منقول است که چون عطفه کند سر او را آفت که انگشت شهاده بر روی می گذارد و
 بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین و عزم الفی الله و عزماد
 اخر اصاعرا غیو مستکفلا ولا مستحی او در کف دیگری عطفه کند تا سه مرتبه بگوید هر یک سه
 و چون زیاده شود بگوید شفاک الله چون مرد مؤمن عطفه کند بگوید هر یک سه و اگر زن باشد
 بگوید عافاک الله و اگر طفل باشد بگوید در سه عافاک الله و اگر بیمار باشد بگوید شفاک الله و اگر
 کافر دمی باشد بگوید هداک الله و اگر پیغمبر یا امام یا بگوید صلی الله علیه و در جواب میگوید بخیر
 الله لنا و لکم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسیار عطفه کردن ایمن میگرداند از پنج در اول
 خوزه دویم لغوه سیم نرول آب چشم چهارم صلابت و شسته چو نهای پنجم بیرون آمدن
 از چشم و اگر خواهی که عطفه کم شود دروغن مرزنگوش در میان چکانه بعد از یک راوی گفت که
 پنج روز چکانم بر طرف نشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که در بیت الحلا عطفه کند
 حمد الهی را داخل خود بگذراند و محتمل است که مراد است گفتن باشد و از حضرت ابو موسی
 علیه السلام منقول است که چون کسی عطفه کند با بگوید هر یک سه او در جواب بگوید بخیر الله لکم و لکم

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که مصلوئه بفرموده و آل او چیست تر عطفه کردن و تر گفتن چیست او در حدیث
 معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که مؤمن را بطی را بجانب قلبه بینه از دو اگر از راه در آید
 بیند از دست غفار بکشد و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی در نماز عطفه
 کند الحمد لله بگوید و در حدیث دیگر فرموده که اگر کسی بنوع عطفه کسی را از نماز باز نهد الله و عزماد
 و آل محمد اگر چه در میان او و آن شخص زیاده باشد که عطفه کرده است **فصل هفتم** در مزاج
 و خدیدن و در کوشی کردن و ادب صحبت داشتن و از مجلس از پنهان داشتن و در حدیث صحیح
 حضرت صادق علیه السلام و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون زن نو در مجلس باشد و نامی شان با
 یکدیگر سر کشیده باشند که موهبینه ده و انیزای آن رفتی و بگو است و در حدیث دیگر از حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله منقول است که هر که در میان سخن برادر مؤمن سخن گوید چنانست که خوشتر از شامی در آید
 او که ده است و در احادیث منقول است که مجالس اثباتت یعنی آنچه گذشت باید در آن
 و بیکدیگر گویند و بگویند که این را راضی اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که احدی را
 نیت که سخنی را که حاجت پنهان دارد نقل کند مگر آنکه علی باشد که اظهار آن لازم نیاید و اگر
 نیکی های آن شخص و نیز از آن حضرت منقول است که مجلسی را آن اخوانی ریخته شود یا فرج حرامی را
 حلال کنند یا با ربا با حق بر نه و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ مؤمنی نیت مگر آنکه در مزاج

و خوش طبع باشد و دیگر منقول است که آنحضرت شخصی پرسیدند که خوش طبعی که در آن شمارا باکی میزند
گفت کم است حضرت فرمود که کمیند که فراح کون از یکی خلق است عو جیست شما را در این
میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلعم فراح میگرداند شخصی که اوقات که داند و از حضرت امام
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خدا دوست میدارد که با آن خوش طبعی که بیایند مردم را دادم که کسی بود
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خندیدن مؤمن باینکه ششم بود و در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن
در ایمان میراند و دین را میگرداند چنانکه آب نملک را میگرداند و فرمود که از اینست خندیدن بی آنکه
تبعی باعث نشود و در حدیث حسن دیگر فرمود که متقه کردن از شیطان و فرمود که بسیار خندیدن با
روایمیر و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که زنهار فراح مکنید که کینهها بهم میرسد و ششم
کو چکست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است چون خنده متقه کنی بعد از آن بگو اللهم لا یخلف
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فراح کردن آبر و ایمیر و در حدیث دیگر فرمود که
در حدیث دیگر فرمود که جای دلم مکن حسرت را میبرد و خوش طبعی مکن که باعث جرات مردم شود و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که فراح مکن که نور ایمان را میبرد و در حدیث دیگر فرمود که
در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی میگردید و خندید و حضرت عیسی میگردید و خندید و در حدیث دیگر فرمود که
بهر بود از آنکه یکی میگردید و در حدیث دیگر منقول است که داود علیه السلام بجزرت سلیمان میگفت ای فرزند

بنها که خنده بسیار مکن که بسیار خندیدن آدمیرا فقیر میکند در روز قیامت و حضرت رسول صلعم علیه السلام
فرمود که عجب درم از کسی که ایمان بکنم و از حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که کسی بسیار خندد
از روی بوی بازی و قیامت کرد که اشش بسیار بود و بسیار کسی که بدید بر کناه خود و در حدیث
خوشحالی و خنده اشش بسیار بود پس از این اخبار چنین ظاهر میشود که مؤمن بعباید که عبودیت را
کوشش دهد و خندیدن با او قدر از فراح مطلوب است اما بسیار خندیدن و خوش طبعی کردن مردم
است و فعل بخردان و معنیها نیست **فصل هشتم** در سایر آداب محالست و حقوق اصحاب
محس بر یکدیگر از حضرت رسول صلعم علیه السلام منقول است که نیکو جای و رت کن با کسی که با تو جاد
کن تا مؤمن باشی و نیکو مصاحبت کن با کسی که بتو مصاحبت جهان خود تا مسلمان باشی و از حضرت
منقول است که بخندت حضرت صادق علیه السلام فرمود که کسی مصاحبت تو بود در راه که تقم شخصی از برادران
مؤمن فرمود که چه شد گفت من مدینه شدم جای مرا نمیدانم فرمود که مگر نمیدان که کسی چهل
کلام با کسی مصاحبت کرد حق تعالی او سوال میکند در قیامت و از حضرت رسول صلعم علیه السلام
که همین عیسی است آدمیرا که از عیسی مردم چیزی چیز میداند که از خود چشمش بود مردم را سرزنش
کند جز بپسر که خود ترک آن توان کرد و از آنکه هم نشین خود را که نفعی با او ندهد
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردم با مؤمنانند یا جاهل بخیر نباید کرد و اگر مثل او بودی

۱۵۱۲

در حضرت صادق علیه السلام منقول است که از این است که میگوید صحبت کنید با مسلمانان خود و دیگران را با خود
 با رفیقان خود و دیگران را با خود که کسی را که خود را با او و دیگران را با خود که کسی را با او و دیگران را با خود
 در حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که با منافقین زبان خوشی نیکوکاری نکن و صحبت قبیح خود را با ایشان
 کردانی برادر منان و دیگران را با تو هم نشینی کند چنانکه بکن با او و حضرت رسول سلیم فرمود که
 کن با مردم که ترا دوست دارند و دیگران را که ترا دشمن است که گفت آدمی را برادر او و سلطان
 و خالص میگرداند اول آنکه چون با او هر روز و بخیر و بدی و دشمنی و دوستی او را نگاه داشته دوم آنکه با او
 او یکبار چینی نزد او بنشیند و سیم آنکه هر گاه که دوست نزدیک او را بخواهد و دوم آنکه
 دوستی دهد با مردم که در نصف عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون کسی
 دوستی دهد با او را از این که با او که پیشتر با او صحبت داشته اند میان شما و من و من
 دیگر خود که حضرت رسول سلیم فرمود که نظر کردن خود را بر این اصحاب و دیگران یکی بیشتر از دیگری
 و هر که در میان اصحاب خود را دراز میگرداند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که
 کسی حاضر باشد و اینکیت بخوان و چون غایب باشد تا شهادت بگوید و در میان اصحاب کجاست
 است آفاند و من را و آقا و نواب امثال اینها و از حضرت رسول سلیم فرمود که چون یکی
 در میان خود را دوست دارد با یکدیگر تا شهادت بگوید و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که